

کیمهان ۵۴۷

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباحزاده
جمعه ۳ تا پنجشنبه ۹ بهمن ۱۴۰۴ خورشیدی
سال چهل و دوم - شماره ۲۰۱۳

دست خالی مقابل دوشکا؟

ضرورت مداخله بین‌المللی در پاسخ به قتل عام مردم

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:
دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife
@kayhanlife
@KayhanLife
https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

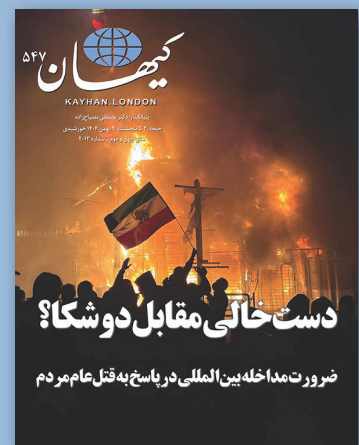
کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon
@kayhanlondon
@kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و دوم
کیهان شماره ۲۰۱۳ (۵۴۷)

۳ تا ۹ بهمن ۱۴۰۴
۲۳ تا ۲۹ ژانویه ۲۰۲۶



ضرورت مداخله بین‌المللی در پاسخ به قتل عام مردم

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»
برای نخستین بار ایده‌آه گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.
عالمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق فایس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه‌ها و عاشقانه‌ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی
نوشته: داریوش پیرنیا
به کوشش منصوره پیرنیا

لطفاً جهت تهیه کتاب "نامه‌ها و عاشقانه‌ها" با انتشارات مهر ایران
شماره تلفن: ۳۰۱۲۷۹۶۷۷۸ و یا ۲۴۰۶۰۲۷۲۳ در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.
Web: www.pirnia.com Email: pirniam@pirnia.com

کیمهان

فهرست مطالب

۴	سر مقاله - شکوه همبستگی ملی / روشنگر آسترکی
۴-۵	تیرت هفت - دست خالی مقابل دوشکا؟ ضرورت مداخله بین المللی در پاسخ به قتل عام مردم... /
۶-۸	شاهزاده رضا پهلوی: تنه‌راه کمک، تضعیف ماشین سر کوب جمهوری اسلامی است... /
۸	آمریکایی لاریجانی و شماری از عوامل اصلی سر کوب معتضدان در ایران را تحریم کرد... /
۹	گزارش «آکسیوس» از پشت صحنه تصمیم ترامپ بر ای به تعویق انداختن حمله به ایران... /
۱۰-۱۱	نشست اضطراری شورای امنیت درباره اعتراضات و سر کوب مردم توسط جمهوری اسلامی... /
۱۱	قیامت نزدیک است... / اخیر اندیش (احمد احرار)
۱۲-۱۳	تقی زاده: من از ولایت ترکی زبانم ولی هیچ چیز پیش من عزیز تر از ایران نیست... /
۱۴-۱۵	ده‌ها هزار کشته، زخمی و بازداشت بایی سابقه‌ترین سر کوب حکومتی... /
۱۵	وضعیت ایران از محورهای نشست اضطراری شورای دفاع فرانسه... /
۱۶-۱۷	نشریه فارین پالیسی: ولیعهد ایران به چهره‌ای اجتناب‌ناپذیر بدل شده است... /
۱۸-۱۹	وال استریت ژورنال: ترامپ به دنبال گزیننه‌های «قاطع» علیه رژیم ایران است... /
۱۹	پارلمان اروپا با اکثریت آراء سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را سازمان تروریستی اعلام کرد... /
۲۰-۲۱	تیک دوم: پروا بیتی از سر کوب میلیون‌ها ایرانی دیاسپورا توسط جمهوری اسلامی... / روشنگر آسترکی
۲۱	نمای نزدیک: از جرعه تا انقلاب شیر و خورشید... / فرید خلیفی
۲۱	سکوت بردها... / بهنام محمدی
۲۲	جمهوری اسلامی، ر کورددار کشتار شهر وندان معترض در قرن بیست و یکم... /
۲۳	سکوتی جهانی که در ایران فریاد می‌شود... / سیروس کنگرلو
۲۴-۲۶	نیواستیتسمن: رژیم گزیننه‌های خود ساخته، تاجه زمانی دوام خواهد آورد؟... / اعلی انصاری
۲۶-۲۷	احظه‌ای تلافی تاریخی: کنش فراگیر ملت ایران، سر کوب عریان و ضرورت... / آریا چمرش
۲۸-۳۰	گزارش ویژه: مشاهدات چند شهر ونداز سر کوب و کشتار معتضدان در هجدهم و... / روشنگر آسترکی
۳۰-۳۳	نسل کشی زیر تاریکی دیجینال: ساندی تایمز به نقل از منابعی درون ایران از کشته شدن ۱۶ هزار و ۵۰۰... /
۳۳	روزنامه «بیلد»: ملاها با قطع اینترنت ۹۳ میلیون ایرانی را در تاریکی مطلق نگه داشتند... /
۳۴-۳۵	رضا پهلوی: آری تبه‌ای تاریخی برای ملت ایران... / کوروش زمانی
۳۵	پیام ما کرون به ترامپ: برای انجام اقدام‌های بزرگ، درباره ایران آماده ایم... /
۳۶-۳۷	«آنها» هم کشته شدند! تلفات دشمن خیلی بیشتر است... / امیردها
۳۷-۳۸	ترو ویکای ملی گرا: معماران نظم نوین جهانی... / کوروش زمانی
۳۸-۳۹	در ساگر حادثه فرور یختن ساختمان پلاسکو مطرح شد: این حادثه عمدی بود... / فیروزه نوردستروم
۴۰-۴۲	پرسش همچنان پابرجاست: چرا شاهزاده پهلوی شایسته‌ترین فرد برای هدایت... / دکتر محمود دسانلی
۴۳	استیو وینکاف: جمهوری اسلامی اگر شروط ترامپ را نپذیرد، راه حل جایگزین بسیار بد است... /
۴۴	برخی منابع از احتمال جان باختن عرفان سلطانی بر اثر ضرب و جرح در بازداشت خبر دادند... /
۴۴-۴۵	سر کوب قضای شهر وندان پس از سر کوب خونین خیابان: اعلام جرم علیه ورز شکاران، هنرمندان و... /
۴۵	اختصاصی: جان باختن بابک متین آزاد از معتضدان خیزش ملی و فرزندی یکی از افسران نیروی هوایی... /
۴۶	دونالد ترامپ: زمان آن رسیده که به دنبال رهبری جدید در ایران باشیم... /
۴۶	بر گزار کنندگان اجلاس «داووس» دعوت از عراقی رابه دلیل قتل عام مردم ایران توسط حکومت... /
۴۷	انتشار نتایج یک تحقیق درباره شناسایی ذرات رادیواکتیو در پایگاه عین الاسد بعد از حمله موشکی... /
۴۷	رافائل گروسی در گفتگو با وینترز: بن بست امنی ایران نمی‌تواند تا بد ادامه یابد... /
۴۸	اکنون میست: حکومت ایران از درون دچار تزلزل جدی است و مقامات نظام تر سیده‌اند... /
۴۸-۴۹	بر اساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی بعد از فراخوان ۱۸ و ۱۹ دی ماه تأمین امنیت کل کشور به... /
۴۹	واکنش شورای سدیبری «وال استریت ژورنال» به یادداشت عراقی: «ماهیت سر کوبگر رژیم... /
۵۰	هک شبکه‌های صدا و سیما تا بید شد: منابع حکومتی: «پخش برنامه‌ها روی اینترنت دچار اختلال شد»... /
۵۰-۵۱	درخواست صدور چهار سال زندان برای مهدیه اسفندیاری در فرانس به اتهام «حمایت از تروریسم»... /
۵۱	نیویورک تایمز: اسرائیل و کشورهای عرب از ترامپ خواستند حمله به ایران رابه تعویق بیندازد... /
۵۲	یک مقام سعودی: عربستان، قطر و عمان ترامپ را متقاعد کردند تا به جمهوری اسلامی حمله نکنند... /
۵۲	علی خامنه‌ای بعد از قتل عام گسترده معتضدان: ترامپ را مجرم می‌دانیم... /
۵۳	هشدار وزیر خزانهداری آمریکا: اگر ایرانی بودم، پولم را از کشور خارج می‌کردم... /
۵۳	ایران گزاینی یا قوم گزاینی: یارسان کجا ایستاده است؟... / فرخ خجسته
۵۴-۵۵	پیش نیازهای جامعه شناختی برای ایران فردا: چرا رژیم دست از کشتار مردم بر نمی‌دارد؟... / عرفان نوربخش
۵۵	فر و پاشی مشروعیت و ضرورت انزوای دیپلماتیک جمهوری اسلامی... / بهزاد برنیان
۵۶-۵۷	ر کود عمیق در بازار زیر سایه فضای امنیتی و قطع اینترنت: قیمت دلار در مرز ۱۴۰ هزار تومان... /
۵۷	قاتلان اجنبی مردم ایران... / بهنام محمدی
۵۷	تقدیر آمران از عاملان کشتار مردم ایران... / بهنام محمدی
۵۸	قطع اینترنت در ایران ادامه خواهد داشت: جمهوری اسلامی به دنبال «از و لاسیون مطلق اینترنت» است... /
۵۹	بیش از ۳۰۰ ساعت خاموشی اینترنت: هشدار درباره افزایش خسارت‌های اقتصادی و موج جدید... /
۶۰	تداوم گرانی پرسرعت کالاهادر جریان اعتراضات: جمهوری اسلامی شهر وندان را سر کوب می‌کند اما... /
۶۱	سازمان حقوق بشر ایران: پزشکان زندان اجازه رسیدگی به زخمی‌ها را ندارند تا آن‌ها جان بدهند... /
۶۲-۶۳	خبرهای کوتاه... /
۶۴	پشت جلد - عکس هفته / به خون خود نوشتند... /

بازنشر
بازنشر



دست خالی مقابل دوشکا؟

ضرورت مداخله بین‌المللی در پاسخ به قتل عام مردم



● شاهزاده رضا پهلوی، در پیامی خطاب به ملت ایران گفت: «ما اجازه نمی‌دهیم اندوه‌مان به ناامیدی تبدیل شود. هم‌میهن‌انم، سوگ از دست دادن بهترین فرزندان ایران سنگین است. اما ما این سوگ را به خشم آگاهانه و اراده‌ای شکست‌ناپذیر علیه خامنه‌ای و همه عاملان داخلی و خارجی‌اش تبدیل می‌کنیم.» این یعنی ضرورت ادامه مبارزه؛ آنهم در تراز یک انقلاب.

اگرچه در اغلب شهرهای ایران عملاً حکومت نظامی برقرار است و گردان‌های امنیتی سپاه پاسداران با همکاری شبه نظامیان حشدالشعبی، حركة النجباء، کتائب حزب‌الله، فاطمیون و زینیون شهرها را به پادگان‌های تحت کنترل تبدیل کرده‌اند اما براساس گزارش‌های میدانی، هسته‌های خیزش همچنان فعال‌اند. مردم شعارهای شبانه سرمی‌دهند، در مراسم سوگواری و خاکسپاری جانبازان علیه خامنه‌ای و نظام شعار سر می‌دهند از پهلوی‌ها حمایت می‌کنند، بازارها نیمه تعطیل است و اقدامات میدانی علیه پایگاه‌های بسیج و مراکز تجمع سرکوبگران ادامه دارد.

وضعیت اضطراری

حکومت با زنجیره‌ای از اقدامات موقت می‌کوشد القا کند وضعیت کشور عادی و اوضاع تحت کنترل است؛ اما قطع دو هفته‌ای اینترنت، فضای پلیسی شهرها، لغو پروازهای خارجی، تعطیلی مدارس و برخی ادارات، تعطیلی سفارتخانه‌ها، لغو امتحانات، کمبود برخی مواد غذایی و گرانی شدید کالاها، از کار افتادن دستگاه‌های عابر بانک، عدم پرداخت پول نقد در بانک‌ها، خفقان در خیابان‌ها و حضور سنگین نیروهای امنیتی در میدانی و چهارراه‌ها، تصویری عریان از واقعیت موجود را پیش چشم می‌گذارد.

در ایران تعداد محدودی از مردم که با کمک وی‌پی‌ان تنها برای دقایقی به اینترنت دسترسی پیدا می‌کنند، ویدیوها، عکس‌ها، گزارش‌ها و مشاهدات خود از وقایع را به رسانه‌ها یا اقوامشان در خارج از ایران ارسال می‌کنند. از همین

ایران در چهارمین هفته خیزش ملی، صحنه یکی از خشن‌ترین سرکوب‌های دولتی در تاریخ معاصر خود است؛ خیابان‌ها زیر سایه عملی حکومت نظامی، حضور گسترده نیروهای سپاه پاسداران و شبه‌نظامیان وابسته، شلیک سلاح‌های جنگی به معترضان و قطع ارتباطات، عملاً به پادگان تبدیل شده‌اند. با وجود این خشونت عریان، آمار بالای کشته‌شدگان، بازداشت‌های گسترده و فضای رعب و اضطراب، هسته‌های اعتراض همچنان فعال‌اند و مردم با شعارهای شبانه، اعتصاب‌های پراکنده و حضور در مراسم جان‌باختگان نشان می‌دهند که امید به تغییر و پایان حکومت دینی، زیر سرکوب خاموش نشده است؛ امیدی که هم‌زمان نگاه‌ها را به واکنش جامعه جهانی و آینده توازن قوا در ایران دوخته است.

بعد از فراخوان شاهزاده رضا پهلوی برای حضور مردم در خیابان‌ها در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۴، علی خامنه‌ای با مشاهده حضور میلیونی در سراسر کشور، فرمان سرکوب صادر کرد. براساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی، «مسئولیت امنیت کل کشور به سپاه پاسداران» واگذار شد و قتل‌عام مردم آغاز گردید.

اکنون، در چهارمین هفته از خیزش ملی در ایران، در شرایطی که گفته می‌شود آمار جان‌باختگان بین ۱۲ تا ۲۰ هزار نفر است، خشم عمومی ایران را فراگرفته است؛ تا آنجا که بسیاری از مردم «مداخله بشر دوستانه» دولت‌های غربی، بویژه آمریکا را ضروری می‌دانند و برای کشته شدن علی خامنه‌ای و سایر عوامل سرکوب لحظه‌شماری می‌کنند.

شکوه همبستگی ملی

خیزش ملی دی‌۴۰۴ به پایان چهارمین هفته رسید و ملت ایران روزهایی تاریخ‌ساز را پشت سر می‌گذارند که در آن هر کنش و هر واکنش در رقم خوردن تاریخ و سرنوشت امروز و فردای ایران و ایرانیان موثر خواهد بود.

مردم ایران طی چهار هفته گذشته در مبارزه‌ای برای آزادی میهن و هم‌میهن از جنگال جمهوری برآمده از انقلاب ۵۷، بزرگترین اعتراضات ضدحکومتی در عمر جمهوری اسلامی را با حضوری میلیونی در خیابان‌های سراسر کشور رقم زدند.



رژیم با قتل‌عامی بی‌سابقه، رکورددار بزرگترین کشتار حکومتی شهروندان معترض در قرن بیست‌ویک شد. قطع سراسری اینترنت به‌عنوان ابزار سرکوب ادامه دارد اما خبرها از قلب ایران بیانگر جاری بودن سوگ و خشمی ملی در رگهای جامعه است که همچنان اراده مبارزه را تقویت می‌کند. رژیم در ادامه کشتار مسلحانه، با تشدید فشارهای قضایی و امنیتی به دنبال تداوم سرکوب‌ها و «پاکسازی» شهروندان مخالف است.

در آنسوی مرزهای ایران، صدها هزار ایرانی ساکن کشورهای مختلف نیز با برگزاری تظاهرات، تجمع و تحصن و همچنین نوشتن نامه به سیاستمداران و راهاندازی کارزارهای مختلف تلاش کرده‌اند صدای خاموش شده هموطنان درون کشور را به گوش جهانیان و به‌ویژه دولت‌ها و نهادهای حقوق‌بشری برسانند. در روزهای گذشته جهان شاهد تظاهرات همزمان دیاسپورای ایرانی از شرق آسیا تا غرب قاره آمریکا بود. جمعیت بالای صد هزار نفره شرکت‌کنندگان در تظاهرات برخی شهرها از جمله در کانادا و آلمان نیز رکوردهایی جدید را در اعتراضات جوامع مهاجر ثبت کرد. اگر چه بسیاری با اهداف خاص یا در اشتباهاتی تحلیلی ملت ایران را از هم گسسته و جامعه ایرانیان مهاجر را متهم به «هم‌وطن‌گریزی» می‌کنند اما ایرانیان تصویر زیبایی از شکوه همبستگی ملی را به نمایش گذاشتند.

در این صحنه تاریخ‌ساز که یکسو ملت ایران است و سوی دیگر رژیم تا دندان مسلحی که خون هزاران جان‌باخته بر کارنامه سپاه آن دلمه بسته است، نقش و عملکرد نیروهای اپوزیسیون نیز سرنوشت‌ساز است. اپوزیسیون، از راست تا چپ، باید ببیند چه پتانسیلهایی برای مبارزه با جمهوری اسلامی و حمایت از مردم ایران دارد که همچنان به‌روز و فعال نشده که می‌تواند نقش تعیین‌کننده در معادله‌ای که یک سویش مردم و سوی دیگرش جمهوری اسلامی هستند ایفا کند. جریانات اپوزیسیون باید بررسی کنند چطور می‌توانند در این روزهای حساس و فرصت ایجاد شده تاریخی - و شاید تکرار نشدنی - به‌دور از رقابت‌های بین‌جناحی و میان‌جریانی، مسئولانه، همه‌داشته‌ها و توان بالفعل نشده خود را به‌کار گیرند تا به عنصری در جهت پیشبرد مبارزه آزادیخواه مردم ایران با جمهوری اسلامی، که در میدانی نبردی نابرابر در جریان است، تبدیل شوند.

استفاده کرده‌اند. در مواردی از گلوله‌های جنگی سلاح کلاشنیکف به کار گرفته شده که مرمی آنها برای هدف قراردادن استحکامات، تانک و زره‌پوش طراحی شده‌اند. شاهدان عینی می‌گویند در چند شهر، از جمله اصفهان و ساری، به‌سوی مردم با دوشکا شلیک شده است شماری از

پاسداران انقلاب اسلامی» در فهرست تروریستی اتحادیه اروپا را تصویب کرد. از شورای اتحادیه اروپا خواسته بدون تأخیر، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، از جمله بسیج و نیروی قدس، را به‌طور کامل به‌عنوان سازمان‌های تروریستی معرفی کند. همچنین خواستار گسترش و اجرای سختگیرانه

طریق بخشی از ابعاد جنایات گسترده جمهوری اسلامی افشا شده‌است. از سیلوه‌های پر از پیکر و تیر خلاص زدن به مجروحان در بیمارستان‌ها گرفته تا بازداشت‌های گسترده مردم. در همین ویدیوها به وضوح دیده می‌شود که نیروهای



پزشکان و پرستاران به دلیل کمک به مجروحان بازداشت یا تحت فشار قرار گرفته‌اند و رؤسای بیمارستان‌ها می‌گویند به سبب امدادسانی به مجروحان تهدید شده‌اند.

چه باید کرد؟

در چنین وضعیتی، برخی ناظران می‌گویند هنگامی که مردم با دست خالی در برابر کلاشنیکف و دوشکا قرار گرفته‌اند، کمک‌های بین‌المللی و مداخله بشردوستانه ضرورتی فوری است. در داخل کشور نیز دیدگاه‌های متفاوتی شکل گرفته است؛ گروهی معتقدند راهی جز مسلح شدن برای دفاع از خود باقی نمانده، در حالی که گروهی دیگر نسبت به تشدید چرخه خشونت و پیامدهای انسانی و ویرانگر آن هشدار می‌دهند؛ موضعی که حکومت و مخالفان عمدتاً چپ‌گرای پهلوی نیز بر آن تأکید می‌کنند. با این حال، آنچه به‌طور مشترک در میان بخش بزرگی از جامعه بیان می‌شود، نگرانی عمیق از عدم پایداری دونالد ترامپ به وعده‌های پیشین درباره پشتیبانی از مردم ایران است. هرچند هنوز بسیاری امیدوارند او با اقدامی قاطع، توازن قوا را به نفع مردم در خیابان تغییر دهد، اما آنچه مسلم است، انباشت روزافزون خشم، نفرت و کینه عمومی علیه علی‌خامنه‌ای و کلیت حکومت دینی است؛ خشمی که به‌سختی مهارشدنی به نظر می‌رسد.

شاهزاده رضا پهلوی در همین ارتباط، در پیامی خطاب به ملت ایران گفت: «ما اجازه نمی‌دهیم اندوه‌مان به ناامیدی تبدیل شود. هم‌میهن‌انم، سوگ از دست دادن بهترین فرزندان ایران سنگین است. اما ما این سوگ را به خشم آگاهانه و اراده‌ای شکست‌ناپذیر علیه خامنه‌ای و همه عوامل داخلی و خارجی‌اش تبدیل می‌کنیم.» این یعنی ضرورت ادامه مبارزه؛ آنهم در تراز یک انقلاب.

اقدامات محدودکننده اتحادیه اروپا، از جمله مسدود کردن دارایی‌ها و ممنوعیت صدور ویزا شده است.

چارلی وایمرز نماینده سوئد در پارلمان اروپا در یک سخنرانی گفت: «سفارت‌های جمهوری اسلامی در خاک اروپا را بنیدیت تا زمانی که پرچم شیر و خورشید در آنها برافراشته شود. به شعارهای مردم ایران در کف خیابان‌ها توجه کنید؛ مردم فریاد می‌زنند: جاودیشاه. وقت آن رسیده که شاهزاده رضا پهلوی را بعنوان رهبر اپوزیسیون به بروکسل دعوت کنید.»

شماری از نمایندگان پارلمان اروپا آشکارا اعلام کردند: «فرانسه، ایتالیا و اسپانیا کشورهایی هستند که در حال مانع‌تراشی برای تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران در اروپا هستند.» یکی از آنها پرسید «آیا وقت آن نرسیده که واقعیت را همان‌گونه که هست بگوییم؟ سپاهی که مردم را می‌کشد، تروریسم را تأمین مالی می‌کند و حتی امنیت اروپا را تهدید می‌کند، چرا نباید تروریستی شناخته شود؟»

مواضع بی‌خاصیت اتحادیه اروپا

با این همه، با توجه به وضعیت اضطراری مردم در ایران و در شرایطی که بسیاری از بازداشت‌شدگان در آستانه اعدام قرار دارند، بسیاری از ایرانیان معتقدند اروپا هنوز اقدام عملی مؤثری برای حمایت از مردم انجام نداده است؛ احساسی که نسبت به دونالد ترامپ نیز وجود دارد.

هانا نویمن، نماینده آلمان در پارلمان اروپا، در پیامی ویدیویی با انتقاد از سرویس روابط خارجی اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی، «رویکرد نرم» این اتحادیه را «بسیار ناامیدکننده» و «اشتباه» خواند. گزارش‌ها از ایران حاکی‌است، نیروهای امنیتی برای سرکوب مردم از مهمات آلوده به مواد شیمیایی و سمی

سپاه پاسداران با خودروهای تویوتا، کلاشنیکف و تیربار در شهرها به راه افتاده‌اند، تیره‌وایی شلیک می‌کنند، رجز می‌خوانند و عریه‌کشان شعارهای «حیدر حیدر» و «لیک یا خامنه‌ای» سر می‌دهند. بسیاری از پیکرها تحویل خانواده‌ها نشده‌است، تعداد زنان گمشده زیاد است و شماری از خانواده‌ها می‌گویند از سرنوشت عزیزانشان بی‌خبرند. اکنون بسیاری از ناظران معتقدند آنچه در ایران می‌گذرد، مصادیق آشکار نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت است که با دستور مستقیم علی‌خامنه‌ای انجام گرفته است.

تلنگر به وجدان مقامات بین‌المللی

این جنایت هولناک، همراه با حمایت گسترده هزاران ایرانی خارج از کشور و راهپیمایی‌ها و تجمعات گسترده آنان در پشتیبانی از مردم داخل ایران، تلنگری جدی به وجدان شماری از مقامات بین‌المللی وارد کرده است.

اعضای پارلمان اروپا، چهارشنبه ۲۱ ژانویه (اول بهمن‌ماه)، در نشستی سرکوب گسترده اعتراضات، اعدام‌ها و قطع اینترنت در ایران را به‌شدت محکوم کردند. در این جلسه، اکثریت نمایندگان خواستار قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی شدند و شماری از نمایندگان نیز آشکارا از مردم ایران حمایت کردند. برخی از آنان همچنین خواستار دعوت از شاهزاده رضا پهلوی به‌عنوان رهبر اپوزیسیون به پارلمان اروپا شدند.

تروریستی اعلام شدن سپاه در پارلمان اروپا

پارلمان اروپا پنجشنبه ۲۲ ژانویه ۲۰۲۶ (دوم بهمن ۱۴۰۴)، با ۵۶۲ رأی موافق، ۹ رأی مخالف و ۵۷ رأی ممتنع «قتل‌عام هزاران معترض در ایران» را محکوم کرد و «قرارگرفتن سپاه

شاهزاده رضا پهلوی: تنها راه کمک، تضعیف ماشین سرکوب جمهوری اسلامی است



شاهزاده رضا پهلوی / واشنگتن ۱۶ ژانویه ۲۰۲۴

● در سومین هفته از خیزش ملی در ایران، شاهزاده رضا پهلوی در کنفرانس خبری که ۱۶ ژانویه (۲۶ دی ماه) در واشنگتن برگزار شد، گفت: «مردم و نیروهای ارتش مرا به عنوان یک شخصیت ملی می‌بینند که می‌تواند همه گروه‌های مخالف، گروه‌های قومیتی و مذهبی، از چپ و راست را دور هم جمع کند.» او بار دیگر تأکید کرد که دونالد ترامپ مردی است که به حرف خود عمل خواهد کرد.

● «جهان نیازی به فرستادن سرباز به ایران ندارد مردم شجاع ایران سربازان در میدان هستند که در حال مبارزه با رژیم هستند.»

● «کمپین ریزش‌ها ماه‌ها پیش شروع شده و ما پیشینه افراد را بررسی می‌کنیم و برای آن‌ها استراتژی خروج طراحی کرده‌ایم، حکومت به‌خوبی از این ریزش‌ها آگاه است و به همین دلیل به سرکوبگران خارجی متوسل شده، چرا که نیروهای داخلی آن دیگر انسجام و آمادگی گذشته را ندارند.»

● «یکی از مهم‌ترین مولفه‌های پیروزی، متلاشی‌کردن دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی است؛ دستگاهی که بر پایه توان نظامی و شبه‌نظامی و منابع مالی گسترده بنا شده است.»

در حال مبارزه با رژیم هستند.

ترامپ به حرف خود عمل خواهد کرد

شاهزاده رضا پهلوی با اشاره به وعده رئیس جمهوری آمریکا برای پشتیبانی از مردم ایران گفت: «بسیار روشن است. پرزیدنت دونالد ترامپ گفت اگر حکومت ایران مردم ایران را بکشد، پیامد جدی خواهد داشت. مردم ایران این سخنان را باور کردند. او مردی است که به حرف خود عمل خواهد کرد.»

شاهزاده رضا پهلوی تأکید کرد: «بارها خواستار این بوده‌ایم که سپاه در فهرست گروه‌های تروریستی ثبت شود. حکومت در یک قدمی سقوط است.»

او همچنین گفت: «جهان دموکراتیک و آزاد که مدعی دفاع از آزادی و حقوق بشر است، باید در برابر سرکوب بی‌رحمانه حکومت اقدام کند.»

شاهزاده رضا پهلوی با اشاره به آنچه «متدولوژی رژیم» خواند، گفت جمهوری اسلامی در کشورهای مختلف از شبکه‌های پول‌شویی و منابع مالی برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کند و از راه‌های گوناگون می‌تواند شهروندان آمریکا و بریتانیا را در معرض خطر قرار دهد. او تأکید کرد: «نباید اجازه دهیم این رژیم زیان بیشتری ایجاد کند.»

رضا پهلوی با اشاره مستقیم به منابع مالی گروه‌های وابسته به جمهوری اسلامی افزود: «جایی که منابع مالی تروریست‌ها را پر می‌کند باید خشک شود.»

شاهزاده رضا پهلوی این اقدام را یکی از گام‌های کلیدی برای مهار تهدیدهای جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی دانست. او خطاب به مردم افزود: «حمایت عملی شما این سرنگونی را سریعتر پیش می‌برد. نام جانباختگان و سرکوبگران را ثبت کنید مطمئن باشید که آن‌ها پاسخگو خواهند بود.»

برنامه برای دوران گذار

شاهزاده رضا پهلوی گفت: «من برای فردای سرنگونی برنامه‌ای با چهار مولفه برای گذار مسالمت‌آمیز دارم: حفظ تمامیت ارضی ایران، احترام به تمام اقوام، جدایی دین از حکومت و حق تعیین حکومت توسط مردم.» او با اشاره به تنوع قومی و مذهبی در ایران گفت این اصول، تضمین‌کننده رفع تبعیض‌های قومی، مذهبی و نژادی است و بازگشت دوباره هرگونه تبعیضی پذیرفتنی نخواهد بود.

به گفته او، نمایندگان اقوام و مذاهب مختلف در این مسیر نقش دارند و ضمانت‌های لازم برای برابری کامل شهروندان باید به‌طور روشن و عملی برقرار شود.

شاهزاده رضا پهلوی همچنین با اشاره به دیدگاه‌های چهره‌های مذهبی منتقد حاکمیت، از جمله مولوی عبدالحمید، امام جمعه اهل سنت زاهدان، گفت باور به جدایی دین از حکومت محدود به یک جریان خاص نیست و در میان طیفی گسترده از کنشگران دینی و مدنی نیز وجود دارد.

او تأکید کرد آینده ایران باید بر پایه حقوق برابر، آزادی انتخاب و همزیستی مسالمت‌آمیز همه شهروندان شکل بگیرد و این چهار اصل، نقشه راهی مشترک برای گذار به نظامی دموکراتیک و فراگیر خواهد بود.

رضا پهلوی همچنین خواستار هدف گرفتن رهبری سپاه پاسداران و فرماندهی سرکوب، اتخاذ سیاست فشار حداکثری، مسدود کردن دارایی‌های جمهوری اسلامی در دنیا و همچنین هدف قرار دادن ناوگان سایه شد.

صد روز اول چگونه خواهد بود؟

شاهزاده رضا پهلوی با دعوت از رسانه‌ها و افکار عمومی برای گفت‌وگو با کارشناسان همراه خود، اعلام کرد



به گفته او، این وضعیت «شرایطی منصفانه» برای ملتی که خواهان سرنگونی مسالمت‌آمیز حکومت است، ایجاد نمی‌کند.

او افزود در چنین شرایطی، تنها راهی که می‌تواند به مردم کمک کند، تضعیف مستقیم ساختار سرکوب جمهوری اسلامی است؛ ساختاری که ستون اصلی آن نیروهای نظامی و شبه‌نظامی، به‌ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به شمار می‌روند.

شاهزاده رضا پهلوی گفت هر اقدامی که توان این نهادها را کاهش دهد، عملاً به کاهش ظرفیت حکومت برای کشتار و سرکوب معترضان منجر می‌شود و به مردم امکان می‌دهد هزینه اعتراض مسالمت‌آمیز را کمتر بپردازند.

او تأکید کرد تا زمانی که ماشین سرکوب دست‌نخورده باقی ماند، معترضان همچنان با خطر جدی مواجه خواهند بود و حمایت موثر از مردم ایران مستلزم تمرکز بر مهار و تضعیف همین ابزارهای سرکوب است.

شاهزاده رضا پهلوی گفت: «رژیم در مقطعی تضعیف خواهد شد که رده‌های بالا نتیجه می‌گیرند فرار کنند و بقیه به مردم ملحق می‌شود.» او افزود: «اگر کمک محقق شود بهتر اگر نه هزینه بیشتری برای ما ملت ایران خواهد داشت اما ادامه خواهیم داد.»

ریزش نیروهای حکومتی از ماه‌ها پیش آغاز شده است

شاهزاده رضا پهلوی اعلام کرد که روند ریزش نیروها در ساختار جمهوری اسلامی از مدت‌ها قبل کلید خورده و به‌صورت هدفمند در حال پیگیری است.

او گفت: «کمپین ریزش‌ها ماه‌ها پیش شروع شده و ما پیشنهاد افراد را بررسی می‌کنیم و برای آن‌ها استراتژی خروج طراحی کرده‌ایم.»

شاهزاده رضا پهلوی تأکید کرد افرادی که «دستشان به خون مردم آغشته نیست» می‌توانند از ساختار حکومت عبور کرده و در فرآیند گذار نقش داشته باشند.

به گفته او، حکومت به‌خوبی از این ریزش‌ها آگاه است و به همین دلیل «به سرکوبگران خارجی متوسل شده»، چرا که نیروهای داخلی آن دیگر انسجام و آمادگی گذشته را ندارند. او با اشاره به محدودیت‌های این روند گفت: «هرگز با ریزش صد درصدی مواجه نخواهیم شد»، اما افزود که همین میزان ریزش نیز برای تضعیف ساختار قدرت جمهوری اسلامی تعیین‌کننده است.

شاهزاده رضا پهلوی در ادامه پیش‌بینی کرد که در نقطه‌ای از این روند، علی‌خامنه‌ای ناچار به ترک ایران خواهد شد و «در مقطعی به فشار اسد در مسکو ملحق می‌شود و از شر خلاص می‌شویم.»

فرانسه باید میان مداخلات با سرکوبگران یا ایستادن کنار مردم انتخاب کند

شاهزاده رضا پهلوی با تأکید بر نقش کشورهای اروپایی، به‌ویژه فرانسه، گفت هرچه همبستگی جامعه جهانی با مردم ایران بیشتر باشد، امکان توقف سرکوب و تسریع تغییرات بنیادین افزایش می‌یابد.

او فرانسه را کشوری مهم با پیشینه تاریخی و فرهنگی برجسته و روابط دیرینه با ایران توصیف کرد و افزود اکنون زمان آن است که پاریس موضعی روشن اتخاذ کند.

به گفته او، پرسش اصلی این است که آیا جمهوری اسلامی پایبند به اصولی است که جمهوری فرانسه بر پایه آن‌ها شکل گرفته؛ اصولی مانند آزادی، کرامت انسانی و حقوق شهروندی.

شاهزاده رضا پهلوی تأکید کرد پیام مردم ایران به دولت و ملت فرانسه روشن است: ایستادن در کنار مردمی

می‌توانست «کره جنوبی خاورمیانه» باشد، اما به دلیل حاکمانی که برای رفاه مردم ارزشی قائل نیستند و سرمایه کشور را صرف گروه‌های تروریستی و نیروهای نیابتی کرده‌اند، به وضعیتی شبیه «کره شمالی» سقوط کرده است. به گفته او، بقای جمهوری اسلامی نه از قدرت، بلکه از «مداخلات» و تأخیر در حمایت مؤثر جهانی از مردم ایران ناشی شده است.

شاهزاده رضا پهلوی افزود: «دیگر کافی است. مردم ایران بارها ثابت کرده‌اند که شایسته آینده‌ای بسیار بهتر هستند و ما به‌عنوان یک ملت، متحد به سوی آینده‌ای متفاوت حرکت می‌کنیم.»

او با اشاره به سفرش به اسرائیل گفت هدف این سفر نشان دادن ریشه‌های تاریخی و انسانی ملت ایران بوده است. به گفته او، ایرانیان وارثان کوروش کبیر هستند؛ پادشاهی که به آزادی یهودیان از اسارت بابل کمک کرد. شاهزاده رضا پهلوی همچنین یادآور شد که ایران در جنگ جهانی دوم نیز به یهودیان پناه داده است.

او تأکید کرد این پیشینه تاریخی نشان می‌دهد ایران آینده می‌تواند کشوری صلح‌طلب، متعهد به همزیستی، و شریکی مسئول در منطقه و جهان باشد؛ کشوری که به‌جای صدور خشونت و بی‌ثباتی، بر رفاه مردم خود و همکاری سازنده با دیگر ملت‌ها تمرکز خواهد کرد.

ایران دموکراتیک تهدیدی برای هیچ کشوری نیست

شاهزاده رضا پهلوی با اشاره به تحولات ژئوپلیتیک پیرامون ایران گفت حتی بازیگران بزرگی مانند روسیه و چین در حال بررسی این موضوع هستند که «اگر جمهوری اسلامی سقوط کند، بعد از آن چه خواهد شد.»

به گفته او، پاسخ روشن است: «یک ایران قوی، با ثبات و دموکراتیک نه تنها تهدیدی برای منافع هیچ کشوری نخواهد بود، بلکه می‌تواند شریکی قابل اعتماد در منطقه و جهان باشد.»

او تأکید کرد مردم ایران به‌دنبال خصومت با هیچ قدرتی نیستند و تنها خواسته‌شان روابطی منصفانه و عادی با جهان است.

شاهزاده رضا پهلوی تأکید کرد که ایران آینده نمی‌پذیرد که مورد اخاذی، سوءاستفاده یا «کلاهبرداری سیاسی و اقتصادی» قرار گیرد. او این خواسته را یک حق بدیهی ملی دانست.

شاهزاده رضا پهلوی افزود ایران متفاوت پس از جمهوری اسلامی، کشوری متعهد به روابط مسئولانه با همسایگان و کشورهای منطقه خواهد بود؛ کشوری که ضمن برخورداری از حق حاکمیت ملی، از حقوق و منافع مشروع خود دفاع می‌کند.

او تصریح کرد: «سیاست خارجی ایران آزاد، بر اساس احترام متقابل، تعامل برابر و پایبندی به تعهدات بین‌المللی شکل خواهد گرفت.»

به گفته او، چنین رویکردی نه تنها به نفع مردم ایران، بلکه به سود ثبات منطقه‌ای و کاهش تنش‌های ژئوپلیتیک خواهد بود.

تنها راه کمک، تضعیف ماشین سرکوب جمهوری اسلامی است

شاهزاده رضا پهلوی با تأکید بر ماهیت مسالمت‌آمیز اعتراضات سراسری در ایران گفت مردم در خیابان‌ها بدون سلاح و ابزار دفاعی هستند، در حالی که حکومت برای سرکوب از سلاح‌های جنگی مانند کلاشینکف استفاده می‌کند.

→ برنامه‌ای با عنوان «پروژه شکوفایی» تدوین شده که به‌طور مشخص به دوره ۱۰۰ روز پس از سرنگونی جمهوری اسلامی می‌پردازد.

او گفت این پروژه حاصل ماه‌ها کار کارشناسی با مشارکت اقتصاددانان و متخصصان حوزه‌های مختلف است و اسناد متعددی برای اجرای آن آماده شده است. به گفته او، این برنامه به‌گونه‌ای طراحی شده که بلافاصله پس از سقوط رژیم، یک دولت انتقالی زمام امور را در دست بگیرد تا از بی‌ثباتی و هرج‌ومرج جلوگیری شود.

شاهزاده رضا پهلوی توضیح داد در این چارچوب، ساختارهای موقت حکمرانی از جمله قوه مجریه انتقالی، قوه مقننه در قالب یک پارلمان موقت و یک قوه قضاییه موقت شکل خواهد گرفت. این نهادها وظیفه خواهند داشت بر روند فعالیت یک مجمع ملی نظارت کنند و شرایط را برای تصمیم‌گیری‌های بنیادین فراهم آورند.

به گفته او، در مرحله بعد، شکل نهایی نظام سیاسی ایران از طریق گفت‌وگوی ملی و در نهایت همه‌پرسی آزاد و تحت نظارت بین‌المللی تعیین خواهد شد تا مردم ایران خود درباره فرم حکومت آینده تصمیم بگیرند.

شاهزاده رضا پهلوی تأکید کرد: «نمایندگان مجمع موسسان براساس آن قانون اساسی سیستم جدید را تعریف کنند و به مردم ارایه کنند و ملت فرصت خواهند داشت قانون اساسی را تأیید یا بفرستند تا بازنویسی کنند.»

او افزود: «اگر در رفراندوم دوم اکثریت حاصل نشود مرکز موسسان جدید تشکیل می‌شود تا دوباره اجرا شود. اگر جمهوری است رئیس جمهور اگر پادشاهی است نخست‌وزیر انتخاب می‌شود. در این مقطع دولت انتقالی منحل و فعالیت را به دولت جدید می‌سپارد نقش من رهبری این دوره است.»

مردم ایران خواهان روابط صمیمانه با همسایگان و اسرائیل هستند

شاهزاده رضا پهلوی با تأکید بر تفاوت بنیادین میان خواست مردم ایران و سیاست‌های جمهوری اسلامی گفت ایرانیان، برخلاف رژیم حاکم، خواهان روابطی صمیمانه و عادی با اسرائیل و دیگر کشورهای همسایه هستند.

به گفته او، این رویکرد بازتاب «فرهنگ و هویت واقعی» ملت ایران است؛ هویتی که جمهوری اسلامی طی دهه‌ها تلاش کرده آن را سرکوب و نابود کند.

او افزود پس از ۴۷ سال، این یک فرصت تاریخی برای ایران است تا خود را از حاکمیتی که بر پایه خشونت، دروغ و انزوا بنا شده آزاد کند.

شاهزاده رضا پهلوی با اشاره به موج همبستگی جهانی با معترضان ایرانی گفت مردم بسیاری از کشورها امروز در کنار مردم ایران ایستاده‌اند و اکنون زمان آن رسیده که دولت‌هایشان نیز همین مسیر را در پیش بگیرند.

به گفته او، شهروندان این کشورها از دولت‌های خود می‌خواهند که به جای گوش دادن به روایت‌های حکومت جمهوری اسلامی، که سال‌ها بر پایه دروغ و فریب بوده، اقدام عملی برای حمایت از مردم ایران انجام دهند و در کنار خواست آزادی، صلح و همزیستی ملت ایران بایستند.

ایران می‌توانست «کره جنوبی خاورمیانه» باشد

شاهزاده رضا پهلوی با تأکید بر توان بالقوه مردم ایران گفت هرچه مردم توانمندتر شوند و ابزارهایی که جمهوری اسلامی از آنان گرفته بازپس گرفته شود، مسیر صلح، ثبات و بهبود زندگی انسان‌ها هموارتر خواهد شد.

او تصریح کرد ایران با منابع انسانی و طبیعی گسترده،

آمریکا علی لاریجانی و شماری از عوامل اصلی سرکوب معترضان در ایران را تحریم کرد



خیزش ملی دی ماه ۱۴۰۴

● دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) پنجشنبه ۲۵ دی ۱۴۰۴ چند مقام ارشد رژیم حاکم بر ایران، از جمله علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی، زندان فردیس (کچوئی) کرج، و شبکه‌های بانکی پنهان رژیم را به دلیل مشارکت در سرکوب اعتراضات تحریم کرد.

● یکی از تحریم‌شدگان علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. او از اولین چهره‌های رژیم بود که علناً خواستار استفاده از زور علیه تظاهرکنندگان شد و به نمایندگی از علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، هماهنگی واکنش کلی را بر عهده داشت.

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) پنجشنبه ۲۵ دی ۱۴۰۴ چند مقام ارشد رژیم حاکم بر ایران، از جمله علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی، زندان فردیس (کچوئی) کرج، و شبکه‌های بانکی پنهان رژیم را به دلیل مشارکت در سرکوب اعتراضات تحریم کرد.

وزارت خزانه‌داری ایالات متحده اعلام کرد تحریم‌های تازه‌ای را علیه مقامات ارشد امنیتی رژیم حاکم بر ایران، که متهم به سازماندهی سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات سراسری جاری هستند، و همچنین شبکه‌ای از شرکت‌ها و افراد درگیر در پولشویی درآمدهای نفت و پتروشیمی رژیم ایران، اعلام کرد.

در بیانیه‌ای این وزارتخانه با اشاره به مداوم تلاش «مردم شجاع ایران برای دستیابی به حقوق اولیه خود» تأکید شد که «رژیم ایران با خشونت و سرکوب بی‌رحمانه علیه مردم خود پاسخ داده است... معترضان ایرانی که در بحبوحه تورم شدید و مشکلات اقتصادی گسترده به خیابان‌های ایران آمده و خواستار برخورداری از آزادی‌های اساسی و کمک‌های اقتصادی بودند، با سرکوب و کشتار بی‌سابقه‌ای از سوی رژیم روبه‌رو شدند و در نتیجه آن شمار زیادی از مردم کشته، زخمی، و بازداشت شده‌اند.»

اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، با انتشار بیانیه‌ای در همین رابطه، تأکید کرد که ایالات متحده از تلاش مردم ایران برای دستیابی به آزادی و عدالت حمایت می‌کند. بسنت گفت: «به دستور پرزیدنت ترامپ، وزارت خزانه‌داری آمریکا رهبران اصلی [رژیم] ایران را که در سرکوب وحشیانه علیه مردم ایران دست داشته‌اند، تحریم می‌کند.»

او افزود: «وزارت خزانه‌داری از هر ابزاری برای هدف قرار دادن کسانی که در سرکوب ظالمانه حقوق بشر توسط رژیم هستند، استفاده خواهد کرد.»

یکی از تحریم‌شدگان علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. او از اولین چهره‌های رژیم بود که علناً خواستار استفاده از زور علیه تظاهرکنندگان شد و به نمایندگی از علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، هماهنگی واکنش کلی را بر عهده داشت. وزارت خزانه‌داری آمریکا همچنین چندین فرمانده استانی نیروی انتظامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تحریم کرد. نعمت‌الله باقری، فرمانده سپاه لرستان، محمدرضا هاشمی‌فر، فرمانده انتظامی لرستان، یدالله بوعلی، فرمانده سپاه فجر فارس، عزیزالله ملکی، فرمانده انتظامی استان

→ که همان حقوق و آزادی‌هایی را می‌خواهند که شهروندان فرانسه از آن برخوردارند. او افزود: «یا باید به سیاست مداخلات با رژیم ادامه داد که مردم خود را می‌کشد، یا در کنار مردمی ایستاد که برای آزادی و آینده‌ای بهتر تلاش می‌کنند.» به گفته او، این یک انتخاب اخلاقی و سیاسی برای اروپا و به‌ویژه فرانسه است.

شاهزاده رضا پهلوی در پایان خواستار آن شد که امانوئل ماکرون رئیس‌جمهوری فرانسه، صدای مردم ایران را بشنود و در کنار آنان بایستد؛ مردمی که به گفته او، برای دستیابی به آزادی، عدالت و کرامت انسانی هزینه سنگینی پرداخته‌اند.

مبارزه برای آزادی ضرب‌الاجل ندارد

شاهزاده رضا پهلوی با اشاره به مداوم اعتراضات و مقاومت مردم ایران گفت مبارزه برای آزادی زمان‌بندی و ضرب‌الاجل ندارد و «این اراده مردم است که مسیر را تعیین می‌کند». او تأکید کرد که این مبارزه تا دستیابی به پیروزی نهایی ادامه خواهد داشت.

شاهزاده رضا پهلوی در ادامه، به تشریح مولفه‌هایی پرداخت که به گفته او می‌تواند روند پیروزی را تسریع کند. او گفت یکی از مهم‌ترین این مولفه‌ها، متلاشی‌کردن دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی است؛ دستگاهی که بر پایه توان نظامی و شبه‌نظامی و منابع مالی گسترده بنا شده است.

شاهزاده رضا پهلوی افزود هدف‌گیری دارایی‌ها و زیرساخت‌های نیروهای نظامی و شبه‌نظامی، به‌ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نقش کلیدی در کاهش توان حکومت برای ادامه سرکوب دارد.

به گفته او، بدون این ابزارها، نظام امکان اعمال خشونت سازمان‌یافته علیه مردم را از دست خواهد داد.

شاهزاده رضا پهلوی همچنین خواستار انجام «حملات هدفمند» علیه این مولفه‌های سرکوب شد و تأکید کرد که چنین اقداماتی می‌تواند هزینه ادامه خشونت را برای حاکمیت افزایش داده و مسیر دستیابی مردم ایران به آزادی را کوتاه‌تر کند.

آوردن نیروهای خارجی برای سرکوب، نشانه استیصال نظام است

شاهزاده رضا پهلوی تأکید کرد اتکای جمهوری اسلامی به نیروهای خارجی برای سرکوب معترضان، نه نشانه قدرت، بلکه علامتی آشکار از ضعف ساختاری و فروپاشی درونی نظام است.

به گفته او، «اینکه رژیم مجبور می‌شود برای سرکوب مردم خودش از بیرون عامل بیاورد، دقیقاً نشانه یأس و استیصال آن است.»

او با اشاره به شدت خشونت‌ها افزود هرچند «توحش» نیروهای سرکوبگر به‌وضوح قابل مشاهده است، اما این سطح از خشونت ناشی از ترس حاکمیت از مردمی است که دیگر از سرکوب نمی‌ترسند.

شاهزاده رضا پهلوی گفت: «مردم ایران بر ترس غلبه کرده‌اند و همین مسئله باعث شده نظام دست به اقداماتی بزند که ماهیت واقعی و وقاحت آن را آشکار می‌کند.»

به گفته او، استفاده از نیروهای خارجی برای مقابله با شهروندان معترض، نشان می‌دهد جمهوری اسلامی نه تنها پایگاه اجتماعی خود را از دست داده، بلکه حتی به نیروهای داخلی‌اش نیز اعتماد ندارد. او تأکید کرد این روند، شکاف میان مردم و حاکمیت را عمیق‌تر کرده و مشروعیت نظام را بیش از پیش زیر سوال برده است.

فارس از جمله افراد تحریم‌شده از سوی آمریکا هستند. بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا جزئیات تکان‌دهنده‌ای از جنایت‌ها و اقدامات خشونت‌آمیز نیروهای حکومتی در این استان‌ها شرح داده شده و مقامات و سازمان‌های وابسته به آنها به عنوان «مسئول هزاران فقره مرگ و جراحت» معرفی شده‌اند.

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری همچنین ۱۸ فرد و نهاد مرتبط با عملیات بانکی سایه مرتبط با بانک ملی و بانک شهر را هدف قرار داد. این شبکه‌ها متهم به تسهیل ده‌ها میلیارد دلار تجارت سالانه و پولشویی درآمد حاصل از فروش نفت و پتروشیمی هستند. وزارت خزانه‌داری اعلام کرد که این وجوه به جای رسیدگی به رنج اقتصادی ایرانیان، از سرکوب رژیم و گروه‌های تروریستی خارجی حمایت می‌کند.

اعضای اصلی شبکه بانک ملی عبارتند از: -شرکت نیکان پژواک آریا کیش (رئیس شبکه رهبر مستقر در ایران)

-شرکت بازرگانی بین‌المللی امپایر (مستقر در امارات) -زندان فردیس (کچوئی) کرج -شرکت گلدن میست پی‌تی‌ای. شرکت با مسئولیت محدود (مستقر در سنگاپور)

-اعضای هیئت مدیره مهدی رشنو، بشیر عباسپور قمی و حمید رضا خمر

شبکه بانک شهر از عناصر زیر تشکیل شده است: شرکت تجاری اچ‌ام‌اس اف‌زی‌ای (مستقر در امارات) شرکت تجارت هرمس انرژی قشم (مستقر در ایران) چند مقام ارشد به نام‌های مسعود مهدوی اردکانی (رئیس)، مسعود شامانی (مدیر)، و اکبر گیوری (نایب رئیس) چندین شرکت صوری مستقر در امارات شرکت نشان مستقر در بریتانیا

گزارش «آکسیوس» از پشت صحنه تصمیم ترامپ برای به تعویق انداختن حمله به ایران

را درباره پیامدهای این اقدام برای ثبات منطقه ابراز داشت. چند مقام آمریکایی گفتند اگرچه درک اینکه دقیقاً در ذهن ترامپ چه می‌گذرد دشوار است، اما هشدار نتانیاهو و گزارش‌های تیم ترامپ درباره تهدیدهای احتمالی علیه نیروهای آمریکایی در صورت تلافی ایران، عوامل مهمی بودند. ترامپ روز جمعه به خبرنگاران گفت: «کسی من را قانع نکرد. خودم به این نتیجه رسیدم.»

انگشت هنوز نزدیک ماشه است

یکی از عوامل مهم این بود که از زمان آخرین درگیری با ایران در جنگ ۱۲ روزه، بسیاری از نیروها و تجهیزات آمریکا به کارائیب و شرق آسیا منتقل شده بودند.

برخی مقامات گفتند «صحنه عملیات آماده نبود» و این موضوع گزینه‌های آمریکا را -هم برای حمله و هم برای سناریوی درگیری گسترده‌تر در صورت واکنش ایران- محدود کرده بود. یک منبع مطلع گفت: «ما عملاً پنجره زمانی را از دست دادیم.»

یک مقام کاخ سفید این ادعاها را رد کرد و گفت آمریکا تجهیزات کافی در منطقه دارد «تا بسیاری از گزینه‌هایی را که به رئیس‌جمهور ارائه شده بود، در صورت انتخاب، اجرا کند.»

عامل دیگر در تصمیم‌گیری ترامپ، پیام‌هایی بود که از طریق کانال دیپلماتیک پشت‌پرده بین ویتکاف و عراقچی ردوبدل می‌شد.

صبح چهارشنبه، به گفته دو مقام آمریکایی، عراقچی در پیامی به ویتکاف تعهد داد که اجرای برنامه‌ریزی‌شده احکام اعدام معترضان را متوقف کرده و «کشتار را متوقف کند». حدود ساعت ۳ بعدازظهر به وقت شرق آمریکا، اندکی پس از جلسه‌ای که در آن تصمیم گرفت دستور حمله صادر نکند، ترامپ در دفتر بیضی‌شکل با خبرنگاران صحبت کرد و از پیامی که از سوی ایرانی‌ها دریافت کرده بود پرده برداشت.

در این مرحله، به گفته مقامات آمریکایی، روشن بود که ترامپ دست‌کم در کوتاه‌مدت به سمت کاهش تنش حرکت می‌کند. روز پنجشنبه، ترامپ اذعان کرد پیام‌هایی که از ایرانی‌ها دریافت کرده، تأثیر قابل‌توجهی بر تصمیم او داشته است. یک مقام کاخ سفید گفت: «این پیام‌ها تأثیر داشتند، اما تنها دلیل نبودند. رئیس‌جمهور با گزینه‌های فوق‌العاده‌اش هدایت می‌شود.»

کارولین لیویت، سخنگوی کاخ سفید، به آکسیوس گفت: «در هفته گذشته، گزارش‌های زیادی بر اساس منابع ناشناس منتشر شده که درباره طرز فکر رئیس‌جمهور ترامپ در قبال ایران گمانه‌زنی می‌کنند. حقیقت این است که هیچ‌کس جز خود رئیس‌جمهور نمی‌داند او در مورد ایران چه خواهد کرد.»

او افزود: «همان‌طور که همیشه بوده، رئیس‌جمهور گزینه‌های زیادی دارد و تصمیم‌هایی خواهد گرفت که به نفع آمریکا و جهان باشد.»

اگرچه ترامپ فعلاً از حمله صرف‌نظر کرده، اما عملیات نظامی علیه ایران همچنان کاملاً روی میز است. مقامات آمریکایی می‌گویند نقطه تصمیم‌گیری بعدی ممکن است ظرف چند هفته آینده فرا برسد.



دونالد ترامپ / عکس: رویترز

عقب‌نشینی ترامپ

مقامات آمریکایی گفتند که در روز چهارشنبه ۲۴ دی‌ماه، هم در داخل دولت آمریکا و هم در پایتخت‌های خاورمیانه از جمله ایران انتظار جدی وجود داشت که ترامپ چراغ سبز حمله را صادر کند.

نیروهای آمریکایی شروع به تخلیه از پایگاه هوایی العدید در قطر و پایگاه ناوگان پنجم نیروی دریایی در بحرین کردند. حکومت ایران نیز که مطمئن بود حمله‌ای در راه است، نوتم برای بستن حریم هوایی صادر کرد. یک مقام آمریکایی گفت: «این یک نمایش با فریب نبود.»

توجه‌ها به جلسه‌ای حیاتی معطوف شد که قرار بود ترامپ بعدازظهر چهارشنبه با تیم امنیت ملی ارشد خود برگزار کند.

اما ساعت‌ها گذشت و خبری از کاخ سفید نشد. ترامپ تصمیم گرفته بود فعلاً دست نگه دارد. یک مقام کاخ سفید گفت: «او می‌خواست به نظارت بر وضعیت ادامه دهد.» مقام آمریکایی دیگری افزود: «خیلی نزدیک بود. ارتش در موقعیتی بود که می‌توانست خیلی سریع اقدام کند، اما دستور صادر نشد.»

در تماسی که اوایل همان روز انجام شد، یک درخواست غیرمنتظره خواستار احتیاط شد: بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، او به ترامپ گفت که اسرائیل برای دفاع از خود در برابر تلافی احتمالی ایران آماده نیست، به‌ویژه از آن‌جا که آمریکا تجهیزات کافی در منطقه برای کمک به رهگیری موشک‌ها و پهپادهای ایرانی ندارد.

علاوه بر این، به گفته یکی از مشاوران نتانیاهو، او معتقد بود طرح فعلی آمریکا به اندازه کافی قوی و مؤثر نیست.

محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی، نیز با ترامپ گفتگو کرد و بنا بر گفته یک منبع مطلع، نگرانی عمیق خود

● خبرگزاری آکسیوس گزارش داد درحالی‌که مقامات آمریکایی و حتا مقامات جمهوری اسلامی انتظار داشتند ترامپ دستور حمله صادر کند اما «کمبود تجهیزات نظامی کافی در منطقه»، هشدارهای متحدانی مانند اسرائیل و عربستان سعودی، نگرانی مشاوران ارشد درباره پیامدها و اثربخشی گزینه‌های نظامی و همچنین گفتگوهای محرمانه از طریق کانال‌های پشت‌پرده با ایرانی‌ها، باعث شد رئیس‌جمهوری آمریکا ماشه را نکشد.

● چند مقام آمریکایی گفتند اگرچه درک اینکه دقیقاً در ذهن ترامپ چه می‌گذرد دشوار است، اما هشدار نتانیاهو و گزارش‌های تیم ترامپ درباره تهدیدهای احتمالی علیه نیروهای آمریکایی در صورت تلافی ایران، عوامل مهمی بودند. یکی از عوامل مهم این بود که از زمان آخرین درگیری با ایران در جنگ ۱۲ روزه، بسیاری از نیروها و تجهیزات آمریکا به کارائیب و شرق آسیا منتقل شده بودند.

● برخی مقامات گفتند «صحنه عملیات آماده نبود» و این موضوع گزینه‌های آمریکا را -هم برای حمله و هم برای سناریوی درگیری گسترده‌تر در صورت واکنش ایران- محدود کرده بود.

پایگاه خبری «آکسیوس» ۲۸ دی‌ماه ۱۴۰۴ در گزارشی با عنوان «پشت‌صحنه عقب‌نشینی ترامپ از حمله به ایران» گزارش داد که تصمیم رئیس‌جمهوری آمریکا برای به تعویق انداختن حمله نظامی به ایران، پس از هفته‌ای پرتنش و نزدیک به درگیری، متأثر از مواضع متحدان در منطقه بوده است.

صبح روز چهارشنبه، ده‌ها مقام ارشد نظامی، سیاسی و دیپلماتیک در واشنگتن و سراسر خاورمیانه انتظار داشتند که ظرف چند ساعت آینده مپ‌های آمریکا بر سر تهران فرود خواهد آمد اما تا بعدازظهر همان روز، به گفته دو مقام آمریکایی، مشخص که چنین دستوری صادر نخواهد شد و آمریکا از اقدام نظامی عقب‌نشینی کرده بود.

در طول اعتراضات در ایران، ترامپ در مقاطع مختلف به حکومت در مورد تیراندازی به معترضان و سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات که هزاران نفر در آن کشته شدند هشدار داد اما با توجه به «کمبود تجهیزات نظامی کافی در منطقه»، هشدارهای متحدانی مانند اسرائیل و عربستان سعودی، نگرانی مشاوران ارشد درباره پیامدها و اثربخشی گزینه‌های نظامی و همچنین گفتگوهای محرمانه از طریق کانال‌های پشت‌پرده با ایرانی‌ها، او تصمیم گرفت ماشه را نکشد.

این روایت از فرآیند تصمیم‌گیری ترامپ در ۱۰ روز گذشته، بر اساس گفتگو با چهار مقام آمریکایی، دو مقام اسرائیلی و دو منبع دیگر مطلع از مذاکرات پشت‌پرده تهیه شده است.

براساس گزارش آکسیوس، چندین گزینه نظامی به ترامپ ارائه شد؛ از جمله حمله به اهداف متعدد حکومت ایران در سراسر کشور با استفاده از ناوهای جنگی و زیردریایی‌ها. ترامپ این گزینه‌ها را محدودتر کرد و خواستار تکمیل آمادگی‌ها شد. یک مقام آمریکایی گفت پس از گفتگوی ترامپ با تیمی شامل (۲۳ دی‌ماه) مقام‌های ارشد، طرح حمله آماده بود، اما جلسه بدون تصمیم نهایی پایان یافت.

نشست اضطراری شورای امنیت درباره اعتراضات و سرکوب مردم توسط جمهوری اسلامی



صحن شورای امنیت / نیویورک، دی ماه ۱۴۰۴

● در پی قتل‌عام مردم ایران در اعتراضات توسط جمهوری اسلامی، شورای امنیت سازمان ملل متحد، پنجشنبه ۱۵ ژانویه (۲۵ دی ماه) نشست اضطراری برگزار کرد.

● در این نشست که محور آن بررسی «اعتراضات و سرکوب در ایران» بود آمریکا، بریتانیا، فرانسه و متحدان غرب به دفاع از مردم ایران پرداختند، اما روسیه، چین و پاکستان جانب جمهوری اسلامی را گرفتند. سفیر جمهوری اسلامی نیز کشتار را انکار کرد و معترضان را «تروریست‌های وابسته به اسرائیل و آمریکا» خواند.

● مسیح علینژاد روزنامه‌نگار که در ابتدای جلسه به ارائه گزارش از وضعیت ایران و جنایات حکومت پرداخت، در واکنش به عدم واکنش کافی دبیرکل سازمان ملل به سرکوب‌ها گفت: «آقای دبیرکل! چرا از جمهوری اسلامی می‌ترسید؟»

● احمد باطبی فعال حقوق بشر نیز تأکید کرد که نمی‌توان با جمهوری اسلامی با دست خالی جنگید و خطاب به ترامپ تأکید کرد که ما به اقدام فیزیکی نیاز داریم. اگر مردم ایران را تنها بگذارید ما نمی‌توانیم رژیم را عوض کنیم و مردم کشتار خواهند شد. او افزود رژیم ایران یک‌سری ماله‌کش دارد که چهره‌اش را سفید شویی کند.

● والتز سفیر آمریکا در سازمان ملل گفت مداخلات رژیم ایران «دیگر بس است!» و «همه ما مسئولیت داریم که از مردم ایران حمایت کنیم و به بی‌توجهی و سرکوب رژیم نسبت به ملت ایران پایان دهیم.»

در پی قتل‌عام مردم ایران در اعتراضات توسط جمهوری اسلامی، شورای امنیت سازمان ملل متحد، پنجشنبه ۱۵ ژانویه (۲۵ دی ماه) نشست اضطراری برگزار کرد. در این نشست که محور آن بررسی «اعتراضات و سرکوب در ایران» بود آمریکا، بریتانیا، فرانسه و متحدان غرب به دفاع از مردم ایران پرداختند، اما روسیه، چین و پاکستان جانب جمهوری اسلامی را گرفتند. سفیر جمهوری اسلامی نیز کشتار را انکار کرد و معترضان را «تروریست‌های وابسته به اسرائیل و آمریکا» خواند.

جلسه با صحبت‌های مسیح علینژاد روزنامه‌نگار و احمدی باطبی فعال حقوق بشر درباره جنایات جمهوری اسلامی آغاز شد. این دو با ابتکار سفیر آمریکا در سازمان ملل به نشست دعوت شده بودند.

مسیح علینژاد در گزارش خود به شرحی از جنایات جمهوری اسلامی پرداخت و در واکنش به عدم واکنش کافی دبیرکل سازمان ملل به سرکوب اعتراضات در ایران گفت: «آقای دبیرکل! چرا از جمهوری اسلامی می‌ترسید؟»

او افزود: «ضرورت رسیدگی به این حوادث فاجعه‌بار کاملاً روشن است، اما شورای امنیت و آقای دبیرکل تاکنون علیه این سرکوبی که در ایران رخ داده موضع روشنی نگرفته‌اند. فقط یک پیام کوتاه از طریق خبرنگاران منتشر شده و اکنون سکوت حاکم است. این سکوت پیامی می‌فرستد؛ پیامی به قاتلان این معترضان جوان و خانواده‌هایشان.»

علینژاد اضافه کرد: «مردم ایران کشته شده‌اند؛ معترضان بی‌گناه با گلوله هدف قرار گرفته‌اند، در زندان انداخته شده‌اند، و به‌طور کامل ارتباطاتشان قطع شده است. اینترنت

ندارند، تلفن ندارند، حتی تلفن‌های خانگی هم قطع شده است. هیچ راهی ندارند که صدایشان را به جهان برسانند.»

او همچنین گفت که جمهوری اسلامی به مجروحان اعتراضات در خیابان‌ها تیر خلاص زد.

باطبی: رژیم ایران یک فرقه است که اسلحه و پول دارد
احمد باطبی، فعال حقوق بشر نیز در جلسه شورای امنیت درباره اعتراضات و سرکوب در ایران گفت: «رژیم ایران عادی و معمولی نیست، یک فرقه است که اسلحه و پول دارد و ماموریتش صدور ایدئولوژی به کشورهای دیگر است.» او خطاب به ترامپ گفت مردم ایران به کمک شما نیاز دارند، آن‌ها را تنها نگذارید.

باطبی تأکید کرد که نمی‌توان با جمهوری اسلامی با دست خالی جنگید و خطاب به ترامپ تأکید کرد که ما به اقدام فیزیکی نیاز داریم. اگر مردم ایران را تنها بگذارید ما نمی‌توانیم رژیم را عوض کنیم و مردم کشتار خواهند شد. او افزود رژیم ایران یک‌سری ماله‌کش دارد که چهره‌اش را سفید شویی کند.

احمد باطبی در نشست شورای امنیت سازمان ملل درباره اعتراضات ایران به تجربه زندان خود اشاره کرد و گفت در زندان به او گفته شده که جنگ با جمهوری اسلامی به معنای جنگ با خدا است و باید به اعدام محکوم شوی.

او گفت که شکنجه شده که جاسوسی برای موساد و سازمان سیا را بپذیرد و افزود که دقیقاً همین شرایط اکنون در ایران وجود دارد و از معترضان اعتزافات اجباری می‌گیرند که بگویند مامور موساد هستند.

والتز: رژیم از هر زمان دیگری ضعیف‌تر است
پس از گزارش علینژاد و باطبی، مایک والتز نماینده آمریکا

در سازمان ملل متحد صحبت کرد و جمهوری اسلامی را «حکومت اصلی حامی تروریسم خواند» و گفت: «مایلم به ادعایی که از سوی رژیم مطرح شده بپردازم؛ اینکه این اعتراضات به نوعی الهام‌گرفته توطئه‌ای خارجی است» او گفت این ادعا مقدمه‌ای برای اقدام نظامی جمهوری اسلامی علیه معترضان به شمار می‌آید.

نماینده آمریکا گفت «همه مردم جهان باید بدانند» که «این رژیم از هر زمان دیگری ضعیف‌تر است و به همین دلیل، به خاطر قدرت مردم ایران در خیابان‌ها، این دروغ را مطرح می‌کند. آن‌ها می‌ترسند. آن‌ها از مردم خودشان می‌ترسند.»

والتز گفت «دیگر بس است!» و «همه ما مسئولیت داریم که از مردم ایران حمایت کنیم و به بی‌توجهی و سرکوب رژیم نسبت به ملت ایران پایان دهیم.»

او خطاب به دیگر اعضای شورای امنیت گفت «همکاران، بگذارید روشن بگویم. رئیس‌جمهور ترامپ مرد عمل است، نه اهل حرف‌های بی‌پایان، همانطور که در سازمان ملل می‌بینیم. او به‌صراحت اعلام کرده است که برای متوقف کردن کشتار، همه گزینه‌ها روی میز است و هیچ‌کس این را بهتر از رهبری رژیم [جمهوری اسلامی] ایران نمی‌داند.»

والتز در بخشی از سخنانش افزود: «مردم ایران بیش از هر زمان دیگری در تاریخ خشن جمهوری اسلامی، خواهان آزادی خود هستند. مردمی بی‌سلاح و مسالمت‌جو که عاشق کشورشان هستند» و «برای دستیابی به خواسته‌های مشروع خود برای آینده‌ای بهتر به خیابان‌ها آمده‌اند.»

سفیر آمریکا افزود پیام ایالات متحده این است «رئیس‌جمهوری [آمریکا] دونالد جی. ترامپ و ایالات متحده آمریکا قاطعانه در کنار مردم شجاع ایران ایستاده‌اند، تمام!» او گفت صرف‌نظر از همه «بهبادهای زیادی» که از سوی جمهوری اسلامی ایران و «دوستانش» خواهید شنید

بازنشر

قیامت نزدیک است

خبراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۱۸۳) آذر ۱۳۸۶



و اما، پیش از آن که مرحله نهایی فرا برسد و اثری از هستی بر روی زمین باقی نماند، علائمی حاکی از پایان کار جهان به ظهور می‌رسد، از آن جمله ظهور دجال. خروج یاجوج و ماجوج و سر برآوردن داب‌الارض (حیوانی که به زبان انسانها سخن می‌گوید) اینها را هم اگر با چشم باز بنگریم (و شیطان عقلمان را ندزدیده باشد) همین حالا در اطراف خودمان می‌بینیم.

پس، آفرین باید گفت بر «بنیاد فرهنگی حضرت موعود» که اهمیت قضیه را دریافته و «دکترای مهدویت» را در حوزه علمیه قم بنیان گذارده است.

این خبر میمنت اثر را آقای دکتر بهروز سرلک عضو بنیاد فرهنگی حضرت موعود (عج) و سردبیر فصلنامه تخصصی «انتظار» در «همایش مهدویت» که با حضور مدیر کل جشنواره «آخرین منجی» و جمعی کثیر از استادان و دانشجویان در تالار شهید دهشوری دانشکده علوم دانشگاه تهران برگزار شده بود، اعلام کرد.

دکتر سرلک گفت: «به‌منظور شناخت گسترده در کلیه ابعاد گوناگون وجودی مهدی موعود، دکترای مهدویت را در حوزه علمیه قم ایجاد کردیم.»

و افزود: «مهدویت یک اصطلاح اسلامی است و در باور مسلمانان، وجود مهدی موعود معنا می‌دهد. این در حالی است که کلمه «مشیا» به‌معنای موعودگرایی از سوی مسیحیان به منجی عالم بشریت اطلاق می‌شود و منجی عدل گستر را مسیح می‌نامند. از نظر من همان معنای خاصی که مربوط به مهدی موعود (عج) است نمایانگر منجی عالم بشریت است که روایت شده هنگام سحر در بیت‌المقدس ظهور کرده و پشت سر امام زمان به نماز می‌ایستد.»

این را هم آقای دکتر بهروز سرلک در سخنان خود ناگفته نگذاشته است که «از حدود بیست سال پیش اندیشمندان غربی به موضوع مهدویت به‌طور جدی پرداخته‌اند و طی دو ماه گذشته، جرج بوش دستور تحقیقاتی گسترده را در زمینه مهدی موعود صادر کرده است.»

در این صورت آیا حق نبود که حوزه علمیه قم با اقدام به ایجاد دکترای مهدویت طالبان علم را به تحصیل و تحقیق جدی در این رشته تشویق کند؟

پس بشتابید برای اسم‌نویسی و به امید گرفتن دکترای مهدویت.

این تاریخ را یادداشت کنید و به‌خاطر بسپارید، با زندگی و سرنوشت شما مربوط می‌شود: روز جمعه ۲۱ نوامبر سال ۲۰۱۲، دقیقاً پنج سال دیگر.

روی رسانه‌های الکترونیکی، هفته گذشته این خبر به‌طور وسیع انتشار یافت و دهان به دهان چرخید که طبق پیشگویی اخترشناسان (یا به‌قول مرحوم کسروی: اخترشماران) روز جمعه ۲۱ نوامبر سال ۲۰۱۲ عمر جهان به‌سر می‌رسد. نقطه پایان بر زندگی در تبعیدگاه بابا آدم و ننه حوا. پس ایمان بیایوریم به پریزیدنت دکتر محمود احمدی‌نژاد که پیش از همه پیشگویان، فرا رسیدن آخرالزمان را پیشگویی کرده و از ظهور عما قریب حضرت صاحب‌الامر خبر داده بود.

پایان جهان در اواخر سال ۲۰۱۲ همزمان می‌شود با دستیابی نظام اسلامی ایران به بمب اتمی طبق برآورد دکتر محمد البرادعی و تعدادی دیگر از کارشناسان.

نشانی‌هایی که آیات و اخبار درباره پایان کار جهان (آخرالزمان به‌روایت اسلامی و آپوکالیپس به‌روایت دیگر ادیان) داده‌اند با پیامدهای یک جنگ اتمی تطبیق می‌کند.

روایت اسلامی، آخرالزمان را چنین تصویر می‌کند: «همه چیز با نقر در ناقور (دمیدن در صور به‌وسیله اسرافیل) آغاز می‌شود. این صدای مهیب خبر از وقایعی می‌دهد که هیچ جنبنده‌ای در روی زمین از اثرات آن محفوظ نخواهد بود. آسمان از هم می‌شکافد. ستاره‌ها فرو می‌پاشند. خورشید از درخشش بازمی‌ایستد. ماه تیره‌گون می‌شود. موجی از ابرها فرا می‌رسند و دودی می‌افشانند که همه مردمان را مثل طوماری در هم می‌پیچد. کوهها از جای کنده می‌شوند و تکه‌تکه چون ریگ و ذره‌ذره چون پشم بر خاک می‌ریزند. دریاها به‌جوش می‌آیند و طغیان می‌کنند. زمین کشیده می‌شود و چنان می‌لرزد که اثری از آبادی و آبادانی بر روی آن باقی نمی‌ماند. زندگان به‌مجرد شنیدن نفخه صور، بیهوش بر زمین می‌افتند. شترهای آبستن به حال خود رها می‌شوند. مادران شیرده از شیر دادن کودکانشان بازمی‌ایستند. زنان باردار بار خود را فرو می‌نهند. کودکان موهایشان سفید می‌شود.

در مہاران هیروشیما و ناگازاکی، هنگامی که سلاح اتمی نخستین سال تولد خود را می‌گذراند و هنوز به مرحله رشد و بلوغ نرسیده بود، این رویدادها را شاهد بوده‌ایم و بعد از آن هم در قضیه انفجار نیروگاه چرنوبیل.

«این رژیم به‌تنهایی و صرفاً مسئول فلات اقتصادی مردم ایران و سرکوب آزادی‌های آنان است و در قبال آن پاسخگو خواهد بود.»

والتر توضیح داد: «برآوردها از تعداد معترضان کشته‌شده به دست رژیم تاکنون، از چند هزار تا ده‌ها هزار نفر متغیر است. هرچند آگاهی کامل از گستره این خشونت‌ها عمداً



مایک والتز سفیر آمریکا در سازمان ملل

توسط قطع سراسری اینترنت از سوی رژیم پنهان شده است. چرا اینترنت برای هفته‌ها قطع شده است؟ چرا خطوط تلفن قطع شده‌اند؟ چرا ارتباطات ماهواره‌ای تجاری به شکلی بسیار پیشرفته مختل می‌شوند؟ ما با یک خاموشی کامل روبه‌رو بوده‌ایم: نه اینترنت، نه تلفن، هیچ چیز. تنها به لطف سامانه استارلینک است که حتی پنجره‌ای کوچک و محدود به سوی جنایات در حال وقوع داریم.»

سفیر آمریکا گفت رئیس‌جمهوری آمریکا، دونالد ترامپ «به‌صراحت اعلام کرده است که او و همچنین جامعه بین‌المللی» جنایات جمهوری اسلامی را «تحمیل نخواهند کرد که بی‌گناهان در خیابان‌ها قتل‌عام شوند. از سال ۱۹۷۹، برای دهه‌ها، این رژیم به نام یک ایدئولوژی مذهبی تهدیدی علیه صلح و امنیت بوده است. این رژیم شعار مرگ بر آمریکا سر می‌دهد و خواستار نابودی اسرائیل است.»

سفیر والتز گفت: «در حالی که حاکمان» جمهوری اسلامی «از سرکوب و فلاکتی که بر مردم ایران تحمیل کرده‌اند ثروتمند شده‌اند» رژیم «از همان نخستین روز به قدرت رسیدنش، ناقض زنجیره‌ای و مستمر حقوق بشر بوده است. و همان‌طور که امروز شنیدید... زنان جوانی، مانند مهسا امینی، صرفاً به خاطر جرأت برداشت روسری در انتظار عمومی به قتل رسیده‌اند، و اقلیت‌های دینی تحت شدیدترین اشکال آزار و اذیت قرار گرفته‌اند.»

او در پایان خطاب به شورای امنیت گفت «همه باید از خود بپرسند» که «چند نفر کشته شده‌اند؟ چند نفر زخمی، معلول، معلول، و مورد آزار قرار گرفته‌اند در خاورمیانه، در اسرائیل، در غزه، در سوریه، در لبنان، در یمن، در عراق، حتی در ونزوئلا، به‌سبب حمایت» این رژیم که «بزرگ‌ترین» حامی دولتی تروریسم است.

کارولین لیویت، سخنگوی کاخ سفید در گفت‌وگو با خبرنگاران گفت: «رئیس‌جمهور مطلع شده است که ۸۰۰ اعدامی که قرار بود دیروز اجرا شود، متوقف شده است.» او تأکید کرد که دولت دونالد ترامپ همچنان در حال ارزیابی تحولات مرتبط با ایران است و احتمال اقدامات بعدی همچنان وجود دارد.

تقی زاده: من از ولایت ترکی زبانم ولی هیچ چیز پیش من عزیزتر از ایران نیست

سالهاست در ترکیه این عقیده را تبلیغ می‌کنند و در مدارس آموزش می‌دهند که «ترکها دو ثلث جمعیت ایران را

تشکیل می‌دهند و در چنگ فارسها اسیرند!»

صحبت از اختلاف ترك و فارس و عرب خطای عظیم سیاسی است

(تاریخ نشر در کیهان لندن: مردادماه ۱۳۸۱ - شماره‌های ۹۱۵)

باز نشر

در سال ۱۳۲۲ به دنبال چاپ مطلبی در شرح کلمه «آزادستان» در دائره‌المعارف اسلامی ترکیه (که گزارش آن به وسیله سفارت ایران در آنکارا به وزارت امور خارجه ارسال شده بود) غوغایی در محافل فرهنگی و سیاسی ایران برخاست

۲۸ بهمن ۱۳۲۲
نمره ۱۶۲۲/۷/۲۴
خیلی محرمانه / خصوصی و مستقیم

وزارت امور خارجه

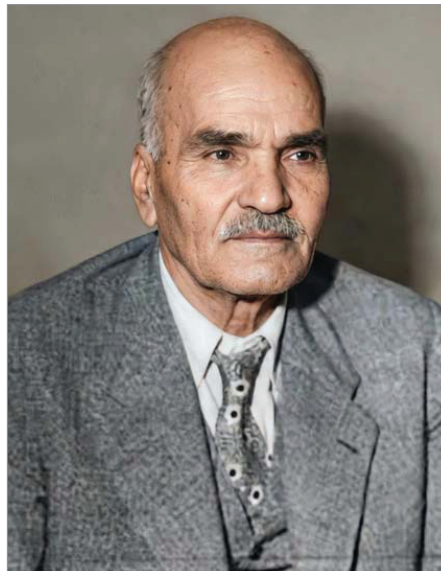
مراسله شریفه (محرمانه) مورخه ۲۷ شهریور سال جاری به شماره ۳۶۶۰ مربوط به شرح لغت «آزادستان» در دائره‌المعارف اسلامی ترکی و اصل و منضمات آن مورد مطالعه گردید. چون در آخر مراسله مرقوم رفته که اگر نظری دارم عرض کنم ذیلاً آنچه را به نظر قاصر می‌رسد معروض می‌دارد:

شرحی که در ضمن کتاب دائره‌المعارف ترکی درج شده متضمن مطالبی نیست که اتفاقاً در يك مورد و به قلم يك مولف ترك فقط در آن کتاب و در ظرف امسال نوشته شده باشد. چون بدبختانه ایرانیان فارسی زبان از عالی و دانی و عوام و تربیت شده و ادبا و فضلا و دکترهای علوم مختلف و مصادر امور وکلاء و پیشروان مملکت و مدعیان احاطه بر معلومات عالم، نشریات و جراید و مجلات و کتب ترکی را نمی‌خوانند و زبان ترکی نمی‌دانند، و اگر هم بعضی می‌دانند مداومت بخواندن آنها ندارند و اصلاً خبری از مملکت و ملت ترکیه و عقاید آنان و جریانات ادبی و سیاسی و ملی آنجا ندارند و ترکیه برای آنها مملکتی ست پشت سد یا جوج و مأجوج و مانند مدینه النحاس و جالبقا یا تبت و مانچوری، لذا با آن که از امور جاریه در نیویورک و شیکاگو و پاریس و برلن و لندن که هزارها فرسخ از ایران دورند کم و بیش اطلاع دارند و به عقاید نازیهای آلمان و کوکولوکس کلانهای امریکا آشنا هستند به آنچه در ممالک همجوار جریان دارد کمتر توجه دارند و بعد از سالیان دراز که مطالب و عقایدی هر روز و هر شب در پشت دیوار ایران جریان دارد بر حسب تصادف کسی يك قطعه از جراید یا کتب آن سامان را ترجمه [کند] و به نظر آنان برساند يك مرتبه به تصور این که اتفاقاً فلان مطلب که صدهزار مرتبه در نشریات آن جا مکرر شده و می‌شود، همین يك بار و به قصد خاص سیاسی در آن جریده یا کتاب نشر شده قال و قبلی در می‌گیرد و معرکه و غوغا بر پا می‌شود و مثل عهد فتحعلی شاه که هر يك از علمای ایران قلم به دست گرفته کتبی در رد پادری (هنری مارتن) که اعتراضاتی به دین اسلام نوشته بود تالیف می‌کنند که گویی بعد از هزار و سیصد سال تازه در همه قرون تاریخ و تمام دنیا فقط يك نفر مسیحی بر خلاف اسلام سخن گفته غافل از اینکه در تمام ممالک مسیحی دنیا از قرن هشتم مسیحی تا حال هر روز صد هزار مرتبه این طعن تکرار می‌شود و ما فقط وقتی که... صادق کلدانی‌الاصل ارومیه‌ای... در تهران اظهار کرد که نصاری چنین عقیده

و انتشار این مطلب را آغاز يك توطئه از طرف دولت همسایه تلقی کردند. محمد ساعد مراغه‌ای وزیر امور خارجه وقت که سیاستمدار پخته‌ای بود مناسب دانست درین باره نظر سید حسن تقی‌زاده (تبریزی) را جویا شود. تقی زاده، سفیر

دارند به هیجان آمدم، یا يك فرانسه‌دان عهد فتحعلی شاه از کتاب فرنگی ترجمه کرد و شنیدیم.

این فقره يك قاعده کلی در مملکت ماست که تصور می‌کنیم در دنیا فقط يك قومی به نام فرانسه و يك جماعتی به نام انگلیس و گاهی هم يك آلمان و روسی هست و باید از جریان کار آنها و عقاید و احوالشان باخبر باشیم، ولی از احوال ملل هندوستان از برهمن و جایی و عقاید سیاسی احزاب آریاسواج و مهاسابها و زبانهای گجراتی و مراتی و تلگوو سندی و کشمیری و بنگالی و هندی و کناری و



سید حسن تقی‌زاده

ادبیات و کتب و جراید و مجلات آنها هیچ اطلاعی نداریم، حتی زبان اردو را کسی نمی‌خواند. از ملل قفقازیه و زبانها و عقاید آنها بی‌اطلاعم و نه تنها کسی جراید آنها را نمی‌خواند و در ایران يك نفر گرجی‌دان پیدا نمی‌شود (با آنکه در فریدن اصفهان آن همه گرجی زبان داریم).

حتی از آنچه در روزنامه‌های ارمنی و یهودی تهران نوشته می‌شود کمتر کسی مطلع است و از فعالیت صهیونیین یهودی در ایران در این سه سال اخیر بی‌خبریم و نظمی که ما تنها مردم مسلمان را تعقیب می‌کند و شعبه‌ای ارمنی‌دان و یهودی‌دان و کردی‌دان و عربی‌دان و ترکی‌دان و کلدانی‌دان ندارد که از فعالیت درونی آن طوایف در ایران خبر بیاورد. حتی دولت از خیالات بهائیه‌ای فارسی زبان و علی‌اللهی‌های کردی زبان خبر صحیحی ندارد، گو اینکه این جماعت‌های آخری خیالات سیاسی مضرى نداشته باشند.

وقت ایران در انگلستان، پاسخ مشروحی نوشت و یادآور شد که این حرف‌ها تازگی ندارد و نباید اهمیتی برای آنها قائل شد. در این نامه، نکات قابل توجهی راجع به مساله ترك و فارس وجود دارد که پس از سالها تازگی خود را از دست نداده است.

امان از بیخبری

بنابراین مقدمات، با نهایت تأسف باید گفته شود که این بی‌خبری از عقاید سیاسی مکملونه ترکی و جریانات عام و معتقدات اجتماعی ترکها به حدی موجب حیرت و بامزه می‌شود که عیناً مثل آن است که یکی از تجار کازرون یا فسا در موقع زیارت مشهد به يك نفر از زوار قفقازی برخوردی و از او شنیده باشد که در روسیه در يك روزنامه روسی نوشته‌اند که تاجر و سرمایه‌دار در دنیا لازم نیست، و در برگشتن به کازرون این مطالب را در مجالس نقل کرده باشد و بدین مناسب «تجارذوی العز والاحترام» آن شهر به هیجان آمده و اجتماعاتی بر پا کنند که از قرار معلوم و مذکور گویا بعضی از روسها «در این اواخر» در «يك روزنامه روسی» بی‌احترامی به طبقه محترم تاجر که آبروی مملکت هستند غوده و لذا باید به تلگرافخانه جمع شده و به تهران تلگراف کرد که دولت در این باب فکری بکند و از دولت بهیه روسیه مجازات آن ملعون را که به سرمایه‌داران اهانت نموده بخواهد.

«کشف» قطعه دائره‌المعارف ترکی مبنی بر آذربایجان و ترکی نژاد بودن مردم آنجا و افتاد نشان در تحت اسارت قومی معروف به فارس نیز به همین «کشف» تجار کازرون بی‌شبهت نیست.

از سال ۱۳۲۶ هجری قمری (۱۹۰۸ مسیحی) و پس از انقلاب عثمانی که فرقه اتحاد و ترقی سرکار آمد سی و چهار سال تمام است که در هر محفل و کلوب و مدرسه و انجمن ترکیه، در هر قصبه و هر ده هر روز و هر شب متوالیاً و متواتراً با هزار بیان و صدها دلیل و برهان و به وسیله هزار روزنامه و مجله و کتاب و اشعار و خطابه‌ها و مبلغین شفاهی مانند عمر ناجی علی بیک حسین‌زاده و قره‌بکوف و احمد آقایی و یوسف آق چوراوغلی و ضیاء گوک آلپ و صدها نظایر آنها به همه افراد ترکها از ذکور و اناث و صغیر و کبیر از هفت سالگی به بالا دائماً تلقین و تبلیغ می‌شود که قسمتی از قوم بزرگ ترك که قریب «هشتاد میلیون هستند» در تحت حکومت ترکیه بوده و باقی در تحت تسلط اقوام خارجی «غاصب» مانند روس و ایران و چین و افغان افتاده‌اند و اسیرند و خلاص و نجات آنها و پیوستنشان به ملت مادر یعنی حصول ایردنتیسم (Irredentism) ترکی از آمل روحی و قلبی و ایمان هر ترك عثمانی و سعی در آن از فرائض عینی آنهاست.

این عقیده را با هزاران هزار شاخ و برگ و دلایل فلسفی و نژادی و اجتماعی در همه مدارس به اطفال تعلیم می‌کنند و از آن جمله هر ترکی عقیده دارد که ایران مملکتی‌ست که دو ثلث نفوس آن ترك است و زیر حاکمیت يك مشت ایرانی پوسیده منقرض الاخلاق و ضعیف البنیه و

که همدرد و هم قافله خودشان باشد، مگر آن که بعضی متجددین زدن گردن را به شمشیر گناه و کشتن با تیر تفنگ را تمدن‌پسند شمارند...

نامه دیگر تقی زاده

چند ماه بعد، در اسفند ۱۳۲۲، تقی‌زاده نامه دیگری به وزارت خارجه نوشت به این شرح:

اسفند ۱۳۲۲

وزارت امورخارجه

«... واقعه‌ای به خاطر آمد که در سی و سه سال قبل در استانبول بودم و شرف شناسایی ادبا و فضلاء و رجال نامدار ترکیه را داشتم و در محافل ادبی آنها غالباً دعوت داشتم و حاضر می‌شدم. روزی به اداره همین روزنامه طنین رفته بودم و همین مدیر فعلی آن روزنامه یعنی حسین جاهد را که حالا لقب یالچین هم بر اسم عربی خود اضافه کرده و آن وقت مدیر طنین بود در آن جا ملاقات کردم. آن وقت این شخص یکی از ارکان و پیشوایان فرقه اتحاد و ترقی و در عداد طلعت و جاوید و انور و عمر ناجی و اسمعیل حقی و غیرهم بود و مخصوصاً با جاوید بیک وزیر مالیه که یکی از زرنگ‌ترین و درخشانترین ترکان جوان بود و با وجود آن که اصلاً از جدیدالاسلامهای سلاطین و از نژاد بنی اسرائیل می‌شمردند (به اصطلاح ترکی دوغه) یکی از تندروترین پان تورکیست‌ها بود دوست خیلی نزدیک بوده و این دو نفر مثل وجود واحد شمرده می‌شدند و هر دو از اعضای هسته اصلی مرکزی کمیته که ماشین اصلی فرقه باشد بودند.

حسین جاهد که به من لطفی داشت و مخصوصاً به واسطه یک مقاله‌ای به زبان ترکی که در همان روزنامه طنین بر ضد ایتالی و حمله او به طرابلس غرب و بنگازی نوشته و از دولت عثمانی به شدت طرفداری نموده بودم محبتی خاص نسبت به من ابراز می‌کرد. با من صحبت می‌کرد. وقتی که جاوید بیک آنجا وارد شد، جاهد مرا به او معرفی نموده و گفت از احرار ایران است. اولین سئوالی که جاوید از من کرد این بود که از کجای ایران هستید و تا گفتم از تبریز، گفت پس شما در واقع بیش از ایرانی بودن ترک هستید. گفتم من ایرانی هستم و زبانم ترکی‌ست. جاوید بیک با دکتر ناظم و غالب سردسته‌های اتحاد و ترقی به دست مصطفی کمال پاشا رئیس جمهوری ترکیه کشته شدند.

این معروضات محتاج یک نتیجه است که نباید نگفته بگذارم و آن این است که در حالت کنونی دنیا که ملل شرقی و مخصوصاً ملل اسلامی غالباً مقهور دول مسیحی اروپا شده‌اند صحبت از اختلافات ترک و فارس و عرب و تحریک نفاق و کدورت بین این سه قوم که باید مثل یک ملت واحد یگانگی داشته باشند خطای عظیم سیاسی‌ست. من شخصاً به ایرانیت سربلند و شرافتمند هستم و از این که نسیم به عرب می‌رسد افتخار دارم و اگر مرا عرب بخوانند دلگیر نمی‌شوم. از این که زبانم ترکی بوده و از ولایت ترکی زبانم نیز کمال خرسندی و عزت نفس دارم و اگر مرا ترک بگویند (نه به قصد طعن و بی‌بهره بودن از ایرانیت) آن را برخود توهینی نمی‌پندارم، بلکه از برادری با ملت بزرگی که از چین تا بالکان بسط دارد و این زمان عزت نفس و تقدیر به استقلال ملی آنها شایسته ستایش است عار ندارم و خوشوقت.

لکن البته هیچ چیزی پیش من عزیزتر از ایران نیست و من خود را شش دانگ و صد درصد ایرانی می‌دانم. به همان اندازه که کاوه و فریدون یا کوروش و داریوش ایرانی بودند، و راضی نیستم یک در هزار هم از ایرانیت خود را با چیز دیگری ولو شریف باشد مبادله کنم و ورد زبان من است که «چو ایران مباد تن من مباد»...

ترک هم به آن فصاحت و بلاغت قادر به نوشتن ترکی نباشند صد تا مقاله عالمانه و ماهرانه با دلایل معقول بیشمار و موجه و دندان شکن نوشته و آنها را طبع نموده با هواپیما به خاک ترکیه می‌ریختند. (زیرا که از سر حد اجازه ورود نخواهند داد). در آن صورت شاید یک ذره فایده در آن کار ملحوظ بوده و پنج نفر ترک در مملکت عثمانی از عقیده خود بر می‌گشتند یا بر نمی‌گشتند.

ولی آیا تصور می‌رود که با مقاله فارسی نوشتن در ایران اثری در مملکت ترکیه بتوان احداث نمود؟!

برای اینجانب موجب نهایت حیرت و غایت تعجب و بلکه بهت‌آور است که چگونه اولیای محترم دولت که از اطلاع بر یک فقره از هزاران فقرات نشریات «ایراندنیست» ترکی این چنین به حمیت آمده و توسل‌اتی می‌کنند، به این نکته توجه لازم نفرموده‌اند که نه تنها در نوشته شدن و انتشار چنین مقالات به زبان ترکی و به خط لاتینی در طربزون یا آنقره احداث فساد در ایران نمی‌شود بلکه اگر آن نوع مقالات و کتب و نشریات به زبان فارسی ترجمه و طبع شده و صد هزار نسخه از آنها را در ایران و مخصوصاً آذربایجان مجاناً منتشر نمایند ضرر آن با فرستادن یک نفر محصل ایرانی به ترکیه و تحصیل و تبلیغ و تهرین او در مدارس آنجا معادل نمی‌شود. در صورتی که دولت محض رودرواسی صد نفر محصل آن هم غالباً ترکی زبانان رامجانا به خرج خود ترکها به ترکیه فرستاد که می‌توان به جرأت و به ایمان مغضله قسم خورد که ضرر هر یکی از آنها به ایران صد برابر بیشتر از طبع و نشر هزار مقاله و کتاب در ایران بیشتر است، تا چه برسد به ضرر موهوم مقاله ترکی در خود ترکیه.

اینجاست که عقل حیران می‌شود و نمی‌داند چطور شده ما به چنین کاری تن در داده‌ایم که مثل آن است انسان از خجالت بگذارد سرش را بپزند، و به عقیده من جواب رد صریح و ایستادگی در این امر ارسال محصلین به ترکیه واجب بود و ابداً جای رودرواسی نبود و ممکن بود گفته شود ما محصلین خود را به همان ممالکی می‌فرستیم که شما هم طلاب خود را به آن جا می‌فرستید و حتی اگر بدون اجازه دولت هم خودشان می‌خواستند جوانانی را بفرستند منع می‌کردیم...

و عجب است که اگر روسها پیشنهاد کنند صد جوان ایرانی را مجاناً به مسکو برده تربیت نموده بر می‌گردانند ما متوحش شده و استنکاف می‌کنیم. در صورتی که مضرات صد نفر کمونیست به قدر عشر ده نفر رخنه آورنده بر بنیان وحدت ملی ایران نیست و ضرر اینها براساس مملکت از جیش یزیدبن معاویه براهل بیت ولایت بیشتر است. این اقدام در تاریخ ایران مورد بحث خواهد بود...

اینجانب می‌توانم کتابی در رد عقاید ترکها با صدها دلایل بنویسم ولی وقتی که چنین رخنه اساسی را می‌بینم دست و دلم سرد می‌شود و فایده‌ای در آن نمی‌بینم و گاهی خیال می‌کنم عقل من قاصر است و البته به نکاتی که اولیای دولت ملتفت هستند واقف نیستم، ورنه گاهی بعضی اتفاقات مملکت از دور بی‌اندازه عجیب به نظر می‌آید و به فهم کوتاه خود نمی‌توانم اصلاً حل کنم یا سر آن را درک نمایم.

مثلاً وقتی در جراید می‌خوانیم که از کشته شدن یک حاجی در مکه که نظایر آن در ممالک مدعی تمدن همه ساله واقع می‌شود و در ایران هم نظیر آن کم نبوده، عالی و دانی به هیجان آمده حتی به مقام قطع روابط با یک دولت شرقی اسلامی برمی‌آیند، در صورتی که قتل‌های ناحق تری در خود تهران با یک پروتست مودبی خاخمه می‌یابد، دلیل اصلی اینکار را نمی‌توانم درک کنم و خیال می‌کنم آیا رواست گفته شود که شما که در دست پلنگان قوی پنجه گرفتارید چرا در گرفتن موش ضعیف و بدبختی شیر هستید، آن هم موشی

فاسد و دسیسه کار اسیر هستند. آذربایجان و خمسه و قسمتی از همدان و حوالی تهران و خلیج قم و شاهسون بغدادی و شاهسون اینانلو و قشقایهای فارس و بهارلو و فارسی مدان و ترکی زبانان فریدن اصفهان و طوایف زیاد خراسان و مازندران و غیره ترک‌اند و نود درصد علماء و شعراء و ادبا و فلاسفه اسلام و ایران ترکند. ابوعلی سینا و جلال الدین رومی و جوهری و زمخشری و حتی زردشت هم ترک بوده‌اند (فارابی که جای خود دارد). همه سلاطین ایران بعد از صفاریان تا امروز (به استثنای دیلمه و زندیه) ترک بوده‌اند. شاه اسماعیل دیوان ترکی دارد و حتی سامانیان ترک بودند. غزنویان و سلجوقیان و خوارزمشاهیان و غیره که حالشان معلوم است. اسلام به تیغ ترک قائم شده و فتوحات اسلام به دست آنها بوده. سلاطین ممالک اسلامی دیگر هم اغلب ترک بوده‌اند. نوروز را ملک‌شاه سلجوقی پادشاه ترک در اول بهار قرار داد. قسمت بزرگی از مملکت افغانستان هم ترک زبان است و بلخ مرکز ترکستان افغانی‌ست. سلاطین اسلامی هندوستان هم ترک بوده‌اند.

سلسله‌های سلاطین و امرای مصر هم ترک بودند. دولت عثمانی جهانگیر بود و مصر و عربستان و مکه و مدینه را فتح کرد تا حوالی وین هم اروپا را گرفت و جزایر مدیترانه را به تصرف آورد و ششصد سال جهانگیری نمود. نادر شاه افشار قهرمان ترک بود. قاجاریه هم که ترک بودند. چنگیز خان و امیر تیمور بزرگترین فاتحین تاریخ عالم بوده‌اند. روسیه هم قرن‌ها باجگذار سلاطین تاتار بوده. چین نیز قرن‌ها تحت حکومت سلسله مغول اولاد چنگیز بود. قسمتی عمده از قفقاز و تاتارستان شمالی (از قازان و اورنبورگ و اوفا و حاجی طرخان) و تاتارستان جنوبی یعنی قریم و همچنین اوزبکستان (بخارا و خیوه و غیره) و ترکمنستان و فرغانه و سمرقند و تاشکند همه ترک نشین‌اند و ملل قرقیز و باشقرد و قفق و چواش و سارت همه از نژاد ترکی بوده و لذا بزرگترین و لایق‌ترین اقوام عالم ترک است و بس، و دشمن داستانی توران (که به عقیده آنها معنی ترک دارد) ایران بوده و علمدار دشمنی ترک «مفسدی» به نام فردوسی بوده است.

اثر تکرار و تبلیغ

این افکار در مغز مردم و کله‌های هر مرد و زن ترک جایگیر شده و به شدت تکرار و تبلیغ و تلقین و صدهزار بار گفتن و نوشتن عقیده راسخ عامه شده و به همان اندازه که قبل از جنگ سابق داستان آل‌راس ولورن و دشمنی با آلمان در نشریات مملکت فرانسه لاینقطع تکرار می‌شد و یا تبلیغ ضد یهودی بعد از سرکار آمدن هیتلر در آلمان رواج داشت و ماشین تبلیغ مستمر آقای گوبلز آن را شب و روز تکرار می‌کرد یا عقاید کمونیستی و ضد بورژوازی در مسکو از بیست و شش سال به این طرف تکرار می‌شود به همان اندازه هم عقیده پان ترکیزم و ضدیت با اقوام «اسیرکننده» ترکها در ترکیه از سی و شش سال به این طرف تکرار و تبلیغ مستمر می‌شود.

حالا ببینیم آیا فایده‌ای از مقاله‌نویسی به زبان فارسی در قم یا طنز (یا تهران) بر ضد این عقاید یا مخصوصاً بر ضد یکی از هزاران هزار نشریات دارای آن عقیده که اتفاقاً به دست یک قونسول ایرانی در یک گوشه ترکیه در روز مبارکی از روزها افتاده و مشارالیه لطف نموده داده آن را برای فهم ما بدبختها به زبان «عذب الیابان» فرانسه ترجمه کرده‌اند مترتب است یا نه؟

اگراندی فایده‌ای بر تبلیغ مخالف مترتب بود تنها در آن بود که بر فرض محال نویسندگان ترکی دان زبردست ما به ترکی بسیار فصیح و استادانه آن هم به طوری که خود ادبای

ده‌ها هزار کشته، زخمی و بازداشت با بی‌سابقه‌ترین سرکوب حکومتی؛ جمهوری اسلامی به دنبال «عادی» جلوه دادن شرایط ایران!



● اعتراضات خیزش ملی ۴۰۴ سومین هفته خود را پشت سر گذاشته است و پس از سرکوب مسلحانه معترضان و رقم زدن کشتاری بی‌سابقه از سوی جمهوری اسلامی، شرایط امنیتی و شبه‌حکومت‌نظامی در شهرهای مختلف برقرار است.

● روزنامه بریتانیایی ساندی‌تایمز در گزارشی با استناد به آمارهای محرمانه پزشکان در ایران شمار جان‌باختگان سرکوب اعتراضات دی ۴۰۴ را حدود ۱۶ هزار و ۵۰۰ نفر ارزیابی کرده است. این گزارش همچنین برآورد کرده بیش از ۳۳۰ تا ۳۶۰ هزار نفر نیز در جریان اعتراضات زخمی شده‌اند.

● رسانه‌های حکومتی در ایران گزارش داده‌اند جمهوری اسلامی در روزهای آینده به صورت گام‌به‌گام امکان دسترسی کاربران به پیام‌رسان‌های داخلی را بر بستر اینترنت ملی فراهم خواهد کرد. به این ترتیب دسترسی شهروندان به اینترنت جهانی همچنان محدود خواهد ماند.

● پس روزهای متوالی تعطیلی مدارس در کشور، وزارت آموزش و پرورش روز گذشته اعلام کرد همه مدارس و در تمامی مقاطع در سطح کشور از امروز یکشنبه ۲۸ دی‌ماه بازگشایی خواهند شد.

● دانشگاه‌ها نیز در حالی به‌ظاهر قرار است فعالیت عادی خود را از سر گیرند که ده‌ها دانشجو در سراسر کشور جان‌باخته، و تعداد زیادی نیز مجروح و یا بازداشت شده‌اند.

● رسانه‌های حکومتی نیز به شکل سازمان‌یافته تلاش دارند آنچه در کشور در جریان است را «عادی» جلوه دهند و خبرهایی از وضعیت آب‌وهوا و فوتبال و تهدید مهلت ثبت‌نام در انتخابات شوراهای اسلامی شهرها منتشر کنند. در این میان روایت‌سازی درباره اعتراضات و کشتار بی‌سابقه شهروندان نیز از سوی این خبرگزاری‌ها در جریان است.

● در آنسو فعالان حقوق بشر در تلاش هستند تا از کوچک‌ترین مسیر ارتباطی بین داخل و خارج از کشور استفاده و بتوانند فاجعه سرکوب ده‌ها هزار شهروند معترض را مستندسازی کنند تا حقیقت در لابه‌لای روایت‌سازی سازمان‌یافته جمهوری اسلامی پنهان نماند و روزی مقامات جمهوری اسلامی را برای جنایاتی که مرتکب شده‌اند محاکمه شوند.

● بسیاری از تحلیلگران نیز معتقدند اگر چه جمهوری اسلامی در سرکوبی بی‌سابقه توانسته کنترل خیابان‌ها را به‌دست بگیرد اما خشم و تفر مردم از حکومت افزایش یافته و معادلات میان مردم و جمهوری اسلامی مطلقاً «عادی» نخواهد شد.

با گذشت سه هفته از آغاز اعتراضات خیزش ملی و انجام خونین‌ترین سرکوب اعتراضات قرن حاضر از سوی جمهوری اسلامی، حکومت سعی در «عادی‌سازی» شرایط کشور دارد؛

با اینهمه هیچ چیز برای مردم ایران عادی نیست! اعتراضات خیزش ملی ۴۰۴ که هفتم دی‌ماه جاری با اعتراضات بازاریان آغاز شده بود، سومین هفته خود را پشت سر گذاشته است و پس از سرکوب مسلحانه معترضان و رقم زدن کشتاری بی‌سابقه از سوی جمهوری اسلامی،

این گزارش افزوده در مواردی انتقال اجساد از بیمارستان‌ها و دفن‌های مخفیانه نیز مورد تأکید قرار گرفته است. یک گزارش غیررسمی که از سوی فعالان صنفی منتشر شده اما همچنان «کیهان لندن» نمی‌تواند آن را تأیید یا تکذیب کند، از انتقال شماری پیکر گمنام به آرامستان «بهشت سکینه» کرج و دفن آنها پس از سرکوب خونین ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه حکایت دارد.

این گزارش غیررسمی افزوده کارکنان «بهشت سکینه» از دستور دفن دسته‌جمعی پیکر جان‌باختگان خودداری کرده و پیکرها را مستندسازی کرده و از چهره‌ها به‌صورت گروه‌های ۱۰ نفره عکس‌برداری کردند تا خانواده‌ها بتوانند عزیزان خود را شناسایی کنند.

هفته گذشته شورای سردبیری تلویزیون «ایران‌اینترنشنال» در بیانیه‌ای درباره شمار جان‌باختگان انقلاب ملی ایرانیان نوشت در بزرگ‌ترین کشتار تاریخ معاصر ایران، عمدتاً در شب‌های ۱۸ و ۱۹ دی دست‌کم ۱۲ هزار نفر به قتل رسیده‌اند و تأکید کرده «این کشتار در سکوت دفن نخواهد شد».

شبکه خبری «سی‌بی‌اس نیوز» نیز گزارش داده آمار جدید کشته‌شدگان خیزش ملی که از ایران به‌تدریج منتشر شد، نشان می‌دهد جمهوری اسلامی از زمان آغاز خیزش سراسری، بین ۱۲ هزار تا ۲۰ هزار معترض را به قتل رسانده است. به‌رغم چنین کشتار خونین و بی‌سابقه‌ای، معترضان ایرانی همچنان به مبارزه برای آزادی در خیابان‌ها ادامه می‌دهند. «مرکز داده‌های باز ایران» روز شنبه ۲۷ دی‌ماه ۱۴۰۴ گزارشی اعلام کرد که بررسی آماری خونین‌ترین اعتراضات مردمی دو دهه اخیر در جهان نشان می‌دهد که بیش از نیمی از قربانیان این وقایع در ایران کشته شده‌اند. این گزارش با در نظر گرفتن رقم ۱۲ هزار کشته - و نه بیشتر - تأکید کرده بود که اعتراضات دی ۱۴۰۴ بزرگ‌ترین سرکوب معترضان از سوی حکومت در قرن بیست و یکم بوده است.

وضعیت اینترنت و ارتباطات نیز با ورود اعتراضات

شرایط امنیتی و شبه‌حکومت‌نظامی در شهرهای مختلف برقرار است. همچنین دهمین روز از قطع سراسری اینترنت و محدودسازی شدید ارتباطی شهروندان درون ایران گذشته است.

جمهوری اسلامی در این اعتراضات، و به‌ویژه در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه، بزرگ‌ترین سرکوب حکومتی شهروندان معترض و غیرمسلح در قرن بیست و یکم را رقم زد.

روزنامه بریتانیایی ساندی‌تایمز در گزارشی با استناد به آمارهای محرمانه پزشکان در ایران شمار جان‌باختگان سرکوب اعتراضات دی ۴۰۴ را حدود ۱۶ هزار و ۵۰۰ نفر ارزیابی کرده است. این گزارش همچنین برآورد کرده بیش از ۳۳۰ تا ۳۶۰ هزار نفر نیز در جریان اعتراضات زخمی شده‌اند.

در این گزارش آمده نیروهای حکومتی در جریان اعتراضات خیابانی شهروندان، با استفاده از سلاح جنگی و تکتیراندازها به معترضان شلیک کرده‌اند. ساندی‌تایمز نیز مانند گزارش‌هایی که پیشتر از شیوه سرکوب جمهوری اسلامی منتشر شده، تأکید کرده اغلب قربانیان جوانان زیر ۳۰ سال بوده‌اند.

این گزارش افزوده نیروهای بسیج و امنیتی پس از پایان عملیات سرکوب، اقدام به جمع‌آوری اجساد از سطح خیابان‌ها کرده و پیکر جان‌باختگان را برای دفن به شهرهای دیگر منتقل کرده‌اند تا آثار کشتار از بین برود. در مواردی نیز برای تحویل پیکر جان‌باختگان به خانواده‌ها، مبالغ کلان دریافت شده که به نظر می‌رسد بخشی از تلاش سازمان‌یافته حکومت برای پنهان‌سازی ابعاد واقعی کشتار معترضان محسوب می‌شود.

این روزنامه بریتانیایی همچنین نوشته بر اساس برآوردهای اولیه، احتمال می‌رود بیش از ۸ هزار نفر از معترضان در جریان این سرکوب‌ها بر اثر اصابت گلوله‌های ساچمه‌ای و جنگی به ناحیه صورت و چشم، دچار نابینایی کامل یا جزئی شده باشند.

وضعیت ایران از محورهای نشست اضطراری شورای دفاع فرانسه



امانوئل ماکرون / عکس: رویترز

● کاخ الیزه روز دوشنبه ۲۹ دی ۱۴۰۴ اعلام کرد نشست اضطراری شورای دفاع فرانسه به ریاست امانوئل ماکرون، برگزار شد و یکی از موضوعات مورد بحث وضعیت ایران بود.

● ماکرون پیش‌تر در «ایکس» نوشته بود، «من خشونت دولتی را که به‌طور کورکورانه زنان و مردان ایرانی را که با شجاعت خواستار احترام به حقوق خود هستند هدف قرار می‌دهد، محکوم می‌کنم.»

● شاهزاده رضا پهلوی ۲۶ دی ۱۴۰۴ در کنفرانس خبری گفت با تأکید بر نقش کشورهای اروپایی، به‌ویژه فرانسه، گفت هرچه همبستگی جامعه جهانی با مردم ایران بیشتر باشد، امکان توقف سرکوب و تسریع تغییرات بنیادین افزایش می‌یابد. او فرانسه را کشوری مهم با پیشینه تاریخی و فرهنگی برجسته و روابط دیرینه با ایران توصیف کرد و افزود اکنون زمان آن است که پاریس موضعی روشن اتخاذ کند.

کاخ الیزه روز دوشنبه ۲۹ دی ۱۴۰۴ اعلام کرد نشست اضطراری شورای دفاع فرانسه به ریاست امانوئل ماکرون، برگزار شد و یکی از موضوعات مورد بحث وضعیت ایران بود.

ماکرون پیش‌تر در «ایکس» نوشته بود، «من خشونت دولتی را که به‌طور کورکورانه زنان و مردان ایرانی را که با شجاعت خواستار احترام به حقوق خود هستند هدف قرار می‌دهد، محکوم می‌کنم.»

او تأکید کرده بود، که احترام به آزادی‌های بنیادین یک مطالبه جهانی است و «ما در کنار همه کسانی هستیم که از این آزادی‌ها دفاع می‌کنند.»

با این همه اما بسیاری از ناظران می‌گویند فرانسه همواره به دنبال مداخلات با رژیم ایران است.

شاهزاده رضا پهلوی ۲۶ دی ۱۴۰۴ در کنفرانس خبری گفت با تأکید بر نقش کشورهای اروپایی، به‌ویژه فرانسه، گفت هرچه همبستگی جامعه جهانی با مردم ایران بیشتر باشد، امکان توقف سرکوب و تسریع تغییرات بنیادین افزایش می‌یابد. او فرانسه را کشوری مهم با پیشینه تاریخی و فرهنگی برجسته و روابط دیرینه با ایران توصیف کرد و افزود اکنون زمان آن است که پاریس موضعی روشن اتخاذ

در ادامه اقدام سازمانیافته برای عادی نشان دادن وضعیت کشور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، و اعضای شورای اسلامی شهر و روستا به کار عادی بازگشته و در گفتگو با رسانه‌ها درباره جلسات و مصوبات اطلاع‌رسانی می‌کنند.

رسانه‌های حکومتی نیز به شکل سازمانیافته تلاش دارند آنچه در کشور در جریان است را «عادی» جلوه دهند و خبرهایی از وضعیت آب‌وهوا و فوتبال و تهدید مهلت ثبت‌نام در انتخابات شوراهای اسلامی شهرها منتشر کنند. در این میان روایت‌سازی درباره اعتراضات و کشتار بی‌سابقه شهروندان نیز از سوی این خبرگزاری‌ها در جریان است. در آنسو فعالان حقوق بشر در تلاش هستند تا از

→ به چهارمین هفته، و با وجود سرکوب اعتراضات و تجمعات خیابانی از سوی حکومت، همچنان با قطع و محدودیت روبروست.

نت‌بلاکس که وضعیت اینترنت در کشورهای مختلف را رصد و منتشر می‌کند ساعاتی پیش در آخرین گزارش خود درباره وضعیت اینترنت در ایران اعلام کرده «قطع اینترنت در ایران به دهمین روز رسید. اینترنت در ایران کاملاً قطع است و هرچند بهبود بسیار محدود و کوتاه‌مدتی در سطح دسترسی برخی کاربران یا مناطق ثبت شد، اما دوام نداشت.» رسانه‌های حکومتی در ایران گزارش داده‌اند جمهوری اسلامی در روزهای آینده به‌صورت گام‌به‌گام امکان دسترسی کاربران به پیام‌رسان‌های داخلی را بر بستر اینترنت ملی فراهم خواهد کرد. به این ترتیب دسترسی شهروندان به اینترنت جهانی همچنان محدود خواهد ماند.

با وجود کشته شدن هزاران شهروند، زخمی و بازداشت شدن هزاران تن دیگر، و همچنین تداوم شرایط امنیتی و شبه‌حکومت‌نظامی و سانسور اینترنت اما جمهوری اسلامی به دنبال عادی جلوه دادن شرایط کشور است.

پس روزهای متوالی تعطیلی مدارس در کشور، وزارت آموزش و پرورش روز گذشته اعلام کرد همه مدارس و در تمامی مقاطع در سطح کشور از امروز یکشنبه ۲۸ دی‌ماه بازگشایی خواهند شد.

بر اساس اطلاعیه وزارت آموزش و پرورش «فقط در برخی از استان‌ها آن هم به دلیل شرایط جوی، آموزش غیرحضوری انجام می‌شود.»

این اطلاعیه افزوده «در مقطع متوسطه نیز امتحانات طبق برنامه برگزار می‌شود و درباره زمان برگزاری امتحانات به تعویق افتاده هم تصمیم‌گیری و اطلاع‌رسانی خواهد شد.» دانشگاه‌ها نیز در حالی به‌ظاهر قرار است فعالیت عادی خود را از سر گیرند که ده‌ها دانشجو در سراسر کشور جان‌باخته، و تعداد زیادی نیز مجروح و یا بازداشت شده‌اند. معاونت آموزشی دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف) در اطلاعیه‌ای اعلام کرده «با توجه به مشکلات دانشجویان در شرایط کنونی و در عین حال، ابلاغ وزارت علوم مبنی بر امکان تعویق امتحانات حداکثر تا ۴ بهمن، امتحانات روزهای ۲ و ۳ بهمن به ترتیب به روزهای ۱۶ و ۱۷ بهمن منتقل شد، لذا امتحانات پایان نیمسال جاری به صورت حضوری از ۴ تا ۱۷ بهمن برگزار می‌شود.»

این اطلاعیه افزوده با جابجایی امتحانات پایانی نیمسال جاری، کلاس‌های نیمسال آتی از روز دوشنبه ۲۷ بهمن آغاز و برنامه نیمسال آتی دچار تغییرات جزئی می‌شود. اطلاعیه‌هایی مشابه درباره ادامه فعالیت دانشگاه‌ها در روزهای آینده و همچنین شرایط خوابگاه‌های دانشجویی که تعدادی از آنها طی سه هفته گذشته تعطیل و یا با منع رفت‌وآمد از غروب روبرو شده بود منتشر شده است.

همچنین صداسیما جمهوری اسلامی گزارش داده خانوارها در دهک‌های ۸، ۹ و ۱۰ از امروز، یکشنبه ۲۹ دی‌ماه، می‌توانند برای خرید و استفاده از اعتبار ماهانه یک میلیون تومان به ازای هر عضو خانوار در طرح جدید کالا برگ الکترونیکی به فروشگاه‌های تحت پوشش مراجعه کنند. همچنین رئیس سازمان اداری و استخدامی نیز اعلام کرده «با توجه به اینکه نزدیک به ۲ هفته اینترنت کشور دچار اختلال شده بود، ثبت‌نام جذب ۵۰۰ مدیر جوان تهدید خواهد شد.» او افزوده آزمون بهمن‌ماه برگزار خواهد شد.

کوچکترین مسیر ارتباطی بین داخل و خارج از کشور استفاده و بتوانند فاجعه سرکوب ده‌ها هزار شهروند معترض را مستندسازی کنند تا حقیقت در لابه‌لای روایت‌سازی سازمانیافته جمهوری اسلامی پنهان نماند و روزی مقامات جمهوری اسلامی را برای جنایاتی که مرتکب شده‌اند محاکمه شوند.

بسیاری از تحلیلگران نیز معتقدند اگر چه جمهوری اسلامی در سرکوبی بی‌سابقه توانسته کنترل خیابان‌ها را به‌دست بگیرد اما خشم و تنفر مردم از حکومت افزایش یافته و معادلات میان مردم و جمهوری اسلامی مطلقاً «عادی» نخواهد شد.



نشریه فارین پالیسی: ولیعهد ایران به چهره‌ای اجتناب‌ناپذیر بدل شده است



شاهزاده رضا پهلوی در هفدهمین «اجلاس ژنو برای حقوق بشر و دموکراسی» / ۳۰ بهمن ۱۴۰۳ / ۱۸ فوریه ۲۰۲۵

توانمندسازی سیاسی زنان به تدریج پیرامون روحانی‌ای تا آن زمان گمنام به نام روح‌الله خمینی شکل گرفت. فردی که با بهره‌گیری از بسیج خیابانی، خشونت و عوام‌فریبی مذهبی، در مقابله با برنامه‌های اصلاحی حکومت قد علم کرد.

در چنین فضای آکنده از بیم و امید بود که شهپانو فرح پسری به دنیا آورد. نام او را رضا نامیدند و تقریباً بلافاصله عنوان ولیعهدی بر او نهاده شد.

کمتر از دو دهه بعد، توسط همان روحانی مخالف، نظام پادشاهی سرنگون شد و به جای آن حکومتی تمامیت‌خواه و دینی برپا شد. اما تاریخ با طنزهای تلخ و گاه هولناک خود در همین‌جا متوقف‌نماند.

امروز، در حالی که جمهوری اسلامی با بی‌سابقه‌ترین تهدید علیه بقای خود روبروست، شاهزاده رضا پهلوی با جنبشی سراسری و فراگیر، بار دیگر به‌عنوان پرتعدادترین نماد آینده سیاسی ایران سر برآورده است.

برخی افزایش محبوبیت او را صرفاً نوستالژی می‌دانند. اما می‌توان آن را به همان اندازه نشانه‌ای از سرکشی نسل جوان نیز تعبیر کرد. نسلی که جهان‌نگر و آشنا با فناوری و زبان دیجیتال است که از انتخاب‌های تراژیک که تاریخ بر آنان تحمیل کرده به خشم آمده، و نیز جلوه‌ای از حسرت و پشیمانی عمیق در میان نسل‌های پیشین و سالخورده‌تر ایرانی است.

در زمان وقوع انقلاب اسلامی، ولیعهد در ایالات متحده آمریکا مشغول تحصیل و گذراندن دوره‌های آموزش ←

● اگر ایران در آستانه لحظه‌ای سرنوشت‌ساز باشد، آن لحظه نه به منجی احتیاج دارد و نه به رستگارکننده، بلکه نیازمند تسهیل‌گری است که بتواند اعتماد میان شکاف‌های عمیق را بازسازی کند. در همین فضای محدود اما حیاتی، شاهزاده رضا پهلوی خود را نه حاکم آینده ایران، بلکه به مثابه امانت‌دار گذار میان دو دوره سیاسی معرفی کرده است. و اگر آن لحظه فرا برسد، تصور گذار سیاسی در ایران بدون نقشی برای او، روز به روز دشوارتر می‌شود.

رضا پهلوی در روزگاری آکنده از التهاب و دگرگونی چشم به جهان گشود. پدرش، محمدرضا شاه پهلوی، در یکی از حساس‌ترین و سرنوشت‌سازترین مقاطع سلطنت طولانی خود که از سال ۱۳۲۰ خورشیدی آغاز شده بود، قرار داشت. در فاصله پنج سال پیش و پس از تولد فرزندش در ۹ آبان ۱۳۳۹ (۳۱ اکتبر ۱۹۶۰)، شاه بار دیگر ازدواج کرد. تصمیمی برخاسته از نگرانی‌های جانشینی و نیاز فوری به ولیعهد. در حالی که کشور با فشارهای فزاینده اقتصادی و شتابی بی‌سابقه در تحولات اجتماعی نیز روبرو بود.

شاه در آستانه اجرای «انقلاب سفید» قرار داشت. مجموعه‌ای از اصلاحات که قرار بود با توزیع اراضی، اعطای حق رأی به زنان، گسترش آموزش عمومی و تضعیف نظام‌مند ساختارهای سنتی قدرت، بافت اجتماعی ایران را برای همیشه دگرگون سازد.

مخالفت با این اصلاحات، به ویژه اصلاحات ارضی و

● ولیعهد ایران اکنون به شخصیتی بدل شده است که نمی‌توان او را نادیده گرفت. شاهزاده رضا پهلوی فرزند شاه فقید ایران، مسیری طولانی و پرآشوب را از سال‌های نوجوانی در تبعید تا جایگاهی پیموده است که امروز او را به یکی از برجسته‌ترین نمادهای محوری، در تصویر آینده ایران پس از جمهوری اسلامی می‌دانند.

● شاهزاده رضا پهلوی در یکی از پرتلاطم‌ترین مقاطع تاریخ معاصر ایران متولد شد. در دورانی که پدرش، شاهنشاه محمدرضا پهلوی، در آستانه اجرای اصلاحاتی قرار داشت که ساختار اجتماعی کشور را برای همیشه دگرگون کرد. اکنون، بیش از چهار دهه پس از سقوط نظام پادشاهی، او بار دیگر در کانون توجه سیاسی ایران قرار گرفته است. آن هم در شرایطی که جمهوری اسلامی با شدیدترین بحران مشروعیت خود روبروست.

● همزمان، با افول تدریجی مشروعیت نظام، در برخی اعتراضات درون ایران، شعارهایی در ستایش از پدر بزرگ ولیعهد، رضاشاه شنیده شد. این شعارها نخستین نشانه‌های بازنگری مردمی در دوران پهلوی بود؛ روندی که پژوهشگران و تاریخ‌شناسان سال‌ها پیش آغاز کرده بودند.

● با تشدید سرکوب در سال‌های اخیر و تبدیل مطالبه اصلاح به درخواست صریح تغییر رژیم، نقش رضا پهلوی نیز دگرگون شد. به‌تدریج و نه بدون مقاومت، او به‌عنوان شخصیتی دیده شد که توان گردآوردن ائتلافی گسترده در داخل و خارج از ایران را برای مدیریت دوران گذار دارد.

داخل و خارج از ایران را برای مدیریت دوران گذار دارد. او البته منتقدان جدی نیز دارد. برخی به تدریجی بخشی از هواداران سلطنت طلب و اصرار آنان بر وفاداری ایدئولوژیک اشاره می‌کنند و این رفتارها را نگران‌کننده می‌دانند. گروهی دیگر نیز با یادآوری خاطره تلخ سال ۱۳۵۷، از تکرار تجربه فریب تاریخی خمینی هشدار می‌دهند. روحانی‌ای کسی که پیش از به قدرت رسیدن، وعده جمهوری دموکراتیکی شبیه فرانسه می‌داد، اما پس از پیروزی، استبدادی شبیه حکومت ساوونارولا در فلورانس رنسانس بنا نهاد.

این نگرانی‌ها بی‌اساس نیستند، اما سرنوشت محتوم را رقم نمی‌زنند. ایران امروز، ایران ۱۳۵۷ نیست. مبارزات مستمر برای رسیدن به دموکراسی، افزایش نیروهای مخالف و خرد سیاسی نهفته در جنبش «زن، زندگی، آزادی»، امکان استقرار دوباره قدرت توسط یک دیکتاتوری تازه را به مراتب کاهش داده است. افزون بر این، خمینی سال‌ها پیش از انقلاب نیز سابقه‌ای طولانی و اندیشه‌های آشکار ضد دموکراتیک داشت. استبداد حادثه‌ای ناخواسته و اتفاقی نبود بلکه جوهره حکومت او بود.

کارنامه رضا پهلوی مسیری متفاوت را نشان می‌دهد. نزدیک به چهار دهه، او گاه با ناکامی، گاه با دشواری، اما پیوسته در کنار دیگران کار کرده و کوشیده است قدرت شخصی را فدای همکاری جمعی و ائتلاف‌سازی کند.

با این همه، طنز تلخ تاریخ درست در مقطعی که تاریخ بیش از هر زمان به تأکید بر دموکراسی نیاز دارد، برخی از پرشورترین هواداران او به رفتارهایی متوسل می‌شوند که با این هدف در تضاد است. از برهم زدن تجمعات مخالفان غیرسلطنت طلب گرفته تا حملات مجازی علیه چهره‌هایی چون نرگس محمدی و نسرين ستوده، وکیل برجسته حقوق بشر.

کوشش‌های مکرر شاهزاده رضا پهلوی برای فاصله گرفتن از این گرایش‌ها همه منتقدان را قانع نکرده است. با این حال، شمار بیشتری از ایرانیان چه در داخل و چه در خارج از کشور، او را معتبرترین چهره وحدت بخش در افق سیاسی کنونی ایران می‌دانند. نظرسنجی موسسه معتبر «گمان» در هلند نشان می‌دهد که حدود یک سوم ایرانیان از او حمایت می‌کنند. رقمی که هیچ شخصیت سیاسی دیگری در سپهر سیاست ایران به این سطح از مقبولیت نزدیک نیست.

نکته اساسی آن است که شاهزاده رضا پهلوی بارها به صراحت اعلام و تأکید کرده که در پی قدرت برای خود نیست. او نقش خویش را آشکارا «گذار محور» توصیف می‌کند: یاری رساندن به عبور ایران از ویرانه‌های جمهوری اسلامی به سوی نظامی دموکراتیک و سکولار که شکل نهایی آن نه به دست او، نه هیچ دودمان یا جناحی، بلکه با رأی آزاد ملت تعیین شود.

در فرهنگی سیاسی زخم خورده از استبداد -چه سلطنتی و چه روحانی- این تأکید اهمیتی ژرف و بنیادین دارد. اگر ایران در آستانه لحظه‌ای سرنوشت‌ساز باشد، آن لحظه نه به منجی احتیاج دارد و نه به رستگارکننده، بلکه نیازمند تسهیل‌گری است که بتواند اعتماد میان شکاف‌های عمیق را بازسازی کند. در همین فضای محدود اما حیاتی، شاهزاده رضا پهلوی خود را نه حاکم آینده ایران، بلکه به مثابه امانت‌دار گذار میان دو دوره سیاسی معرفی کرده است. و اگر آن لحظه فرا برسد، تصور گذار سیاسی در ایران بدون نقشی برای او، روز به روز دشوارتر می‌شود.

منبع: فارین پالسی
ترجمه: کیهان لندن

گرفت، در حالی که نیازهای اولیه مردم نادیده گرفته می‌شد.

همزمان، با افول تدریجی مشروعیت نظام، در برخی اعتراضات درون ایران، شعارهایی در ستایش از پدر بزرگ ولیعهد، رضاشاه شنیده شد. این شعارها نخستین نشانه‌های بازنگری مردمی در دوران پهلوی بود؛ روندی که پژوهشگران و تاریخ‌شناسان سال‌ها پیش آغاز کرده بودند.

در این فضا، رضا پهلوی از ارزیابی دوباره کارنامه پدر بزرگ و پدرش بهره‌مند شد: رضاشاه که پس از کودتای ۱۲۹۹ خورشیدی وارث کشوری فرو پاشیده و دولتی ناکارآمد شد و محمدرضا شاه که تا سال ۱۳۵۷ بر یکی از سریع‌ترین اقتصادهای در حال رشد جهان در حال توسعه حکومت کرد.

در این بازنگری تاریخی، جایگاه شهبانو فرح نیز اهمیتی ویژه یافت. بانویی که وقار او در برابر تبعید، سوگ و سال‌ها تخریب و بدنام‌سازی، به تدریج صورتی اسطوره‌ای به خود گرفت. او به‌عنوان حامی فرهنگ و بنیان‌گذار نهادهای ماندگار شناخته شد و یکی از ارزشمندترین مجموعه‌های هنر مدرن جهان غیرغربی را گرد آورد: آثاری از پیکاسو، پولاک و روتکو. آثاری که زمانی «تجمل‌گرایانه» و «اصراف» خوانده می‌شدند و همچنان به عنوان «یادگارهای منحن» پنهان نگاه داشته شده‌اند، امروز هر بار که از زیرزمین موزه‌های تهران بیرون می‌آیند، با تحسین عمومی روبرو می‌شوند و ارزش آن‌ها تا حدود پنج میلیارد دلار برآورد می‌شود.

ترکیب این بازنگری تاریخی و تجربه زیسته فاجعه حکومت روحانیون، به نوعی حساب‌رسی نسلی انجامید. سه نسل از ایرانیان زیر فشار یک حکومت نظامی زیسته‌اند که بر ارزش‌هایی کهنه استوار است و توسط حلقه‌ای بسته از ایدئولوگ‌های سالخورده و فرزندان آرمندشان اداره می‌شود؛ این در حالی است که جامعه ایران همچنان جوان باقی مانده، جامعه‌ای پویا با زنان و مردانی جسور که حاضر نیستند وضع موجود را بپذیرند.

این نسل‌های جوان، پیوسته از جنبش سبز ۱۳۸۸ به بعد، موج‌های پیایی اعتراض را رقم زدند که اوج آن جنبش «زن، زندگی، آزادی» در سال ۱۴۰۱ بود، علیه جمهوری اسلامی برخاسته‌اند. رضا پهلوی در این اعتراضات نقش محوری نداشت، اما به آن‌ها واکنش نشان داد و آگاهانه کوشید خود را با حلقه‌ای جوان‌تر از مشاوران، کنشگران و سازمان‌دهندگان احاطه کند. افرادی که بیش از آنکه محصول سیاست‌های تبعید باشند، از تجربه زیست درون جامعه ایران و از اندیشه‌های نوین تأثیر گرفته بودند.

او بارها در پاسخ به این پرسش که پس از فروپاشی نظام کنونی، چه نوع حکومتی را مطلوب می‌داند، تأکید کرده است که شکل حکومت آینده در درجه دوم اهمیت قرار دارد و آن‌چه اصل است، ماهیت نظام است. تصمیم نهایی با مردم خواهد بود، اما جوهر آن باید حاکمیت مردم، برابری جنسیتی و حقوق بشر باشد.

از آغاز کنشگری دموکراتیک رضا پهلوی، پایگاه اجتماعی او ناگزیر متنوع و گاه ناسازگار بوده است. در یک سو، سلطنت‌طلبان سرسختی قرار دارند که خواهان بازگشت اقتدار دودمانی‌اند؛ و در سوی دیگر، دموکرات‌های سکولاری که او را نه پادشاه آینده، بلکه چهره‌ای مدنی و وحدت‌بخش می‌بینند. در ابتدا هدف این ائتلاف، هرچند محدود، اما حیاتی بود: بازتاب صدای ایرانیانی که خواهان آزادی، کرامت انسانی و حکومتی پاسخگو هستند.

با تشدید سرکوب در سال‌های اخیر و تبدیل مطالبه اصلاح به درخواست صریح تغییر رژیم، نقش رضا پهلوی نیز دگرگون شد. به تدریج و نه بدون مقاومت، او به‌عنوان شخصیتی دیده شد که توان گردآوردن ائتلافی گسترده در

خلیانی بود. اندکی بعد، او نیز به خانواده‌اش پیوست و همراه آنان راه تبعید از ایران را در پیش گرفت.

در اواخر سال ۱۹۷۹، اندکی پس از آن که شاه در نیویورک تحت عمل جراحی قرار گرفته بود، خانواده پهلوی بطور موقت و تحقیرآمیز در همان پایگاه نیروی هوایی آمریکا که ولیعهد زمانی در آن آموزش دیده بود، عملاً در بازداشت قرار گرفتند.

هم‌زمان با گروگان‌گیری دیپلمات‌های آمریکایی در تهران، شاه و خانواده‌اش نیز به گروگان شرایط بدل شدند؛ از کشوری به کشور دیگر رانده می‌شدند و حتی از سوی متحدانی که روزگاری از بخشنده‌گی و حمایت‌های سلطنتی شاه بهره برده بودند، پذیرفته نمی‌شدند.

شاهزاده رضا پهلوی با درگذشت پدرش در تبعید در مصر، وارد مسیری شد که اکنون بیش از چهار دهه به طول انجامیده است. او گزینه‌های گوناگونی پیش رو داشت، اما آگاهانه، دشوارترین راه را برگزید. می‌توانست، چون برخی وارثان دودمان‌های فرو پاشیده، زندگی‌ای مرفه و بی‌دغدغه در پیش گیرد. یا حتی جایگاه سلطنتی خود را به کالایی برای شهرت، غم‌خیز یا ثروت اندوزی بدل سازد.

او هیچ‌یک از این راه‌ها را انتخاب نکرد. در عوض، به کاری تقریباً سزیف‌وار دست زد: او کوششی طاقت‌فرسا را برای گردآوردن جامعه ایرانیان پراکنده، ناامید و عمیقاً دچار تفرقه در تبعید، در قالب چیزی شبیه به یک ائتلاف سیاسی آغاز کرد.

در این مسیر دشوار، او در آغاز نه به دیاریان، بلکه به افراد آزموده عرصه فرهنگ و سیاست روی آورد: چهره‌هایی چون احمد قریشی، رئیس پیشین یکی از دانشگاه‌ها و هرمز حکمت، از برجسته‌ترین روشنفکران و اندیشمندان نسل خود. او از مرزهای ایدئولوژیک عبور کرد و کوشید با سلطنت‌طلبان، لیبرال‌ها، ملی‌گرایان، سوسیال دموکرات‌ها و چپ‌گرایان سکولار به گفتگو بنشیند.

آن روزها هدف این بود که تمامی نیروها در قالب صدایی واحد گرد هم آیند و پیام مردم ایران و روایت رنج‌ها و مبارزات آنان به گوش جهانیان رسانده شود.

او که عمدتاً میان واشنگتن و پاریس در رفت و آمد بود، در گردهمایی‌های کوچک و بزرگ ایرانیان با گرایش‌های گوناگون سخن می‌گفت و به چهره‌ای وحدت بخش تبدیل شد. دفتر کوچک او بیش از هر چیز مرکز هماهنگی دیدارها بود. گروه‌ها و سازمان‌های مختلف، هر یک با دستور کار خاص خود، مدعی نزدیکی به او بودند. او با همگی گفتگو می‌کرد، اما هم‌زمان فاصله‌اش را حفظ می‌نمود.

گاه به صراحت اعلام می‌کرد که از به کارگیری ادبیات تند و روش‌های خشن برای خاموش ساختن مخالفان، حتی آنان که با بازگشت سلطنت همراه نبودند، مخالف است. این مواضع موجب ناخشنودی هواداران رادیکال‌ش می‌شد و منتقدانش همچنان می‌گویند که او برای مهار و پایان دادن به این رفتارها به اندازه کافی اقدام نکرد.

او تمسخر حکومت روحانیان از جمله تلاش تحقیرآمیز خمینی که او را «پهلوی کوچک کوچک» خواند را نیز تاب آورد. با این همه، شاهزاده رضا پهلوی مسیر خود را ادامه داد.

با انباشته شدن ناکامی‌های جمهوری اسلامی، از تصلب ایدئولوژیک و ناتوانی اقتصادی گرفته تا فساد ساختاری و ماجراجویی‌های منطقه‌ای، چشم‌انداز سیاسی کشور به تدریج دگرگون شد. طی دو دهه گذشته، رژیم بیش از پیش در داخل کشور به سبب هزینه کرد ده‌ها میلیارد دلار برای سرکوب و نفوذ خارجی، حمایت از حکومت دیکتاتوری اسد تا مسلح ساختن نیروهای نیابتی در لبنان، مورد انتقاد قرار

وال استریت ژورنال: ترامپ به دنبال گزینه‌های «قاطع» علیه رژیم ایران است



دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا و پیت هگست وزیر دفاع

رژیم را تغییر دهید، باید دست به عملیات گسترده زمینی و هوایی بزنید.»

در بخش دیگری از گزارش «وال استریت ژورنال» آمده، همزمان دولت گام‌های بعدی را بررسی می‌کند، ارتش آمریکا با به تقویت تجهیزات و نیروهای خود در خاورمیانه سرعت داده است.

بنابر داده‌های رهگیری پروازها و به گفته مقامات آمریکایی، جنگنده‌های «اف-۱۵ ای» (F-15E) آمریکا روز یکشنبه در اردن به زمین نشستند. همچنین بنابر داده‌های ردیاب‌های ترافیک دریایی، ناو هواپیمابر «یواس اس آبراهام لینکلن» و گروه ضربتی آن که شامل ناوشکن‌ها، جنگنده‌های اف-۳۵ و دیگر جنگنده‌ها است، در حال حرکت از دریای جنوبی چین به سمت غرب و به سوی خلیج فارس مشاهده شده‌اند.

به گفته مقامات آمریکایی، همچنین قرار است با هدف دفع هرگونه اقدام تلافی‌جویانه جمهوری اسلامی تعداد بیشتری سامانه پدافند هوایی از نوع «پاتریوت» و «تاد» در منطقه مستقر شود. به گفته این مقامات، ورود تجهیزات نظامی بیشتر به خاورمیانه گزینه‌های بیشتری برای حمله در اختیار آمریکا می‌گذارد.

مارکو روبیو مشاور امنیت ملی و وزیر خارجه آمریکا روز دوشنبه با فیصل بن فرحان وزیر خارجه عربستان سعودی درباره ایران گفتگو کرد. بنابر این گزارش، آمریکا برای اجرای کارزار هوایی علیه ایران به حمایت عربستان سعودی نیاز خواهد داشت.

بنابر این گزارش، طی هفته گذشته همزمان با اعتراضات ایران، ترامپ در چند جلسه درباره پیچیدگی‌های کارزار نظامی علیه ایران حاضر شد. یکی از موارد مطرح شده در این جلسات این بود که حمله هوایی آمریکا به ایران لزوماً منجر به فروپاشی جمهوری اسلامی نخواهد شد.

از آن زمان، برخی مقامات آمریکایی، پرسش‌هایی را درباره اهداف سیاسی حملات به ایران در این مقطع مطرح کرده‌اند. آقای ترامپ می‌داند که هر اقدام نظامی آمریکا، مدت‌ها پس از آن انجام خواهد شد که او به معترضان وعده

لازم را برای آمریکا جهت حمله به ایران فراهم کند. درخواست ترامپ برای انجام یک یک عملیات «قاطع» علیه جمهوری اسلامی، دستیاران او در پنتاگون و کاخ سفید را بر آن داشته است که مجموعه‌ای از گزینه‌ها، از جمله آن‌هایی که با هدف سرنگونی رژیم ایران طراحی شده‌اند را اصلاح کنند.

مقامات آمریکایی همچنین در حال طراحی گزینه‌های محدودترند که می‌تواند شامل هدف قرار دادن مواضع سپاه پاسداران باشد.

به گفته مقامات آمریکایی، اگرچه دونالد ترامپ هنوز دستور حمله به ایران را صادر نکرده و روشن نیست در نهایت چه تصمیمی خواهد گرفت، اما ادامه این چنین گفتگوهای نشان می‌دهد که او مجازات جمهوری اسلامی را به دلیل کشتار معترضان کنار نگذاشته است.

ترامپ روز سه‌شنبه در پاسخ به پرسشی مبنی بر این که آیا گزینه نظامی هنوز روی میز است، گفت: «درباره ایران، آن‌ها می‌خواستند ۸۳۷ نفر را به دار آویزند و من به آن‌ها فهماندم که اگر چنین اتفاقی بیفتد، روز بدی برای آن‌ها خواهد بود و تصمیم گرفتند که این کار را نکنند.»

به گفته مقام‌های پیشین و کارشناسان، پرسش اصلی‌تر مقابل دولت ترامپ این است که آیا می‌توان حکومت را در یک کشور خارجی تنها با قدرت هوایی آمریکا سرنگون کرد؟ کاخ سفید همچنین باید با این پرسش روبه‌روست که اگر معترضان ایرانی دوباره به خیابان بیایند و از ترامپ حمایت کنند، آیا دولت آمریکا برای اجرای کارزار نظامی مستمر که ممکن است هفته‌ها یا ماه‌ها طول بکشد، آمادگی دارد یا خیر؟

دیوید دپتولا ژنرال بازنشسته نیروی هوایی آمریکا که در سال ۱۹۹۱ در کارزار هوایی «عملیات طوفان صحرا» علیه عراق نقش کلیدی ایفا کرد، می‌گوید: «در جریان سرکوب‌ها، گزینه‌های نظامی کارهایی را می‌توانند انجام دهند و کارهایی را نمی‌توانند انجام دهند. شما می‌توانید از برخی رفتارهای رژیم جلوگیری کنید. اما اگر واقعاً می‌خواهید

● روزنامه «وال استریت ژورنال» روز سه‌شنبه ۲۰ ژانویه (۳۰ دی) گزارش داد، آمریکا در حال اعزام یک ناو هواپیمابر و چندین جنگنده به خاورمیانه است. استقرار این تجهیزات ممکن است آغاز تقویت گسترده نیروهای آمریکایی در منطقه باشد که در صورت تصمیم دونالد ترامپ، توان آتش لازم را برای آمریکا جهت حمله به ایران فراهم کند.

● درخواست ترامپ برای انجام یک یک عملیات «قاطع» علیه جمهوری اسلامی، دستیاران او در پنتاگون و کاخ سفید را بر آن داشته است که مجموعه‌ای از گزینه‌ها، از جمله آن‌هایی که با هدف سرنگونی رژیم ایران طراحی شده‌اند را اصلاح کنند.

● به گفته مقام‌های پیشین و کارشناسان، پرسش اصلی‌تر مقابل دولت ترامپ این است که آیا می‌توان حکومت را در یک کشور خارجی تنها با قدرت هوایی آمریکا سرنگون کرد؟ کاخ سفید همچنین باید با این پرسش روبه‌روست که اگر معترضان ایرانی دوباره به خیابان بیایند و از ترامپ درخواست حمایت کنند، آیا دولت آمریکا برای اجرای کارزار نظامی مستمر که ممکن است هفته‌ها یا ماه‌ها طول بکشد، آمادگی دارد یا خیر؟

به گفته مقامات آمریکایی، اگرچه دونالد ترامپ فعلاً از حمله به ایران عقب‌نشینی کرده است، اما همچنان از دستیاران خود می‌خواهد که گزینه‌های نظامی «قاطع» را علیه جمهوری اسلامی ارائه کنند. این در حالیست که از یک سو سرکوب‌ها علیه مردم ایران افزایش یافته و از سوی دیگر آمریکا به سرعت در حال اعزام تجهیزات نظامی به خاورمیانه است.

روزنامه «وال استریت ژورنال» روز سه‌شنبه ۲۰ ژانویه (۳۰ دی) گزارش داد، آمریکا در حال اعزام یک ناو هواپیمابر و چندین جنگنده به خاورمیانه است. استقرار این تجهیزات ممکن است آغاز تقویت گسترده نیروهای آمریکایی در منطقه باشد که در صورت تصمیم دونالد ترامپ، توان آتش

پارلمان اروپا با اکثریت آراء سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را سازمان تروریستی اعلام کرد



برقراری حکومت نظامی در شهرهای مختلف ایران

استقبال می‌شود و اتحادیه اروپا نیز باید علیه تمامی مقامات و نهادهای مسئول سرکوب مردم ایران «اقدام سریع» انجام دهد. این قطعنامه تلاش‌های رژیم برای سانسور اعتراض‌ها از طریق قطع اینترنت را محکوم کرده و از اتحادیه اروپا و کشورهای عضو می‌خواهد حمایت فنی و مالی خود را برای ابزارهای عبور از سانسور و حفاظت در برابر دستکاری سایبری و اطلاعاتی افزایش دهند. نمایندگان پارلمان همچنین خواستار پایان اعدام‌ها، آزادی بازداشت‌شدگان و پاسخگو کردن رژیم در قبال جنایات آن هستند.

روبرت متسولا رئیس پارلمان اروپا در پیامی در شبکه «ایکس» نوشت: «از خیابان‌های تهران تا قلب پارلمان اروپا، پیام روشن است: ایران باید آزاد شود، و ایران آزاد می‌شود.» متسولا همچنین عنوان کرد: «پارلمان اروپا به‌طور گسترده از آرمان‌های مردم ایران حمایت کرده و خواستار توقف سرکوب و اعدام‌ها، آزاد کردن زندانیان سیاسی و مجازات سرکوبگران شده است.»

او تأکید کرد: «حتی در شرایط قطع ارتباطات و خاموشی‌ها، صدای مردم ایران شنیده می‌شود و آنها تنها نیستند.»

حمایت پارلمان اروپا از مردم ایران از اهمیت قابل توجهی برخوردار است، اما اقدامات عملی از جمله قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی اتحادیه منوط به تصویب شورای اروپا است. هانا نویمن، نماینده آلمان در پارلمان اروپا، پیش از این گفته بود «فرانسه، ایتالیا و اسپانیا کشورهایی هستند که در حال مانع‌تراشی برای تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران در اروپا هستند.» او افزود: «در حال تلاش برای اعمال فشار بر این سه کشور هستیم تا مقاومت‌شان شکسته شود.» براساس رونوشت نامه‌ای که منابع غیررسمی از داخل ایران منتشر کرده‌اند بعد از فراخوان شاهزاده رضا پهلوی در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه، براساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی «مسئولیت امنیت کل کشور به سپاه پاسداران» واگذار گردید. در طول سه هفته اعتراضات ضدحکومتی در ایران بین ۱۲ تا ۲۰ هزار نفر از مردم توسط نیروهای امنیتی کشته شدند.

● پارلمان اروپا روز پنجشنبه ۲۲ ژانویه ۲۰۲۶ (دوم بهمن ۱۴۰۴)، با ۵۶۲ رأی موافق، ۹ رأی مخالف و ۵۷ رأی ممتنع «قتل‌عام هزاران معترض در ایران» را محکوم کرد و «قرارگرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» در فهرست تروریستی اتحادیه اروپا را تصویب کرد.

● در بیانیه پارلمان اروپا آمده، قتل‌عام هزاران معترض در ایران نشانه‌ای از رویدادی هولناک در سرکوب مخالفان و قتل‌عام سیستماتیک توسط رژیم ایران است.

● پارلمان از شورای اتحادیه اروپا خواسته بدون تأخیر، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، از جمله بسیج و نیروی قدس، را به‌طور کامل به‌عنوان سازمان‌های تروریستی معرفی کند. همچنین خواستار گسترش و اجرای سختگیرانه اقدامات محدودکننده اتحادیه اروپا، از جمله مسدود کردن دارایی‌ها و ممنوعیت صدور ویزا شده است.

پارلمان اروپا روز پنجشنبه ۲۲ ژانویه ۲۰۲۶ (دوم بهمن ۱۴۰۴)، با ۵۶۲ رأی موافق، ۹ رأی مخالف و ۵۷ رأی ممتنع «قتل‌عام هزاران معترض در ایران» را محکوم کرد و «قرارگرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» در فهرست تروریستی اتحادیه اروپا را تصویب کرد.

در بیانیه پارلمان اروپا آمده، قتل‌عام هزاران معترض در ایران نشانه‌ای از رویدادی هولناک در سرکوب مخالفان و قتل‌عام سیستماتیک توسط رژیم ایران است. نمایندگان پارلمان اروپا خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی معترضان، مدافعان حقوق بشر و روزنامه‌نگاران هستند که در حال حاضر بازداشت شده‌اند.

پارلمان از شورای اتحادیه اروپا خواسته بدون تأخیر، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، از جمله بسیج و نیروی قدس، را به‌طور کامل به‌عنوان سازمان‌های تروریستی معرفی کند. همچنین خواستار گسترش و اجرای سختگیرانه اقدامات محدودکننده اتحادیه اروپا، از جمله مسدود کردن دارایی‌ها و ممنوعیت صدور ویزا شده است. در بیانیه پارلمان اروپا آمده که از اقدامات تحریمی اخیر ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی

➔ داد «کمک در راه است» و بعید است به سرعت عملیات کنار زدن نیکولاس مادورو، رهبر پیشین ونزوئلا باشد. با این حال، هنوز مشخص نیست که حتی در صورت موفقیت آمریکا در سرنگونی جمهوری اسلامی، طرح دولت ترامپ برای چگونگی اداره شدن ایران چیست.

رمزی ماردینی، تحلیلگر ریسک ژئوپلیتیک در خاورمیانه و پژوهشگر دانشگاه استنفورد گفت: «اگرچه ممکن است به نظر بیاید که راهبرد قطع سر، پنجره‌ای از فرصت را به وجود می‌آورد، اما هیچ نیروی مخالفی در زمین یا در افق وجود ندارد که حتی بتواند رژیم را سرنگون کند، چه برسد به آن که بخواهد در کشور ثبات به وجود آورد. چه کسی قرار است خیابان‌ها را کنترل کند؟ چه کسی امنیت تسلیحات و تأسیسات نظامی و هسته‌ای را تأمین می‌کند؟ چه کسی در مرز عراق و افغانستان گشت‌زنی می‌کند؟ معترضان؟»

بعضی از مشاوران ترامپ نیز استفاده از ابزارهای غیرنظامی چون کمک به سازماندهی معترضان یا وضع تحریم‌های جدید علیه رژیم ایران را مطرح کرده‌اند از جمله اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا که در مجمع جهانی اقتصاد در داووس سوئیس گفت که فشار مالی آمریکا «موثر بود، چون اقتصاد آن‌ها فروپاشید.»

او افزود: «برای همین مردم به خیابان آمدند. این دیپلماسی اقتصادی است، بدون شلیک حتی یک گلوله و اوضاع اینجا به شکل بسیار مثبتی در حال پیشروی است.» ترامپ یک سال پیش در سخنانی مراسم تحلیف وعده داد که دولتش موفقیت خود را تا حدی با معیار «جنگ‌هایی که هرگز واردشان نمی‌شویم» خواهد سنجید.

پیت هگست وزیر دفاع آمریکا در سخنانی در «مجمع ملی دفاعی ریگان» گفت که آمریکا دیگر قرار نیست «با ملت‌سازی، مداخله‌گری، جنگ‌های بی‌مورد، تغییر رژیم» از مسیر منحرف شود.

با این حال ترامپ درباره «تغییر رهبری ایران» پیام‌های متناقضی ارسال کرده است. او هفته گذشته در گفتگو با رویترز نسبت به این که مردم ایران پس از سرنگونی رژیم پیرامون کسی مثل شاهزاده رضا پهلوی متحد شوند، ابراز تردید کرد. با این حال، او در گفتگو با پولیتیکو در واکنش به اظهارات علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی که ترامپ را مقصر اعتراضات دانسته بود گفت: «وقت آن است که به دنبال رهبری جدید در ایران باشیم.»

او افزود: «این مرد بیمار است و باید کشورش را درست اداره کند و دست از کشتار مردم بردارد.»

تهران تهدید کرده است اگر آمریکا ایران را بمباران کند و به‌ویژه رهبر رژیم را هدف قرار دهد، به مواضع آمریکا حمله کند. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری ایران روز یکشنبه گفت: «تعرض به رهبری معظم کشورمان به‌منزله جنگ تمام‌عیار با ملت ایران است.»

در ادامه این گزارش آمد، جنگنده‌های تهاجمی «اف-۱۵» در دفاع از اسرائیل در مقابل حملات پهبادی گسترده جمهوری اسلامی در سال ۲۰۲۴ نقش مهمی ایفا کردند و با شلیک موشک توانستند این پهبادها را در آسمان رهگیری کنند. از آن زمان تاکنون آمریکا این جنگنده‌ها را که رادارگریز نیستند، به‌طور ویژه برای ساقط کردن پهبادها به راکت‌های هواپه‌ل‌هوا مجهز کرده است.

با این حال، کارزار هوایی گسترده در داخل ایران احتمالاً شامل هواپیماهای رادارگریز چون جنگنده‌های «اف-۳۵» و بمب افکن‌های «بی-۲» و همچنین زیردریایی‌های با قابلیت پرتاب موشک‌های کروز خواهد بود. این در حالی است که فعلاً پرواز هیچ جنگنده «اف-۳۵» به سوی خاورمیانه مشاهده نشده است.

تیک دوم؛ روایتی از سرکوب میلیون‌ها ایرانی دیاسپورا توسط جمهوری اسلامی



● میلیون‌ها ایرانی روزهای متوالی است در انتظار «تیک دوم» پیام‌های خود به خانواده هستند اما همچنان صفحات گفتگوهای آنلاین آنها با خانواده در یک خاموشی غریب و هولناک قرار دارد.

● مهرداد می‌گوید صدای یک زن که تصویرش در ویدئو پیدا نیست به گوش او خورده که شبیه صدای مادرش است: «به شدت نگران هستم چون خواهر و برادر کوچکترم، ۲۳ و ۱۸ ساله هستند. صدبار تصور کرده‌ام آیا آن صدا واقعا مادرم است؟ آیا خواهر یا برادرم در خیابان تیر خورده‌اند؟ در کما هستند و برای همین نتوانسته‌اند به پدر و مادرم خبر بدهند که زنده هستند و مادرم در کهریزک دنبال آنها می‌گردد؟»

● خواهر نیلوفر هم از جمله معترضان بود که به خیابان می‌رفت. او می‌گوید روز عصر هجدهم به وقت محلی ایران، حدود ساعت پنج و چهل‌وسه دقیقه آخرین پیام از خواهرش را دریافت کرد: «نگران نباش، برگشتم خبر میدم»؛ اما همچنان خواهر نیلوفر پیامی نداده است.

● پرنیان می‌گوید فرزند چهار ساله‌اش هر روز با مادر بزرگش تماس ویدئویی داشت اما «حالا چند روز است دسترسی ما به خانواده قطع شده و اختلال اضطرابی فرزندم تشدید شده و شب ادراری هم پیدا کرده است.»

● هومن هم می‌گوید خانواده‌اش و دیگر اعضای فامیل و دوستان صمیمی‌اش در شهر اهواز در اعتراضات حضور فعال داشته‌اند اما با وجود خبرهایی از تیراندازی‌های مرگبار در هجدهم و نوزدهم دی‌ماه در اهواز، هیچ خبری از خانواده و دیگر اعضای فامیل ندارد.

● کاربر دیگری از گزارش‌ها متوجه جان باختن دوستش شده؛ دیگری نوشته برادر جوانش را از دست داده و پس از چند روز فهمیده، و یکی دیگر از کشته شدن پسرعموی جوانش سه روز پس از خاکسپاری او خبردار شده است.

روشنک آسترکی - قطع اینترنت در ایران در حالی وارد دومین هفته شده که همزمان خطوط موبایل و حتی تلفن‌های ثابت برای تماس‌های خارجی با محدودیت شدید روبرو هستند. اگر چه خاموشی سراسری اینترنت به‌عنوان ابزار سرکوب شهروندان معترض در داخل کشور و پنهان کردن ابعاد سرکوب فجیع و مرگبار اعتراضات انجام شده است اما دامنه سرکوب حکومتی شهروندان ایرانی دارای ابعادی گسترده است و حتی ایرانیان مقیم دیگر کشورها نیز از اقدامات سرکوبگرانه و انتقام‌جویانه جمهوری اسلامی قرار دارند. میلیون‌ها ایرانی روزهای متوالی است در انتظار «تیک دوم» پیام‌های خود به خانواده هستند اما همچنان صفحات گفتگوهای آنلاین آنها با خانواده در یک خاموشی غریب و هولناک قرار دارد.

اینترنت جهانی در ایران ساعت ۲۲ پنجشنبه ۱۸ دی‌ماه به وقت محلی و در بحبوحه بزرگترین اعتراضات ضدحکومتی در تاریخ جمهوری اسلامی قطع شد. همزمان با قطع سراسری اینترنت، ایجاد اختلال در خطوط موبایل و حتی محدودیت تماس خارجی برای تلفن‌های ثابت در دستور کار قرار گرفت. اگر چه تعداد بسیار محدودی از شهروندان که پیشتر تجهیزات اینترنت استارلینک را تهیه کرده بودند به مدت تقریباً دو روز پس از قطع سراسری اینترنت در کشور، همچنان به اینترنت دسترسی داشتند اما جمهوری اسلامی اینترنت استارلینک را نیز با استفاده از تجهیزات «اخلالگرهای نظامی» با اختلال جدی روبرو کرد. به این

ترتیب ارتباط ده‌ها میلیون شهروند در ایران با دنیای خارج به ارتباطی یکطرفه از طریق کانال‌های ماهواره‌ای محدود شد که این مسیر نیز با پارازیت‌اندازی روبروست.

در چنین شرایطی نه تنها بیش از ۸۰ میلیون شهروند ساکن ایران در یک اسارت سازمان‌یافته ارتباطی بسر می‌برند بلکه میلیون‌ها ایرانی ساکن از خارج از کشور نیز بیش از یک هفته است که از حال و شرایط خانواده، دوستان و عزیزان خود بی‌اطلاع هستند. اضطراب جمعی ایرانیان دیاسپورا، به عنوان یکی از ابعاد سرکوب جمهوری اسلامی علیه شهروندان، با انتشار گزارش‌ها، ویدئوها و تصاویری از کشتار گسترده معترضان بعد از قطع سراسری اینترنت افزایش پیدا کرده است. اندک ایرانیانی که در این فاصله از کشور خارج شده و امکان یا شهادت اطلاع‌رسانی درباره روزهای خونین پس از قطع اینترنت را داشته‌اند روایت‌هایی آخرالزمانی از آنچه جمهوری اسلامی بر سر ملت ایران، به‌ویژه در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه، آورده بیان می‌کنند. به رگبار بستن مردم در برخی شهرها، استفاده از تگ تیراندازی‌هایی که از روی پشت‌بام‌ها سر شهروندان معترض را نشانه گرفته، و دستور تیراندازی به قصد کشت، تنها بخشی از این روایت‌هاست. سرگردانی چند روزه خانواده‌ها برای یافتن نشانی از عزیزانشان، ساعت‌ها جستجو در میان تصاویر جان‌باختگان در سردخانه‌ها، زدن تیر خلاص به مجروحان حتی در بیمارستان‌ها، و آمارهایی بین ۱۲ هزار تا ۲۰ هزار جان‌باخته که گویای کشتاری سازمان‌یافته و البته بی‌سابقه در تاریخ ایران است!

ابعاد آنچه طی هفته سوم دی‌ماه در ایران رخ داده تکانه‌دهنده و گسترده است که بخش‌هایی از آن نیاز به داشتن اطلاعات دقیق‌تر و امکان برقراری ارتباط با شهروندان درون کشور است تا روشن‌تر شود. یک بُعد آن اما سرکوب جمعی ایرانیان خارج از کشور توسط جمهوری اسلامی و در شرایط قطع مسیریهای ارتباطی با داخل است؛ بُعدی که در برابر به رگبار بسته شدن شهروندان بی‌دفاع در خیابان‌ها ناچیز به نظر می‌رسد اما یک ترومای جمعی در میان میلیون‌ها شهروند ایرانی ساکن خارج از ایران با آسیب‌های روانی و عاطفی پایدار به شمار می‌رود و به همین علت نباید در فهرست تباهکاری‌های جمهوری اسلامی ثبت نشود.

این گزارش تلاش کرده روایت‌های چند تن از ایرانیان خارج از کشور که چنین سرکوبی را متحمل شدند بازتاب دهد. در این گزارش برای حفظ امنیت و البته حفظ حریم خصوصی افراد از اسم مستعار استفاده شده است.

مهرداد دانشجوی ۲۸ ساله مقطع کارشناسی ارشد در کانادا است. او از هجدهم دی‌ماه تا زمان این گفتگو، ۲۳ دی‌ماه از خانواده خود کاملاً بی‌اطلاع است. روز یکشنبه ۲۱ دی‌ماه ویدئوهایی از پیکرهای تلنبار شده جان‌باختگان اعتراضات در کهریزک منتشر شد که مردم حاضر در ویدئو سرگردان به دنبال عزیزان خود بودند و برخی گریه و شیون می‌کردند. مهرداد می‌گوید صدای یک زن که تصویرش در ویدئو پیدا نیست به گوش او خورده که شبیه صدای مادرش است: «ویدئو را هزار بار دیده‌ام اما فقط یک صدای کوتاه است که به شکل عجیبی به صدای مادرم شباهت دارد. به شدت نگران هستم چون خواهر و برادر کوچکترم، ۲۳ و ۱۸ ساله هستند. صدبار تصور کرده‌ام آیا آن صدا واقعا مادرم است؟ آیا خواهر یا برادرم در خیابان تیر خورده‌اند؟ در کما هستند و برای همین نتوانسته‌اند به پدر و مادرم خبر بدهند که زنده هستند و مادرم در کهریزک دنبال آنها می‌گردد؟» مهرداد می‌گوید بارها تصویر خواهر و برادر جوانش را در حالیکه مجروح هستند، روی تخت بیمارستان هستند، در کاورهای سیاه در کهریزک بی‌جان افتاده‌اند و حتی به خاک سپرده شده‌اند را تصور کرده است. می‌گوید شاید یک میلیون بار در این مدت با خانه و موبایل‌های اعضای خانواده و فامیل و همسایه تماس گرفته و همه تماس‌ها ناموفق بوده‌اند؛ و به گفته خودش «یک نفس تا جنون» فاصله دارد.

نیلوفر ساکن سوئد است و مانند میلیون‌ها ایرانی دیگر پیام‌هایش به اعضای خانواده و فامیل در واتساپ «تیک دوم» را نخورده است. آنها آنلاین نیستند و او نمی‌داند چه اتفاقی در شهر کوچکشان در شمال ایران رخ داده است؛ شهری که تا ۱۸ دی‌ماه مردم حضور فعالی در اعتراضات داشتند. خواهر نیلوفر هم از جمله معترضان بود که به خیابان می‌رفت. او می‌گوید روز عصر هجدهم به وقت محلی ایران، حدود ساعت پنج و چهل‌وسه دقیقه آخرین پیام از خواهرش را دریافت کرد: «نگران نباش،

نمای نزدیک؛ از جرقه تا انقلاب شیروخورشید



ویدئو

مردم با صدایی رسا «پهلوی» را فریاد می‌زنند و اهداف و برنامه‌های او را راه حل مسائل کشور می‌دانند. شاهزاده رضا پهلوی که طی سالیان همواره یار و همراه مردم ایران بوده، اینبار نیز با دقت ناظر بر اوضاع بود و دوشنبه هشتم دیماه ۴۰۴ با مخابره پیمای ویدئویی مردم را به همبستگی برای عبور از رژیم تشویق کرد و از تمام گروه‌های اجتماعی خواست به معترضان در خیابان بپیوندند. تهیه و تنظیم از فرید خلیفی

اعتراضات دی ۴۰۴ چگونه شکل گرفت؟
از جرقه تا انقلاب شیروخورشید
اعتراضات دیماه ۴۰۴ که از جاوید شاه در مشهد به بازار تهران رسیده بود، یکبار دیگر پویایی جنبش اعتراضی در ایران تحت اشغال رژیم اسلامی را نشان داد. اما اینبار تفاوتی مهم با قبل داشت. صدایی رساتر از همیشه از مردم به گوش می‌رسید که حالا علاوه بر آزادی و رفاه، قصد دارد بر گسست ۵۷ غلبه کرده و آن را همانجا صفر کند!

سکوت بره‌ها



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

برگشتم خبر میدم؛ اما همچنان خواهر نیلوفر پیامی نداده است. نیلوفر می‌گوید وقتی ساعاتی بعد از این پیام از ویدئوها متوجه حضور میلیونی مردم در خیابان شده، تلاش کرده با خواهر، مادر و پدرش تماس بگیرد اما موفق نشده و همچنان نگران خواهر جوانش است.

پرنیان و همسرش از چند ماه پیش با ویزای کار به اروپا مهاجرت کرده و کودک آنها به علت دوری از مادر بزرگ دچار اختلال اضطرابی است. پرنیان می‌گوید فرزند چهار ساله‌اش هر روز با مادر بزرگش تماس ویدئویی داشت اما «حالا چند روز است دسترسی ما به خانواده قطع شده و اضطراب فرزندم تشدید شده و شب ادراری هم پیدا کرده است.»

هومن هم می‌گوید خانواده‌اش و دیگر اعضای فامیل و دوستان صمیمی‌اش در شهر اهواز در اعتراضات حضور فعال داشته‌اند اما با وجود خبرهایی از تیراندازی‌های مرگبار در هجدهم و نوزدهم دی‌ماه در اهواز، هیچ خبری از خانواده و دیگر اعضای فامیل ندارد و به شدت در اضطراب و استرس قرار دارد. او دانشجو است و باید ماه آینده از پایان‌نامه‌اش دفاع کند اما می‌گوید همه چیز در زندگی‌اش مختل شده و مدام در حال رفرش کردن اپلیکیشن‌هایش است تا شاید از خانواده، دوستان و فامیلش خبری بگیرد.

این بی‌خبری که حالا درد مشترک میلیون‌ها ایرانی است زندگی روزمره سودابه را هم مختلف کرده است. او می‌گوید پدرش ناراحتی قلبی دارد و مادرش در حال درمان سرطان است و قرار بوده ۲۰ دی‌ماه عمل کند. او و برادرش هر دو ساکن خارج از ایران، و از والدین خود بی‌خبر هستند. سودابه می‌گوید به علت نگرانی و اضطراب از روز دوشنبه مرخصی گرفته و سر کار نرفته است. در خانه مانده اما باز هم شدت اضطراب او را دچار حمله عصبی کرده و دوستش او را به بیمارستان برده است. او می‌گوید اگر تا چند روز دیگر نتواند از خانواده‌اش خبر بگیرد به ایران می‌رود.

یکی از کاربران ایرانی در «ایکس» هم از شرایط یک ایرانی مهاجر نوشته که یک عضو خانواده‌اش از مدتی پیش در کما در بخش مراقبت‌های ویژه بستری بوده و آخرین اطلاع او این بوده که احتمالاً این عضو خانواده دچار مرگ مغزی شده و قرار بوده روز جمعه اعضای خانواده درباره رضایت برای قطع دستگاه‌ها یا ادامه انتظار تصمیم‌گیری کنند و او همچنان نمی‌داند آیا این عضو خانواده در قید حیات است یا دستگاه‌ها از او جدا شده و احتمالاً به خاک سپرده شده است.

کاربر دیگری تصویری از یک دستنوشته منتشر کرده است؛ مادرش دستنوشته‌ای با خط خودش نوشته و خبر سلامت خود و خانواده را داده؛ دستنوشته را به فرودگاه «امام» تهران برده و از یک خانواده که سفر خارجی داشته‌اند خواسته به محض رسیدن به دنیای آزاد، از طریق واتس‌آپ این دستنوشته را برای دخترشان بفرستند. این خانواده هم مهربانی کرده و پذیرفته و به این شکل دختر را از حال خانواده باخبر کرده‌اند.

کاربر دیگری از گزارش‌ها متوجه جان باختن دوستش شده؛ دیگری نوشته برادر جوانش را از دست داده و پس از چند روز فهمیده، و یکی دیگر از کشته شدن پسرعموی جوانش سه روز پس از خاکسپاری او خبردار شده است.

اینها تنها نمونه‌هایی از رنج و اضطرابی است که جمهوری اسلامی به ایرانیان ساکن خارج از کشور که شمار آنها بین ۷ تا ۹ میلیون نفر برآورد می‌شوند وارد کرده است. این در حالیست که روز گذشته فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت اعلام کرده احتمالاً قطع اینترنت در کشور تا بهار ادامه پیدا خواهد کرد. این خبر به معنای تداوم سرکوب ارتباطی شهروندان در درون و البته خارج از کشور از سوی حکومتی است که برای بقا دست به هر اقدامی علیه شهروندان خود می‌زند.

جمهوری اسلامی، رکورددار کشتار شهروندان معترض در قرن بیست و یکم

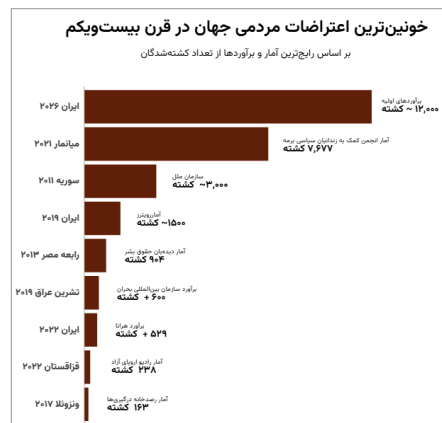


مورد علیه جمهوری اسلامی رخ داده است: اعتراضات آبان ۱۳۹۸، خیزش «زن، زندگی، آزادی» ۱۴۰۱ و اعتراضات دی ۱۴۰۴. برآورد می‌شود که در این سه موج اعتراضی، در مجموع، نیروهای سرکوب حکومت بیش از ۱۴ هزار نفر را کشته باشند. «مرکز داده‌های باز ایران» تأکید کرده کشتار اخیر که برآورد می‌شود دست‌کم ۱۲ هزار نفر در آن به قتل رسیده باشند، تنها در چند روز نخست سال میلادی جاری، ۲۰۲۶ را به خونین‌ترین سال تاریخ معاصر تبدیل کرده است. «مرکز داده‌های باز ایران» نوشته مطلع شده است که مقامات وزارت بهداشت در سومین روز سرکوب اعتراضات فقط در تهران حداقل پنج هزار کشته ثبت کرده بودند. بر اساس این گزارش پیش از این، سرکوب معترضان در میانه‌ها در سال ۲۰۲۱ با ثبت ۷۶۷۷ قربانی، خونین‌ترین اعتراضات مردمی به شمار می‌رفت. این آمار به نقل از «انجمن کمک به زندانیان سیاسی در برمه (میانمار)» ارائه شده است.

این گزارش افزوده پس از آن، اعتراضات خونین سوریه در سال ۲۰۱۱ در جایگاه سوم قرار دارد. نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به فرماندهی قاسم سلیمانی نقشی کلیدی در سرکوب و کشتار معترضان سوری ایفا کرد. سازمان ملل متحد برآورد کرده است که حدود ۳ هزار سوری طی هفت ماه در آن سال کشته شده باشند.

اعتراضات خونین آبان ۱۳۹۸ ایران در رتبه بعدی قرار می‌گیرد. آن اعتراضات در پی افزایش قیمت بنزین آغاز شد. درباره شمار قربانیان، آمارهای متفاوتی ارائه شده است. در حالی که مقام‌های جمهوری اسلامی تعداد کشته‌ها را ۲۲۵ نفر اعلام کردند، سازمان عفو بین‌الملل هویت ۳۲۳ قربانی را تأیید کرده است. این در حالی است که خبرنگاری رویترز به نقل از منابع ناشناس خود در حکومت گزارش داده بود که تعداد واقعی کشته‌شدگان حدود ۱۵۰۰ نفر بوده است. در این رده‌بندی، اعتراضات سال ۱۴۰۱ ایران در واکنش به کشته‌شدن مهسا امینی در جایگاه هفتم قرار دارد. بنا بر گزارش منابع حقوق بشری، دست‌کم کشته شدن ۵۲۰ نفر در خیزش «زن، زندگی، آزادی» محرز شده است.

کرده «این کشتار در سکوت دفن نخواهد شد». شورای سردبیری ایران‌اینترنشنال اعلام کرده این آمار را بر اساس اطلاعات رسیده از یک منبع نزدیک به شورای عالی امنیت ملی، دو منبع در دفتر ریاست جمهوری، روایت‌های رسیده از چند منبع در سپاه پاسداران در شهرهای مشهد، کرمانشاه و اصفهان، روایت شاهدان عینی و خانواده‌های کشته‌شدگان، گزارش‌های میدانی، داده‌های مرتبط با مراکز درمانی، و اطلاعاتی را که پزشکان و پرستاران در شهرهای مختلف محاسبه کرده است. شبکه خبری «سی‌بی‌اس نیوز» گزارش داد آمار جدید



کشته‌شدگان خیزش ملی که از ایران به‌تدریج منتشر شد، نشان می‌دهد جمهوری اسلامی از زمان آغاز خیزش سراسری، بین ۱۲ هزار تا ۲۰ هزار معترض را به قتل رسانده است. به‌رغم چنین کشتار خونین و بی‌سابقه‌ای، معترضان ایرانی همچنان به مبارزه برای آزادی در خیابان‌ها ادامه می‌دهند. «مرکز داده‌های باز ایران» روز شنبه ۲۷ دی‌ماه ۱۴۰۴ در گزارشی اعلام کرده بررسی آماری خونین‌ترین اعتراضات مردمی دو دهه اخیر در جهان نشان می‌دهد که بیش از نیمی از قربانیان این وقایع در ایران کشته شده‌اند. بر اساس این گزارش در بین ۹ خیزش قرن بیست و یکم، سه

● خیزش ملی ۴۰۴ از روز دوازدهم با سرکوب مسلحانه بی‌سابقه‌ای از سوی حکومت روبرو شد و دست‌کم ۱۲ هزار شهروند معترض در شهرهای مختلف کشور جان خود را از دست دادند.

● «مرکز داده‌های باز ایران» تأکید کرده کشتار اخیر که برآورد می‌شود دست‌کم ۱۲ هزار نفر در آن به قتل رسیده باشند، تنها در چند روز نخست سال میلادی جاری، ۲۰۲۶ را به خونین‌ترین سال تاریخ معاصر تبدیل کرده است.

● پیش از این، سرکوب معترضان در میانمار در سال ۲۰۲۱ با ثبت ۷۶۷۷ قربانی، خونین‌ترین اعتراضات مردمی به شمار می‌رفت. این آمار به نقل از «انجمن کمک به زندانیان سیاسی در برمه (میانمار)» ارائه شده است.

بررسی آماری خونین‌ترین اعتراضات مردمی دو دهه اخیر در جهان نشان می‌دهد که بیش از نیمی از قربانیان این وقایع در ایران کشته شده‌اند. همچنین جمهوری اسلامی با کشتار دست‌کم ۱۲ هزار نفر در اعتراضات دی ۴۰۴، رکورددار کشتار معترضان در یک خیزش در قرن بیست و یکم شده است.

خیزش ملی ۴۰۴ از هفتم دی‌ماه ۱۴۰۴ آغاز و همچنان ادامه دارد. این خیزش از روز دوازدهم با سرکوب مسلحانه بی‌سابقه‌ای از سوی حکومت روبرو شد و دست‌کم ۱۲ هزار شهروند معترض در شهرهای مختلف کشور جان خود را از دست دادند. همزمان با آغاز سرکوب خونین معترضان از روز هجدهم دی‌ماه ۴۰۴، جمهوری اسلامی اقدام به قطع سراسری اینترنت، و ایجاد اختلال در تماس‌ها و ارسال پیامک با سیم‌کارت‌های موبایل و همچنین محدودیت تماس خطوط ثابت تلفن برای تماس با خارج از کشور شد.

در حالیکه همچنان بخشی از ابعاد کشتار شهروندان پنهان مانده است اما آمارها و گزارش‌ها از کشته شدن ۱۲ تا ۲۰ هزار نفر در جریان اعتراضات حکایت دارد.

شورای سردبیری تلویزیون «ایران‌اینترنشنال» در بیانیه‌ای درباره شمار جان‌باختگان انقلاب ملی ایرانیان نوشت در بزرگ‌ترین کشتار تاریخ معاصر ایران، عمدتاً در شب‌های ۱۸ و ۱۹ دی دست‌کم ۱۲ هزار نفر به قتل رسیده‌اند و تأکید

سکوتی جهانی که در ایران فریاد می‌شود



فروکاسته می‌شوند. جان‌هایی که می‌توان گرفت، بی‌آنکه مرگشان فوراً به مسئله‌ای اخلاقی و سیاسی تبدیل شود. تصاویری که به‌صورت پراکنده از سرکوب و کشتار منتشر می‌شود، دقیقاً در همین چارچوب قابل فهم است؛ خشونت واقعی که نظام‌مند به حاشیه رانده می‌شود.

در همین بستر است که دعوت یک مقام ارشد جمهوری اسلامی به مجمع جهانی اقتصاد در داووس، معنایی فراتر از یک رویداد دیپلماتیک پیدا می‌کند. واکنش تند لپندزی گراهام به این دعوت، عمق بحران اخلاقی را آشکار کرد. مقایسه‌ای او میان این تصمیم و رفتار جهان در برابر جنایات نازی‌ها پیش از جنگ جهانی دوم، هشدار بود درباره عادی‌سازی خشونت. پیام ضمنی چنین دعوت‌هایی برای معترضان ایرانی روشن است: جهان صدای شما را می‌شنود، اما ترجیح می‌دهد به کار خود ادامه دهد.

اگر به نظریه عدالت جان راولز بازگردیم، پرسش نهایی ساده اما بی‌رحمانه است. آیا می‌توان نظمی را عادلانه نامید که اجازه می‌دهد خشونت و مرگ به‌طور نامتوازن بر یک ملت متمرکز شود، فقط به این دلیل که جغرافیا و سیاست چنین اقتضا می‌کند؟ پاسخ روشن است. هر سکوتی در برابر این وضعیت، نقض صریح انصاف و عدالت است.

از جایگاه یک ایرانی صلح‌طلب، این پرسش دیگر صرفاً سیاسی نیست، بلکه پرسشی وجودی است. جرم ما چه بوده است؟ چرا کشور، فرهنگ، ثروت و جوانان ما باید بهای معادلاتی را بپردازند که هیچ نقشی در شکل‌گیری آن نداشته‌ایم؟

این نوشته برای اثبات یک توطئه پنهان نیست، بلکه برای ثبت یک اعتراض تاریخی است. حتی اگر روایت‌ها محل مناقشه باشند، تلفات واقعی‌اند. حتی اگر تصمیم‌ها در اتاق‌های بسته گرفته شوند، خون در خیابان‌ها ریخته می‌شود. و شاید خطرناک‌ترین لحظه تاریخ، همان باشد که جهان به این وضعیت عادت کند.

سیروس کنگرلو، پژوهشگر فلسفه سیاسی و مسائل ایران، انیستیتی دموکراسی برای پیشبرد دانش

که ثابت، منافع اقتصادی و ملاحظات ژئوپولیتیک بر جان انسان‌ها تقدم پیدا می‌کند. وبر هشدار می‌دهد که سیاستی که از هر افق ارزشی تهی شود، دیر یا زود مشروعیت خود را از دست می‌دهد. برخورد جهان با ایران، نمونه‌ای روشن از این فرسایش مشروعیت است.

در سطح منطقه‌ای نیز، مسئله صرفاً سکوت نیست. در مواردی، شاهد جلوگیری فعال از شکل‌گیری حمایت مؤثر از مردم ایران بوده‌ایم. این رفتار را باید در ترس ساختاری از سرایت اعتراض و آزادی جست‌وجو کرد. در چنین محاسبه‌ای، حفظ وضع موجود حتی به بهای جان هزاران نفر، به تصمیمی «عقلانی» تبدیل می‌شود و سیاست از اخلاق جدا شده و به حسابگری صرف فروکاسته می‌گردد.

وقتی سیاست به منطق معامله تقلیل پیدا می‌کند، رنج ملت‌ها نیز به متغیری قابل چانه‌زنی بدل می‌شود. توافقی‌های پشت‌پرده، تعلیق تصمیم‌ها و عقب‌نشینی‌های ناگهانی جای اصول اخلاقی را می‌گیرند. در چنین فضایی، حتی در اوج کشتار، به جای اقدام، سخن از «نیاز به زمان بیشتر» به میان می‌آید.

در این میان، روایت‌هایی که درباره نظم جهانی، نقش نخبگان مالی و انتقال بحران‌ها از غرب به شرق مطرح می‌شود، صرف‌نظر از درستی یا نادرستی جزئیاتشان، بازتاب بی‌اعتمادی عمیق ملت‌ها به شفافیت قدرت جهانی‌اند. اهمیت این روایت‌ها در اثبات یک طرح پنهان نیست، بلکه در نشان دادن منطقی است که رنج انسان‌ها را به هزینه‌ای قابل مدیریت در تنظیم نظم بین‌المللی فرو می‌کاهد.

برای بسیاری از ایرانیان، این احساس شکل گرفته که کشورشان به محلی برای انباشت بحران بدل شده است. جایی که خشونت می‌تواند ادامه یابد، بی‌آنکه واکنش جهانی متناسبی برانگیزد. سکوت روسیه، چین و بخش‌هایی از اروپا، و تعلل طولانی در برخورد رسمی با نهادهای سرکوبگر، این پرسش را پررنگ می‌کند که آیا محاسبه‌های ژئوپولیتیک بر ارزش جان انسان‌ها غلبه یافته است.

از نگاه جورجو آگامبن، چنین وضعیتی به «استثنای دائمی» شباهت دارد؛ وضعیتی که در آن انسان‌ها به حیات عریان

● در تاریخ سیاست، لحظاتی فرا می‌رسد که سکوت دیگر نشانه‌ای احتیاط یا بی‌طرفی نیست، بلکه خود به شکلی از کنش بدل می‌شود؛ کنشی که می‌تواند به اندازه‌ی تصمیم‌گیری مستقیم، پیامدهای مرگبار داشته باشد.

● تصمیم‌گیری درباره اینکه کدام فاجعه «بحران فوری» تلقی شود و کدام رنج به پرونده‌ای قابل تعویق بدل گردد، خود شکلی از اعمال قدرت است. رنج ایرانیان سال‌هاست در چنین تعلیقی نگه داشته شده است.

● وقتی سیاست به منطق معامله تقلیل پیدا می‌کند، رنج ملت‌ها نیز به متغیری قابل چانه‌زنی بدل می‌شود. توافقی‌های پشت‌پرده، تعلیق تصمیم‌ها و عقب‌نشینی‌های ناگهانی جای اصول اخلاقی را می‌گیرند. در چنین فضایی، حتی در اوج کشتار، به جای اقدام، سخن از «نیاز به زمان بیشتر» به میان می‌آید.

● سکوت روسیه، چین و بخش‌هایی از اروپا، و تعلل طولانی در برخورد رسمی با نهادهای سرکوبگر، این پرسش را پررنگ می‌کند که آیا محاسبه‌های ژئوپولیتیک بر ارزش جان انسان‌ها غلبه یافته است.

سیروس کنگرلو - در تاریخ سیاست، لحظاتی فرا می‌رسد که سکوت دیگر نشانه‌ای احتیاط یا بی‌طرفی نیست، بلکه خود به شکلی از کنش بدل می‌شود؛ کنشی که می‌تواند به اندازه‌ی تصمیم‌گیری مستقیم، پیامدهای مرگبار داشته باشد. آنچه امروز در ایران جریان دارد، از همین جنس است. سرکوب عریان، کشتار خیابانی و فرسایش هدفمند سرمایه انسانی، ایران را به صحنه‌ای تبدیل کرده که دیگر نمی‌توان آن را با واژه‌هایی چون «بحران پیچیده» یا «وضعیت در حال بررسی» توضیح داد. پرسش اصلی این است که چگونه جهانی که خود را مدافع حقوق بشر می‌داند، در برابر چنین وضعیتی این چنین طولانی و معنادار سکوت کرده است.

این سکوت نه تصادفی است و نه ناشی از ناآگاهی. جمهوری اسلامی بیش از چهار دهه موضوع تحلیل، گزارش و گفت‌وگوی دیپلماتیک بوده است. با این حال، در بزنگاه‌هایی که جامعه ایران هزینه را با جان خود پرداخته، واکنش غالب قدرت‌های جهانی به بیانیه‌های محتاطانه و ابراز «نگرانی» محدود شده است. این همان وضعیتی است که هانا آرنست از آن با عنوان عادی‌شدن شرّ یاد می‌کند؛ جایی که مسئولیت اخلاقی در لایه‌های بوروکراتیک گم می‌شود و بی‌عملی به روالی پذیرفته‌شده بدل می‌گردد. در چنین شرایطی، سکوت دیگر فقدان کنش نیست، بلکه نوعی مشارکت غیرمستقیم است.

مسئله اما فقط اخلاقی نیست، بلکه عمیقاً سیاسی است. میشل فوکو نشان می‌دهد که قدرت مدرن بیش از آنکه با زور عریان عمل کند، از طریق کنترل معنا و چارچوب‌بندی واقعیت‌ها پیش می‌رود. تصمیم‌گیری درباره اینکه کدام فاجعه «بحران فوری» تلقی شود و کدام رنج به پرونده‌ای قابل تعویق بدل گردد، خود شکلی از اعمال قدرت است. رنج ایرانیان سال‌هاست در چنین تعلیقی نگه داشته شده است؛ خشونت‌های واقعی است اما در زبان رسمی جهان به حاشیه رانده می‌شود.

در سنت جامعه‌شناسی سیاسی، ماکس وبر سیاست را میدان تنش میان اخلاق باور و اخلاق مسئولیت می‌داند. آنچه امروز از سوی بسیاری از دولت‌ها دیده می‌شود، نسخه‌ای سرد و تقلیل‌یافته از اخلاق مسئولیت است؛ جایی

نیو استیتسمن: رژیمی گرفتار بحران‌های خودساخته، تا چه زمانی دوام خواهد آورد؟



زد، شمار جان باختگان تأیید شده تا زمان نگارش این گزارش به ۶۴۶ نفر رسیده است. آماری که به‌طور غیرمعمول شامل ۱۳۳ نفر از نیروهای انتظامی نیز می‌شود.

با این حال، اگر تجربه‌های پیشین ملاک قرار گیرد، این رقم به احتمال فراوان برآوردی بسیار کمتر از واقعیت است. چرا که همچنان راستی آزمایی کشته شده‌ها در خارج از شهرهای بزرگ با دشواری جدی روبروست. اغلب ارزیابی‌ها حاکی از آن است که شمار کشته‌شدگان به مراتب از هزار نفر فراتر رفته‌است؛ رقمی نزدیک به تلفات کشمکش قدرت پس از خروج شاه در سال ۱۹۷۹. این آمار همچنین شامل افرادی که عمده‌ا‌چ‌ار نقص عضو شده‌اند، نمی‌شود.

سقوط نسبتاً آسان شاه انقلابیون را غافلگیر کرد. ابراهیم یزدی، وزیر خارجه دولت موقت در سال ۱۹۷۹، در مصاحبه‌ای در دهه ۱۹۹۰ به این موضوع اذعان کرد. با این حال، با توجه به شهرت شاه به عنوان حاکمی سخت‌گیر، آنان این رخداد را نه حاصل ضعف ساختاری حکومت، بلکه نتیجه عنایت و مشیت الهی دانستند.

پیامد چنین برداشتی، شکل‌گیری نظامی بود که ترکیبی از خوداطمینانی و نوعی بدگمانی دائمی را در خود پروراند. بدگمانی‌ای برخاسته از نوعی «سندروم غاصب بودن» که به گونه‌ای متناقض با ادعای مشروعیت الهی همزیستی داشت. رهبر کنونی، علی‌خامنه‌ای، که بیش از آن‌که حاصل شایستگی باشد محصول تصادف تاریخی است، نماد بارز این تناقض است: آنان خود را برگزیده‌ی لطف الهی می‌دانند، اما اگر این لطف سلب شود چه؟ از این‌رو، هوشیاری دائمی ضروری تلقی می‌شود و «اشتباهات شاه» نباید تکرار شود. در این چارچوب، هیچ‌گونه ملاحظه یا پرده‌پوشی در بکارگیری خشونت جایز شمرده نمی‌شود.

البته کار زمانی آسان‌تر می‌شود که مخالفانشان «دشمنان انقلاب»، «عوامل بیگانه» و مهم‌تر از همه، «مرتدان» ←

● پاسخ دقیق به این که جمهوری اسلامی چه زمانی فرو خواهد پاشید، ممکن نیست. اما یک واقعیت روشن است: روند فرسایش آغاز شده و بازگشتی در کار نیست. آنچه باقی مانده، نه مسئله بقا، بلکه چگونگی و هزینه‌های پایان این حاکمیت است. هزینه‌ای که هر روز ادامه وضع موجود، آن را برای مردم ایران سنگین‌تر می‌کند.

علی انصاری - محمدرضا شاه، که در پی انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ از قدرت کنار گذاشته شد، کاستی‌هایی داشت. اما شوق و میل به ریختن خون مردم خود، هرگز از جمله آن‌ها نبود پس از سقوطش، وقتی از او پرسیدند چرا تمام قدرت دولت را علیه معترضان به کار نگرفت، پاسخ داد: «هیچ تخت پادشاهی را نمی‌توان بر خون بنا کرد».

بسیاری از مخالفان انقلابی او با این دیدگاه موافق نبودند، اما داده‌هایی که یک پژوهش پس از انقلاب گردآوری کرده، نشان می‌دهد که از سال ۱۹۶۳ تا زمان خروج شاه از کشور در ژانویه ۱۹۷۹، در مجموع ۳۱۶۴ نفر در جریان مخالفت با حکومت او جان باختند. که بخش عمده این تعداد ۲۷۸۱ نفر در سال ۱۹۷۸ و عمدتاً در تهران ثبت شده است.

بیشترین خونریزی پس از خروج شاه از کشور و در جریان کشمکش بر سر قدرت رخ داد. از آن زمان تاکنون، مقامات جمهوری اسلامی هیچ‌گونه پرهیزی در کشتن مردم خود نشان نداده‌اند. بنا بر تمامی گزارش‌ها، شمار قربانیانی که به دست این حکومت کشته شده‌اند، به مراتب از تلفات دوران شاه بسیار فراتر رفته است. چنان که تنها در سال ۱۹۸۸، حدود ۴۰۰۰ زندانی در اعدام‌های فراقضایی جان خود را از دست دادند.

در سال ۲۰۲۵، حکومت بطور میانگین روزانه پنج نفر را اعدام کرده است. در اعتراضات کنونی که از اواخر ماه دسامبر آغاز شد و کاهش شدید ارزش پول ملی جرقه آن را

● محمد رضا شاه شاید کاستی‌هایی داشت. اما شوق و میل به ریختن خون مردم خود، هرگز از جمله آن‌ها نبود. وی عقیده داشت که هیچ تخت پادشاهی را نمی‌توان بر خون بنا کرد.

● هیچ چیز به اندازه آن که جمهوری اسلامی، نظامی که بنیانش بر دشمنی با پادشاهی استوار بوده، برای کسب پشتوانه اخلاقی به پادشاهان پیشااسلامی پناه ببرد، بوی ورشکستگی اخلاقی نمی‌دهد.

● این که جمهوری اسلامی ایران تا چه زمانی دوام خواهد آورد؟ پرسشی است که امروز نه تنها در محافل سیاسی و تحلیلی جهان، بلکه در ذهن میلیون‌ها ایرانی در داخل و خارج از کشور، با شدتی بی‌سابقه مطرح می‌شود. نظامی که بیش از چهار دهه بر پایه ایدئولوژی دینی، سرکوب و کشتار معترضین بیگانه و انحصار قدرت استوار بوده، اکنون با انبوهی از بحران‌های همزمان روبروست. فروپاشی اقتصادی، فرسایش مشروعیت، شکاف عمیق میان حاکمیت و جامعه، و نسلی جوان که دیگر نه ترسی از گذشته دارد و نه امیدی به اصلاح در چارچوب موجود.

● جمهوری اسلامی طی سال‌ها نشان داده که توان بقا در شرایط فشار را دارد. اما آنچه امروز رخ می‌دهد، صرفاً یک بحران مقطعی نیست. این بار، بنیان‌های اجتماعی و اخلاقی قدرت، به چالش کشیده شده است. اعتراضات پیایی، نافرمانی مدنی، و ایستادگی زنان و جوانان، نشانه‌های جامعه‌ای است که دیگر حاضر به بازگشت به سکوت نیست.

● پرسش اصلی دیگر این نیست که آیا این نظام با بحران مواجه است یا نه؟ بلکه این است که تا چه اندازه می‌تواند در برابر انباشت این بحران‌ها تاب بیاورد. تاریخ نشان می‌دهد حکومت‌هایی که مشروعیت خود را از دست می‌دهند، ممکن است مدتی با زور دوام آورند، اما در نهایت در برابر اراده جامعه فرو می‌ریزند.

و «کافران» نامیده شوند. تعابیر و اصطلاحاتی که با فراوانی فزاینده‌ای، از زمان اعتراضات جنبش سبز در سال ۱۳۸۸ مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در آن مقطع و در تقلیدی نسبتاً صریح از الگوی چین، مقامات حکومت آشکارا اعلام کردند که برای حفظ نظام، آمادگی دارند ۱۰ هزار نفر را به قتل برسانند.

اما جمهوری اسلامی، بی‌تردید، از هیچ یک از مزایای اقتصاد سیاسی چین برخوردار نیست و در مقابل، ضعف‌های به مراتب بیشتری دارد. اعمال خشونت، هرچند گسترده و بی‌امان، آنگاه به محدودیت روبرو می‌شود که ساختارهای دولتی‌ای که قرار است با آن حفظ شوند، خود تا این اندازه سست بنیاد باشند.

این روزها درباره میزان تاب آوری دولت‌های اقتدارگرا بسیار بحث می‌شود، اما در بسیاری جهات، اساساً پرسش نادرستی مطرح شده است. اقتدارگرایی، به شکلی یا صورتی، در تجربه تاریخی بشر امری رایج بوده است. این دموکراسی است که استثنا به شمار می‌آید. چنین نظام‌هایی همواره از خشونت و، مهم‌تر از آن، از رخوت و بی‌عملی سیاسی سود می‌برند. اگر حکومت بتواند نیازهای اولیه را تأمین کند، امنیت نسبی فراهم آورد و اقتصادی کم و بیش سالم نگاه دارد، اگرهم اعتراضی صورت بگیرد، قابل مهار خواهد بود. در ایران، پیامدهای انقلاب ۱۳۵۷ چنان تلخ و تکان دهنده بود که بسیاری تمایلی به بازگشت به آن تجربه را ندارند. همین بی‌زاری غریزی از گشس سیاسی، سال‌ها به سود رهبران انقلابی تمام شد و همراه با تصاحب نسبتاً آسان دولت پهلوی - که طی ۵۰ سال شکل گرفته بود - به نوعی سهل‌انگاری سیاسی و بی‌خیالی در برنامه‌ریزی اقتصادی انجامید.

دولت پهلوی، با کاستی‌هایش، از ثروت قابل توجهی برخوردار بود و نخبگان تازه به قدرت رسیده انقلابی، مشتاق بودند غنایم پیروزی خود را به کار بگیرند. در آن سال‌ها، درک روشنی از هزینه‌ها و پیامدهای مالی وجود نداشت.

پس از پایان جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۸ و درگذشت رهبر انقلاب، آیت‌الله روح‌الله خمینی، جمهوری اسلامی خود را «آماده کسب‌وکار» معرفی کرد که دست کم برای آنان که از پیوندهای سیاسی برخوردار بودند، امری مقبول و حتی مطلوب تلقی شد.

اما مشکل آن جا بود که شیوه‌های کسب ثروت، عمدتاً بر تجارت استوار بود نه بر سرمایه‌گذاری. این وضعیت بازتاب همان «ذهنیت بازاری» حاکم بر اقتصاد سیاسی ایران و نیز فقدان یک محیط حقوقی باثبات بود. محیطی که بتواند از سرمایه‌گذاری حمایت کند و آن را گسترش دهد.

در غیاب ضوابط نهادی و حقوقی روشن، اقتصاد سیاسی کشور به قلمرو آشنای تجارت سنتی عقب نشینی کرد: اقتصادی شخصی، غیرشفاف و معامله محور، با تمرکز بر سودهای کلان کوتاه مدت، نه توسعه پایدار.

نبود تضمین‌های حقوقی از جمله حمایت مؤثر از مالکیت خصوصی، سبب شد سرمایه‌های انباشته شده غالباً به بانک‌های خارج از کشور منتقل شود. جایی که امنیت بیشتری داشت. این روند، خود به تضعیف ارزش پول ملی دامن زد. چنین وضعیتی به سود کسانی بود که سرمایه می‌اندوختند، زیرا دسترسی به ارزهای سخت به آنان امکان می‌داد در داخل ایران زندگی بسیار مرفهی داشته باشند.

بدین ترتیب، این ساز و کار معیوب و نه تحریم‌ها طی سالیان متمادی عامل اصلی کاهش ارزش پول ملی در ایران بوده است. از آن جا که حکومت انگیزه‌ای جدی برای ایجاد شفافیت یا روشنی حقوقی نداشت، اقتصاد سیاسی کشور در چرخه‌ای خود تقویت‌شونده از کاهش ارزش پول گرفتار

شد. چرخه‌ای که در آن وارثان انقلابی دولت شاه، میراث به جای مانده را در قالب نوعی غارت سازمان یافته و گسترده به هدر دادند.

چنان که کارل مارکس می‌نویسد: «سرمایه تجاری، هرگاه به موقعیت مسلط دست یابد، در همه جا نماینده نظامی مبتنی بر چپاول است.» جمهوری اسلامی در این معنا، به نمونه کامل یک دولت استخراج‌گر بدل شد. دولتی که در آن، تنها متغیر واقعی، بهای نفت بود.

دوران اوج و به ظاهر طلابی این نظام، همزمان با ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد، سیاستمدار پوپولیست و آتش مزاج در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ بود. دوره‌ای که بهای نفت به بیش از ۱۰۰ دلار برای هر بشکه جهش کرد و جمهوری اسلامی با وفور کم سابقه منابع مالی روبرو شد. این وضعیت، ظاهراً مثل تکرار رونق کالایی دهه ۱۹۷۰ به نظر می‌رسید، اما بدون آن دوراندیشی اقتصادی و برنامه‌ریزی راهبردی که نخبگان تکنوکرات عصر پهلوی در اختیار داشتند. بنا بر برخی برآوردها، درآمد نفتی ایران در هشت سال ریاست جمهوری احمدی نژاد، به بالاترین حد خود از زمان کشف نفت در ایران در سال ۱۹۰۸ تا آن مقطع رسید.

در نتیجه ولخرجی و بی انضباطی مالی، حدود ۸۰۰ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی، بی حساب و کتاب باقی ماند. امری که تا حد زیادی ناشی از آن بود که احمدی نژاد همان اختیارات نظارتی محدودی را نیز که در دولت باقی مانده بود، عملاً از میان برد. نه صندوق ثروت ملی ای شکل گرفت، نه سازوکاری برای مصون‌سازی اقتصاد در برابر نوسانات روابط بین‌المللی وجود داشت و نه سرمایه‌گذاری مؤثری در زیرساخت‌های راهبردی انجام شد. چنان که اقتصاددانان ایرانی امروز با تأسف یادآور می‌شوند، اگر کشور اکنون قادر به تأمین پایدار آب، برق و گاز برای شهروندان خود نیست، ریشه این ناتوانی را باید در فقدان برنامه ریزی مؤثر و سرمایه‌گذاری‌های لازم در بیست سال پیش دانست. برای این کاستی‌ها، راه حل‌های فوری و ساده‌ای وجود ندارد.

احمدی نژاد در روند توزیع پرشور بخشش‌های مالی، عملاً بر دگرگونی نظام بانکی از پیش ضعیف شده ایران به ساختاری شبیه یک طرح پانزی بیش از حد گسترش یافته نظارت داشت. ساختاری با دارایی‌های سرمایه‌ای اندک که وام‌هایی کلان اعطا می‌کرد بی آنکه هرگز امکان بازپرداخت آن‌ها وجود داشته باشد.

برخی تحلیلگران غربی، تحریم‌های بین‌المللی را علت اصلی نابسامانی‌های اقتصادی ایران می‌دانند. این برداشت نادرست است. بی تردید تحریم‌ها اوضاع را وخیم‌تر کرده‌اند، اما برای بسیاری از سودبرندگان اقتصادی حاکم بر ایران، تحریم‌ها نه یک مانع، بلکه نوعی مزیت تلقی می‌شوند. از این رو، تحریم‌ها علت مشکلات اقتصادی ایران نیستند. ریشه بحران‌ها در درون نظام قرار دارد.

سختگیرانه‌ترین مجازات‌ها علیه ایران در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ اِعمال شد. زمانی که در واکنش به برنامه هسته‌ای غیرشفاف جمهوری اسلامی، تحریم‌های بانکی و نفتی برقرار گردید. پیش از آن، تحریم‌های ایالات متحده به هیچ وجه فراگیر نبود و کشورهای اروپایی حتی به طور فعال می‌کوشیدند با تحریم‌های ثانویه‌ای که واشنگتن اعمال می‌کرد مقابله کنند.

در آن سال‌ها، فرصت‌های فراوانی پیش روی جمهوری اسلامی قرار داشت تا سرمایه‌گذاری خارجی به ویژه در صنعت نفت جذب کند. با این حال، دولت به گونه‌ای

نظام‌مند در بهره‌گیری از این فرصت‌ها ناکام ماند. بخشی از این ناکامی به ایدئولوژی حاکم و بدگمانی مزمینی که با آن همراه بود، بازمی‌گشت و بخشی دیگر به ساختار اقتصادی‌ای که اساساً با هنجارهای پذیرفته شده جهانی همخوانی نداشت.

فقدان شفافیت و پاسخگویی، در نهایت به آن انجامید که جمهوری اسلامی ایران در شمار تنها سه کشوری قرار گیرد که از سوی نهاد بین‌المللی مبارزه با پولشویی گروه هفت، موسوم به «کارگروه ویژه اقدام مالی» (FATF) در فهرست سیاه قرار گرفته‌اند.

روشن‌ترین استدلال علیه این ادعا که تحریم‌ها علت اصلی نابسامانی اقتصادی ایران‌اند، احتمال بسیار واقعی آن است که کشور به زودی به نمونه‌ای شاخص از فاجعه زیست محیطی ناشی از سوء حکمرانی دولتی بدل شود. به بیان ساده، فلات ایران در حال تهی‌شدن از منابع آبی خود است و اگرچه تغییرات اقلیمی این روند را تشدید کرده، سوء مدیریت، فساد و فقدان برنامه‌ریزی مؤثر، علت بنیادین فروپاشی سفره‌های آب زیرزمینی بوده است.

به گفته عیسی کلانتری، وزیر پیشین و تا حدی پشیمان کشاورزی جمهوری اسلامی، تمدنی که از مدیریت منابع آب خود ناتوان باشد، در معرض فروپاشی فاجعه بار قرار می‌گیرد. کلانتری در گفتگویی در ماه دسامبر توضیح داد که پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی که در دهه ۱۹۷۰ انجام شده بود، بعدها به عنوان «طرح‌های ضدانقلابی» کنار گذاشته و به کلی نادیده گرفته شد.

او افزود تحقیقاتی که با همکاری کارشناسان فرانسوی و آمریکایی صورت گرفته بود، به این نتیجه رسیده بودند که ایران تنها در صورت بهره‌برداری بسیار دقیق و حساب شده از منابع آبی خود قادر است جمعیتی حدود ۵۰ میلیون نفر را پشتیبانی کند. حال آن که جمعیت کشور امروز از مرز ۹۰ میلیون تن نیز فراتر رفته است.

کلانتری در واقع به شکست حکمرانی‌ای اشاره می‌کند که در معرض دمدی مزاجی‌های ایدئولوژی انقلابی قرار گرفته است او، مانند بسیاری از هم‌وطنانش که از پیامدهای زیست‌محیطی و اقتصادی عملکرد خود شرمسارند، با صراحتی قابل‌توجه از نیت‌های مثبت شاه و اطرافیانش سخن می‌گوید.

همین تضاد آشکار، یکی از دلایل اصلی گسترش نوستالژی پهلوی در جامعه ایران است. دارون عجم‌اوغلو و جیمز ای. رابینسون در پژوهش‌های برجسته خود با عنوان چرا ملت‌ها شکست می‌خورند (۲۰۱۲)، بر ناکامی‌های حکمرانی در حوزه اقتصاد تمرکز می‌کنند و نشان می‌دهند که چگونه فقدان نهادها و حاکمیت قانون، به شکست اقتصادی و در نهایت به فروپاشی می‌انجامد.

تمرکز بر مسئله حکمرانی برای توضیح بحران‌های ایران، موضوعی تازه نیست. با این همه، همچنان رویکردی ارزشمند به شمار می‌آید، چرا که توجه را از اقتصاد و آنچه «واقعیت‌های سخت» خوانده می‌شود، به سوی اقتصاد سیاسی و «واقعیت‌های نرم» آن بازمی‌گرداند.

در حالی که زیرساخت‌های اقتصادی و زیست محیطی کشور مورد غفلت قرار گرفته‌اند، واقعیت آن است که سرمایه سیاسی و اخلاقی حاکمیت نیز با کمبودهای جدی روبروست. باید به روشنی تأکید شود هنگامی که از ناکارآمدی‌های ساختاری جمهوری اسلامی سخن می‌گوییم، مقصود نظام سیاسی «نظام» به معنای دقیق فارسی آن است، نه کشور ایران و نه جامعه گسترده آن.

بسیاری از تحلیلگرانی که از استحکام و دیرپایی تمدن ایرانی سخن می‌گویند، در واقع به جامعه، فرهنگ

سیاسی و توان تاریخی مردم اشاره دارند، نه به دولت و ساختار حاکم. حفظ این تمایز، اهمیتی بنیادین دارد.

این «جمهوری مقدس»، هرچند خود را برخوردار از برکت و مشروعیت الهی می‌داند، اما بدون سرمایه گذاری منظم و پایدار در سرمایه سیاسی و اخلاقی خویش، نه توان بقا خواهد داشت و نه امکان شکوفایی. سرمایه‌ای که بخش بزرگی از آن نیز در گذر زمان، به تدریج به هدر رفته است. جمهوری اسلامی امروز، دیگر آن جمهوری اسلامی سال ۱۳۵۷ و حتی ۱۳۷۸ نیست. در آن سال‌ها، جامعه هنوز به آینده امید داشت و باور عمومی بر آن بود که اصلاح از درون نظام، هرچند کند و تدریجی، امکان‌پذیر است. اما پس از سرکوب جنبش سبز در سال ۱۳۸۸، این باور فروپاشید و امید به اصلاح‌پذیری نظام رفته رفته رنگ باخت.

در دوران محمود احمدی‌نژاد بود که گرایش اقتدارگرایانه حاکمیت به طور آشکار به مسیری سوق یافت که هانا آرنت، نظریه پرداز سیاسی، آن را «توتالیتراریسم» توصیف می‌کند. خیزش سال ۱۳۸۸ نخبان حاکم را عمیقاً غافلگیر کرد و در میان برخی از آنان، تردیدهایی نسبت به میزان وفاداری‌شان به نظام پدید آورد.

نظام در واکنش، به بدگمانی و سوءظن فراگیر روی آورد و وفاداری بی قید و شرط را مطالبه کرد. دیگر، به تعبیر هانا آرنت، تنها محدود ساختن آزادی‌ها کافی نبود. دولت خواهان سیطره‌ای تمام‌عیار بر جامعه شد. با این حال، این خواسته‌ها بیش از آن که واقع‌بینانه باشند، جنبه آرمان گرایانه داشتند. زیرا هر اندازه که حکومت می‌توانست خشن و سرکوبگر باشد، همواره با تنگناهای فزاینده اقتصادی مهار می‌شد.

اگر در سال ۱۳۸۸ حاکمیت هنوز قادر بود خشونت را با نوعی «پل سازی» اجتماعی همراه کند، وخامت روزافزون اوضاع اقتصادی، امکان بذل و بخشش دولتی را به شدت محدود ساخت. آنچه در عمل پدید آمد، نوعی دولت آپارتاید بود که در آن اکثریت بزرگ جامعه ایران، بی‌اعتماد و سرخورده از دایره مشارکت کنار گذاشته شدند.

از این‌رو، جای شگفتی ندارد که میزان مشارکت در انتخابات که جمهوری اسلامی همواره به آن مباحثات می‌کرد، به نحو چشمگیری سقوط کرد. اما شاید برجسته تر از همه، فروپاشی سرمایه اخلاقی نظام باشد. جمهوری اسلامی در نگاه افکار عمومی، فضیلت خود را از دست داده و مردم ایمان خویش را باخته‌اند. بنا بر اغلب ارزیابی‌ها، ایران امروز سکولارترین جامعه خاورمیانه به شمار می‌آید. در فاصله سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۶، این اکثریت محروم از حق مشارکت، چهار بار به عرصه اعتراض خیابانی بازگشت. سه مورد از این اعتراضات، ریشه‌ای اقتصادی داشت، اما همگی در مدت کوتاهی به جنبش‌هایی سیاسی بدل شدند و همگی با سرکوب خشونت‌آمیز و بی‌رحمانه حکومت روبرو شدند.

جمهوری اسلامی که عملاً به اتکای نیروی قهر فرو کاسته شده، اساساً این رویکرد را «تهدیدی برای موجودیت رژیم» توجیه کرده است. اعترافی به شکنندگی که با لفاظی‌ها و تبلیغات آن در تضاد آشکار است.

سال گذشته، یکی از افراد مطلع در درون ساختار قدرت اذعان کرد که عقب‌نشینی از اجرای سخت‌گیرانه حجاب اجباری، نه از سر مدارا، بلکه برای پرهیز از شعله‌ور شدن قیامی تازه صورت گرفته است. رهبری نظام به خوبی آگاه است که دیگر محبوبیتی در میان مردم ندارد و منابع کمتری نیز برای توزیع در اختیار دارد. از این‌رو، تمرکز خود را بر حلقه هرچه محدودتر وفاداران معطوف کرده و در برابر اکثریت جامعه، بر ایجاد هراس تکیه می‌کند. هراس از سرکوب و هراس از آینده‌ای نامعلوم.

اما ترس، بنیانی سست برای یک نظام سیاسی است. به ویژه زمانی که همان نظام، حتی در تأمین ابتدایی‌ترین الزامات زندگی اقتصادی نیز ناتوان باشد. سال‌های اخیر برای جمهوری اسلامی دورانی خوشایند نبوده است. تعلل و دودلی در پرونده توافق هسته‌ای و تصمیم به حمایت از تهاجم نظامی روسیه به اوکراین، بخش قابل توجهی از همدلی و حسن نیت اروپا را از میان برده است. رویارویی نظامی با اسرائیل، فروپاشی «محور مقاومت» که حزب‌الله و حوثی‌ها نیز در شمار ارکان آن بودند، نبود زیرساخت‌های مؤثر پدافند غیرنظامی و از دست رفتن کنترل عملی بر حریم هوایی کشور، همگی لفاظی‌های پرطمطراق حکومت را به مثابه خطابه‌هایی توخالی و بی‌پشتوانه آشکار ساخته است.

در همین حال، غیرقابل پیش بینی بودن دونالد ترامپ، رئیس جمهوری ایالات متحده، در نگاه بسیاری از ایرانیان، آنچه را پیش‌تر ناممکن می‌نمود، به امری قابل تصور بدل کرده است. حاکمیت که به آسیب‌پذیری روزافزون خود واقف شده، کوشیده با برجسته‌سازی گذشته پیشااسلامی ایران، در سرمایه سیاسی خویش سرمایه‌گذاری کند. اما برای بسیاری، این تلاش «اندک و بسیار دیرهنگام» تلقی شده است.

هیچ چیز به اندازه آن که جمهوری اسلامی، نظامی که بنیانش بر دشمنی با پادشاهی استوار بوده، برای کسب پشتوانه اخلاقی به پادشاهان پیشااسلامی پناه ببرد، بوی ورشکستگی اخلاقی نمی‌دهد.

در این میان، رئیس‌جمهور، مسعود پزشکیان، چیزی فراتر از ابزار همدردی با مردم در برابر تنگنای اقتصادی پیش رو عرضه نمی‌کند. او حتی در اظهارنظری کم سابقه هشدار داد که به سبب کمبود آب، ممکن است پایتخت پانزده میلیونی کشور ناگزیر از تخلیه شود.

در چنین شرایطی، انفجار نومی‌دی در قالب اعتراض، دیر یا زود اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. این بار، جرقه اصلی را سقوط ارزش پول ملی زد. پولی که از سال ۱۹۷۹، زمانی که هر دلار معادل ۷۰ ریال بود، روندی پیوسته و فرساینده از کاهش ارزش را تجربه کرده است.

با یادآوری سخن مشهور ارنست همینگوی، نویسنده آمریکایی درباره ورشکستگی، «ابتدا تدریجی، سپس ناگهانی»، شتاب این سقوط در سال‌های اخیر به گونه‌ای افزایش یافته که امروز یک دلار بیش از یک میلیون ریال* در ایران ارزش دارد. سایه تهدید فروپاشی اقتصادی، اکنون سنگین‌تر از هر زمان دیگری بر سر کشور گسترده شده است. جز دعا و پافشاری هرچه بیشتر بر ایدئولوژی که دیگر توان حل هیچ یک از مسائل را ندارد، جمهوری اسلامی گزینه‌ای اندکی در اختیار دارد. گزینه‌هایی که اغلب، به نوعی با زوال خود آن گره خورده‌اند. ترس مردم رو به زوال است، خشم در حال فزونی و جامعه دیگر چیز چندانی برای از دست دادن نمی‌بیند. حتی آنان که سال‌ها به بی‌تفاوتی پناه برده بودند، اکنون از نظامی که جز خون، دستاوردی پیش چشم نمی‌گذارد، به ستوه آمده‌اند.

تفاوت این مرحله با گذشته در آن است که یک آستانه روحی روانی به طور قطعی پشت سر گذاشته شده است. شمار اندکی هنوز به آینده‌ای برای جمهوری اسلامی باور دارند. چنان که هانا آرنت یادآور می‌شود: «سلطه توتالیتر، همچون استبداد، بذره‌ای نابودی خویش را در درون خود می‌پروراند».

*منبع: نیواسیتیشن

*ترجمه: کیهان لندن

لحظه‌ی تلاقی

تاریخی؛ کنش فراگیر

ملت ایران، سرکوب

عریان و ضرورت

همکاری جهانی

برای پایان جمهوری

اسلامی

● تحولات اخیر ایران، به‌ویژه پس از جنگ ۱۲ روزه، صرفاً تشدید یک بحران داخلی یا تکرار چرخه‌ی اعتراض سرکوب نیست. آن‌چه این مقطع را متمایز می‌کند، هم‌زمانی یک دگرگونی اجتماعی درون ایران با جابه‌جایی معنادار در میدان رقابت قدرت‌هاست

● تداوم نهادهای پادشاهی ایرانی، که امروز در قالب کنش سیاسی و مدنی شهریار ایران، شاهزاده رضا پهلوی، به‌صورت فعال در میدان عمومی حضور دارد، امکان‌گذار کنترل‌شده و پرهیز از خلأ قدرت را به‌طور معناداری افزایش می‌دهد و چارچوب «کمک» خارجی را نه‌تنها غیرضروری، بلکه بالقوه مخرب می‌سازد.

● همکاری در این معنا، نه کمک از بالا و نه ساختن ایران از بیرون، بلکه هم‌راستا کردن منافع و ابزارها با مسیر کنش فراگیر ملت ایران برای گذار کنترل‌شده، جلوگیری از خلأ قدرت و آغاز بازسازی دولت ملی میهنی آبادگر است.

آریا چَمروش - تحولات اخیر ایران، به‌ویژه پس از جنگ ۱۲ روزه، صرفاً تشدید یک بحران داخلی یا تکرار چرخه‌ی اعتراض سرکوب نیست. آن‌چه این مقطع را متمایز می‌کند، هم‌زمانی یک دگرگونی اجتماعی درون ایران با جابه‌جایی معنادار در میدان رقابت قدرت‌هاست؛ میدانی که در آن جمهوری اسلامی پس از چهار دهه، نه‌تنها مشروعیت داخلی بلکه کارکرد ژئوپلیتیکی خود را نیز به‌تدریج از دست می‌دهد. بنابراین مسئله‌ی اصلی، فقط «چگونگی پایان یک نظام سیاسی» نیست؛ مسئله این است که گذار از جمهوری اسلامی در چه محیط رقابتی بین‌المللی ممکن، پایدار و کم‌هزینه‌تر می‌شود.

جنگ ۱۲ روزه بیش از آن‌که رویدادی نظامی مستقل باشد، نقش یک کاتالیزور را ایفا کرد: شکنندگی انباشته‌ی نظم موجود را هم برای جامعه‌ی ایران و هم برای بازیگران خارجی آشکار ساخت. از یک سو، کنش اجتماعی به سطحی فراگیر و ملی رسیده که صرفاً نفی حاکمیت نیست، بلکه با ارجاع آگاهانه به نشانه‌ها و نهادهای دولت ملی، افق یک آلت‌رناتیو سیاسی را برجسته می‌کند. از سوی دیگر، سرکوب عریان و کم‌پرده، فاصله‌ی میان «مدیریت بحران» و «حذف سیاسی» را از میان برده و امکان هرگونه اصلاح درون‌سیستمی را بیش از پیش منتفی ساخته است. هم‌زمان، افول نقش پشتیبان روسیه و تغییر محاسبات امنیتی غرب، وضعیت مبتنی بر مهار و تعلیق تصمیم را به گزینه‌ای

➡ پرهزینه بدل کرده است.

پرسش محوری این مقاله آن است که چرا در وضعیت کنونی، گذار از جمهوری اسلامی بدون هم‌زمان‌سازی کنش ملت ایران و تنظیم هدفمند محیط خارجی عملاً ناممکن یا ناپایدار می‌شود، و چرا عدم همکاری بازیگران جهانی و غربی در این لحظه، نه بی‌طرفی، بلکه نوعی مداخله منفعلانه به سود تداوم نظم موجود است. فرض راهنما این است که رقابت قدرت‌ها در ایران ماهیتی متفاوت از الگوهای کلاسیک شرق و غرب دارد: جمهوری اسلامی نه دولتی قابل ادغام است و نه نظمی قابل مهار پایدار؛ و در مقابل، کنش اجتماعی ایران از سطح اعتراض فراتر رفته و به سمت بازتعریف افق دولت ملی حرکت کرده است. از این رو، «نقطه‌ی طلایی» زمانی شکل می‌گیرد که همکاری مشروط و هدفمند میان

می‌کند، هزینه‌های امنیتی را افزایش می‌دهد و مدیریت بحران را جایگزین راهبرد بلندمدت می‌سازد. استمرار این وضعیت، ریسک‌های انرژی و بازار را تشدید کرده و امکان شکل‌گیری هرگونه شریک قابل پیش‌بینی در یکی از حساس‌ترین نقاط ژئوپلیتیکی جهان را از میان می‌برد. از این رو، جمهوری اسلامی نه یک مسئله‌ی «قابل مهار»، بلکه نقطه‌ی اصطکاک دائمی در نظم بین‌المللی است که تعلیق تصمیم درباره‌ی آن، به انباشت هزینه‌ها و کاهش گزینه‌های راهبردی می‌انجامد.

در این میان، قیاس مکانیکی ایران با عراق و افغانستان بیش از آن‌که روشنگر باشد، پرسش اصلی را به تعویق می‌اندازد. این قیاس‌ها معمولاً با وارونه‌سازی رابطه‌ی علی، نقش فروپاشی‌های پیشینی نظم ملی پادشاهی در بستر

هدف‌گیری ساختار سرکوب به‌جای جامعه، پرهیز از بر ساختن بدیل‌های مصنوعی، به‌سمیت‌شناختن کنش ملی فراگیر موجود به‌عنوان منبع اصلی مشروعیت، و فراهم‌کردن تضمین‌های حداقلی برای جلوگیری از خلأ قدرت و حفظ کارکردهای پایه‌ی دولت.

خطوط قرمز نیز روشن است: هرگونه جانشینی عاملیت داخلی با تصمیم‌سازی خارجی یا معامله‌گری کوتاه‌مدت با ساختار حاکم به بهای تضعیف مسیر گذار، همکاری را بی‌اعتبار و ناپایدار می‌کند.

نکته‌ی کلیدی آن است که در لحظه‌ی کنونی، عدم همکاری بی‌طرفی نیست. تعلیق تصمیم یا اتکا به فرسایش درونی، عملاً به تداوم سرکوب، افزایش هزینه‌های انسانی و بازتولید بی‌ثباتی کمک می‌کند. افزون بر این، تخریب



همه‌جانبه‌ی ایران توسط نظام حاکم از زیرساخت و محیط‌زیست تا ظرفیت تولید و نهادهای اداری، بازسازی را به پروژه‌ای وابسته به سرمایه و فناوری پیشرفته بدل کرده است؛ امری که بدون پیوند ساختاری با اقتصاد جهانی و به‌ویژه غرب دشوار خواهد بود. این واقعیت، همکاری را از «مداخله‌ی اخلاقی» به تصمیمی راهبردی مبتنی بر تلاقی منافع ارتقا می‌دهد.

در جمع‌بندی، گذار از جمهوری اسلامی بیش از آن‌که محصول فروپاشی یک نظم باشد، نتیجه‌ی هم‌زمانی کنش فراگیر ملی و تنظیم خارجی است. پنجره‌ی تاریخی کنونی محدود و شکننده است؛ ارزش راهبردی آن دقیقاً در همین شکنندگی نهفته است. همکاری در این معنا، نه کمک از بالا و نه ساختن ایران از بیرون، بلکه هم‌راستا کردن منافع و ابزارها با مسیر کنش فراگیر ملت ایران برای گذار کنترل‌شده، جلوگیری از خلأ قدرت و آغاز بازسازی دولت ملی میهنی آبادگر است.

برای مطالعه بیشتر؛

Levitsky, Steven, and Lucan A. Way. *Competitive Authoritarianism: Hybrid Regimes after the Cold War*. Cambridge University Press, 2010.

Hale, Henry E. *Patronal Politics: Eurasian Regime Dynamics in Comparative Perspective*. Cambridge University Press, 2015.

Magyar, Bálint. *The Post-Communist Mafia State: The Case of Hungary*. Central European University Press, 2016.

نفوذ سیستم‌مند شوروی و ضعف‌های نهادی مزمن در آنها را پنهان می‌کنند. ایران، با وجود آسیب‌های گسترده، نه جامعه‌ای فاقد تداوم نهادی است و نه از حافظه‌ی ملی و افق دولت ملی تهی شده است.

تداوم نهادی پادشاهی ایرانی، که امروز در قالب کنش سیاسی و مدنی شهریار ایران، شاهزاده رضا پهلوی، به‌صورت فعال در میدان عمومی حضور دارد، امکان گذار کنترل‌شده و پرهیز از خلأ قدرت را به‌طور معناداری افزایش می‌دهد و چارچوب «کمک» خارجی را نه تنها غیرضروری، بلکه بالقوه مخرب می‌سازد.

تمایز «کمک» و «همکاری» در این‌جا صرفاً واژگانی نیست. «کمک» رابطه‌ای عمودی می‌سازد؛ انتقال مرکز تصمیم‌گیری به بیرون، تضعیف عاملیت داخلی و تولید وابستگی. در مقابل، «همکاری» رابطه‌ای افقی و مبتنی بر هم‌پوشانی منافع است؛ کنشگر خارجی جایگزین عاملیت داخلی نمی‌شود، بلکه محیط را طوری تنظیم می‌کند که کنش ملی بتواند به گذار مؤثر منجر شود. همکاری یعنی هم‌راستا سازی فشارها، مشوق‌ها و تضمین‌ها با مسیری که جامعه‌ی داخلی برگزیده است، نه ساختن نظم سیاسی از بیرون.

در سطح عملی، «نقطه‌ی طلایی همکاری» زمانی شکل می‌گیرد که هزینه‌های تداوم نظم موجود از هزینه‌های همراهی با گذار بیشتر شود؛ و نشانه‌های این جابه‌جایی در مورد جمهوری اسلامی آشکار است: فرسایش کارکرد ژئوپلیتیکی، افزایش هزینه‌های امنیتی منطقه‌ای، و شکست منطق مهار پایدار.

همکاری مؤثر می‌تواند بر چند اصل استوار شود:

این کنش داخلی و محاسبه‌ی منافع و امنیت بازیگران غربی برقرار شود؛ همکاری‌ای که نه رابطه‌ی عمودی «کمک»، بلکه هم‌راستا سازی راهبردی تعریف می‌شود.

رقابت قدرت‌ها در ایران را باید با دو الگوی متضاد فهم کرد: تضعیف و توانمندسازی. تجربه‌ی تاریخی نشان می‌دهد رویکرد شوروی و سپس روسیه، به‌طور ساختاری بر تضعیف دولت ملی، انسداد توسعه‌ی مستقل و حذف ایران به‌عنوان رقیب بالقوه استوار بوده است؛ در این منطق، ایران توانمند و پیوندخورده با بازارهای جهانی دارایی نیست، تهدید است. به‌ویژه در حوزه‌ی انرژی و رقابت گازی. در نتیجه، بی‌ثباتی، وابستگی و انزوای ایران نه پیامد ناخواسته، بلکه کارکرد مطلوب این الگو بوده است. جمهوری اسلامی، به دلیل ماهیت ایدئولوژیک و ضد توسعه‌ای خود، در این چارچوب به شریکی کارآمد برای روسها بدل شد: نظمی که نه توان تولید رقابتی دارد، نه قابلیت ادغام در اقتصاد جهانی، و نه امکان تبدیل‌شدن به بازیگری مستقل.

در مقابل، رویکرد غرب با وجود خطاها و تناقض‌های تاکتیکی با منطق متفاوتی پیوند خورده است. غرب به‌طور ساختاری از ایران ناتوان، منزوی و غیرمولد سود پایدار نمی‌برد. ثبات منطقه‌ای، امنیت انرژی، پیش‌بینی‌پذیری بازارها و پیوندهای تولیدی، مستلزم دولت‌های ملی کارآمد و اقتصادهای قابل پیش‌بینی است. از این منظر، تداوم جمهوری اسلامی برای غرب صرفاً مسئله‌ای هنجاری یا حقوق بشری نیست، بلکه به‌طور فزاینده‌ای به یک ریسک ساختاری راهبردی بدل شده است: نظمی که منبع مزمن بی‌ثباتی منطقه‌ای است، چرخه‌های نیابتی را بازتولید

گزارش ویژه؛ مشاهدات چند شهروند از سرکوب و کشتار معترضان در هجدهم و نوزدهم دی ۴۰۴ در چند شهر ایران



● «آنچه کردند کاملاً شکل و سیاق یک حمله جنگی سازمانیافته، با حجم بالای ادوات نظامی و عزمی راسخ برای حذف مردم و پشته ساختن با کشته‌ها را داشت؛ این جملات، سخنان یکی از شهروندانی است که در اعتراضات دی ۴۰۴ در خیابان‌های تهران حضور داشته است.

● «آن شعارهای هماهنگ، آن شکوه جمعیت، آن حس غرور و پیروزی و اتحاد و آن اراده‌ای که در چشم و دستان گره کرده و صدای خروشان مردم بود غیر قابل وصف است. ملت ایران به معنای واقعی کلمه علیه جمهوری اسلامی خروشیده بود.»

● رضا معتقد است تصاویر و ویدئوها اصلاً نشان‌دهنده بزرگی ابعاد تظاهرات نبوده است و عظمت حضور مردم خیلی بیش از آنچه‌ی بود که در ویدئوها دیده می‌شود.

● به گفته شهروندانی که با «کیهان لندن» گفتگو کرده‌اند در همه شهرها جمعیت به مدت دو الی سه ساعت پیوسته در خیابان حضور داشت اما کم کم خانواده‌ها از جمعیت جدا شدند و جمعیت از ساعت ۱۱ به بعد کمتر شد؛ کم شدن جمعیت، به گفته رضا، عامل آرایش نظامی نیروهای مسلح حکومت برای سرکوب شد.

● روایت این شهروندان در شهرهای مختلف ایران نشان می‌دهد جمهوری اسلامی در یک سازماندهی که از پیش صورت گرفته و به مأمورانش آموزش داده، شیوه مشابه سرکوب را در شهرهای مختلف در دستور کار داشته است؛ شیوه‌ای که به طور مشخص بیانگر سرکوب به قصد کشتار، و نه سرکوب به قصد پراکنده کردن معترضان است. این موضوع کاملاً توضیح دهنده علت آمار بالای جان‌باختگان است.

● یکی دیگر از مواردی که همه این شهروندان در گفتگو با «کیهان لندن» به طور مشترک به آن اشاره داشتند پاکسازی شهر بلافاصله پس از پایان سرکوب بود؛ پاک کردن آثار جنایت!

● نبیا می‌گوید کم‌کم داریم خبردار می‌شویم چه جنایتی رخ داده است. در کوچه بالایی ما یک معترض جوان جان باخته است. سه کوچه بالاتر هم دو نفر در همسایگی هم جانسان را از دست داده‌اند.

● «در فاصله جمعه شب تا شنبه ۲۰ دی ۳۵۰ پیکر بی جان فقط به پزشک قانونی واحد غرب تهران منتقل شده بود. اینها مجروحانی بودند که به بیمارستان رسانده شده ولی پذیرش نشده جان خود را از دست داده و در نتیجه به پزشکی قانونی منتقل شده بودند یا مردم آنها را از خیابان به پزشکی قانونی منتقل کردند. مجروحانی که در بیمارستان جان می‌باختند غالباً در سردخانه بیمارستان نگهداری و البته کسانی که در خیابان‌ها کشته می‌شدند هم توسط مأموران به کهریزک منتقل می‌شدند.»

روشنک آسترکی - «آنچه ما در هجدهم و نوزدهم دی تجربه کردیم دقیقاً شبیه هجوم یک کشور خارجی به کشوری دیگر و به خاک و خون کشیدن شهروندان و کشتاری گسترده بود. هیچ نشانه‌ای از اینکه یک نیروی انتظامی یا امنیتی می‌خواهد معترضانی که شهروندان همان کشور هستند را کنترل و حتی سرکوب بازدارنده کند وجود نداشت؛ آنچه کردند کاملاً شکل و سیاق یک حمله جنگی

رضا در روزهای پیش از هجدهم نیز در اعتراضات حضور داشت اما درباره مشاهدات در هجدهم دی به «کیهان لندن» می‌گوید: «حوالی ساعت هشت و نیم شب بود و من هنوز بیرون نرفته بودم، انتظار حضور تعداد بیشتری نسبت به شبهای قبل را داشتم اما نه آن جمعیت سیل‌آسا را. خانه ما در خیابان اصلی است؛ من در حال آماده شدن بودم که از بیرون صدای هماهنگ شعار «جاویدشاه» را شنیدم. آن صدا مشخص می‌کرد جمعیت به شکل عجیبی زیاد است. از پنجره نگاه کردم و با جمعیتی باورنکردی روبرو شدم. دسته تظاهرات‌کنندگان یک ربع می‌رفت و جمعیت تمام می‌شد. من به خیابان رفتم و به معترضان پیوستم. آن شعارهای هماهنگ، آن شکوه جمعیت، آن حس غرور و پیروزی و اتحاد و آن اراده‌ای که در چشم و دستان گره کرده و صدای خروشان مردم بود غیر قابل وصف است. ملت ایران به معنای واقعی کلمه علیه جمهوری اسلامی خروشیده بود.»

رضا در همه دوره‌های اعتراضات از سال ۸۸ تا کنون در اعتراضات شرکت داشته و معتقد است تصاویر و ویدئوهایی که در این چند روز به خارج از کشور مخابره شد و خودش آنها را به علت قطع اینترنت، از شبکه‌های ماهواره‌ای می‌دید اصلاً نشان‌دهنده بزرگی ابعاد تظاهرات نبوده است و عظمت حضور مردم خیلی بیش از آنچه‌ی بود که در ویدئوها دیده می‌شود. او می‌گوید حتی در سال ۸۸ و آن حضور میلیونی که همچنان مورد افتخار اصلاح‌طلبان است چنین جمعیتی در تهران ندیده بود.

این موضوع را نبیا معترض دیگری در تهران که در مناطق غربی شهر در اعتراضات شرکت کرده نیز می‌گوید: «جمعیت عجیب بود. اینکه صدها هزار نفر بدون اینکه پیشتر با هم هماهنگ یا از سوی سازمانی سازماندهی شده باشند، از هر قشری، مجرد، تنها، در گروه‌های دوستی و فامیلی، و حتی خانوادگی و با فرزندان‌شان، طی نیم ساعت و در فاصله ساعت هشت تا هشت و نیم روز هجدهم

سازمانیافته، با حجم بالای ادوات نظامی و عزمی راسخ برای حذف مردم و پشته ساختن با کشته‌ها را داشت؛ این جملات، سخنان یکی از شهروندانی است که در اعتراضات دی ۴۰۴ در خیابان‌های تهران حضور داشته است. «کیهان لندن» در گزارش پیش‌رو مشاهدات و تجربیات او و چند شهروند دیگر از بزرگترین اعتراض ضدحکومتی در تاریخ جمهوری اسلامی و البته بزرگترین سرکوب حکومتی شهروندان معترض در قرن بیست‌ویکم را بازتاب داده است. اعتراضات دی ۴۰۴ از روز یکشنبه هفتم دی‌ماه با اعتصاب در پاساژ علاءالدین - یکی از بازارهای موبایل پایتخت - آغاز شد. این اعتصاب اگر چه تا روز بعد بازاریان را به مشارکت جلب کرد اما از روز سوم با پیوستن شهروندان و دانشجویان، به سرعت، گسترش یافت. در دوازدهمین روز اعتراضات در هجدهم دی، با فراخوانی از سوی شاهزاده رضا پهلوی، جمعیتی میلیونی به خیابان‌ها سرازیر شد؛ برآوردها شمار معترضان در کلانشهرهایی مانند تهران، اصفهان و مشهد را میلیونی عنوان می‌کنند. همزمان دامنه اعتراضات به همه استان‌ها و حدود ۲۰۰ شهر کشور گسترش یافت و در کلانشهرها اعتراضات در چندین منطقه همزمان و با حضور شمار زیادی از شهروندان پیش می‌رفت. جمهوری اسلامی ساعت ۲۲ هجدهم دی به وقت محلی اینترنت سراسری را قطع و همزمان بزرگترین کشتار شهروندان معترض در قرن بیست و یکم را آغاز کرد. گزارش‌های مختلف شمار جان‌باختگان را رقمی بین ۱۲ تا بیش از ۲۰ هزار تن اعلام کرده‌اند.

در شرایطی که همچنان در بیست و سومین روز از اعتراضات، اینترنت سراسری وصل نشده و ارتباط با درون ایران به دشواری امکان‌پذیر است، «کیهان لندن» توانسته با شش تن از کسانی که در اعتراضات حضور داشته و از نزدیک شاهد رویدادها در شهرهای تهران، مشهد، لاهیجان، و اصفهان بوده‌اند گفت‌وگو کند.

→ دی خیابان‌ها را پر کنند باورکردنی نبود. همه همدل و همراه و متحد.»

علی درباره آنچه همان شب و همان دقایق در مشهد رخ داده می‌گوید: «چند کیلومتر بلوار عریض وکیل آباد مملو از جمعیت سیل‌آسا بود. یعنی بیش از یک میلیون نفر، یکجا و همصد». به گفته علی جمعیت آنقدر زیاد بود که نیروهای انتظامی و امنیتی در عمل توان رویارویی با این جمعیت را نداشتند و در نتیجه عقب رفتند.

در شهر لاهیجان در استان گیلان که جمعیتی حدود ۱۱۰ هزار نفر دارد هم جمعیت معترضان سیل‌آسا توصیف شده است. بهروز به «کیهان لندن» می‌گوید «جمعیت خیلی زیاد بود. انتهای صف تظاهرات پیدا نبود. از افراد نوجوان تا حتی خانم‌ها و آقایان سالمند در جمعیت حضور داشتند. یکپارچه و همصد. در کنار من یک خانم که بیش از ۷۰ سال سن داشت درحال شعار دادن و همراهی با جمعیت بود.»

بهروز هم به احساس پیروزی در میان مردم اشاره دارد: «بعد از یکساعت ما حس می‌کردیم شهر در دستان مردم است. من در آن قسمتی از جمعیت بودم که در نزدیکی اداره آب در بلوار مطهری و دیدم که مردم دچار هیجان و احساس پیروزی بودند که دیگر کار تمام است.»

او می‌گوید حکومت ادعا کرده که مردم در لاهیجان شعبه فروشگاه افق کوروش که متعلق به سپاه است را آتش زده‌اند اما می‌گوید مردم معتقدند کار خود حکومت است: «واقعا من مردم مسلح ندیدم. مردم با دست خالی بودند. در این چند روز خبرهایی می‌آید که مدعی می‌شوند معترضان تخریب‌های گسترده کردند. من این موضوع را در مورد لاهیجان رد می‌کنم. آتش زدن سطل آشغال هم به نوعی ایجاد سپر در برابر نیروهای مسلح بود که به سمت ما شلیک می‌کردند. اما کسی با اموال مردم و مغازه‌ها واقعا کاری نداشت.»

به گفته شهروندانی که با «کیهان لندن» گفتگو کرده‌اند در همه شهرها جمعیت به مدت دو الی سه ساعت پیوسته در خیابان حضور داشت اما کم‌کم خانواده‌ها از جمعیت جدا شدند و جمعیت از ساعت ۱۱ به بعد کمتر شد؛ کم شدن جمعیت، به گفته رضا، عامل آرایش نظامی نیروهای مسلح حکومت برای سرکوب شد.

رضا می‌گوید بعد از ساعت ۱۱ بیشتر خانواده‌ها و خانم‌ها رفتند؛ افراد مسن‌تر هم کم شدند و بیشتر جوانان مانده بودند. سرکوب خونین از همین دقایق آغاز شد: «همه نیروهای مسلح از نیروی انتظامی و ضدشورش و سپاه و لباس شخصی‌های مسلح به سلاح سرد و گرم با هم حضور داشتند. کاملا سازمانیافته بودند و هماهنگ. من در اعتراضات دوره‌های قبل هم بودم و با اطمینان به شما می‌گویم که اینبار حکومت از پیشتر آماده بود و با یک برنامه‌ریزی کاملا هماهنگ برای سرکوب، چه از نظر تاکتیک کلی و چه از نظر هماهنگی بین نیروهای انتظامی و سپاه و لباس شخصی‌ها حضور پیدا کرده بود تا مردم را بکشد. قصدشان پراکنده کردن نبود. رسماً کشتن بود. اول اخطار می‌دادند. بعد شروع به شلیک می‌کردند. یک سری کشته و زخمی می‌شدند، بقیه هم پراکنده. اینجا فاز بعدی با دنبال کردن گروهی معترضان شروع می‌شد. گروهی به دنبال جمعیت در حال پراکنده شدن می‌افتادند و به نوعی جمعیت را به کوچه‌ها هدایت و بعد آنجا با شلیک با اسلحه و باتوم به جان گروه‌های کوچک‌تر می‌افتادند و این وسط افرادی که مثل من شانس داشتند زنده از مهلکه نجات پیدا می‌کردند.»

علی هم از همین الگوی سرکوب در مشهد خبر می‌دهد: «سیل جمعیت در وکیل آباد که به چهارراه بلوار هفت تیر

رسید سرکوب شروع شد. نیروهای حکومت بالای پشت بام کلانتری که در ابتدای بلوار هفت تیر است مستقر شده بودند و از آنجا شروع به شلیک رگباری و هدفمند به جمعیت کردند. همزمان نیروهای ضدشورش و انتظامی و سپاه و لباس شخصی به سوی جمعیتی که با تیراندازی‌ها درحال پراکنده شدن بود حمله کردند. بعدها متوجه شدیم یک سری از نیروهای حکومتی بین جمعیت بودند. آنها مردم را لیدری می‌کردند که نباید از اینور، اینور فرار کنید. و جمعیت پراکنده را به سمت کوچه‌ها هدایت کردند و مأموران به دنبالشان می‌رفتند و شلیک و سرکوب.»

علی می‌گوید پهنادهای شناسایی هم بودند که وقتی گروهی چند نفره به کوچه پناه می‌برد، لیزر روی مردم می‌انداختند و مأموران با هدایت پهناده‌ها و با موتور به سمت معترضان می‌رفتند تا سرکوبشان کنند.»

وجود پهنادهای شناسایی در شهرهای دیگر هم گزارش شده است. بهروز می‌گوید در لاهیجان هم پهنادهای شنایی با لیزر انداختن روی مردم هم ابزار تهدید بودند و هم ابزار گرا دادن به مأموران که بفهمند کجا چه کسی در حال فرار در کوچه‌ها است و به سراغش بروند.»

در شهر اصفهان هم طی روزهای ۱۸ و ۱۹ دی اعتراضات گسترده و کشته‌ها هم پرشمار بودند. ویدئوهایی از حضور معترضان به صداوسیما هم منتشر شده است. بهار در آن لحظات سمت صداوسیما نبوده و بعدها ویدئوها را از شبکه‌های ماهواره‌ای دیده است اما می‌گوید در منطقه چهارباغ و شیخ صدوق که او حضور داشته عملاً شرایط جنگی بوده است: «من نمی‌دانم اگر یک کشور دیگری به ایران حمله می‌کرد، سربازانش که اجنبی به شمار می‌روند می‌توانستند اینطور مردم را، جوانان را، نوجوانان را، سالمندان را بزنند و بکشند یا این حد از قساوت فقط در نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی است؟ همه آنچه درباره حمله مغول‌ها به ایران و کاری که با مردم کردند را می‌خوانید ما به چشم دیدیم.»

بهار با اصابت چند ساچمه به پایش مجروح شده اما به بیمارستان مراجعه نکرده است. یکی از اقوام درجه یک او پزشک است و در خانه معالجه اولیه انجام شده است: «در بیمارستان مجروحان را می‌دزدیدند. نیروهای انتظامی نه، اما نیروهای امنیتی لباس شخصی از وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه وحشیانه اتاق به اتاق و تخت به تخت بیمارستان‌ها را برای پیدا کردن شهروندان معترض جستجو می‌کردند. برای همین خانواده‌ام مرا به بیمارستان نبرد و در خانه اقدامات اولیه انجام شده است.»

هار می‌گوید «نیروهای سپاه و انتظامی با اسلحه و نیروهای لباس شخصی با چاقو و باتوم و کلت و اسلحه‌های بزرگ می‌زدند و می‌کشتند. بی‌رحمانه و با نفرت و کینه تمام. صحنه سرکوب‌ها وحشتناک بود» اما اضافه می‌کند «جمهوری اسلامی با این سرکوب به تک تک ما که زنده ماندیم ثابت کرد باید ادامه دهیم تا خط بطلان نهایی را روی این حکومت خونخوار و جنایتکار بکشیم.»

بهروز هم می‌گوید سرکوب در لاهیجان شدید بود و صدها نفر کشته شدند. نیروهای خودشان کم بود، رفته بودند از روستاهای اطراف هم بسیجی آورده بودند برای سرکوب. بهروز می‌گوید خودش دهیار یکی از روستاهای اطراف که از پیشتر می‌شناخته و همینطور آخوند مدرسه فرزندش را دیده که با لباس شخصی در میان جمعیت در حال سرکوب معترضان بوده‌اند.

الگوی آغاز شلیک رگباری و بعد هدایت جمعیت به کوچه‌ها و خیابان‌ها در گروه‌های کوچک در لاهیجان هم تکرار شده است.

نیما طی سه شب ۱۸ تا ۲۰ دی سرکوب‌ها در صادقیه، پونک و ستارخان را شاهد بوده است و می‌گوید برخلاف بارهای قبل اینبار کمتر از گاز اشک‌آور استفاده می‌شد و وقتی جمعیت زیاد می‌شد از نارنجک صوتی که عملاً یک ابزار جنگی است استفاده می‌کردند و «اگر جمعیت متفرق نمی‌شد به رگبار می‌بستند. در صادقیه و ستارخان زره پوش نوپو را آوردند روی جمعیت. وقتی هم مردم متفرق می‌شدند، کاملاً سازمانیافته مأموران مردم را دنبال می‌کردند و در کوچه‌ها هم تا جایی که می‌توانستند معترضان را دنبال می‌کردند و به آنها شلیک می‌کردند؛ به قصد کشت.»

بهار می‌گوید جدا از تجربه شخصی خودش که مجروح شده، آنچه از مقابل چشمانش پاک نشده و آزارش می‌دهد مردی است که از پشت پنجره تماشا می‌کرد و قربانی شد: «در یکی از کوچه‌ها جمعیتی چند نفره در حال فرار بودیم. مردی حدود ۶۵ تا ۷۰ ساله از پنجره در حال تماشا بود و وقتی مأموران رسیدند به او که به ما می‌گفت «دارند می‌آیند، بدوید، بدوید» به او هم شلیک کردند و من دیدم زخمی شد. ما به انتهای کوچه که خیابان دیگری بود رسیدیم. مأموران به ما هم شلیک کردند و من و یک نفر دیگر زخمی شدیم اما یک زوج خیلی شریف و مهربان که با ماشین در حال عبور بودند ما را به سرعت سوار کردند و توانستیم فرار کنیم. اما همچنان نگران آن مرد مسن هستم و نمی‌دانم زنده ماند یا نه.»

روایت این شهروندان در شهرهای مختلف ایران نشان می‌دهد جمهوری اسلامی در یک سازماندهی که از پیش صورت گرفته و به مأمورانش آموزش داده، شیوه مشابه سرکوب را در شهرهای مختلف در دستور کار داشته است؛ شیوه‌ای که به طور مشخص بیانگر سرکوب به قصد کشتار، و نه سرکوب به قصد پراکنده کردن معترضان است. این موضوع کاملاً توضیح دهنده علت آمار بالای جان‌باختگان است؛ جمهوری اسلامی به طور سازمانیافته و هدفمند شهروندان معترض را به قصد کشتار هدف قرار داده است. یکی دیگر از مواردی که همه این شهروندان در گفتگو با «کیهان لندن» به طور مشترک به آن اشاره داشتند پاکسازی شهر بلافاصله پس از پایان سرکوب بود؛ پاک کردن آثار جنایت!

بهار می‌گوید چون زخمی بوده نتوانسته روز جمعه از خانه خارج شود اما خواهر و مادرش حوالی ظهر به خیابان‌های اطراف رودخانه زاینده‌رود و شیخ صدوق رفته‌اند و گفته‌اند خبری از آثار اعتراضات خونین شب هجدهم نبوده است.

بهروز هم به «کیهان لندن» می‌گوید «آنچه عجیب بود اینکه من صبح از خانه بیرون آمدم و در خیابان‌های مختلف شهر رانندگی کردم که ببینم چه خبر است. همه آثار اعتراضات خونین پاک شده بود. مثل فیلمهایی که شب زامبی‌ها حمله می‌کنند و صبح شهر حالت عادی دارد. همه آثار کشتار و سرکوب را پاک کرده بودند. حتی نمی‌دانم کی شعارهایی که مردم روی دیوارها نوشته بودند را پاک کردند. همه جا تمیز و جارو زده و...».

با گذشت یک هفته از کشتار خونین، کم‌کم مردم از ابعاد سرکوب مطلع می‌شوند. رضا می‌گوید شب هجدهم با قطع اینترنت و همزمان کم شدن جمعیت معترضان مطمئن بودم سرکوب شدیدی رخ خواهد داد. اما ابعادش برای همه ما پنهان بود. آنها که در خانه بودند که صدای تیر می‌شنیدند و نمی‌دانستند چه شده است. آنها هم که در خیابان و در بین معترضان بودند همان جا را می‌دیدند. مثلاً من خودم تازه فهمیدم همان شب هجدهم در بیش از ۱۵ منطقه تهران همان جمعیت و اعتراضات بی‌نظیری که من در نظام آباد دیدم در جریان بوده است.»



نسل‌گشی زیر تاریکی دیجیتال؛ ساندی تایمز به نقل از منابعی درون ایران از کشته شدن ۱۶ هزار و ۵۰۰ معترض خبر داد

● شاهدان از خشونت بی‌رحمانه‌ای می‌گویند که بر شرکت‌کنندگان در اعتراضات ضدحکومتی اعمال شده است. ● «ده دقیقه وقت دارید گریه کنید!» این فرمان سرد و کوتاه مأمور بود، در لحظه‌ای که جسد دختر بیست‌وپند ساله را به پدر و مادرش نشان داد؛ دختری که در خیابان‌های تاریخی اصفهان هدف گلوله قرار گرفته و کشته شده بود. ● روزنامه ساندی تایمز به گزارش تازه‌ای از پزشکان حاضر در محل دست یافته است که بر اساس آن، دست کم ۱۶ هزار و ۵۰۰ معترض جان باخته‌اند و ۳۳۰ هزار نفر نیز زخمی شده‌اند، که بخش عمده این تلفات در جریان دو روز کشتار تمام‌عیار رخ داده است. خونبارترین و خشن‌ترین سرکوبی که حکومت روحانیون در طول ۴۷ سال حیات خود به اجرا گذاشته است.

● خانواده‌ای پس از آن‌که فرزندشان پس از شرکت در تظاهرات به خانه بازنگشت، روزها سرخانه‌ها و بیمارستان‌ها را جست‌وجو کردند. سرانجام، ناچار شدند مبلغ ۷۰۰ میلیون تومان به‌عنوان آنچه نیروهای امنیتی «پول گلوله» می‌نامیدند، پرداخت کنند. آنها را پس از پنج ساعت رانندگی در شهر دیگری بالای قبر دختر بردند.

● یکی از معترضان که روز گذشته از ایران خارج شده است، به روزنامه ساندی تایمز گفت: «افرادی که از ناحیه چشم هدف گلوله قرار گرفته بودند و چشمان جراحی و خارج شده بود، بلافاصله از داخل اتاق‌های عمل توسط نیروهای امنیتی ربوده می‌شدند.»

خانواده‌ای پس از آن‌که دخترشان پس از شرکت در تظاهرات به خانه بازنگشت، روزها سرخانه‌ها و بیمارستان‌ها را جست‌وجو کردند. سرانجام، ناچار شدند مبلغ ۷۰۰ میلیون تومان، معادل حدود ۳ هزار و ۷۰۰ پوند، را به‌عنوان آنچه نیروهای امنیتی «پول گلوله» می‌نامیدند، پرداخت کنند. سپس آنان را پس از پنج ساعت رانندگی به شهری دیگر بردند؛ جایی که پیکر دخترشان را در قبری قدیمی رها کرده بودند.

با این همه، از یک جهت بخت با آنان یار بود. قطع کامل ارتباطات و اینترنت در ده روز گذشته باعث شده است ده‌ها هزار ایرانی هیچ اطلاعی نداشته باشند که عزیزانشان زنده‌اند یا جان باخته‌اند؛ در حالی که حکومت می‌کوشد اعتراضات را با آنچه یکی از پزشکان «نسل‌گشی در پوشش تاریکی دیجیتال» خوانده است، سرکوب کند.

خانواده‌ها در پزشکی قانونی کهریزک، در جست‌وجوی بستگان خود، با ردیف‌هایی از کیسه‌های اجساد

تیم‌هایی از وزارت اطلاعات یا سپاه آمدند -من نفهمیدم مال کدام نهاد بودند- و گفتند می‌خواهند تلفن‌های کادر بیمارستان را کنترل کنند. که حُب، یک درگیری آنجا بین مسئولان بیمارستان و نیروهای امنیتی رخ داد اما همه ما از ترس گوشی‌هایمان را پاکسازی کردیم. یکی از بهیارها می‌گفت از فاجعه فیلم گرفته اما همه را قبل از تمام شدن شیفتش پاک کرده بود که گیر نیافتد.»

او تأکید کرده با اجبار و زیر فشار قرار گرفت کادر درمان، بخش زیادی از آنچه با فیلمبرداری و عکسبرداری از فاجعه در بیمارستان‌ها ثبت و مستندسازی شده بود، برای همیشه از بین رفت.

این کادر درمان بردن اجساد از بیمارستان خودشان را ندیده اما می‌گویند از یکی از همکارانش شنیده که در یکی از بیمارستانهای غرب تهران، مأموران نه تنها پیکر جانباختگان را برده‌اند بلکه زخمی‌هایی که برای مثال جراحی ارتوپدی شده بودند و دست یا پایشان در گچ بوده یا مجروحانی که بخیه داشتند را برده‌اند. همزمان دوربین مدار بسته بیمارستان را خاموش کرده بودند که تصویری ثبت نشود.

او همچنین گفته در برخی از بیمارستانها در روز جمعه ۱۹ دی نهادهای امنیتی با فشار بر کادر درمان اجازه پذیرش مجروحان اعتراضات را ندادند.

به گفته او همه کشته شده‌های تهران آنهایی نیستند که ویدئوهایش از کهریزک آمده «در فاصله جمعه شب تا شنبه ۲۰ دی ۳۵۰ پیکر بی جان فقط به پزشک قانونی واحد غرب تهران منتقل شده بود. اینها مجروحانی بودند که به بیمارستان رسانده شده ولی پذیرش نشده جان خود را از دست داده و در نتیجه به پزشکی قانونی منتقل شده بودند یا مردم آنها را از خیابان به پزشکی قانونی منتقل کردند. مجروحانی که در بیمارستان جان می‌باختند غالباً در سردخانه بیمارستان نگهداری و البته کسانی که در خیابان‌ها کشته می‌شدند هم توسط مأموران به کهریزک منتقل می‌شدند.»

رضا هم می‌گوید «کسانی که کشته می‌شدند برای صدور جواز دفن به خانواده‌شان پیشنهاد می‌شد امضا کنند جان‌باخته بسیجی بوده و در اینصورت جواز دفن و حتی پول دریافت کنند و فرزندشان شهید به‌شمار برود؛ اگر هم قبول نمی‌کردند- که تقریباً کسی قبول نمی‌کرد- مأموران طلب پول می‌کردند. بر اساس اطلاع من از ۲۰۰ میلیون تا یک میلیارد تومان پرداخت شده است. البته بعد هم محل دفن را مأموران مشخص می‌کردند. مثلاً کسی را می‌شناسم که در تهران جان باخته و خانواده ساکن تهران هستند اما باید پیکر عزیزشان را قم خاک می‌کردند. اصلاً کسی را هم قم نداشتند. همه خانواده جانباخته‌ها هم برای خاکسپاری و برگزاری مراسم زیر فشار بودند.»

رضا همچنین بر اساس آنچه طی چهار روز هجدهم تا بیست و یکم در خیابان مشاهده و تجربه کرده معتقد است «یکی از عواملی که سرکوب را برای حکومت قابل سازماندهی کرده بود، اعلام روز و ساعت مشخص به مدت چهار شب پشت سر هم بود. سرکوب در شب برای حکومت راحت‌تر است چون ادارات و مغازه‌ها تعطیل هستند و خیابان‌ها خلوت؛ و اغلب آنها که در خیابان هستند «معترض» به شمار می‌روند. اعلام چهار شب رأس یک ساعت، در عمل ابتکارعمل از معترضان را کاهش داد اما در مقابل امکان سازماندهی و جاسازی تک‌تیراندازها روی پشت بام ساختمان‌ها و روانه کردن نیروهای سرکوب را در محلهایی که از طرف تحلیلگران امنیتی پتانسیل تجمع داشت را فراهم کرده بود؛ دقیقاً شبیه چند تجمع در «جنبش سبز» که با فراخوان موسوی و کروبی شکل گرفت.

نیمه هم می‌گوید «کم‌کم داریم خبردار می‌شویم چه جنایتی رخ داده است. در کوچه بالایی ما یک معترض جوان جان باخته است. سه کوچه بالاتر هم دو نفر در همسایگی هم جانشان را از دست داده‌اند.»

بر اساس گفته این شهروندان، در شهرهای مختلف از شنبه وضعیت شبه‌حکومت نظامی در جریان بوده است. بهروز می‌گوید «از جمعه عصر تا سه‌شنبه ۲۳ دی عملاً لاهیجان حکومت نظامی بود. ماشین‌ها و موبایل‌ها را می‌گشتند و حتی می‌گفتند بیرون نمانید و بروید خانه. از سه‌شنبه اما موج بازداشت‌ها سرعت گرفته؛ من مطلع هستم که به مجتمع‌ها و مغازه‌هایی در مسیر تظاهرات و محل تجمعات که دوربین مدار بسته داشته رفته‌اند و حافظه دوربین‌ها را به زود گرفته‌اند تا بتوانند شهروندان معترض را شناسایی کنند.»

یکی از دوستان نیمه در زاهدان دانشجویی بوده و بعد از شلوغی‌ها هم همانجا مانده است. نیمه می‌گوید در تماس کوتاهی که با دوستش داشته، متوجه شده درگیری‌ها در زاهدان همچنان ادامه دارد و طی روزهای گذشته ماشین‌های نظامی در شهر مستقر شده و شرایط شهر حتی در ساعات روز امنیتی است و سطح درگیری بالاست. در برخی نقاط سیستان و بلوچستان هم درگیری دو طرفه، میان مأموران و معترضان، شکل گرفته است.»

علی هم از شرایط حکومت نظامی در مشهد می‌گوید: «در مناطق مختلف ایست بازرسی گذاشته‌اند و رندوم ماشین‌ها و موبایل‌ها را می‌گردند. بیشتر دنبال ویدئوها یا عکس‌هایی از اعتراضات هستند. بعضی وقتها هم ماشین‌هایی که سرنشین جوان دارند را می‌گیرند و ماشین و سرنشین را با هم بازداشت می‌کنند تا ببینند چیزی پیدا می‌کنند یا نه». او می‌گوید در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی میزان درگیری در مناطق طبرسی و توس در جنوب مشهد خیلی شدیدتر از وکیل‌آباد بوده و چند مأمور هم در جریان سرکوب بدست مردم کشته شدند. مردم زیادی هم کشته شدند بطوریکه شنیدیم در کانون اعتراضات جوی خون راه افتاده. آنجا حکومت نظامی هم شدید است. مغازه‌ها باید از بعد از ظهر تعطیل کنند و از مردم می‌خواهند شبها در خانه باشند.»

ابعاد کشتار و سرکوب حتی برای این شهروندان که خودشان در اعتراضات بوده‌اند روشن نشده است و فقط از کشته‌های زیاد سخن می‌گویند. شقایق یکی از کادر درمان شاغل در بیمارستانی در غرب تهران است که در گفتگو با «کیهان لندن» از وضعیت فاجعه‌بار بیمارستان‌ها و فشار روانی و امنیتی بالایی می‌گوید که به کادر درمان وارد شده است: «زخمی‌ها و کشته‌ها وحشتناک بود. من حتی در زلزله بم که در بیمارستانی در تهران شاغل بودم که مجروح می‌آوردند هم چنین وضعیتی را ندیده بودم. گروه گروه مجروح می‌آوردند. یک گوشه سالن اورژانس کشته شده‌ها کنار هم روی زمین بودند. نه نیروی کافی داشتیم نه در یک بیمارستان کوچک خصوصی، امکانات کافی برای آن حجم از مجروحی که در طی یکی دو ساعت آوردند. یکی صورتش بر اثر اصابت باتوم متلاشی شده بود، یکی ماهیچه‌های پایش بیرون زده بود، کف اورژانس پر از خون بود و صدای فریاد و ناله و همه‌همه. نیاز فوری به خون بود، اتاق عمل‌ها محدود بود و با وجود آمدن همه پزشکان آنکال اما باز هم کمبود کادر درمان برای آنهمه مجروح داشتیم. سازمان انتقال خون هم می‌گفت ذخیره خون در حال اتمام است. در بین استرس و فشاری که برای نجات جان مجروحان داشتیم، نیروهای امنیتی و اطلاعاتی هم قوز بالا‌قوز بودند. مثل کفتار منتظر ربودن پیکر نیمه جان زخمی‌ها بودند. مدام سر کادر درمان و مردمی که آنجا بودند داد می‌زدند که فیلم نگیرید، عکس نگیرید. کمی وضعیت آرام شد و دم صبح

چشم خود را از دست داده‌اند. تنها یکی از مراکز چشم پزشکی تهران، کلینیک نور، ثبت ۷ هزار مورد آسیب چشمی را گزارش کرده است.

یکی از چشم پزشکان در این باره گفت: «تعداد آسیب‌های چشمی ناشی از شلیک ساچمه آن قدر زیاد است که نمی‌دانیم ابتدا کدام بیمار را درمان کنیم».

فرد دیگری که هفته گذشته موفق به خروج از ایران شده است، گفت: «برادرم در کلینیک نور کار می‌کند. او می‌گفت تنها در یک شب، و فقط در تهران، بیش از ۸۰۰ مورد خارج کردن چشم بر اثر اصابت ساچمه به چشم‌ها ثبت شده است. برادرم همچنین گفت بر پایه گفتگوهایی

خارج از ایران با خطرات جدی همراه است.

روزنامه ساندی تایمز همچنین توانست با شماری از افرادی که از ایران گریخته‌اند تماس بگیرد. یکی از آنان گفت: «به تمام دنیا بگویید که روز جمعه همه را به رگبار بستند. نیروهای سپاه پاسداران با خونسردی کامل سعی می‌کردند مستقیماً سر مردم را هدف بگیرند».

فرد دیگری گفت: «تک تیراندازها روی پشت بامها مستقر بودند و مردم را از پشت سر هدف قرار می‌دادند. ما در حال راه رفتن بودیم که ناگهان چند نفر در کنارمان بر زمین افتادند، غرق در خون. وقتی تلاش کردیم به سمتشان برویم تا پیکرها را منتقل کنیم، به سوی ما آتش گشودند».



که با پزشکان بیمارستان‌های دیگر شهرها داشته، آمار بسیار بالاست و احتمالاً بیش از ۸ هزار نفر در سراسر کشور بر اثر شلیک ساچمه نابینا شده‌اند».

بسیاری از مجروحان به دلیل کمبود خون جان خود را از دست داده‌اند. با آن که کارکنان درمانی در چندین بیمارستان برای نجات بیماران خود اقدام به اهدای خون کرده بودند، در برخی موارد نیروهای امنیتی از انجام انتقال خون جلوگیری کردند.

یکی از جراحان در تهران گفت: «ساعت‌ها برای نجات جان بیماران می‌جنگیم، اما در نهایت آن‌ها را از دست می‌دهیم، فقط به این دلیل که اجازه دریافت خون به آنان داده نمی‌شود».

پاراستا گفت: «این یک نسل کشی در پوشش تاریکی دیجیتال است. آن‌ها گفته بودند تا زمانی که این اعتراضات متوقف نشود، خواهند کُشت، و اکنون دقیقاً همان کار را انجام می‌دهند».

او افزود: «این‌ها حداقل آمارها هستند و عمداً با

→ روبرو می‌شوند؛ کسانی که در جریان سرکوب خشونت‌بار اعتراضات در تهران جان باخته‌اند.

علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، دیروز برای نخستین بار اذعان کرد که از زمان آغاز اعتراضات سه هفته پیش، «چند هزار تن» کشته شده‌اند.

او در یک سخنرانی تلویزیونی خطاب به ملت که از رسانه دولتی پخش شد، مسئولیت این وقایع را متوجه خود معترضان دانست و آنان را «پایه نظام ایالات متحده» توصیف کرد و مدعی شد که «آشوبگران به مهمات جنگی مجهز بوده‌اند که از خارج کشور وارد شده است».

اما روزنامه ساندی تایمز به گزارش تازه‌ای از پزشکان حاضر در محل دست یافته است که بر اساس آن، دست کم ۱۶ هزار و ۵۰۰ معترض جان باخته‌اند و ۳۳۰ هزار نفر نیز زخمی شده‌اند، که بخش عمده این تلفات در جریان دو روز کشتار تمام‌عیار رخ داده است. خونبارترین و خشن‌ترین سرکوبی که حکومت روحانیون در طول ۴۷ سال حیات خود به اجرا گذاشته است.

گمان می‌رود بیشتر قربانیان کمتر از ۳۰ سال سن داشته‌اند. پیام‌های جان‌سوز منتشر شده در اینستاگرام، از مرگ یک طراح مد ۲۳ ساله، سه فوتبالیست جوان -که یکی از آنان تنها ۱۷ سال داشت و کاپیتان یک تیم نوجوانان در تهران بود- یک قهرمان بسکتبال ۲۱ ساله، یک کارگردان نوپای سینما، و دانشجویی که آرزو داشت برای دوره دکتری در دانشگاه بریستول تحصیل کند، روایت می‌کنند؛ و نیز دانشجویی که نخستین حضورش در اعتراضات، آخرین حضور او بود.

پرفسور امیر پاراستا، جراح چشم ایرانی-آلمانی و مدیر مرکز پزشکی مونیخ، گفت: «این سطحی کاملاً تازه از خشونت است». این مرکز در جریان اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» در سال ۲۰۲۲ بسیاری از مجروحان را درمان کرد و در ایجاد شبکه‌ای از پزشکان در سراسر ایران که این گزارش را تهیه کرده‌اند، نقش داشت.

او افزود: «در سال ۲۰۲۲ از گلوله‌های پلاستیکی و تفنگ‌های ساچمه‌ای استفاده می‌کردند و چشم‌ها را هدف می‌گرفتند. این بار اما از سلاح‌های در سطح نظامی استفاده می‌شود و آنچه ما می‌بینیم، زخم‌های ناشی از اصابت گلوله و ترکش در ناحیه سر، گردن و قفسه سینه است».

او افزود: «با ده‌ها پزشک حاضر در محل صحبت کرده‌ام؛ همه آنان به شدت شوکه شده‌اند و گریه می‌کنند. این‌ها جراحانی هستند که جنگ را از نزدیک دیده‌اند».

چرا اعتراضات اکنون در ایران شکل گرفته است؟

مروری زمان‌بندی شده از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ تاکنون پزشکان از طریق استارلینک سخن گفتند؛ فناوری ماهواره‌ای متعلق به شرکت اسپیس‌ایکس ایلان ماسک که امکان دسترسی به اینترنت را از طریق پایانه‌های ویژه و بدون اتکا به زیرساخت‌های متعارف ارتباطی فراهم می‌کند. پایانه‌های استارلینک به‌صورت قاچاق وارد کشور شده‌اند و از ساعت ۸ شب هشتم ژانویه، زمانی که اینترنت به‌طور کامل قطع شد، تنها راه ارتباطی باقی‌مانده بوده‌اند.

فعالان حدود ۵۰ تا ۶۰ هزار پایانه را وارد ایران کرده‌اند، اما استفاده از آن‌ها با خطرات جدی شخصی همراه است. زیرا این تجهیزات از سوی حکومت ممنوع اعلام شده و نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جستجوی آنتن‌ها و بشقاب‌های ماهواره‌ای هستند.

شهادت پزشکان، همراه با ویدئوهای تکان دهنده، از سوی پاراستا در اختیار روزنامه ساندی تایمز قرار گرفته است. زیرا گفتگو برای افرادی که در داخل کشور حضور دارند، با افراد

این روایت‌ها با صحنه‌هایی که در ویدئوهای تکان دهنده منتشر شده طی روزهای اخیر در ایران دیده شده، و همچنین با پیام‌های صوتی و توضیحات شاهدانی که از مرز ترکیه عبور کرده‌اند، همخوانی دارد. این گزارش‌ها حکایت از آن دارد که نیروهای سپاه پاسداران و بسیج، سوار بر موتورسیکلت، با استفاده از مهمات جنگی و سلاح‌هایی چون کلاشینکف، و حتی تیربارهایی که بر وانت‌ها نصب شده بود، مردم را به رگبار بسته‌اند.

همچنین گزارش‌هایی منتشر شده است مبنی بر آن که نیروهایی از «حشد الشعبی»، شبه نظامیان شیعه عراق نیز با اتوبوس به داخل ایران منتقل شده‌اند.

آمار گردآوری شده توسط کارکنان هشت بیمارستان بزرگ چشم پزشکی و ۱۶ بخش اورژانس در سراسر کشور نشان می‌دهد که دست کم ۱۶ هزار و ۵۰۰ تا ۱۸ هزار نفر جان باخته‌اند و ۳۳۰ هزار تا ۳۶۰ هزار تن، از جمله کودکان و زنان باردار زخمی شده‌اند.

بر اساس این گزارش، دست کم ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر یک

→ احتیاط بسیار ارائه شده‌اند.

بسیاری از مجروحان از مراجعه به بیمارستان خودداری می‌کنند، زیرا بیم آن دارند که نیروهای امنیتی آنان را، چنان‌که در برخی ویدئوهای قاچاق‌شده دیده شده، از تخت‌های بیمارستانی بیرون بکشند.

آیا علی خامنه‌ای کناره‌گیری خواهد کرد؟

معتضان ایرانی او را به لبه سقوط کشانده‌اند یکی از معتضان که روز گذشته از ایران خارج شده است، به روزنامه ساندی تایمز گفت: «افرادی که از ناحیه چشم هدف گلوله قرار گرفته بودند و چشمشان جراحی و خارج شده بود، بلافاصله از داخل اتاق‌های عمل توسط نیروهای امنیتی ربوده می‌شدند.»

گزارش‌ها حاکی از آن است که نیروهای بسیج پیکر کشته‌شدگان را از خیابان‌ها جمع‌آوری کرده و برای دفن به شهرهای دیگر منتقل می‌کنند تا هیچ سابقه‌ای از آن‌ها ثبت نشود؛ یا در مواردی، برای تحویل یا حتی مشاهده پیکر جان‌باختگان، مبالغ هنگفتی مطالبه می‌کنند - همان‌گونه که آن زوج برای دیدن جسد دختر کشته‌شده خود ناچار به پرداخت پول شدند.

فرد دیگری که موفق شده از کشور خارج شود، گفت: «در همه جا ایست‌های بازرسی برپا کرده‌اند. تلفن‌های همراه همه را بررسی می‌کنند، گالری عکس‌ها را می‌گردند و حتی بدن افراد را به صورت فیزیکی بازرسی می‌کنند. اگر روی بدن کسی آثار زخم ساجمه پیدا کنند، فرض می‌کنند در اعتراضات حضور داشته و بلافاصله او را بازداشت می‌کنند.»

صبا لطیف، ۲۹ ساله، اهل اصفهان و دانشجوی کنونی در شیکاگو، که نخستین‌بار در ۱۴ سالگی در جریان جنبش سبز ناکام سال ۲۰۰۹ در اعتراضات شرکت کرده و همچنان با فعالان و شاهدان عینی در ارتباط است، گفت: «وحشتناک است؛ یک کابوس واقعی در دنیای بیداری. هرگز در عمرم چنین چیزی ندیده‌ام. خانواده‌هایی کامل در داخل خودروهایشان به گلوله بسته شدند.»

او افزود: «یکی از پرستاران در اصفهان به من گفت که هر دو ساعت بین ۵۰ تا ۱۰۰ پیکر از بیمارستان خارج می‌شد، و این فقط مربوط به یک بیمارستان است. حالا تعداد کل شهر و کل کشور را تصور کنید. تقریباً همه کسانی که می‌شناسم یا عزیزی را از دست داده‌اند، یا در میان اعضای خانواده‌شان افرادی ناپدید شده‌اند. من به‌شدت نگران خانواده خود هستم.»

توماس صالحی رپر ۳۴ ساله نیز در میان افرادی که سرنوشتشان نامعلوم گزارش شده می‌باشد، او که ترانه‌هایش به صراحت حکومت را مورد انتقاد قرار داده‌اند، در جریان اعتراضات پیشین در سال ۲۰۲۲ بازداشت شد و به مدت ۷۵۳ روز در بازداشت نگه داشته شده بود.

آرزو اقبالی، دخترعموی او که در فرانسه زندگی می‌کند، گفت: «یک روز پیش از قطع اینترنت، به ما گفت که مأموران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌طور مداوم او را تعقیب و تهدید می‌کنند و برای وادار کردنش به سکوت، تحت فشار قرارش می‌دهند. او در رشت است؛ همان شهری که روز جمعه ۹ ژانویه، یک قهرمان بدنسازی جهان را با گلوله کشتند، و ما می‌دانستیم که توماج در خیابان‌ها خواهد بود.»

او افزود: «به مدت ده روز هیچ خبری از او نداشتیم. همه ما با یک پرسش هولناک روبرو بودیم: آیا توماج و عزیزانمان سالم‌اند یا نه؟»

اما دیروز توماج موفق شد پیامی ارسال کند و خبر دهد که حالش خوب است. نگین نیکنام، دخترعموی دیگر او که مدیر برنامه‌هایش است، گفت: «تماس به صورت مستقیم

برقرار شد و از آنجا که تلفن‌ها تحت کنترل هستند، تنها چیزی که توانست بگوید این بود که حالش خوب است.» در حالی که قطع ارتباطات دیجیتال سبب شده است بخش بزرگی از این روایت‌ها هنوز ناگفته بماند، آنچه روشن است، شجاعت شگفت‌انگیز معتضان و تراژدی تلخی است که شمار بسیاری از آنان را، آن‌هم در سنین بسیار جوان، دربر گرفته است.

اگرچه این جنبش از روز ۲۸ دسامبر با بستن مغازه‌ها توسط بازاریان و کسبه بازار بزرگ تهران در اعتراض به تورم بسیار بالا و سقوط ارزش پول ملی آغاز شد، اما به سرعت دانشجویان دانشگاه‌ها و جوانان نیز به آن پیوستند و با سردادن شعار «مرگ بر خامنه‌ای» خواستار تغییر رژیم شدند.

اعتراضات به سرعت در سراسر کشور گسترش یافت و شهرها و شهرستان‌های هر ۳۱ استان را در بر گرفت. این حرکت از روز ۸ ژانویه، پس از انتشار پیامی در شبکه‌های اجتماعی از سوی شاهزاده رضا پهلوی، فرزند شاه فقید ایران، که از ایرانیان خواسته بود به صورت گسترده به خیابان‌ها بیایند، شدت گرفت.

بسیاری از هم‌میهنان او، سال‌ها ولیعهد را چهره‌ای بی‌اثر می‌دانستند، اما این بار فراخوان او بازتابی گسترده یافت، حتی در میان منتقدان پیشینش.

یکی از گل‌فروشان تهران گفت: «همه بیرون آمده بودند؛ از کودکان خردسال گرفته تا سالمندان.»

او افزود که جوانان در صف نخست قرار داشتند، از جمله پسر خودش که در ادامه بازداشت شد.

هالی داکرس، پژوهشگر ارشد مؤسسه واشنگتن و نویسنده خبرنامه ایرانیست، گفت: «این عملاً یک خیزش نسل زد است.»

به گفته او، این جنبش در امتداد آن چیزی قرار دارد که از آن به‌عنوان «نخستین انقلاب نسل زد در جهان» یاد می‌شود؛ یعنی جنبش «زن، زندگی، آزادی» که در سپتامبر ۲۰۲۲، پس از جان‌باخت مهسا امینی ۲۲ ساله - به دلیل آنچه «بدحجابی» خوانده شد - بازداشت شده بود، آغاز شد.

جوانان راه‌هایی برای دورزدن سانسور و نظارت امنیتی یافته‌اند. آنان در گروه‌های کوچک گرد هم می‌آمدند و از طریق اتاق‌های گفتگو در وب‌سایت‌های بازی‌های رایانه‌ای با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کردند.

اگرچه سرکوبی گسترده در نهایت موجب شد بسیاری از مردم خیابان‌ها را ترک کنند، اما از جهاتی این حرکت نوعی پیروزی به شمار می‌رفت. چرا که شمار زیادی از زنان از پوشاندن سر خود سر باز زدند.

در ماه نوامبر، ویدئویی از گروهی از جوانان در گوشه‌ای از خیابان‌های تهران که با آهنگ Seven Nation Army از گروه The White Stripes هم‌صدا شده بودند، به‌سرعت فراگیر شد؛ در آن تصویر، هیچ حجابی دیده نمی‌شد.

داگرس گفت: «نسل زد ایران بخشی از نسل زد جهانی است. نخستین نسلی که از بدو تولد، اینترنت در نوک انگشتانش بوده‌است، حتی اگر برای دسترسی به آن ناچار به استفاده از فیلترشکن باشند.»

او افزود: «جوانان ایرانی می‌بینند مردم دیگر نقاط جهان چگونه زندگی می‌کنند و احساس می‌کنند از این مسیر عقب مانده‌اند. آن‌ها لباس‌های غربی می‌پوشند، در گفتار فارسی خود از اصطلاحات انگلیسی استفاده می‌کنند، همان فیلم‌ها و موسیقی‌هایی را می‌بینند و می‌شنوند که جوانان غربی دنبال می‌کنند و به این ترتیب نوعی خرده فرهنگ شکل داده‌اند. آن‌ها خواهان یک زندگی عادی هستند، اما

حکومت حاضر نیست چنین زندگی‌ای را به آنان بدهد. وقتی می‌بینید بدون حجاب در خیابان‌ها ظاهر می‌شوند یا در گوشه خیابان‌ها موسیقی می‌نوازند، این نتیجه اصلاحات حکومت اسلامی نیست، بلکه به این دلیل است که این نسل زیر بار فشار جمهوری اسلامی نمی‌رود.»

آخرین اعتراضات گسترده، چهارمین موج اعتراضی از زمان جنبش سبز سال ۲۰۰۹ به شمار می‌آید. مردم در سال ۲۰۱۷ در اعتراض به وضعیت اقتصادی و در سال ۲۰۱۹ در واکنش به افزایش قیمت سوخت به خیابان‌ها آمدند. در هر بار، واکنش حکومت سریع و خشونت بار بود: یورش نیروهای امنیتی، بازداشت‌های گسترده و کشتن یا مجروح کردن شهروندان غیرمسلح.

این بار، یک روز پس از آن که خیابان‌ها در پاسخ به فراخوان پهلوی از جمعیت پر شد، ون‌های نیروهای لباس شخصی و زنانی با پوشش برقع در سطح شهر ظاهر شدند و با بلندگو هشدار دادند که هر کس در خیابان دیده شود «تروریست» تلقی خواهد شد. سپس کشتار آغاز شد.

فردی که موفق شده‌است از کشور خارج شود، گفت: «هر روز کامیون‌های بزرگی می‌آیند که پشته‌هایی از اجساد روی هم انباشته شده، در آن‌هاست و خانواده‌ها ناچارند در میان آن‌ها به دنبال عزیزان خود بگردند. خیابان‌های اینجا بوی خون می‌دهد. تمام روز نیروهای سپاه پاسداران با سلاح و نقاب بر چهره در شهر گشت می‌زنند و مردم را تهدید می‌کنند.»

در حال حاضر، این اعتراضات نیز ممکن است موقتاً سرکوب شده باشد، اما بسیاری بر این باورند که این بار اوضاع متفاوت است.

بورجو اوزچلیک، پژوهشگر ارشد امنیت خاورمیانه در مؤسسه سلطنتی خدمات متحد (Rusi) لندن، گفت: «چیزی به طور بنیادین دگرگون شده، فضای داخلی کشور تغییر کرده و شکاف‌هایی در ساختار نظام پدید آمده است که پیش از این هرگز مشاهده نشده بود.»

او افزود: «هنوز زود است که گفته شود حکومت فرو خواهد پاشید، اما من معتقدم نوعی تغییر، گریزناپذیر است.»

در یک پیام صوتی، زنی که خود را فاطمه معرفی می‌کند و می‌گوید پدرش از فرماندهان بلند پایه است و زمانی که برای شرکت در اعتراضات از خانه خارج شده او را مورد ضرب و شتم قرار داده است. او مدعی شد که مقامات حکومتی چمدان‌هایی پر از دلار و گذرنامه‌های جعلی را برای فرار آماده کرده‌اند.

این اعتراضات تنها واکنشی به دهه‌ها سرکوب حکومت روحانیان، به‌ویژه در حوزه حقوق زنان نیست، بلکه بازتاب فروپاشی اقتصادی عمیق نیز هست؛ فروپاشی‌ای که بر اثر فساد ساختاری و انزوای بین‌المللی تشدید شده و تمامی کسانی را که جزو بدنه‌ی حاکمیت نیستند، در بر می‌گیرد.

صبا لطیفی گفت: «من در یکی از بهترین مدارس غیرانتفاعی اصفهان درس خواندم و حتی یک نفر از هم‌کلاسی‌هایم شغل ندارد. آن‌ها تمام روز یا در خیابان‌ها پرسه می‌زنند یا تلویزیون تماشا می‌کنند. همه به شدت افسرده‌اند.»

امید شمس، نویسنده ایرانی و فعال حقوق بشر در تبعید در لندن، گفت: «ترس از میان رفته است بخشی به دلیل جنگ دوازده روزه با اسرائیل در ژوئن گذشته، زمانی که مردم دیدند حکومت شکست‌ناپذیر نیست، و بخشی دیگر به این سبب که مردم دیگر امیدی ندارند. یا باید به خیابان رفت و جان داد، یا در خانه ماند و آرام‌آرام مرد.»

یک رمان‌نویس، پیش از آن که برای شرکت در

روزنامه «بیلد»: ملاها با قطع اینترنت ۹۳ میلیون ایرانی را در تاریکی مطلق نگه داشتند



تظاهرات ضدحکومتی / دی ۱۴۰۴

فیلترتوچ (که از سال ۲۰۱۲ سیاست اینترنت، سانسور و حقوق دیجیتال در ایران را زیر نظر دارد) از این وضعیت به عنوان «احتمالاً گسترده ترین و پیچیده ترین انسداد ارتباطی در تاریخ کشور» یاد می کند. شبکه های تلفن داخلی نیز تحت تأثیر قرار گرفته اند. فیلترتوچ در وبسایت خود می نویسد: «با غیرفعال کردن زیرساخت های داخلی هم زمان با قطع اتصال جهانی، مقامات یک خلأ اطلاعاتی تقریباً کامل ایجاد کرده اند. این امر شهروندان را نه تنها از ارتباط با دنیای خارج، بلکه از ارتباط با یکدیگر نیز باز می دارد.»

در حال حاضر فقط این موارد در دسترس هستند: وبسایت های دولتی، رسانه های خبری تأیید شده، مؤسسات مالی و پلتفرم های داخلی برای تجارت، سلامت و آموزش. نگرانی فیلترتوچ این است که «جمهوری اسلامی مدل سنتی سانسور جمعی را کنار گذاشته» و «استراتژی بسیار تاریک تری» را جایگزین آن کرده است: انزوای دیجیتال مطلق. در ادامه آمده است: «در این اینترنت بسته، دسترسی به دنیای خارج تنها از طریق یک فهرست سفید سخت گیرانه و فقط برای افرادی با مجوز امنیتی امکان پذیر است.»

مسدودسازی استارلینک در دستور کار

موضوع دیگر در کانون توجه استارلینک اسن. قرار است شبکه ماهواره ای متعلق به ایلان ماسک مدیر تسلا، مسدود شود تا از دور زدن محدودیت اینترنتی ملاها جلوگیری شود. همچنین برنامه هایی برای مصادره گسترده دیش های ماهواره ای وجود دارد. طبق گزارش فیلترتوچ، کارشناسان فناوری خارجی و شرکت های شریک نیز در حال ترک کشور هستند. فیلترتوچ پیش بینی می کند بازگشت اینترنت برای ایرانیان، به نظر می رسد امیدی باشد که به این زودی محقق نخواهد شد. در همین ارتباط فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت، تأیید کرده است که حداقل تا مارس ۲۰۲۶ اینترنت بین المللی قطع خواهد بود، حتی پس از آن نیز دسترسی هرگز به شکل سابق باز نخواهد گشت.

● روزنامه آلمانی «بیلد» روز یکشنبه ۱۸ ژانویه (۲۸ دی) در گزارشی نوشت، «رژیم ملاها در ایران دست به سرکوب وحشیانه اعتراضات مردم زد و در مدت کوتاهی هزاران نفر را اعدام کرد اما عوامل رهبر جمهوری اسلامی قدرت خود را فقط با سلاح حفظ نمی کنند، بلکه با سانسور نیز این کار را انجام می دهند.»

● فیلترتوچ (که از سال ۲۰۱۲ سیاست اینترنت، سانسور و حقوق دیجیتال در ایران را زیر نظر دارد) می نویسد: «با غیرفعال کردن زیرساخت های داخلی هم زمان با قطع اتصال جهانی، مقامات یک خلأ اطلاعاتی تقریباً کامل ایجاد کرده اند. این امر شهروندان را نه تنها از ارتباط با دنیای خارج، بلکه از ارتباط با یکدیگر نیز باز می دارد.»

● نگرانی فیلترتوچ این است که «جمهوری اسلامی مدل سنتی سانسور جمعی را کنار گذاشته» و «استراتژی بسیار تاریک تری» را جایگزین آن کرده است: انزوای دیجیتال مطلق. در ادامه آمده است: «در این اینترنت بسته، دسترسی به دنیای خارج تنها از طریق یک فهرست سفید سخت گیرانه و فقط برای افرادی با مجوز امنیتی امکان پذیر است.»

روزنامه آلمانی «بیلد» روز یکشنبه ۱۸ ژانویه (۲۸ دی) در گزارشی نوشت، «رژیم ملاها در ایران دست به سرکوب وحشیانه اعتراضات مردم زد و در مدت کوتاهی هزاران نفر را اعدام کرد اما عوامل رهبر جمهوری اسلامی قدرت خود را فقط با سلاح حفظ نمی کنند، بلکه با سانسور نیز این کار را انجام می دهند.»

روزنامه بیلد به قطع کامل اینترنت در ایران اشاره می کند و می نویسد ۹۳ میلیون ایرانی از ۱۸ دی ماه آفلاین شدند و اطلاعات از داخل ایران، تنها به صورت محدود و با دشواری از مرزهای کشور عبور می کند و قرار است این وضعیت فعلاً برقرار باشد. بر اساس گزارش سازمان ناظر «فیلترتوچ»، ملاها به جای دسترسی آزاد به شبکه جهانی اینترنت، در حال برنامه ریزی برای ایجاد یک «سیستم تحت کنترل دولت» هستند.

➔ اعتراضات از خانه خارج شود، با وجود آن که در دور پیشین نیز زندانی شده بود، در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «دیگر چیزی برای از دست دادن باقی نمانده است.» پاراستا گفت که او نیز همین وضعیت را مشاهده می کند و افزود: «هنوز حدود ۴۰ بیمار دارم که در جریان اعتراضات قبلی آن ها را به آلمان منتقل کردیم و من جراحی شان کرده ام، اما با وجود آن که می دانند در فرودگاه بازداشت خواهند شد، می خواهند به ایران بازگردند. پزشکانی که در داخل کشور با آنان در تماس هستم نیز می گویند مجروحانی که درمان می کنند، خواهان بازگشت هستند.»

در حال حاضر، خیابان ها تقریباً خالی است. به گفته شمس، برخی از معترضان ممکن است برای تجدید سازمان موقتاً عقب نشینی کرده باشند، اما در عین حال ناامیدی گسترده ای نیز وجود دارد؛ چرا که وعده دونالد ترامپ در هفته گذشته مبنی بر این که «کمک در راه است»، هنوز عملی نشده است.

در عوض، ترامپ روز پنجشنبه از حکومت ایران به دلیل اجرا نکردن ۸۰۰ اعدام قددردانی کرد. او در شبکه اجتماعی «Truth Social» نوشت: «من احترام زیادی قائلم به این واقعیت که تمامی اعدام های برنامه ریزی شده، که قرار بود دیروز انجام شود (بیش از ۸۰۰ مورد)، توسط رهبری ایران لغو شده است. متشکرم!»

منشاء رقم ۸۰۰ مشخص نیست و روشن نیست این عدد بر چه اساسی مطرح شده است.

معترضان امیدوارند که این موضع گیری تنها نوعی فریب از سوی رئیس جمهور غیرقابل پیش بینی ایالات متحده باشد. شمس گفت: «این خیزش بدون سلاح است و افراد اندکی باور دارند که بدون کمک خارجی بتواند به تغییر منجر شود.»

او افزود: «اگر این کمک نرسد، از آنچه ممکن است رخ دهد بیم دارم.»

روز جمعه، شاهزاده رضا پهلوی در فراخوانی علنی از ایالات متحده خواست تا برای سرنگونی رژیم، «حملات جراحی» علیه اهداف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام دهد.

او گفت: «مسئله این نیست که آیا این رژیم سقوط می کند یا نه، بلکه این است که چه زمانی.»

اگر تغییری رخ دهد، برای یاسین میرزایی، ۲۸ ساله، بسیار دیر خواهد بود. جوانی که برای تعطیلات از دانشگاهش در ایتالیا به ایران بازگشته بود و خود را برای مصاحبه در سفارت بریتانیا در تهران آماده می کرد، در آستانه آغاز دوره دکتری مهندسی سازه در دانشگاه بریستول.

به گفته بهمن میرزایی، عمومی او، یاسین در شامگاه ۸ ژانویه - یک شب پیش از موعد مصاحبه اش - برای نخستین بار به همراه دوستانش در یک تجمع اعتراضی ضدحکومتی در شهر کرمانشاه در غرب ایران شرکت کرد. نیروهای امنیتی با شلیک مهمات جنگی به سوی جمعیت، دست کم پنج نفر را کشتند که یاسین نیز در میان آنان بود. میرزایی که از ترکیه سخن می گفت، افزود: «او را از ناحیه سر هدف قرار دادند و همان جا جان باخت.»

وی افزود: «پس از آن، کسی از ایران با من تماس گرفت و گفت پیش از آن که یاسین از خانه بیرون برود، گویی می دانسته ممکن است کشته شود. او گفته بود: «اگر مرا کشتند، به همه بگویید در راه آزادی شهید شدم.»

منبع: ساندی تایمز

نویسنده: کریستینا لمب

ترجمه: کیهان لندن

رضا پهلوی؛ ارثیه‌ای تاریخی برای ملت ایران



● در ایران، پادشاهی صرفاً یک شکل از حکومت نبوده است. پادشاهی، ستون فقرات تداوم تاریخی ایران بوده؛ سازوکاری که اجازه داده این سرزمین، با همه تهاجم‌ها، فروپاشی‌ها و تحولات تمدنی، همچنان «ایران» بماند.

● شاهزاده رضا پهلوی نه صرفاً فرزند شاه فقید ایران، بلکه امانت‌دار همان سرمایه تاریخی است. هر چند در بیان، شاهزاده رضا پهلوی وارث تاج و تخت پادشاهی تلقی می‌شود اما، وارث بودن در این بحث، به معنای حق ویژه یا قدرت تضمین‌شده نیست بلکه به معنای حمل یک نام، یک تداوم و یک مسئولیت تاریخی است. همان‌طور که یک ملت زبان مادری‌اش را انتخاب نمی‌کند، تاریخش را هم همین‌طور.

● شاهزاده رضا پهلوی هیچ‌گاه مدعی حکومت مطلقه یا بازگشت به گذشته نبوده است. او بارها بر حق انتخاب مردم درباره شکل نظام سیاسی آینده تأکید کرده و خود را نه صاحب کشور، بلکه همراه و خدمتگزار ملت معرفی کرده است. این رویکرد، مرز روشن میان پادشاهی مدرن و سلطنت مطلقه را مشخص می‌کند.

● پادشاهی ایران، با همه فراز و فرودهایش، تنها دارایی ملت است که می‌تواند به‌عنوان سرمایه ملی عمل کند. شاهزاده رضا پهلوی نیز به‌عنوان ارثیه‌ای با ارزش برای ما باقی گذاشته شده است.

کوروش زمانی، روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی - بحث درباره پادشاهی در ایران معمولاً از یک نقطه، کلیشه‌ای می‌شود؛ این‌که پادشاهی، نظامی «ارثی» است و چون انتخابی نیست، پس ماهیتی ضد مردم‌سالارانه و ناعدالانه دارد. این گزاره در نگاه اول ساده و حتی فریبنده به نظر می‌رسد، اما دقیقاً همان‌جاست که بحث از مسیر اصلی منحرف می‌شود. مسئله اساسی این نیست که پادشاه چگونه به این جایگاه می‌رسد، بلکه این است که پادشاهی در یک ملت چه کارکردی دارد، چه چیزی را نمایندگی می‌کند و چه نسبتی با حافظه تاریخی، هویت ملی و منافع بلندمدت مردم برقرار می‌کند. در نقد پادشاهی، اغلب با یک قیاس مکانیکی روبه‌رو هستیم؛ گویی تمام ساختارهای سیاسی را می‌توان با یک خط‌کش واحد سنجید، بدون توجه به تاریخ، فرهنگ سیاسی و تجربه زیسته ملت‌ها. این همان خطایی است که بارها در تاریخ معاصر ایران هزینه‌های سنگین به بار آورده است.

در ایران، پادشاهی صرفاً یک شکل از حکومت نبوده است. پادشاهی، ستون فقرات تداوم تاریخی ایران بوده؛ سازوکاری که اجازه داده این سرزمین، با همه تهاجم‌ها، فروپاشی‌ها و تحولات تمدنی، همچنان «ایران» بماند. آن‌چه ایران را از بسیاری از تمدن‌های هم‌عصر خود متمایز می‌کند، همین پیوستگی تاریخی است. این پیوستگی نه اتفاقی بوده و نه خودبه‌خود پیش‌آمده؛ بلکه محصول یک نظم نمادین و سیاسی است که در مرکز آن، نهاد پادشاهی قرار داشته است. بدون این نظم، ایران نیز می‌توانست به سرنوشت تمدن‌هایی دچار شود که امروز تنها نامی در کتاب‌های تاریخ‌اند.

وقتی گفته می‌شود پادشاهی ارثی است، معمولاً ارث را به معنای خصوصی، خانوادگی و شخصی آن تقلیل می‌دهند؛ انگار با ملکی طرف هستیم که از پدری به فرزندش منتقل می‌شود. اما در سنت سیاسی ایران، پادشاهی نه دارایی

به معنای حمل یک نام، یک تداوم و یک مسئولیت تاریخی است. همان‌طور که یک ملت زبان مادری‌اش را انتخاب نمی‌کند، تاریخش را هم همین‌طور. ما وارث زبان فارسی، جغرافیای ایران و حافظه تاریخی خود هستیم؛ چه بخواهیم چه نخواهیم. شاهزاده رضا پهلوی نیز در همین چارچوب، بخشی از میراث تاریخی ماست، نه تحمیل‌شده به ما و نه ساخته‌شده در یک پروژه سیاسی مصنوعی.

منتقدان پادشاهی معمولاً می‌گویند هر مقامی باید انتخابی باشد. در واقع این گزاره وقتی خطرناک می‌شود که بدون دقت به ساحت‌های مختلف قدرت، مسئولیت و نماد، تعمیم داده شود. همه چیز در یک جامعه نباید انتخابی باشد. قوه قضائیه اگر کاملاً انتخابی شود، عدالت به گروگان هیجان و پوپولیسم می‌افتد. رسانه اگر صرفاً بازتاب رأی اکثریت لحظه‌ای باشد، حقیقت قربانی می‌شود. نهادهای نمادین نیز اگر وارد چرخه رقابت انتخاباتی شوند، کارکرد خود را از دست می‌دهند. پادشاهی مشروطه دقیقاً در همین نقطه معنا پیدا می‌کند.

در یک نظام پادشاهی مشروطه مدرن، شاه حکومت نمی‌کند، دخالت اجرایی ندارد و قدرت‌ش محدود، تعریف‌شده و مشروط به قانون اساسی است. اما نقش او دقیقاً همان چیزی است که بسیاری از جمهوری‌های بحران‌زده از آن محروم‌اند: یک نقطه اتکا که بالاتر از احزاب، جناح‌ها و دعوای روزمره سیاسی ایستاده است. این نقش ←

شخصی شاه بوده و نه دارایی یک خاندان. پادشاهی یک امانت تاریخی است که از نسل‌های پیشین به نسل بعدی سپرده شده و هر شاه، صرفاً نگهبان و امانت‌دار موقت آن است. بنابراین اگر ارثی هم در کار باشد، این ارث نه برای شاه، بلکه برای ملت است؛ ملتی که حامل تاریخ، فرهنگ و هویت خود است و این سرمایه ملی را از گذشته به آینده منتقل می‌کند.

ملت ایران در طول تاریخ، سرمایه‌های بسیاری را از دست داده است: سرزمین‌ها، منابع، جمعیت، فرصت‌ها و حتی بخشی از اعتماد به نفس تاریخی خود. اما یک سرمایه را، با وجود همه تلاش‌ها در تحریف تاریخ و با تمام حملات ناجوآفرنده و ضربه‌های ویرانگر، همچنان حفظ کرده است؛ سرمایه‌ای که نامش پادشاه است و شکل سیاسی حافظ آن پادشاهی بوده است. در این معنا، پادشاهی نه امتیاز یک فرد، بلکه دارایی مشترک یک ملت است. دارایی‌ای که ارزش آن دقیقاً در ماندگاری‌اش نهفته است؛ دارایی که نمی‌شود با کودتا، انقلاب ایدئولوژیک یا پاک کردن بخشی از تاریخ، آن را از یک ملت گرفت.

اینجاست که بحث به شاهزاده رضا پهلوی می‌رسد. وی نه صرفاً فرزند شاه فقید ایران، بلکه امانت‌دار همان سرمایه تاریخی است. هر چند در بیان، شاهزاده رضا پهلوی وارث تاج و تخت پادشاهی تلقی می‌شود اما، وارث بودن در این بحث، به معنای حق ویژه یا قدرت تضمین‌شده نیست بلکه

پیام ماکرون به ترامپ: برای انجام «اقدام‌های بزرگ» درباره ایران آماده‌ایم



دونالد ترامپ و امانوئل ماکرون / عکس: رویترز

ونزوئلا و مسئله گرینلند» صحبت کرد. او تلاش‌های بازیگران خارجی برای بی‌ثبات‌سازی وضعیت داخلی ایران را «عمیقاً نگران‌کننده» دانست و گفت: «هرگونه تلاش برای مداخله در روندهای داخلی کشورها، از جمله ایران، می‌تواند پیامدهای خطرناک و غیرقابل پیش‌بینی برای امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی داشته باشد.» لاوروف در بخش دیگری از سخنان خود، به انتقاد از مفهوم مورد استفاده غرب موسوم به نظم جهانی مبتنی بر قواعد» پرداخت و گفت این روایت عملاً اعتبار خود را از دست داده است.

شاهزاده رضا پهلوی ۲۶ دی ۱۴۰۴ در کنفرانس خبری گفت با تأکید بر نقش کشورهای اروپایی، به‌ویژه فرانسه، گفت هرچه همبستگی جامعه جهانی با مردم ایران بیشتر باشد، امکان توقف سرکوب و تسریع تغییرات بنیادین افزایش می‌یابد. او فرانسه را کشوری مهم با پیشینه تاریخی و فرهنگی برجسته و روابط دیرینه با ایران توصیف کرد و افزود اکنون زمان آن است که پاریس موضعی روشن اتخاذ کند.

به گفته او، پرسش اصلی این است که آیا جمهوری اسلامی پایبند به اصولی است که جمهوری فرانسه بر پایه آن‌ها شکل گرفته: اصولی مانند آزادی، کرامت انسانی و حقوق شهروندی. شاهزاده رضا پهلوی تأکید کرد پیام مردم ایران به دولت و ملت فرانسه روشن است: ایستادن در کنار مردمی که همان حقوق و آزادی‌هایی را می‌خواهند که شهروندان فرانسه از آن برخوردارند.

او افزود: «یا باید به سیاست‌مناشات با رژیم‌های ادامه داد که مردم خود را می‌کشند، یا در کنار مردمی ایستاد که برای آزادی و آینده‌ای بهتر تلاش می‌کنند.» به گفته او، این یک انتخاب اخلاقی و سیاسی برای اروپا و به‌ویژه فرانسه است. شاهزاده رضا پهلوی خواستار آن شده بود که ماکرون، صدای مردم ایران را بشنود و در کنار آنان بایستد؛ مردمی که به گفته او، برای دستیابی به آزادی، عدالت و کرامت انسانی هزینه سنگینی پرداخته‌اند.

● امانوئل ماکرون درمورد همکاری با آمریکا برای انجام «اقدام‌های بزرگ» درباره ایران اعلام آمادگی است. همزمان سرگنی لاوروف وزیر خارجه روسیه اقدام نظام علیه جمهوری اسلامی را «نگران‌کننده» خواند.

● دونالد ترامپ ۳۰ دی‌ماه [بوقت ایران] با انتشار تصویری در شبکه اجتماعی «تروث سوشال»، متن پیامی خصوصی از امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه را منتشر کرد که خطاب به او نوشته شده است. در این پیام، ماکرون با خطاب قرار دادن ترامپ به‌عنوان «دوست من»، اعلام کرده دو کشور در موضوع سوریه هم‌نظر هستند و می‌توانند درباره ایران نیز «اقدام‌های بزرگی» انجام دهند.

امانوئل ماکرون درمورد همکاری با آمریکا برای انجام «اقدام‌های بزرگ» درباره ایران اعلام آمادگی است. همزمان سرگنی لاوروف وزیر خارجه روسیه اقدام نظام علیه جمهوری اسلامی را «نگران‌کننده» خواند.

دونالد ترامپ ۳۰ دی‌ماه [بوقت ایران] با انتشار تصویری در شبکه اجتماعی «تروث سوشال»، متن پیامی خصوصی از امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه را منتشر کرد که خطاب به او نوشته شده است. در این پیام، ماکرون با خطاب قرار دادن ترامپ به‌عنوان «دوست من»، اعلام کرده دو کشور در موضوع سوریه هم‌نظر هستند و می‌توانند درباره ایران نیز «اقدام‌های بزرگی» انجام دهند. او در عین حال ناراضی خود را از موضع ترامپ درباره گرینلند ابراز کرده و پیشنهاد برگزاری نشست گروه هفت در پاریس و همچنین صرف شام مشترک با رئیس‌جمهور آمریکا را مطرح کرده است.

به نظر می‌رسد این متن پس از برگزاری نشست اضطراری شورای عالی دفاع فرانسه [ظهر دوشنبه] ارسال شد که یکی از محورهای آن ایران بود. ماکرون در این جلسه حضور داشت. دفتر رئیس‌جمهوری فرانسه اعلام کرد در این نشست به موضوعات گرینلند، سوریه و ایران پرداخته می‌شود. همزمان سرگنی لاوروف وزیر خارجه روسیه در یک نشست خبری در مسکو درباره «مداخله خارجی در ایران،

را نمی‌توان هر چهار یا پنج سال یکبار به رأی گذاشت، چون اگر چنین شود، دیگر آن نقش بی‌طرفانه و وحدت‌بخش وجود نخواهد داشت.

شاهزاده رضا پهلوی، صرف‌نظر از سلیقه‌های سیاسی افراد، امروز تنها چهره‌ای است که می‌تواند این نقش را برای ایران ایفا کند. نه به این دلیل که بی‌نقص است یا فراتر از نقد، بلکه به این دلیل ساده که هیچ سیاستمدار حزبی، هیچ رهبر ایدئولوژیک و هیچ چهره انتخابی‌ای نمی‌تواند جایگاه وی را جعل، بازتولید یا ایفا کند. این جایگاه ساخته نمی‌شود بلکه به ارث می‌رسد، اما نه برای شخص، بلکه برای ملت. چرا که این سرمایه ملی و این امانت گران‌بها، که با عنوان «سامانه پادشاهی ایران» نامگذاری شده، از رضا شاه بزرگ به آریامهر محمدرضا شاه فقید و سپس به دستان رضا شاه دوم سپرده شده است. از این رو در حال حاضر، هیچ فرد دیگری نمی‌تواند در جایگاه شاهزاده رضا پهلوی قرار بگیرد. کسانی که می‌گویند «ما شاه انتخاب نمی‌کنیم»، ناخواسته دارند درباره چیزی حرف می‌زنند که ذاتاً موضوع انتخاب نیست. همان‌طور که ما کوروش بزرگ را انتخاب نکردیم، اما او بخشی از هویت ماست. همان‌طور که تخت جمشید را به رأی نگذاشتیم، اما میراث ماست. پادشاهی ایران و تداوم آن در خاندان پهلوی نیز از همین جنس است. می‌توان درباره شکل حکومت، قانون اساسی و حدود اختیارات بحث کرد، اما نمی‌توان میراث تاریخی را با رأی، حذف یا انکار کرد. نکته مهم‌تر این است که شاهزاده رضا پهلوی هیچ‌گاه مدعی حکومت مطلقه یا بازگشت به گذشته نبوده است. او بارها بر حق انتخاب مردم درباره شکل نظام سیاسی آینده تأکید کرده و خود را نه صاحب کشور، بلکه همراه و خدمتگزار ملت معرفی کرده است. این رویکرد، مرز روشن میان پادشاهی مدرن و سلطنت مطلقه را مشخص می‌کند. اگر از زاویه منافع ملی نگاه کنیم، داشتن یک غاد تاریخی معتبر در دوران گذار از یک رژیم ایدئولوژیک فرسوده و فروپاشیده، یک مزیت راهبردی است. ایران پس از جمهوری اسلامی، کشوری زخمی، بی‌اعتماد خواهد بود. در چنین شرایطی، هر عنصر وحدت‌بخش و غیر ایدئولوژیک، سرمایه‌ای حیاتی است. شاهزاده رضا پهلوی، به‌عنوان یک چهره ملی و فراتر از جناح‌بندی‌ها، می‌تواند چنین نقشی ایفا کند؛ نقشی که هیچ حزب، گروه مسلح یا جریان ایدئولوژیک قادر به انجام آن نیست.

در نهایت، دفاع از پادشاهی پهلوی و جایگاه شخص رضا پهلوی، دفاع از یک فرد یا یک خاندان نیست؛ دفاع از حق ملت ایران برای حفظ میراث تاریخی‌اش است. این میراث، نه مانع دموکراسی، بلکه پیش‌شرط ثبات آن است؛ زیرا ملتی که آینده را با انکار گذشته‌اش بسازد، از جایگاهی استوار برخوردار نخواهد بود؛ اما ملتی که بداند چه سرمایه‌ای از گذشتگان برایش باقی گذاشته شده و از آن محافظت کرده و استفاده کند، شانس بسیاری برای ساختن آینده‌ای شکوهمند و با ثبات خواهد داشت.

پادشاهی ایران، با همه فراز و فرودهایش، تنها دارایی ملت است که می‌تواند به‌عنوان سرمایه ملی عمل کند. شاهزاده رضا پهلوی نیز به‌عنوان ارثیه‌ای با ارزش برای ما باقی گذاشته شده است همانگونه که شاهنشاه آریامهر محمدرضا شاه فقید در وصیتنامه خود گفتند: «ولیعهد نوجوان ایران را به ایزد توانا و به ملت بزرگ ایران می‌سپارم». بنابراین تردیدی نخواهد بود هر ملتی که از ارث تاریخی خود محافظت کند، آینده‌اش را بر ویرانه‌های فراموشی بنا نخواهد کرد.

جاوید شاه
پاینده ایران

«آنها» هم کشته شدند! تلفات دشمن خیلی بیشتر است!



از آنکه گفتار نیک و کردار نیک ممکن شود، پندار نیک باید نهادینه شود. زیرا اگر ذهنیت اصلاح نشود، زبان اصلاح نمی‌شود؛ و اگر زبان اصلاح نشود، عمل نیز یا فریبکارانه است یا خشونت‌بار.

پندار نیک: نقطه آغاز بازسازی اخلاق و جلوگیری از بازتولید خشونت

پندار نیک در سطح اجتماعی، نقش مهارکننده خشونت را ایفا می‌کند. یکی از خطرناک‌ترین پیامدهای قتل‌عام‌ها این است که جامعه را وارد چرخه‌ای می‌کند که در آن نفرت جای سیاست می‌نشیند و انتقام جای عدالت می‌گیرد. پندار نیک یعنی حفظ توان تشخیص میان عدالت و کینه؛ یعنی جامعه بتواند حتی در اوج خشم، معیارهای انسانی را از دست ندهد. این دقیقاً نقطه‌ای اتصال اخلاق سیاسی و اخلاق اجتماعی است: اگر حکومت از اخلاق سقوط کند، جامعه هم در معرض سقوط قرار می‌گیرد - مگر آنکه سرمایه‌ی فرهنگی - اخلاقی مانع این لغزش شود. پندار نیک یادآوری می‌کند که هدف صرفاً جابه‌جایی قدرت نیست؛ هدف پایان دادن به منطق حذف و خشونت است. وگرنه استبداد می‌تواند با چهره‌ای تازه بازتولید شود، چون ریشه‌هایش در ذهنیت جمعی دست‌نخورده باقی مانده است. پندار نیک یعنی بازسازی عقلانیت اخلاقی در فضای عمومی؛ یعنی امکان گفت‌وگو، همدلی و فهم متقابل در جامعه‌ای که حاکمیت آگاهانه آن را تکه‌تکه و متخاصم کرده است.

گفتار نیک: حقیقت، پاسخگویی، و مرگ کلمات پیش از مرگ انسان‌ها

وقتی پندار نیک به‌عنوان یک بنیان ذهنی و اخلاقی شکل گرفت، گفتار نیک معنا پیدا می‌کند. گفتار نیک در سطح اخلاق سیاسی یعنی زبان حکومت باید تابع حقیقت و پاسخگویی باشد، نه تابع فریب و وارونه‌سازی. حکومت‌ها پیش از آنکه با گلوله جامعه را زخمی کنند، کلمات را از محتوا تهی می‌کنند؛ زیرا کنترل زبان، مقدمه کنترل

قاتلان است و «نابیندگی‌اش» مجوز کشتن انسان‌ها. جامعه با چشم خود دید چگونه «نابیندگی خدا» به مجوز قتل بدل شد، و همین کافی بود تا یک فروپاشی بزرگ رخ دهد: فروپاشی ایمان به روایت رسمی، و فروپاشی اعتبار راویان آن. مردم دیدند چگونه تقدس به ابزار جنایت تبدیل شد؛ چگونه دروغ جای حقیقت نشست؛ چگونه خشونت به نام دین مشروعیت گرفت. آن خدایی که خامنه‌ای مدعی است از زبانش سخن می‌گوید، مردم همان خدا را به صورت گوینده‌اش تف کردند: خدای «قاصم و جبار»، ساخته‌شده برای ترساندن و به بند کشیدن جامعه و توجیه جنایت. اینجا مسئله دیگر فقط اختلاف سیاسی نیست. مسئله فروپاشی مرزهای اخلاقی است. مسئله این است که جامعه دید چگونه قدرت می‌تواند با زبان تقدس سخن بگوید و هم‌زمان جان انسان را بی‌ارزش‌تر از بقای خود فرض کند. این همان لحظه‌ای است که سیاست از مدار «حکمرانی» خارج می‌شود و وارد مدار «خشونت‌عریان» می‌گردد؛ جایی که دولت دیگر خود را مسئول حفظ جان مردم نمی‌داند، بلکه مردم را مانع بقای خود می‌بیند.

بازگشت به رنسانس اخلاقی: معیارهایی فراتر از حکومت و ایدئولوژی

تاریخ نشان داده هرچا خشونت عریان جای سیاست می‌نشیند و دروغ جای حقیقت را می‌گیرد، جامعه ناگزیر به یک بازنگری و بازگشت بنیادین می‌رسد؛ نوعی رنسانس اخلاقی. بازگشت به اصولی که پیش از هر حکومت و ایدئولوژی وجود داشته و ستون فقرات اخلاقی تمدن ایرانی طی قرن‌ها بوده‌اند؛ اصولی که نه محصول قدرت، بلکه معیار سنجش قدرت‌اند.

در چنین بزنگاه‌هایی «پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک» فقط یک شعار فرهنگی یا یادگار تاریخی نیست؛ یک چارچوب مفهومی برای فهم فروپاشی اخلاق سیاسی و نقشه‌ی راه بازسازی جامعه پس از زخم‌های جمعی است؛ کهن‌الگویی که قرن‌ها عامل بقای فرهنگ و تمدن ما بوده است. اما یک نکته بنیادین در همین سه‌گانه وجود دارد: پیش

● تاریخ نشان داده هرچا خشونت عریان جای سیاست می‌نشیند و دروغ جای حقیقت را می‌گیرد، جامعه ناگزیر به یک بازنگری و بازگشت بنیادین می‌رسد؛ نوعی رنسانس اخلاقی.

● در چنین بزنگاه‌هایی «پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک» فقط یک شعار فرهنگی یا یادگار تاریخی نیست؛ یک چارچوب مفهومی برای فهم فروپاشی اخلاق سیاسی و نقشه‌ی راه بازسازی جامعه پس از زخم‌های جمعی است؛ کهن‌الگویی که قرن‌ها عامل بقای فرهنگ و تمدن ما بوده است. ● پندار نیک در سطح اجتماعی، نقش مهارکننده خشونت را ایفا می‌کند. یکی از خطرناک‌ترین پیامدهای قتل‌عام‌ها این است که جامعه را وارد چرخه‌ای می‌کند که در آن نفرت جای سیاست می‌نشیند و انتقام جای عدالت می‌گیرد. پندار نیک یعنی حفظ توان تشخیص میان عدالت و کینه.

● کردار نیک نقطه‌ای اتصال همه‌ی این مفاهیم به امر سیاسی و نهادی است؛ یعنی کرامت انسانی در عمل: منع شکنجه، منع تحقیر، منع ناپدیدسازی، احترام به حق زندگی، و حق دادخواهی. اینجا دیگر با یک فضیلت فردی روبه‌رو نیستیم؛ با ستون‌های یک نظم سیاسی مدرن روبه‌رویم. ● ایران در آستانه‌ی دورانی کاملاً متفاوت است؛ دورانی که شاید نخستین شرط نجات، همین باشد: بازگشت به خدای ایران و اصولی که تار و پود فرهنگ و فلسفه‌ی دوام ایرانیان بوده است: پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک

امیر دها - در قتلگاهی به پهنه‌ی ایران، کنار پیکرهای به‌خون‌خفته‌ی ده‌ها هزار ایرانی، قربانیان دیگری هم بودند؛ قربانیانی که از جنس شهیدان نبودند. آنها را فقط با چشم دل می‌توان دید، چون جسم نیستند؛ از جنس «معنا» و «واژه‌اند».

نخستین آنها «خدا» بود؛ همان خدایی که خامنه‌ای جلاد مدعی شد «از زبان من سخن می‌گوید». همان لحظه‌ای که فرمان قتل‌عام از دهان او صادر شد، همان لحظه‌ای که لشکرپانش «الله‌گویان» وضوی خون گرفتند، آن خدا هم کشته شد؛ نه در آسمان، بلکه در ذهن و ضمیر جامعه. خدایی که ۱۴۰۰ سال با صفاتی چون «رحمان» و «رحیم» شناخته می‌شد، در برابر چشم میلیون‌ها ایرانی، نقاب از چهره برداشت و در خون هزاران جوان و نوجوان غرق شد. تصویری که سال‌ها از «قداست» ساخته بودند، همان‌جا فرو ریخت؛ همان‌جا که نام خدا ورد زبان قاتلان شد به هنگام کشتار اعدام با اذان صبح!

قتل‌عام بی‌گناهان فقط جان‌ها را نمی‌گیرد؛ معنا را هم می‌کشد. آدم‌ها همان لحظه‌ای که داغدار عزیزانشان می‌شوند، در درون خود شاهد فرو ریختن نقاب‌هایی هستند که سال‌ها با تقدس و تزویر بر چهره‌ی قدرت کشیده شده بود. وقتی تقدس به ابزار جنایت تبدیل می‌شود، خودِ تقدس در ذهن جامعه می‌میرد. واژه‌ها و القاب بسیاری - حتی اگر زمانی از سر «صدق» اعتباری یافته بودند - بی‌اعتبار و بی‌منزلت شدند. و همان‌گونه که کنار اجساد هزاران جوان ایرانی، بدن‌ها در خاک افتادند، آن تصویر رسمی و تحمیلی از خدا و منصوبانش هم در خاک افتاد؛ خدایی که قرار بود پناه محرومان و دادخواه مظلومان باشد. نه به این معنا که امر قدسی ناپود می‌شود؛ بلکه به این معنا که مردم دیگر نمی‌توانند آن خدایی را باور کنند که نامش ورد زبان

تروئیکای ملی‌گرا؛ معماران نظم نوین جهانی



محصول مجموعه اقدامات حساب‌شده‌ی اسرائیل و تغییر راهبرد ایالات متحده آمریکا در قبال رژیم جمهوری اسلامی ایران است.

ایالات متحده و اسرائیل اکنون در موقعیتی قرار گرفته‌اند که برای نخستین‌بار در سال‌های اخیر، هزینه‌ی یک اقدام خردکننده را کمتر از هزینه تعویق می‌بینند. این تغییر محاسبه، اتفاقی نیست؛ نتیجه سال‌ها ارزیابی اطلاعات، تحلیل ظرفیت‌ها و سنجش آسیب‌پذیری‌هاست. رژیم جمهوری اسلامی پس از دوره‌ای طولانی از درگیری‌های فرسایشی، از دست دادن بخش عمده شبکه‌های نیابتی، تحمل فشار روز افزون اقتصادی و رویارویی با بحران مشروعیت داخلی و بین‌المللی، در وضعیتی بی‌سابقه از ضعف و شکنندگی قرار دارد. این شکنندگی نه تنها در خیابان بلکه در لایه‌های بالای تصمیم‌گیری، اعتماد درون‌سیستمی و توان واکنش هماهنگ دیده می‌شود. رژیمی که بقای خود را بر نمایش قدرت با سرکوب و کشتار بنا کرده، خود نشانه‌ای آشکار از آسیب‌پذیری و حرکت به سوی پرتگاه است.

در چنین بستری، احتمال یک اقدام ترکیبی از سوی آمریکا و اسرائیل، نه به عنوان سناریویی احتمالی، بلکه به عنوان هم‌افزایی تاکتیکی در یک عملیات نظامی قطعی مطرح می‌شود. این دو بازیگر الزاماً یکسان عمل نمی‌کنند؛ ابزار، تجربه و هدف‌هایشان متفاوت است. آمریکا قدرتی است که برتری خود را در جنگ شبکه‌محور، حملات سایبری پیچیده، فلج‌سازی سامانه‌های حیاتی، کنترل آسمان و استفاده از فناوری و تسلیحات

● رهبرانی در حال نگارش برگ‌های جدید در کتاب تاریخند و در پس تحولات شتاب‌گرفته منطقه، هماهنگی سیاسی و راهبردی میان شاهزاده رضا پهلوی، دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو بیش از آنکه تاکتیکی مقطعی باشد، نشانه هم‌پوشانی منافع و درک مشترک از نظم آینده است

● تجربه نشان داده حتی پیش از آنکه یک نظام به‌طور رسمی ضربه بخورد، وارد فاز دفاع از خود می‌شود؛ پروپاگاندا، سرکوب، پنهان‌کاری، قطع ارتباط، اقدامات شتاب‌زده و تلاش برای حفظ انسجام درونی. این وضعیت، خواه به درگیری محدود منجر شود یا به تغییرات عمیق‌تر، پیام روشنی دارد: دوره‌ای که رژیم جمهوری اسلامی می‌توانست با اتکا به سرکوب عریان و نمایش قدرت منطقه‌ای بحران‌ها را مدیریت کند، به پایان رسیده است.

کوروش زمانی، روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی - در آستانه‌ی لحظه‌ای تاریخی در ایران، آنچه در شرف وقوع است بیش از هر جنگ کلاسیکی، نمایانگر هم‌پوشانی مسیرهای راهبردی، از نظر امنیت ملی و منافع ملی برای اسرائیل و آمریکاست. این راستایی و هم‌زمانی در اقدام است که قرار است به رویدادی مهم معنا دهد و نه صرفاً وقوع یک حمله نظامی. در چنین شرایطی، تحلیل‌های دقیق و ماندگار باید از پیش‌بینی‌های سطحی فاصله بگیرند و تمرکز را بر منطق رفتار بازیگران، از جمله سکوت مرموز اسرائیل و هشدارها و تهدیدهای بی‌سابقه‌ی آمریکا بگذارند. واقعیت‌های فعلی نه حاصل هیجان جنگ‌طلبانه‌اند و نه واکنش عصبی؛ بلکه

➔ انسان است. وقتی سرکوب را «امنیت» می‌نامند، قتل را «اقتدار» معرفی می‌کنند، و اعتراض را «اغتشاش» می‌خوانند، نخستین قتل را انجام داده‌اند: ذبح کلمه و قتل حقیقت. جامعه‌ای که حقیقت در آن کشته شود، در مرحله بعد شاهد مرگ اعتماد خواهد بود؛ اعتمادی که ماده‌ی اولیه‌ی هر نظم سیاسی پایدار است. در این معنا، گفتار نیک یک توصیه‌ی اخلاقی ساده نیست؛ یک اصل بنیادین مشروعیت است؛ مشروعیتی فراتر از صندوق رأی، برآمده از باور مردم به وفاداری قدرت به حقیقت و پاسخگو بودن در برابر افکار عمومی. وقتی گفتار رسمی تبدیل به دستگاه دروغ‌سازی می‌شود، مشروعیت وارد فاز فرسایش می‌گردد؛ و وقتی دروغ با خون همراه شود، مشروعیت وارد مرحله‌ی فروپاشی می‌شود.

کردار نیک: تبدیل اخلاق به قانون و کرامت به نهاد

کردار نیک نقطه‌ی اتصال همه‌ی این مفاهیم به امر سیاسی و نهادی است؛ یعنی کرامت انسانی در عمل؛ منع شکنجه، منع تحقیر، منع ناپدیدسازی، احترام به حق زندگی، و حق دادخواهی. اینجا دیگر با یک فضیلت فردی روبه‌رو نیستیم؛ با ستون‌های یک نظم سیاسی مدرن روبه‌رویم. کردار نیک یعنی حکمرانی محدود؛ یعنی قدرت محدود به قانون باشد، و قانون محدود به حقوق انسان. قتل‌عام دقیقاً در نقطه مقابل این منطق رخ می‌دهد؛ لحظه‌ای که حکومت می‌گوید برای بقا مجاز است هر مرزی را بشکنند. و این همان لحظه‌ی فروپاشی مشروعیت است؛ زیرا مشروعیت نه از ترس و رعب حاصل می‌شود و نه با دروغ و تبلیغات، بلکه از قراردادی نانوشته می‌آید؛ اینکه مردم احساس کنند دولت حافظ آزادی، جان و کرامت آنان است. وقتی دولت به تهدید مستقیم جان شهروند تبدیل می‌شود، قرارداد فرو می‌ریزد و قدرت - حتی اگر از نظر نظامی چند صباحی بر سر پا ماند - از نظر اخلاقی و سیاسی بی‌معنا می‌شود. بازسازی سرمایه اجتماعی؛ خروج از فاجعه بدون سقوط به چرخه خشونت در چنین وضعیتی، جامعه برای عبور از حاکمان قاتل، نیازمند بازسازی سرمایه اجتماعی خود می‌باشد؛ اعتماد به خود، همکاری، همبستگی و احساس تعلق به یک سرنوشت مشترک. قتل‌عام‌ها سرمایه اجتماعی را نابود می‌کنند، چون مردم را به هم بی‌اعتماد می‌کنند، جامعه را به سکوت و ترس می‌کشاند و امکان کنش جمعی را از بین می‌برند.

از همین‌رو بازگشت به پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک می‌تواند نقطه آغاز بازسازی باشد:

- پندار نیک: یعنی مهار نفرت و بازگرداندن امکان گفت‌وگو و همزیستی
- گفتار نیک: یعنی بازگرداندن حقیقت به عرصه عمومی و ترمیم اعتماد
- کردار نیک: یعنی تبدیل اخلاق به نهاد و قانون، تا عدالت جایگزین انتقام شود.

جامعه‌ای که از یک قتل‌عام عبور می‌کند، اگر نتواند این سه سطح را بعنوان «بازسازی روانی جمعی» در خود پیروارند، یا در ترومای جمعی منجمد می‌شود یا به چرخه خشونت بازمی‌گردد. اما اگر بتواند این اصول را از سطح شعار به سطح معیار سیاسی و نهادی ارتقا دهد، آن‌گاه می‌تواند از دل فاجعه، نظامی تازه بسازد؛ نظامی که در آن هیچ‌کس نماینده خدا نیست، هیچ قدرتی مقدس نیست، و جان انسان معیار نهایی سیاست است.

ایران در آستانه‌ی دورانی کاملاً متفاوت است؛ دورانی که شاید نخستین شرط نجات، همین باشد: بازگشت به خدای ایران و اصولی که تار و پود فرهنگ و فلسفه‌ی دوام ایرانیان بوده است: پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک

در سالگرد حادثه فرو ریختن ساختمان پلاسکو مطرح شد: این حادثه عمدی بود

● بر اثر آتش‌سوزی و فرو ریختن ساختمان پلاسکو ۱۶ آتش‌نشان و ۴ شهروند جان باختند و حدود ۲۳۵ تن مجروح شدند. آواربرداری پلاسکو، حدود ۹ روز به طول انجامید و طی آن ۱۹۰۰ کامیون حدود ۲۰ هزار تن خاک و نخاله را از محل خارج کردند.

● مهدی نوروز، روزنامه‌نگار: این حادثه عمدی بود. برخی می‌گویند عمدی بودن پلاسکو به دلیل زدوبندهای بنیاد مستضعفان بوده که با توجه به سوابق فساد در نهادهای مرتبط با جمهوری اسلامی بعید هم نیست.

● مهدی نودر، کارشناس سابق بخش حقوقی سازمان میراث فرهنگی معتقد است که آتش‌سوزی پلاسکو قطعاً عمدی بود به این دلیل که آن مجموعه ساختمان متعلق به بنیاد مستضعفان بود. ولی سرفق‌لی‌های آن ساختمان متعلق به مغازه‌دارهایی بود که سال‌ها آنجا کار کرده بودند.

فیروزه نوردستروم - درست در ساعت ۷:۵۹ دقیقه صبح روز پنج‌شنبه ۳۰ دی‌ماه ۱۳۹۵ آتش به جان ساختمان تجاری پلاسکو آتش گرفت و پس از ۵۴ سال سرپا ماندن، در حالی ۱۲۰۰ واحد آن پس از سه ساعت و نیم سوختن به طور کامل فرو ریخت که در پی این حادثه ۱۶ آتش‌نشان و ۴ شهروند جان باختند و حدود ۲۳۵ تن مجروح شدند. آواربرداری پلاسکو، حدود ۹ روز به طول انجامید و طی آن ۱۹۰۰ کامیون حدود ۲۰ هزار تن خاک و نخاله را از محل خارج کردند.

مهدی نوروز، روزنامه‌نگار با اشاره به عمدی بودن حادثه پلاسکو در گفتگو با «کیهان لندن» معتقد است: «این حادثه عمدی بود برخی می‌گویند عمدی بودن پلاسکو به دلیل زدوبندهای بنیاد مستضعفان بوده که با توجه به سوابق فساد در نهادهای مرتبط با جمهوری اسلامی بعید هم نیست، البته در اینجا معتقدم یک همپوشانی اتفاق افتاد و این آتش‌افروزی در این تاریخ، برای یک انحراف سیاسی بود.»

به گفته وی دو هفته پیش از فرو ریختن پلاسکو، اکبر هاشمی رفسنجانی در استخر کشته شد، پیش از آن زمان، تمام توجه رسانه‌های داخل ایران معطوف به اتفاق پلاسکو بود و آن دوره اکبر هاشمی رفسنجانی یک ترند جهانی بود، مرگ رفسنجانی در شرایطی رخ داد که به تازگی با رای بالا در تهران مجلس خبرگان را برده بود و صحبت از نقشه‌هایی بود برای یک سری تغییرات که در این مجلس داشت و هنوز یک سری امیدواری‌هایی از درون نسبت به این شخصیت وجود داشت، البته می‌دانیم این امیدها واهی بود، آن زمان تمرکز تمام رسانه‌های داخلی روی این بود که چه اتفاقی افتاده اما فرو ریختن پلاسکو به عنوان یکی از ساختمان‌های مهم مرکز تهران باعث شد که یک مرتبه جهت‌گیری

بدون افق سیاسی قابل تصور نیست. شاهزاده رضا پهلوی در این نقطه وارد تصویر می‌شود؛ نه به عنوان رهبر یک جریان نظامی، بلکه به عنوان چهره‌ای که می‌تواند نماینده مفهوم گذار، ثبات و آینده باشد.

این نقش نه به معنای وابستگی است و نه حاصل یک معامله ساده‌انگارانه. سیاست بین‌المللی پیچیده‌تر از این حرف‌هاست. اهمیت این حضور در هم‌زمانی است: هم‌زمانی ضعف بی‌سابقه رژیم، هم‌زمانی تغییر محاسبات امنیتی اسرائیل، هم‌زمانی نگاه اقتصادی آمریکا به ایران و هم‌زمانی فعال شدن دیپلماسی غیررسمی از سوی چهره‌ای که سال‌ها بر ضرورت گذار مسالمت‌آمیز، تمامیت ارضی و یکپارچگی ملی تأکید کرده، این هم‌زمانی، تصادفی به نظر نمی‌رسد.

روزهای ابتدایی هرگونه درگیری احتمالی، بیش از آنکه صحنه غایب قدرت نظامی باشد، صحنه آشکار شدن شکاف‌هاست. تجربه نشان داده حتی پیش از آنکه یک نظام به‌طور رسمی ضربه بخورد، وارد فاز دفاع از خود می‌شود: پروپاگاندا، سرکوب، پنهان‌کاری، قطع ارتباط، اقدامات شتاب‌زده و تلاش برای حفظ انسجام درونی. این وضعیت، خواه به درگیری محدود منجر شود یا به تغییرات عمیق‌تر، پیام روشنی دارد: دوره‌ای که رژیم جمهوری اسلامی می‌توانست با اتکا به سرکوب عریان و نمایش قدرت منطقه‌ای بحران‌ها را مدیریت کند، به پایان رسیده است.

مسأله اکنون نه وقوع یا عدم وقوع جنگ، بلکه جهت کلی تغییر است. سکوت‌ها بلندتر از فریادها شده‌اند، تحرکات پشت‌پرده مهم‌تر از بیانی‌هاست و سؤال اصلی دیگر این نیست که «آیا تغییری رخ می‌دهد یا نه»، بلکه «این تغییر چگونه مدیریت خواهد شد». جامعه ایران نیز نه تماشاگر منفعل، بلکه عاملی تعیین‌کننده است. فشارهای اقتصادی، زخم‌های اجتماعی و تجربه‌های تلخ سال‌های گذشته، جامعه‌ای ساخته که هم خسته است و هم آگاه. اگر ستون‌های سرکوب دچار اختلال شوند، این جامعه نقش پایانی خود را ایفا خواهد کرد. همین واقعیت، محاسبات خارجی را پیچیده و در عین حال واقعی می‌کند.

در نهایت، آنچه در حال شکل‌گیری است، نه صرفاً یک رویداد نظامی، بلکه یک گذار تاریخی بالقوه است؛ گذاری که می‌تواند با هزینه‌های سنگین همراه باشد، اما در عین حال دریچه‌ای به آینده‌ای متفاوت بگشاید. آینده‌ای که ایران نه میدان نبرد نیابتی، بلکه بازیگری مسئول در منطقه باشد؛ نه کشوری منزوی، بلکه شریکی در اقتصاد جهانی و نه جامعه‌ای تحت سرکوب، بلکه ملتی با حق انتخاب. این گذار چگونه رقم خواهد خورد، به عوامل بسیاری بستگی دارد، اما نشانه‌ها حاکی از آن است که صفحه‌ای در حال ورق خوردن است و رهبرانی در حال نگارش برگ‌های جدید در کتاب تاریخند و در پس تحولات شتاب‌گرفته منطقه، هماهنگی سیاسی و راهبردی میان شاهزاده رضا پهلوی، دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو بیش از آنکه تاکتیکی مقطعی باشد، نشانه هم‌پوشانی منافع و درک مشترک از نظم آینده است؛ نظمی که بر مهار تهدیدهای ساختارشکن، بازتعریف امنیت و تضمین منافع استوار است. در چنین چارچوبی، «رتروپیکای ملی‌گرا؛ معماران نظم نوین جهانی» هستند که با تلاقی اراده سیاسی، بازدارندگی سخت و مشروعیت مردمی، معادله فرسوده مداخلات را کنار می‌زنند و به جای مدیریت بحران، برای پایان آن اقدام می‌کنند. این هم‌راستایی نه بر مبنای احساسات، بلکه بر پایه محاسبه منافع، امنیت پایدار و بازتعریف قواعد بازی است؛ جایی که سرکوب، تروریسم حکومتی و ایجاد بی‌ثباتی دیگر ابزار بقا نیستند، بلکه هزینه‌ای اجتناب‌ناپذیر است.

➡ پیشرفته نشان می‌دهد. تجربه‌های گذشته ثابت کرده که واشنگتن، اینبار با قدرتی وارد میدان خواهد شد که بیش از هر چیز به دنبال درهم شکستن ستون‌های اصلی هدفش است؛ ستون‌هایی که اگر از کار بیفتند، کل ساختار سیاسی رژیم جمهوری اسلامی ایران فرو خواهد ریخت.

اسرائیل اما بازیگری است که دهه‌ها تجربه حضور مخفی، شبکه‌های نفوذ انسانی، عملیات دقیق و کم‌صدا، و ضربه‌های هدفمند را در خاک ایران دارد. شناخت عمیق این موساد از شخصیت‌های نظامی و امنیتی و مقامات ارشد رژیم ایران، اماکن حساس نظامی و امنیتی و مخفیگاه‌ها تنها اطلاعات روی کاغذ نیستند؛ محصول سال‌ها کار اطلاعاتی، آزمون و خطا و حضور نامرئی در بالاترین لایه‌های ساختار قدرت است. به همین دلیل، سکوت فعلی اسرائیل نه نشانه عقب‌نشینی و بی‌عملی، بلکه علامت عبور از فاز بازدارندگی پنهان به فاز اقدام پایانی است چرا که در منطق امنیتی اسرائیل، وقتی هدف تغییر معادله است، کم‌حرفی یک مزیت راهبردی است اما نتیجه احتمالاً در کمتر از ۴۸ ساعت آینده قابل مشاهده است. شاید فردای آغاز یک عملیات پیچیده نظامی - سایبری و اطلاعاتی منحصر به فرد، مقامات ارشدی همچون علی خامنه‌ای، محمد خاکیور، مسعود پزشکیان، محمدباقر قالیباف، غلام‌حسین محسنی اژه‌ای، علی لاریجانی و احمد رضا رادان و شرکا زنده نباشد!

تفاوت اهداف نهایی آمریکا و اسرائیل نیز روشن است و هر دو منطقه به نظر می‌رسند. اسرائیل، مسئله را از منظر امنیت ملی و رفع دائمی تهدید موجودیت می‌بیند؛ زیرا تا زمانی که مرکز تولید بحران پابرجاست، مهار بازوها کافی نیست. هدف تل‌آویو از اقدام، نه تنبیه مقطعی و نه ارسال پیام، بلکه از کار انداختن چرخه‌ای است که امنیت اسرائیل را تهدید می‌کند. آمریکا اما علاوه بر ملاحظات امنیتی، منطق دیگری را دنبال می‌کند که آشکار و قابل فهم است: منافع ملی. ایران پس از جمهوری اسلامی از منظر اقتصادی و ژئوپلیتیکی، ظرفیت بکری است؛ انرژی، معادن، بازسازی زیرساخت‌ها، بازار مصرف گسترده و جمعیت جوان، عواملی است که هر قدرت بزرگی را به آینده‌نگری و برنامه‌ریزی مالی وادار می‌کند. دنبال کردن منافع ملی در چنین شرایطی نه توطئه است و نه راز مگو؛ بلکه منطق سیاست بین‌المللی است. این منافع، برخلاف وضعیت فعلی، با ثبات، توسعه و ادغام ایران در اقتصاد جهانی گره می‌خورند، نه با انزوا و بی‌ثباتی مزمن.

نقش دونالد ترامپ در این تحلیل قابل چشم‌پوشی نیست، نه به دلیل لحن تند یا شخصیت جنجالی، بلکه به دلیل الگوی رفتاری او؛ ترامپ سیاستمداری نیست که تهدید را برای مصرف رسانه‌ای مطرح کند. تجربه نشان داده که در دستگاه تصمیم‌گیری او، تهدید بخشی از مسیر اقدام است. بنابراین یا مطرح نمی‌شود و یا اگر مطرح شد، پشت آن برنامه‌ای عملی قرار دارد که تنها ایهام، زمان انجامش است. هشدارهای اخیر او، به ویژه هنگامی که با سکوت‌های حساب‌شده و تحرکات غیرعلنی همراه می‌شود، نه صرف نمایش سیاسی، بلکه نشانه‌ای از جدیت است. این جدیت نه در توییت‌ها، بلکه در هماهنگی‌ها، آماده‌سازی‌ها و تحرکات منطقه‌ای آشکار می‌شود.

نقش سیاسی شاهزاده رضا پهلوی نیز در این معادله بسیار برجسته است. ملاقات‌ها، گفت‌وگوهای پشت‌پرده و تلاش برای معرفی یک آلترناتیو قابل اتکا، در خلأ اتفاق نمی‌افتد. تاریخ نشان داده که قدرت‌های خارجی حتی وقتی به دنبال منافع خود هستند، به یک پرسش کلیدی نیاز دارند: «بعدش چه خواهد شد؟» هیچ مداخله‌ای، مستقیم یا غیرمستقیم،

به گفته نوروز، این نهادها بدون تجهیز کردن از این ساختمان‌ها استفاده می‌کنند چون اصلاً برای این نظام مهم نیست که کشور را بهسازی کند، برای حاکمیت، ایران فقط یک مزرعه است که از آن پول استخراج و برای اهداف خود خرج کند، در این میان ایدئولوژی در تمام سطوح انعکاس پیدا می‌کند از جمله در مدیریت شهری و بدیهی است که

و برند شما شود به عنوان سرقفلی اگر مالک بخواهد شما مغازه را تخلیه کنید، باید به شما پولی پرداخت کند، مادامی که آن ساختمان وجود داشته باشد می‌بایست یک پولی به عنوان حق سرقفلی به شما بپردازد. به گفته وی، حق سرقفلی‌های ساختمان پلاسکو متعلق به کسانی بود که در آن کار می‌کردند، ملک متعلق به بنیاد

→ رسانه‌ها به شدت تغییر پیدا کند و یکبار موضوع رفسنجانی به اولویت چهارم پنجم رسانه‌ها و پلاسکو به تیر اول تبدیل شد طوری که همچنان پلاسکو تا زمان ریاست جمهوری ۹۶ روی ترند خبری بود بنابراین اتفاقی که برای پلاسکو افتاد عمدی بود. او اضافه می‌کند: «ممکن است دلیل اصلی عمدی بودن



پلاسکو ۳۰ دی ۹۵

با بالاتر رفتن عمر این بناها در تهران و سایر شهرها ریسک وقوع چنین اتفاقاتی بسیار بالاست.

در همین ارتباط، معاون پیشگیری سازمان آتش‌نشانی تهران در ۹ آبان‌ماه از تداوم وضعیت «قرمز ناایمن» در چهار پاساژ بزرگ «آلومینیوم»، «مهستان»، «شانزلیزه» و «اقاقیا» در پایتخت خبر داده بود.

کامران عبدولی با بیان اینکه این چهار ساختمان از جمله موارد بسیار پرخطر تهران هستند تأکید کرده بود: «ساختمان آلومینیوم در شرایط پرخطر و سه ساختمان افاقیا، مهستان و شانزلیزه در وضعیت بسیار پرخطر قرار دارند. اگر مالکین نسبت به ایمن‌سازی اقدام نکنند، این بناها می‌توانند سرنوشت مشابه پلاسکو را تکرار کنند.»

موضوع ساختمان‌های ناایمن در پایتخت پس از سوختن پلاسکو مورد توجه قرار گرفت.

هر چند در سال‌های گذشته بارها موضوع ایمن‌سازی ساختمان‌های پایتخت از سوی مقامات مختلف مورد تأکید قرار گرفته اما تاکنون اقدام عملی و موثری در اینباره صورت نگرفته است. اگرچه اغلب ساختمان‌های ناایمن قدیمی هستند اما عدم رعایت ایمنی در ساخت و ساز و تجهیز تأسیسات نوساز نیز گزارش شده است.

در نیمروز دوم خردادماه ۱۴۰۱ ساختمان متروپل آبادان نیز به دلیل تخلیفات در ساخت و شکستن ستون‌های ساختمان فرو ریخت و طبق آمار رسمی ۴۳ تن در این حادثه مرگبار جان باختند و دست‌کم ۳۷ نفر مصدوم شدند.

مستضعفان بود و از مغازه‌دارهای پلاسکو اجاره می‌گرفت، آنها مستاجر بودند ولی حق دریافت سرقفلی به آنها تعلق می‌گرفت، بنیاد مستضعفان اگر می‌خواست این افراد را از پلاسکو بیرون کند می‌بایست رقم بسیار بالایی پرداخت می‌کرد، چرا که سرقفلی آن منطقه بسیار بالاست و محدوده تجاری آنجا حق سرقفلی بسیار بالایی دارد، ولی همان قانون می‌گوید اگر ساختمانی که موجر برای کار تجاری به مستاجر اجاره داده به هر شکلی از بین برود حق سرقفلی هم از بین می‌رود، بنابراین حق سرقفلی مستاجران پلاسکو با از بین رفتن پلاسکو از بین رفت.

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چه تعداد پلاسکو در تهران وجود دارد؟

مهدی نوروز می‌گوید: «همه شهرهای بزرگ دنیا ساختمان‌های قدیمی تجاری و اداری بسیاری دارند از آمریکا و اروپا گرفته تا منطقه قفقاز و خاورمیانه، این ساختمان‌ها به طور مداوم بهسازی می‌شوند و از آنها کارایی و بهره‌وری گرفته می‌شود اما در ایران به دلیل فاسد بودن نهادهای متولی به ویژه شهرداری این اتفاق نمی‌افتد. همچنین بسیاری از این ساختمان‌ها مصادره‌ای هستند، نمونه دیگر ساختمان پلاسکو ساختمان آلومینیوم است که آن هم توسط حبیب‌الله القانان ساخته شده بود، از این دست ساختمان‌ها زیاد داریم خیلی از آنها در اختیار شهرداری‌های شهرهای دیگر است و خیلی‌ها هم در دست نهادهای حاکمیتی مثل بنیاد مستضعفان و ستاد اجرایی فرمان امام است.»

فساد اقتصادی درون بنیاد مستضعفان بوده باشد ولی انتخاب تاریخ برای این بوده که جهت‌گیری تمرکز رسانه‌ها از موضوع اکبر هاشمی رفسنجانی برداشته شود. پلاسکو در آن مقطع به یک بازی سیاسی هم بدل شد، به طوری که از آن به عنوان ابزاری برای سرکوب شهردار وقت محمدباقر قالیباف هم استفاده شد، حتی خیلی‌ها آن زمان گفتند قالیباف با این اتفاق تمام شد اما از آن زمان به بعد، قالیباف یک دنده کله‌شق ۹۲ کشیده شد به قالیباف ۹۵ که ترمز را کشیدند و او را از انتخابات بیرون کشیدند و بعدتر هم او را تحت کنترل قرار دادند.»

این روزنامه‌نگار ادامه می‌دهد: «بنابراین حاکمیت با قربانی کردن ساختمان پلاسکو چند هدف را برای خود دنبال می‌کرد یکی سرپوش گذاشتن بر روی فساد اقتصادی درون بنیاد مستضعفان، دوم منحرف کردن جهت‌گیری رسانه‌ای از هاشمی رفسنجانی و سوم ضربه زدن به قدرت قالیباف و شهرداری تهران که قبل‌تر از آن با موضوع املاک نجومی شروع شد و بعدتر با موضوع پلاسکو شتاب گرفت.»

مهدی نوذر، کارشناس سابق بخش حقوقی سازمان میراث فرهنگی نیز در گفتگو با «کیهان لندن» معتقد است که آتش‌سوزی پلاسکو قطعاً عمدی بود به این دلیل که آن مجموعه ساختمان متعلق به بنیاد مستضعفان بود. ولی سرقفلی‌های آن ساختمان متعلق به مغازه‌دارهایی بود که سال‌ها آنجا کار کرده بودند، بر اساس ماده ۴۸۳ قانون مدنی، زمانی که شما سال‌ها در یک ملک تجاری کار کنید

پرسش همچنان پابرجاست: چرا شاهزاده پهلوی شایسته‌ترین فرد برای هدایت دوران گذار است؟



شاهزاده رضا پهلوی در نشست «تفسیک» / تورنتو / کانادا / ۲۶ مه ۲۰۲۵ / عکس از «تفسیک»

روا داشتند. در پاسخ به این فضا، یادداشتی با عنوان «چرا کسانی مهر میهن را قربانی لجبازی‌های خود می‌کنند؟» در تاریخ ۳ ژانویه ۲۰۲۵ در کیهان لندن منتشر شد. پس از آن نیز نوشتارهایی با عنوان «باز هم طرح همان پرسش: چرا شاهزاده پهلوی شایسته‌ترین گزینه برای رهبری و هدایت گذار است» در ۳ اوت ۲۰۲۵ و «نقش رهبری ملی در توسعه و تدوین حقوق بین‌الملل: آیا شاهزاده پهلوی از چنین ویژگی‌ای برخوردار است؟» در تاریخ ۲۴ اوت ۲۰۲۵ به نگارش درآمد.

با وجود همه این توضیحات، به گمان من در شرایط خطر و سرنوشت‌سازی که امروز میهن عزیزمان با آن روبه‌روست، و با توجه به نقش برجسته و غیرقابل‌تردید شاهزاده پهلوی در قیام ملی مردم و هدایت دوران گذار، شایسته است این پرسش از زاویه‌ای دیگر نیز مورد توجه میهن‌دوستان قرار گیرد: چه ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی، نقش ایشان را در نجات میهن چنین برجسته و تعیین‌کننده می‌سازد؟ [۱]

هدف این نوشتار، در وهله‌ی نخست، تبیین ویژگی‌های رهبری رهایی‌بخش به‌طور عام و بررسی این ویژگی‌ها در شخصیت ایشان به‌طور خاص، با تکیه بر حقوق بین‌الملل است. سپس این نکته مورد واکاوی قرار می‌گیرد که رهبری نجات ملی بر عهده‌ی فردی خواهد بود که بتواند در جریان قیام ملی، از ظرفیت‌های حقوقی بین‌الملل به شکلی هوشمندانه و بهینه بهره‌گیرد؛ قابلیت‌هایی که ایشان به‌طور برجسته و متمایز از آن برخوردار است.

ویژگی‌های رهبری در چارچوب حقوق بین‌الملل
حقوق بین‌الملل به‌طور مستقیم و صریح، مداخله‌ای در تعیین یا ارزیابی رهبری سیاسی و امور داخلی کشورها ندارد. علت اصلی این امر آن است که حقوق بین‌الملل

طریق شبکه‌های ارتباطی خود دریافت می‌کند) به مخاطب جهانی ارائه می‌دهد.

● شاهزاده پیوسته و با حساسیت و ظرافت در نشست‌های خبری بین‌المللی حضور داشته است، در نشست‌های فعالان سیاسی، باشگاه‌های مطبوعاتی ملی، و یا پارلمان اروپا سخنرانی کرده است. در این جلسات، او با تسلط به زبان‌های خارجی، به پرسش‌های خبرنگاران پاسخ می‌دهد که این تعامل مستقیم، و را به یکی از اصلی‌ترین مراجع رسانه‌های خارجی برای درک دیدگاه‌های مخالفان حکومت ایران تبدیل کرده است.

● برای ایران و برای رهایی میهن عزیزمان، ضروری است که نقش رهبری شاهزاده پهلوی در دوران گذار را به‌عنوان یک فرصت تاریخی به رسمیت بشناسیم و اجازه ندهیم اختلافات و چنددستگی‌ها کشور را از مسیر پیشرفت بازدارند.

دکتر محمود مسائلی

طرح موضوع

در نوشتاری که در تاریخ ۳۰ نوامبر ۲۰۲۴ با عنوان «چرا باید از شاهزاده پهلوی برای رهبری دوران گذار و رسیدن به ایرانی آزاد حمایت کرد؟» منتشر کردم، توضیح دادم که فارغ از انگیزش‌ها و مواضع سیاسی، و بر پایه‌ی سه نظریه در روابط و حقوق بین‌الملل، شاهزاده پهلوی شایسته‌ترین گزینه برای هدایت دوران گذار و نجات میهن هستند. از همین رو تأکید کردم هر فردی که دغدغه‌ی ایران را دارد، می‌تواند در صورتی که تمایل داشته باشد در کنار ایشان بایستد. با این حال، آن نوشتار با واکنش‌های تند و خشم‌آلود افرادی مواجه شد که کمترین آشنایی با حقوق بین‌الملل داشتند و صرفاً به دلیل همراه بودن متن با نام شاهزاده پهلوی، جسارت‌هایی

● در شرایط خطر و سرنوشت‌سازی که امروز میهن عزیزمان با آن روبه‌روست، و با توجه به نقش برجسته و غیرقابل‌تردید شاهزاده پهلوی در قیام ملی مردم و هدایت دوران گذار، شایسته است این پرسش از زاویه‌ای دیگر نیز مورد توجه میهن‌دوستان قرار گیرد: چه ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی، نقش ایشان را در نجات میهن چنین برجسته و تعیین‌کننده می‌سازد؟

● یک رهبری رهایی‌بخش باید با بهره‌گیری از تمامی ابزارهای قدرت نرم و دیپلماسی هنجارساز، از تقلیل «قواعد آمره بین‌الملل» به «متون حقوقی بی‌اثر» جلوگیری کند؛ چرا که در غیاب این شجاعت اخلاقی، حقوق بین‌الملل کارکرد بازدارندگی خود را از دست داده و به مجموعه‌ای از توصیه‌های اخلاقی صرف فروکاسته خواهد شد. در مقایسه با دیگر کسانی که داعیه رهبری را دارند، هیچ‌کدام حتی کوچکترین آشنایی با این مفاهیم متعالی حقوقی و اخلاقی را از خود تاکنون نشان نداده‌اند. تنها آلترناتیو ممکن و قابل اتکا شخص شاهزاده پهلوی است که قابلیت‌های شایان توجهی از اینگونه ویژگی‌های رهبری از خود نشان داده‌اند.

● رهبری ملی، رهبری است که به‌خوبی آگاه است چشم‌پوشی امروز از نقض حقوق بشر، بی‌تردید به بی‌ثباتی‌های عمیق‌تر و گسترده‌تر فردا خواهد انجامید. او این واقعیت را به‌درستی درک می‌کند که گفتن حقوق بشر نه ابزاری برای فشارهای مقطعی سیاسی، بلکه تعهدی ساختاری، پایدار و مبتنی بر اصول است برای پاسداری از حقوق سلب‌ناشدنی تمامی مردم.

● او به عنوان یک «مطلع» و «شخصیت سیاسی»، سوژه مصاحبه‌های بی شماری در شبکه‌هایی نظیر فاکس‌نیوز، سی‌ان‌ان، و دیگر رسانه‌ها بوده است. در این حضورها، او اغلب نقش «صدای معترضان داخل ایران» را ایفا کرده و گزارش‌هایی از وضعیت میدانی ایران (که از

نهادهای تصمیم‌گیر در اثر تعارض منافع دولت‌هاست؛ چالشی که نمود بارز آن را می‌توان در عملکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد مشاهده کرد. از همین‌رو، بخش قابل‌توجهی از تلاش‌های اندیشمندان حقوق، مفسران حقوق بین‌الملل و رهبران سیاسی مسئول و خیراندیش، معطوف به یافتن راهکارهایی برای غلبه بر این کاستی‌های ذاتی، به‌ویژه کاستی‌های ساختاری، بوده است، تا ظرفیت‌ها و توانمندی‌های نهفته در حقوق بین‌الملل بتواند به‌گونه‌ای مؤثر در جهت حمایت از حقوق بنیادین مردم و مقابله با نظام‌های تمامیت‌خواه به کار گرفته شود.

رهبری ملی، در معنای دقیق و مسئولانه آن، رهبری است که این واقعیات، محدودیت‌ها و شیوه‌های کاهش یا رفع نسبی آن‌ها را به‌درستی درک می‌کند و با بهره‌گیری سنجیده از ابزارهای دیپلماتیک، در پی کاستن از شکاف‌های سیاسی برمی‌آید تا زمینه‌های لازم برای دفاع مؤثر از حقوق مردم فراهم شود. چنین رهبری می‌تواند از راه‌حل‌های حقوقی خلافتان، از جمله فراخواندن دولت‌ها به ایفای تعهدات خود وفق منشور ملل متحد، بهره‌گیرد. این نوع رهبری ملی، تمام ظرفیت‌های خود را به کار می‌بندد تا از آن جلوگیری کند که بن‌بست‌های سیاسی به مصونیت ناقضان حقوق بشر منتهی شود. در همین نقطه است که رهبری ملی نه به‌عنوان جایگزینی برای حقوق بین‌الملل، بلکه به‌مثابه تسهیل‌کننده اجرای مؤثر آن معنا و کارکرد می‌یابد. آیا هیچ فردی با داعیه رهبری قادر به درک ظرفیت نهایی حقوق بین‌الملل و بهینه ساختن آنها برای دفاع از حقوق بنیادین مردم تحت ستم بوده است؟ شواهد حاکی از آن هستند که شاهزاده، حداقل به‌طور نسبی، این ویژگی‌ها را از خود به نمایش گذاشته است.

تفکیک منافع سیاسی کوتاه‌مدت از تعهدات حقوق بشری بلندمدت

بسیاری از دولت‌ها، به اقتضای منافع اقتصادی، ملاحظات امنیتی یا الزامات ناشی از اتحادهای برخاسته از جغرافیای سیاسی، در برابر نقض‌های فاحش حقوق بشر سکوت اختیار می‌کنند. این در حالی است که مسئولیت دفاع و صیانت از حقوق ذاتی انسان‌ها — فارغ از مرزهای جغرافیایی — نه‌تنها بر عهده دولت‌ها، بلکه بر دوش بازیگران غیردولتی، از جمله نهادهای جامعه مدنی، افراد و چهره‌های اثرگذار نیز نهاده شده است. از منظر حقوق بین‌الملل، تعهد به حقوق بنیادین بشر، به‌ویژه در حوزه قواعد آمره بین‌المللی، ماهیتی غیرقابل تعلیق و غیرقابل معامله دارد. درست در همین نقطه است که اهمیت و تمایز رهبری ملی آشکار می‌شود. رهبری ملی، رهبری است که به‌خوبی آگاه است چشم‌پوشی امروز از نقض حقوق بشر، بی‌تردید به بی‌ثباتی‌های عمیق‌تر و گسترده‌تر فردا خواهد انجامید. او این واقعیت را به‌درستی درک می‌کند که گفتمان حقوق بشر نه ابزاری برای فشارهای مقطعی سیاسی، بلکه تعهدی ساختاری، پایدار و مبتنی بر اصول است برای پاسداری از حقوق سلب‌ناشدنی تمامی مردم. از همین‌رو، رهبری ملی باید واجد این ویژگی باشد که اعتبار بلندمدت نظم حقوقی بین‌المللی را بر منافع زودگذر و مصلحت‌های آنی ترجیح دهد. شاهزاده پهلوی، تا حد درجات بالای از درک صحیح این موضوعات حیاتی بین‌المللی، نشان داده است که می‌تواند رهبری ملی و رهایی بخش باشد. این ویژگی خاصی است که اغلب مخالفان ایشان مایل نیستند درباره آن ببیند، شاید به این دلیل که درک صحیحی از این موضوعات ندارند و در پیچ و خم‌های جزئی خود گرفتار شده‌اند. به همین دلیل، منافع ملی و رهاساختن میهن دلبد دربند را به همان جزمی‌گرایی‌ها پیوند زده و حاضر

یک اراده سیاسی به‌موقع و اتخاذ تفسیر موسع حقوقی از سوی مراجع ذی‌صلاح است. رهبری سیاسی اثرگذار باید از شجاعت حقوقی و اخلاقی برای تبیین «لایه‌های همپوش» میان نقض فاحش حقوق بشر و عناصر مادی تشکیل‌دهنده جنایات بین‌المللی برخوردار باشد.

در این چارچوب، اصل حاکمیت نباید به مثابه سدّی در برابر اجرای عدالت یا ابزاری برای مصونیت از کیفر در سرکوب‌های داخلی تلقی شود. یک رهبری رهایی‌بخش باید با بهره‌گیری از تمامی ابزارهای قدرت نرم و دیپلماسی هنجارساز، از تقلیل «قواعد آمره بین‌الملل» [iv] به «متون حقوقی بی‌اثر» [v] جلوگیری کند؛ چرا که در غیاب این شجاعت اخلاقی، حقوق بین‌الملل کارکرد بازدارندگی خود را از دست داده و به مجموعه‌ای از توصیه‌های اخلاقی صرف فروکاسته خواهد شد. در مقایسه با دیگر کسانی که داعیه رهبری را دارند، هیچ‌کدام حتی کوچکترین آشنایی با این مفاهیم متعالی حقوقی و اخلاقی را از خود تاکنون نشان نداده‌اند. تنها آلترناتیو ممکن و قابل اتکا شخص شاهزاده پهلوی است که قابلیت‌های شایان توجهی از این‌گونه ویژگی‌های رهبری از خود نشان داده‌اند.

پایبندی به چندجانبه‌گرایی به‌جای اقدام یک‌جانبه

حقوق بین‌الملل بر مشروعیت جمعی استوار است. اقداماتی که خارج از چارچوب نهادهای بین‌المللی انجام می‌شوند، حتی اگر با نیت انسانی انجام گیرند، نه تنها قابلیت تأثیرگذاری کمتری دارند، بلکه می‌توانند به تضعیف نظم حقوقی بین‌المللی بیانجامند. از نقطه‌نظر کنش‌های اجتماعی و سیاسی نیز باهم بودن، یعنی همان مفهوم چندجانبه‌گرایی مدنی، اقدامات انسان‌دوستانه و رهایی بخش را تسریع می‌کنند. رهبری نهضت اجتماعی و ملی رهایی‌بخش باید قادر باشد سازوکارهایی چون شورای امنیت، مجمع عمومی ملل متحد، دادگاه بین‌المللی دادگستری و نهادهای حقوق بشری را در مسیر به موفقیت‌رسانی نهضت ملی برای رسیدن به آزادی بکار گیرد. او ضرورتاً و بدون هر نوع تردیدی باید همه تلاش‌های خود را بکار گیرد تا اقدامات حمایتی از مردم تحت ستم، در چارچوب قواعد پذیرفته‌شده بین‌المللی انجام شود؛ و از تبدیل مداخلات انسانی به ابزار رقابت قدرت‌ها جلوگیری می‌کند.

در این چارچوب از ویژگی‌های رهبری، چندجانبه‌گرایی نه‌تنها یک فضیلت سیاسی، بلکه به منبعی معتبر برای تثبیت مشروعیت حقوقی نیز بدل می‌شود. شرایط معاصر و قرائن موجود به‌روشنی نشان می‌دهد که هیچ‌یک از افرادی که به‌نحوی خود را در جایگاه رهبری ملی تصور کرده‌اند، واجد این ویژگی‌ها نبوده‌اند؛ امری که خود بیانگر فقدان آگاهی آنان نسبت به این مؤلفه‌های بنیادین است.

افزون بر این، کسانی که با پوشش‌های ایدئولوژیک کوشیده‌اند شخصیت و خصایص ایشان را به‌عنوان بدیلی شایسته برای عبور سالم و موفق از دوران گذار مورد تردید قرار دهند، در عمل نیز نتوانسته‌اند درک روشنی از این الزامات حیاتی ارائه دهند و از این‌رو، قادر نبوده‌اند بر ضرورت رهبری ایشان در این مقطع حساس تاریخی تأکید مؤثر داشته باشند. شواهد و نشانه‌ها به‌وضوح حاکی از آن است که تنها شخصیتی که دست همکاری جمعی و رویکرد چندجانبه‌گرایانه را به‌سوی طیف‌های گوناگون جامعه گشوده، ایشان بوده است.

توانایی در اجماع‌سازی و جلوگیری از انسداد نهادین

یکی از چالش‌های بنیادین حقوق بین‌الملل، فلج‌شدن

اساساً به‌عنوان مجموعه‌ای از قواعد و هنجارهای الزام‌آور تعریف می‌شود که رفتار بازیگران جامعه‌ی بین‌المللی را تنظیم می‌کند؛ بازیگرانی که در رأس آن‌ها دولت‌ها به‌عنوان واحدهای دارای حاکمیت قرار دارند. در این چارچوب کلاسیک، تمرکز حقوق بین‌الملل نه بر اشخاص یا ویژگی‌های فردی رهبران، بلکه بر دولت‌ها به‌مثابه موجودیت‌های حقوقی مستقل و برابر است. بر همین مبنا، هیچ‌یک از منابع شناخته‌شده‌ی حقوق بین‌الملل، اعم از معاهدات، عرف بین‌المللی یا اصول کلی حقوقی، به‌طور مستقیم به تعریف ویژگی‌های رهبری سیاسی، آن‌گونه که در علوم سیاسی رایج است، نپرداخته‌اند. حقوق بین‌الملل سنتی مشروعیت را نه از شخصیت یا منش رهبران، بلکه از اعمال مؤثر حاکمیت، کنترل سرزمینی، و توانایی دولت در اعمال صلاحیت انحصاری بر قلمرو و جمعیت خود استنتاج می‌کند. از این منظر، اصل حاکمیت و صلاحیت سرزمینی، بنیان اصلی شناسایی دولت‌ها و تعامل آن‌ها در نظام بین‌الملل به‌شمار می‌رود.

با این حال، این رویکرد دولت‌محور که ریشه در نظام وستفالیایی دارد و برای قرن‌ها بر حقوق بین‌الملل جریان اصلی حاکم بوده است، در دهه‌های اخیر با تحولاتی بنیادین مواجه شده است. تفسیرها و گرایش‌های معاصر در حقوق بین‌الملل، به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم و با گسترش رژیم‌های حقوق بشر، به‌تدریج از بی‌تفاوتی مطلق نسبت به ماهیت قدرت سیاسی فاصله گرفته‌اند. در این چارچوب نوین، هرچند حقوق بین‌الملل همچنان مستقیماً وارد تعیین رهبران سیاسی نمی‌شود، اما مشروعیت اعمال حاکمیت بیش از پیش به معیارهایی فراتر از کنترل صرف سرزمینی گره خورده است.

امروزه تعهد به اصول دموکراتیک، احترام به حقوق ذاتی و بنیادین بشر، حاکمیت قانون، و پاسخگویی سیاسی، به‌عنوان مؤلفه‌هایی غیرمستقیم اما مؤثر در ارزیابی مشروعیت دولت‌ها و نمایندگان آن‌ها در عرصه‌ی بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته‌اند. بدین ترتیب، اگرچه حقوق بین‌الملل همچنان از منظر صوری با «دولت‌ها» سخن می‌گوید، در سطح ماهوی دیگر نسبت به شیوه‌ی اعمال قدرت، منش رهبری، و میزان پایبندی آن به حقوق و کرامت انسانی بی‌تفاوت نیست. بنابراین، می‌توان گفت که حقوق بین‌الملل معاصر، بدون آنکه به‌طور صریح وارد تعریف رهبری سیاسی شود، به‌گونه‌ای فزاینده مشروعیت رهبری و اعمال حاکمیت را با معیارهای دموکراتیک و تعهد به حقوق بشر پیوند می‌زند؛ پیوندی که در شرایط گذار سیاسی و قیام‌های ملی، نقشی تعیین‌کننده در شناسایی، حمایت و تعامل جامعه‌ی بین‌المللی با بازیگران رهبری ایفا می‌کند.

شجاعت حقوقی و اخلاقی در آشکار ساختن ستم‌ها به مردم بیگانه

در نظام حقوق بین‌الملل، هنجارها در عرصه حقوق بشر، و بویژه حقوق کیفری بین‌المللی، ماهیتاً خود اجرا و خودبسنده نیستند؛ [ii] به‌خصوص زمانی که ابعاد نقض حقوق بشر از آستانه‌های پیش‌بینی شده در منشور بین‌المللی حقوق بشر فراتر رفته و با ورود به قلمرو جرایم بین‌المللی، لزوم اعمال «صلاحیت جهانشمول» [iii] کیفری را ایجاب می‌کند. گذر از این وضعیت و ورود به فاز عملیاتی، مستلزم کنشگری فعال تابعان حقوق بین‌الملل، اعم از دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و جامعه مدنی است. به‌طور مشخص، توصیف حقوق اقدامات مجرمانه‌ای همچون «جنایت علیه بشریت» یا «نسل‌کشی»، که امروزه توسط نظام حاکم در ایران در حال وقوع است، صرفاً یک امر فنی نیست؛ بلکه مستلزم

→ نیستند برای نجات میهن نقش ایشان برای هدایت دوران گذار را بپذیرند.

بکارگیری ابزارهای حقوقی برای نجات و حمایت از مردم
حقوق بین‌الملل معاصر، به‌ویژه در پی دگرگونی‌های بنیادین پس از جنگ جهانی دوم، منظومه‌ای از سازوکارهای حقوقی، نهادی و غیرنظامی را پدید آورده است که هدف غایی آن‌ها حمایت مؤثر و نظام‌مند از افراد و جمعیت‌ها در برابر سرکوب‌های گسترده و سازمان‌یافته دولت‌های تمامیت‌خواه است. این سازوکارها بازتاب تلاشی آگاهانه و مستمر برای ایجاد توازن میان اصل حاکمیت دولت‌ها و الزام بنیادین جامعه بین‌المللی به پاسداشت کرامت ذاتی انسان به شمار می‌آیند. در این چارچوب، ابزارهایی چون تحریم‌های هدفمند علیه مسئولان نقض فاحش حقوق بشر، مکانیسم‌های حقیقت‌یاب و گزارشگری بین‌المللی، اعمال صلاحیت قضایی جهانی در تعقیب و مجازات مرتکبان جنایات بین‌المللی، و نیز حمایت حقوقی و سیاسی از جامعه مدنی، پناهندگان و قربانیان، از جمله ظرفیت‌هایی هستند که می‌توانند به‌عنوان ابزارهای مشروع و مؤثر برای رهایی مردم از سلطه حکومت‌های تمامیت‌خواه به کار گرفته شوند. برخی از این ظرفیت‌ها و توانایی رهبری ملی برای استفاده از آنها را می‌توان برشمرد.

تلاش برای اجرای تحریم‌های هدفمند

برخلاف تحریم‌های جامع که غالباً به مردم عادی آسیب می‌زنند، حقوق بین‌الملل امروز بر تحریم‌های هدفمند تمرکز دارد. این تحریم‌ها متوجه اشخاص حقیقی یا حقوقی مسئول نقض‌های جدی حقوق بشر هستند، نه کل جمعیت یک کشور. از منظر حقوقی، تحریم‌های هدفمند به‌منزله ابزارهایی هستند که می‌توان از طریق آنها حکومت‌های تمامیت‌خواه را با چالش‌های جدی و غیرقابل‌گریزی مواجه نمود. توضیح برخی از این تحریم‌ها اجتناب‌ناپذیر است. تحریم می‌تواند بر اصل مسئولیت فردی در قبال نقض حقوق بین‌الملل استوار شود و کسانی را که دست به کشتار بیرحمانه مردم زده و یا در آنها مشارکت غیرمستقیم داشته و یا حتی در خطابه‌های عمومی خود توجیه کرده باشند، می‌توانند مشمول این نوع تحریم‌ها باشند. مسدود ساختن راه‌هایی که به موجب آن اینگونه جنایتکاران در محافل بین‌المللی راه می‌یابند و از آنجا برای فریب و لابی‌گری به نفع خود استفاده می‌کنند، نوعی از اینگونه تحریم‌های هدفمند است.

تحریم‌های هدفمند مجموعه‌ای از اقدامات محدودکننده‌اند که می‌توانند اشکالی چون ممنوعیت یا محدودیت سفر، مسدودسازی دارایی‌ها، انسداد دسترسی به نظام‌های مالی و اعمال محدودیت‌های اداری و نهادی را در بر گیرند. ویژگی متمایز این نوع تحریم‌ها آن است که به‌جای اثرگذاری فراگیر بر جمعیت یک کشور، مستقیماً متوجه اشخاص حقیقی یا حقوقی مسئول در نقض جدی حقوق بشر می‌شوند. در همین راستا، اقدام اخیر اتحادیه اروپا در محدودسازی یا ممنوعیت دسترسی برخی دیپلمات‌های ایرانی به ساختمان‌های پارلمان اروپا را می‌توان نمونه‌ای روشن از به‌کارگیری تحریم‌های هدفمند در قالب تدابیر نهادی و دیپلماتیک دانست. افزون بر این، چنین تحریم‌هایی الزاماً به اشکال رسمی و کلاسیک محدود نمی‌شوند، بلکه می‌توانند در قالب اقدامات غیررسمی دیپلماتیک، از جمله سلب مشروعیت، محرومیت از تریبون‌های بین‌المللی یا محدودسازی مشارکت در فضاهای آکادمیک و عمومی نیز اعمال شوند.

در این چارچوب، افرادی که به‌صورت مستقیم یا

غیرمستقیم در توجیه، تطهیر یا عادی‌سازی نقض‌های فاحش حقوق بشر و اعمال خشونت‌آمیز نقش ایفا می‌کنند، می‌توانند در دایره این تدابیر محدودکننده قرار گیرند. هدف نهایی تحریم‌های هدفمند، افزایش هزینه‌های حقوقی، سیاسی و اعتباری نقض حقوق بشر برای تصمیم‌گیران و کنشگران مؤثر است، بی‌آنکه مردم عادی به‌صورت جمعی و غیرمنصفانه متحمل پیامدهای آن شوند. شاهزاده پهلوی، بطور نسبی اما بسیار امیدوارکننده، نشان داده است که از این ویژگی برخوردار است و می‌کوشد آنها را در راستای نجات میهن بکار گیرد.

مکانیسم‌های حقیقت‌یاب و گزارشگری بین‌المللی

یکی از ابزارهای کلیدی حقوق بین‌الملل، ثبت و مستندسازی نقض‌ها است. شوراها و نهادهای بین‌المللی از طریق گزارشگران ویژه، کمیسیون‌های تحقیق و هیئت‌های حقیقت‌یاب عمل می‌کنند. اهمیت حقوقی این مکانیسم‌ها در آن است که نقض‌ها را از سطح ادعا به واقعیت مستند حقوقی تبدیل می‌کنند؛ زمینه را برای پاسخگویی قضایی در آینده فراهم می‌سازند؛ مانع انکار یا تحریف سیستماتیک واقعیت‌ها توسط دولت‌های ناقض می‌شوند. حقیقت‌یابی، نخستین گام برای اجرای اصل پاسخگویی در حقوق بین‌الملل است. شاید شاهزاده پهلوی به دلیل برنامه کاری فشرده خود، و شاید به دلیل همراه نداشتن متخصصان حقوق بین‌الملل که بتوانند ایشان را در این زمینه‌ها یاری رسانند، کمتر در پیشبرد گزارشگری بین‌الملل نشانه‌هایی از خود نشان داده‌اند. اما حضور ایشان در رسانه‌های بین‌المللی راه را برای پیشبرد اجرایی مکانیسم‌های حقیقت‌یاب هموار می‌سازد.

او به عنوان یک «مطلع» و «شخصیت سیاسی»، سوژه مصاحبه‌های بی شماری در شبکه‌هایی نظیر فاکس‌نیوز، سی‌ان‌ان، و دیگر رسانه‌ها بوده است. در این حضورها، او اغلب نقش «صدای معترضان داخل ایران» را ایفا کرده و گزارش‌هایی از وضعیت میدانی ایران (که از طریق شبکه‌های ارتباطی خود دریافت می‌کند) به مخاطب جهانی ارائه می‌دهد. شاهزاده پیوسته و با حساسیت و ظرافت در نشست‌های خبری بین‌المللی حضور داشته است، در نشست‌های فعالان سیاسی، باشگاه‌های مطبوعاتی ملی، و یا پارلمان اروپا سخنرانی کرده است. در این جلسات، او با تسلط به زبان‌های خارجی، به پرسش‌های خبرنگاران پاسخ می‌دهد که این تعامل مستقیم، او را به یکی از اصلی‌ترین مراجع رسانه‌های خارجی برای درک دیدگاه‌های مخالفان حکومت ایران تبدیل کرده است. همچنین حضور فعال آنچه ایشان به‌عنوان رهبر ملی در نظر دارند در پلتفرم‌هایی مانند «شبکه ایکس» برای اطلاع‌رسانی فوری درباره حوادث داخل ایران و پیام‌هایی به دو زبان فارسی و انگلیسی، مخاطب داخلی و بین‌المللی را تغذیه می‌کند. این ویژگی برجسته‌ای است که نقش ایشان را به‌عنوان رهبر قیام ملی تثبیت کرده است.

صلاحیت قضایی جهان‌شمول

در مواردی که دولت ناقض نه اراده لازم و نه توان مؤثر برای رسیدگی قضایی به جنایات ارتكابی را داراست، حقوق بین‌الملل اصل صلاحیت قضایی جهان‌شمول را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سازوکارهای تضمین پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری کیفری به رسمیت شناخته است. بر پایه این اصل، برخی از جنایات، از جمله نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و شکنجه، به‌سبب شدت و ماهیت تهدیدکننده آن‌ها نسبت به وجدان بشریت، چنان خطر تلقی می‌شوند که هر دادگاه صلاحیت‌دار، خارج از قلمرو سرزمینی دولت محل وقوع جرم، می‌تواند مرتکبان آنها را تعقیب و محاکمه

کند؛ بی‌آنکه محل ارتکاب جرم یا تابعیت مرتکب و قربانیان مانعی در این مسیر ایجاد کند. از این منظر، به‌کارگیری این ابزار بنیادین حقوق کیفری بین‌المللی در وضعیت کنونی ایران، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌یابد. اصل صلاحیت قضایی جهان‌شمول، به‌طور ساختاری مانع از شکل‌گیری یا تداوم مصونیت رهبران و کارگزاران نظام‌های تمامیت‌خواه می‌شود و این پیام روشن را به جامعه بین‌المللی مخابره می‌کند که گریز از پاسخگویی، نه دائمی است و نه تضمین‌شده. مرتکبان این جنایات، دیر یا زود، در برابر مردم و در برابر عدالت بین‌المللی مکلف به پاسخگویی خواهند بود و باید نسبت به اعمال خود با ضمانت اجرای کیفری مواجه شوند. دقیقاً از همین منظر است که اصل صلاحیت قضایی جهان‌شمول با قواعد آمره حقوق بین‌الملل پیوندی ناگسستنی برقرار می‌کند؛ قواعدی که ماهیتی غیرقابل تعلیق و غیرقابل عدول دارند و غایت آن‌ها پاسداری از ارزش‌های بنیادین بشری و جلوگیری از نهادینه‌شدن مصونیت ناقضان فاحش حقوق انسان است. در چنین چارچوبی، و با توجه به شرایط خطیر و سرنوشت‌سازی که میهن با آن مواجه است، شواهد و قرائن موجود نشان می‌دهد که ایشان در جهت مسئول شناخت عاملان این جنایات و معرفی آنان به افکار عمومی و جامعه بین‌المللی، تلاش‌هایی سنجیده و معنادار از خود بروز داده‌اند.

به‌عنوان سخن پایانی، امید دارم این نوشتار کوتاه توانسته باشد تصویری مختصر و روشن از ویژگی‌های رهبری ملی را با اتکا بر اصول حقوق بین‌الملل ترسیم کند. تأکید بر این نکته که شاهزاده رضا پهلوی واجد چنین ویژگی‌های شخصیتی است، بیانگر دیدگاه شخصی این نویسنده است و هیچ ماهیت جمعی یا وابستگی به گروه‌ها و جریان‌های سیاسی هوادار ایشان ندارد.

از تمامی کسانی که دغدغه میهن دارند و ممکن است با این دیدگاه‌ها موافق نباشند، دعوت می‌کنم استدالات و نقطه‌نظرات خود را به رشته تحریر درآورده و همراه با تصویر مطلوب خود از رهبری مورد نظر، در اختیار دیگران، از جمله این نویسنده، قرار دهند. همه ما ممکن است در مواضع و تحلیل‌های خود دچار خطا شویم؛ اما برای ایران و برای رهایی میهن عزیزمان، ضروری است که نقش رهبری شاهزاده پهلوی در دوران گذار را به‌عنوان یک فرصت تاریخی به رسمیت بشناسیم و اجازه ندهیم اختلافات و چنددستگی‌ها کشور را از مسیر پیشرفت بازدارند.

نظام سیاسی آینده ایران، همان‌گونه که بارها خود ایشان تأکید کرده‌اند، توسط هموطنان و اراده ملی مردم تعیین خواهد شد.

در نوشتار دیگری ویژگی‌های رهبری سیاسی ملی را از دیدگاه فلسفه سیاسی و اخلاق اجتماعی (اتیکز) توضیح خواهم داد.

[i] نویسنده این متن تاکنون هیچ‌گونه تماس، ارتباط یا دیداری با شاهزاده نداشته است. مطالب و دیدگاه‌های مطرح‌شده نیز صرفاً بر پایه احساس وظیفه ملی و میهنی نگاشته شده و هیچ شکلی از وابستگی یا ارتباط با گروه‌های هوادار یا آنچه به‌اصطلاح اندیشکده خوانده می‌شوند و یا مشاوران ایشان، ندارد.

[ii] Self-executing

[iii] Universal jurisdiction

[iv] Jus cogens – peremptory norms of international law such as the absolute prohibition of genocide, act of torturing, or for example, aggressive war.

[v] Lex Imperfecta

استیو ویتکاف: جمهوری اسلامی اگر شروط ترامپ را نپذیرد، راه حل جایگزین بسیار بد است



ویتکاف

بر اساس این گزارش، ترامپ دستور داده است تجهیزات نظامی در موقعیت مناسب قرار گیرند تا در صورت تصمیم به صدور فرمان حملات شدید، آماده باشند، اما هنوز تصمیم نهایی گرفته نشده است. سخنگوی کاخ سفید، کارولین لیویت روز پنجشنبه گفت: «رئیس جمهور و تیم او به حکومت ایران اعلام کرده‌اند که اگر کشتار ادامه پیدا کند، پیامدهای بسیار سنگینی در پی خواهد داشت.»

او افزود: «فقط رئیس جمهور ترامپ می‌داند که چه خواهد کرد و تنها گروه بسیار کوچکی از مشاوران در جریان ایده‌های او هستند.»

ترامپ روز دوشنبه گفت که «بلافاصله» ۲۵ درصد تعرفه بر کشورهای که با حکومت ایران تجارت می‌کنند اعمال خواهد کرد، اما کاخ سفید جزئیات بیشتری درباره این اقدام ارائه نکرده است. چین، امارات متحده عربی، ترکیه، برزیل و روسیه از جمله اقتصادهایی هستند که با تهران دادوستد دارند. دولت ترامپ همچنین روز پنجشنبه تحریم‌های جدیدی علیه جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد، از جمله علیه علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی؛ فردی که وزارت خزانه‌داری آمریکا او را متهم کرده از نخستین مقاماتی بوده که خواستار خشونت علیه معترضان ایرانی شده است.

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا همچنین ۱۸ فرد و شرکت را تحریم کرد که به گفته آمریکا در پول‌شویی درآمد حاصل از فروش نفت ایران به بازارهای خارجی نقش داشته‌اند؛ بخشی از شبکه بانکی سایه‌ای مرتبط با بانک‌های تحریم‌شده ملی و شهر.

به گفته خبرگزاری هرانا، بیش از ۶۰۰ شهر در هر ۳۱ استان ایران برگزار شده و دست کم ۲۶۳۷ نفر کشته و بیش از ۱۶۷۰۰ نفر بازداشت شده‌اند.

این اعتراضات بزرگ‌ترین اعتراضات ایران در سال‌های اخیر به شمار می‌روند؛ اعتراضاتی که در پی فروپاشی ارزش پول ملی ایران آغاز شد و به آزمونی جدی برای علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی علی خامنه‌ای و حاکمیت سرکوبگرانه او تبدیل شده است.

اطلاع داده است که کشتار معترضان متوقف شده؛ موضوعی که باعث گمانه‌زنی‌هایی شد مبنی بر اینکه واشنگتن به ایران حمله نخواهد کرد. با این وجود، طی یک روز گذشته آمریکا در حال انتقال تجهیزات نظامی بیشتری به منطقه بوده است. جرمی شاپیرو، مدیر پژوهشی شورای روابط خارجی اروپا، گفت که ترامپ ممکن است به دلیل نگرانی از وضعیت فعلی نیروهای نظامی آمریکا در خاورمیانه، تصمیم گرفته باشد فعلاً از حمله صرف‌نظر کند.

در حال حاضر هیچ ناو هواپیمابر آمریکایی - که یکی از دارایی‌های کلیدی در عملیات نظامی گسترده محسوب می‌شود - در منطقه حضور ندارد، چرا که ناو «یواس اس جرال آر. فورد» و گروه ضربت آن به منطقه فرماندهی جنوبی آمریکا اعزام شده‌اند تا در یک عملیات بزرگ مقابله با قاچاق مواد مخدر با تمرکز بر ونزوئلا مشارکت کنند.

ویتکاف گفت: «ما دیروز با ایرانی‌ها ارتباط داشتیم و یکی از نگرانی‌های ما گزارش‌هایی درباره قتل‌های در راه بود اعدام‌های گسترده - که گفته می‌شود متوقف شده است.» به گزارش روزنامه «والاستریت ژورنال» ترامپ پیش از تصمیم‌گیری درباره دامنه احتمالی حملات به ایران، واکنش تهران به اعتراضات را زیر نظر خواهد گرفت، آن هم پس از آنکه به او گفته شده یک حمله بزرگ بعید است به سقوط جمهوری اسلامی منجر شود و ممکن است به درگیری گسترده‌تری بینجامد.

این گزارش به نقل از مقامات آمریکایی می‌گوید مشاوران ترامپ به او گفته‌اند آمریکا برای انجام یک حمله جدی به تجهیزات نظامی بیشتری در خاورمیانه نیاز دارد؛ همچنین برای محافظت از نیروهای آمریکایی در منطقه و متحدانی مانند اسرائیل، در صورت واکنش ایران.

این روزنامه نوشت که هم مقامات آمریکایی و هم برخی شرکای خاورمیانه‌ای به کاخ سفید گفته‌اند حملات گسترده بعید است حکومت ایران را سرنگون کند و در حالی که حملات محدودتر ممکن است روحیه معترضان را تقویت کند، اما احتمالاً به سرکوب مرگبار اعتراضات پایان نخواهد داد.

● استیو ویتکاف نماینده ویژه آمریکا در امور خاورمیانه، پنجشنبه ۱۷ ژانویه (۲۷ دی‌ماه) در کنفرانس شورای اسرائیلی-آمریکایی (IAC) گفت که دولت ترامپ ترجیح می‌دهد به جای گزینه نظامی، از طریق دیپلماسی به تنش‌های جاری با جمهوری اسلامی ایران پایان دهد؛ تنش‌هایی که در پی خشونت مرگبار حکومت ایران علیه معترضان شکل گرفته است.

● او اعلام کرد ترامپ برای توافق با جمهوری اسلامی چهار شرط دارد: (۱) برچیدن کامل غنی‌سازی، (۲) کاهش ذخایر موشک‌های بالستیک، (۳) نابود کردن حدود دوهزار کیلوگرم ذخایر اورانیوم غنی‌شده به غنای ۳/۶۷ تا ۶۰ درصد و (۴) پایان دادن به حمایت از گروه‌های نیابتی.

● ویتکاف ابراز امیدواری کرد که جمهوری اسلامی ایران ممکن است به دلیل وضعیت بسیار وخیم اقتصادی‌اش، حاضر باشد در هر چهار موضوع مصالحه کند.

● او در پاسخ به این پرسش آیا پیامی برای مردم ایران که خواهان سرنگونی حکومت هستند، دارد یا نه، پاسخ داد: «آنها مردمی فوق‌العاده شجاع هستند و ما در کنار شما ایستاده‌ایم.»

استیو ویتکاف نماینده ویژه آمریکا در امور خاورمیانه، پنجشنبه ۱۷ ژانویه (۲۷ دی‌ماه) در کنفرانس شورای اسرائیلی-آمریکایی (IAC) گفت که دولت ترامپ ترجیح می‌دهد به جای گزینه نظامی، از طریق دیپلماسی به تنش‌های جاری با جمهوری اسلامی ایران پایان دهد؛ تنش‌هایی که در پی خشونت مرگبار حکومت ایران علیه معترضان شکل گرفته است.

به گزارش روزنامه «تایمز اسرائیل» ویتکاف در کنفرانس شورای اسرائیلی-آمریکایی که در فلوریدا برگزار شد، در پاسخ به این پرسش که آیا حمله نظامی آمریکا به ایران محتمل است یا نه، گفت: «امیدوارم راه‌حل دیپلماتیک وجود داشته باشد. واقعاً امیدوارم.»

او اعلام کرد ترامپ برای توافق با جمهوری اسلامی چهار شرط دارد: (۱) برچیدن کامل غنی‌سازی، (۲) کاهش ذخایر موشک‌های بالستیک، (۳) نابود کردن حدود دوهزار کیلوگرم ذخایر اورانیوم غنی‌شده به غنای ۳/۶۷ تا ۶۰ درصد و (۴) پایان دادن به حمایت از گروه‌های نیابتی.

ویتکاف ابراز امیدواری کرد که جمهوری اسلامی ایران ممکن است به دلیل وضعیت بسیار وخیم اقتصادی‌اش، حاضر باشد در هر چهار موضوع مصالحه کند. او افزود: «[آنها] اگر بخواهند دوباره به جامعه جهانی بازگردند و بتوانیم این چهار مشکل را از راه دیپلماتیک حل کنیم، نتیجه بسیار خوبی خواهد بود. گزینه جایگزین، گزینه بدی است.»

او در پاسخ به این پرسش آیا پیامی برای مردم ایران که خواهان سرنگونی حکومت هستند، دارد یا نه، پاسخ داد: «آنها مردمی فوق‌العاده شجاع هستند و ما در کنار شما ایستاده‌ایم.»

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا بارها تهدید کرده بود که اگر حکومت ایران به کشتار معترضان ادامه دهد، به ایران حمله خواهد کرد؛ کشتاری که به گفته منابع، به کشته شدن چندین هزار نفر انجامیده است. با این حال، ترامپ روز چهارشنبه اعلام کرد که تهران به او

برخی منابع از احتمال جان باختن عرفان سلطانی بر اثر ضرب و جرح در بازداشت خبر دادند



● حساب «اسرائیل به فارسی» در شبکه «ایکس» نوشته «گزارش‌ها حاکی از این است که عرفان سلطانی، جوان ایرانی که به دلیل اعتراض توسط رژیم بازداشت شده بود و قرار بود اعدام شود، در بازداشت جمهوری اسلامی به طرز وحشیانه‌ای کشته شد.»

● خبرنگار «جروزام پست» هم نوشته گزارش‌ها از ایران حاکی از آن است که عرفان سلطانی، که به دلیل اعتراض دستگیر شده و با حکم اعدام قریب‌الوقوع روبرو بود، در بازداشت جمهوری اسلامی تا سر حد مرگ مورد ضرب و شتم قرار گرفته است.

● شعله پاکروان فعال مدنی نیز اعلام کرده از یکی خانواده‌های دادخواه اطلاعاتی دریافت کرده که ممکن است عرفان سلطانی پیش از رسانه‌ای شدن اسمش و اجرای حکم اعدام با شلیک گلوله به قتل رسیده باشد.

● عرفان سلطانی، شهروند ۲۶ ساله ساکن کرج در ۱۸ دی در فردیس استان البرز بازداشت شد. سه روز پس از بازداشت او، در روز یکشنبه ۲۱ دی‌ماه مقامات قوه قضاییه به خانواده عرفان اعلام کرده بودند او به اعدام محکوم شده و گفته بودند حکم اعدام او قرار است چهارشنبه ۲۴ دی اعدام شود.

● خبرگزاری قوه قضاییه روز پنجشنبه اعلام کرد عرفان سلطانی اعدام نخواهد شد و مدعی شد «در صورت احراز اتهام وی در دادسرا و صدور حکم قانونی در دادگاه صالحه مجازات پیش‌بینی شده در قانون حبس خواهد بود و اساسا مجازات اعدام برای چنین اتهامی در قانون وجود ندارد.»

برخی منابع خبری از احتمال جان‌باختن عرفان سلطانی از بازداشت‌شدگان خیزش ملی دی ۴۰۴ زیر شکنجه خبر داده‌اند. عرفان سلطانی در کرج بازداشت و دو روز بعد به خانواده او اعلام شد این جوان به اعدام محکوم شده است. عرفان سلطانی، شهروند ۲۶ ساله ساکن کرج در ۱۸ دی در فردیس استان البرز بازداشت شد. سه روز پس از بازداشت او، در روز یکشنبه ۲۱ دی‌ماه مقامات قوه قضاییه به خانواده عرفان اعلام کرده بودند او به اعدام محکوم شده و

سرکوب قضایی شهروندان پس از سرکوب خونین خیابان؛ اعلام جرم علیه ورزشکاران، هنرمندان و ده ها واحد صنفی

● دادستانی تهران اعلام کرده علیه ۱۵ چهره ورزشی و بازیگر، ۱۰ امضاکننده بیانیه خانه سینما و ۶۰ واحد صنفی به دلیل حمایت از اعتراضات سراسری پرونده قضایی تشکیل شده است.

● خبرگزاری «تسنیم» نوشته دادستانی تهران حمایت این افراد را نقش محرک در اعتراضات و اقدامات «تروریستی» دانسته و اعلام کرد که در پرونده‌های تشکیل شده علیه افراد و مجموعه‌ها، اموال تعدادی از این چهره‌ها توقیف شده است.

● همچنین تأکید شده در بررسی‌های اولیه قضایی، قضات به این نتیجه رسیده‌اند که مورد حمایتی برخی متهمان از فراخوان اخیر به شکلی بوده است که متهم در صورت محکومیت باید بخشی از خسارات وارده به اموال خصوصی و عمومی را پرداخت کند و این موضوع در دستور کار قرار گرفته است.

● غلامحسین محسنی اژه‌ای روز گذشته بار دیگر خواستار محاکمه و صدور حکم علیه بازداشت‌شده در اعتراضات شد و گفت رسیدگی قضایی به پرونده دستگیرشدگان اعتراضات باید به سرعت انجام شود.

● به نظر می‌رسد پس از آنکه جمهوری اسلامی با سرکوب خونین و کشتار هزاران نفر توانست اعتراضات خیابانی را متوقف کند، اکنون برای سرکوب قضایی معترضان و شهروندانی که به هر شکل از اعتراضات حمایت کرده‌اند اقدام کرده است.

دادستانی تهران اعلام کرد که علیه ده‌ها چهره ورزشی و سینماگر و واحد صنفی به دلیل حمایت از اعتراضات سراسری پرونده قضایی تشکیل شده و اموال تعدادی از افراد توقیف شده است. رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی روز گذشته دوباره از برخورد شدید و بدون ارفاق با معترضان خبر داده است.

دادستانی تهران روز سه‌شنبه ۳۰ دی‌ماه ۱۴۰۴ با انتشار اطلاعیه‌ای توضیحاتی درباره «حمایت‌کنندگان اعتراضات سراسری» ارائه کرده است. به گزارش خبرگزاری «تسنیم» در این اطلاعیه آمده علیه ۱۵ چهره ورزشی و بازیگر، ۱۰ امضاکننده بیانیه خانه سینما و ۶۰ واحد صنفی به دلیل حمایت از اعتراضات سراسری پرونده قضایی تشکیل شده است. خبرگزاری «تسنیم» نوشته دادستانی تهران حمایت این افراد را نقش محرک در اعتراضات و اقدامات «تروریستی» دانسته و اعلام کرد که در پرونده‌های تشکیل شده علیه افراد و مجموعه‌ها، اموال تعدادی از این چهره‌ها توقیف شده است. همچنین تأکید شده در بررسی‌های اولیه قضایی، قضات به این نتیجه رسیده‌اند که مورد حمایتی برخی متهمان از فراخوان اخیر به شکلی بوده است که متهم در صورت

گفته بودند حکم اعدام او قرار است چهارشنبه ۲۴ دی اعدام شود. خبرگزاری «میزان»، مرکز رسانه‌ای قوه قضاییه جمهوری اسلامی، صبح پنجشنبه ۲۵ دی‌ماه در خبری اعلام کرد که «عرفان سلطانی ۲۰ دی‌ماه و در جریان اغتشاشات دستگیر شده و اتهام اجتماع و تبانی علیه امنیت داخلی کشور و فعالیت تبلیغی علیه نظام به وی تفهیم شده» و او «هم اکنون در ندامتگاه مرکزی کرج نگهداری می‌شود.»

خبرگزاری «میزان» افزوده «در صورت احراز اتهام وی در دادسرا و صدور حکم قانونی در دادگاه صالحه مجازات پیش‌بینی شده در قانون حبس خواهد بود و اساسا مجازات اعدام برای چنین اتهامی در قانون وجود ندارد.»

اکنون برخی منابع خبری از احتمال جان‌باختن این جوان معترض به علت ضرب‌وجرح پس از بازداشت خبر داده‌اند. حساب «اسرائیل به فارسی» در شبکه «ایکس» نوشته «گزارش‌ها حاکی از این است که عرفان سلطانی، جوان ایرانی که به دلیل اعتراض توسط رژیم بازداشت شده بود و قرار بود اعدام شود، در بازداشت جمهوری اسلامی به طرز وحشیانه‌ای کشته شد.»

خبرنگار «جروزام پست» هم نوشته گزارش‌ها از ایران حاکی از آن است که عرفان سلطانی، که به دلیل اعتراض دستگیر شده و با حکم اعدام قریب‌الوقوع روبرو بود، در بازداشت جمهوری اسلامی تا سر حد مرگ مورد ضرب و شتم قرار گرفته است.

شعله پاکروان، فعال مدنی و از مادران دادخواه هم با انتشار ویدئویی در صفحه اینستاگرام خود اعلام کرده اطلاعاتی از ایران دریافت کرده که او را نسبت به وضعیت و سلامت عرفان سلطانی، معترض بازداشت‌شده و در معرض اعدام، نگران کرده است. شعله پاکروان توضیح داده از یکی خانواده‌های دادخواه اطلاعاتی دریافت کرده که ممکن است عرفان سلطانی پیش از رسانه‌ای شدن اسمش و اجرای حکم اعدام با شلیک گلوله به قتل رسیده باشد.

او خواستار صدور مجوز ملاقات حضوری با خانواده این جوان زندانی و انتشار فیلمی است که با استناد به آن بتوان از سلامت عرفان سلطانی اطمینان حاصل کرد.

اختصاصی؛ جان باختن بابک متین آزاد از معترضان خیزش ملی و فرزند یکی از افسران نیروی هوایی



تشخیص هویت برای خانواده او سخت بود و آنها از روی لباسی که بابک در شب آخر بر تن کرده بوده و از خانه بیرون رفته بود او را تشخیص دادند.

او افزوده «خانواده بابک متین آزاد مطلع شده بودند که مأموران پیکر فرزند آنها را از روی اثر انگشت و شماره ملی شناسایی کرده و به آنها خبر داده بودند.»

پدر بابک از افسران عالی رتبه نیروی هوایی در دهه ۵۰ خورشیدی بود. یکی از دوستان همکلاسی بابک متین آزاد که در دبیرستان با او همکلاس بوده به «کیهان لندن» می‌گوید که پدر بابک افسر نیروی هوایی بود و تا سال ۱۳۸۰ در پایگاه نیروی هوایی نوژه همدان با بابک بزرگ شدیم و دبیرستان را در همدان به پایان رساندیم.

او افزوده «بابک، ورزشکار بود و فوتبال را به صورت حرفه‌ای دنبال می‌کرد.»

جمهوری اسلامی به شکل وحشیانه‌ای اعتراضات خیزش ملی دی ۴۰۴ را سرکوب کرد. اوج این سرکوب که بسیاری آن را همچون «نسل‌کشی» ارزیابی می‌کنند در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه در شهرهای مختلف کشور اما با الگویی تقریباً مشابه از سوی نیروهای امنیتی، نظامی و لباس‌شخصی حکومت صورت گرفت.

این سرکوب همزمان با حضور چند میلیون معترض در شهرهای مختلف ایران انجام شد که در پاسخ به فراخوان شاهزاده رضا پهلوی با شعارهایی چون «جاویدشاه» و «این آخرین نبرده پهلوی بر می‌گردد» به خیابان‌ها آمده بودند.

بخشی از نیروی سرکوب نیز نیروهای خارجی و نیابتی جمهوری اسلامی در عراق و سوریه بودند که به منظور سرکوب به ایران آورده شده بودند.

جمهوری اسلامی با قطع سراسری اینترنت و محدودسازی دیگر مسیرهای ارتباطی شهروندان ایران با خارج از کشور، مانع از اطلاع‌رسانی کامل و دقیق درباره ابعاد فاجعه‌بار سرکوب شده است. با اینهمه گزارش‌های مختلف شمار جان‌باختگان اعتراضات را دستکم رقمی بین ۱۲ هزار تا ۲۰ هزار نفر عنوان می‌کنند. همچنین صدها هزار نفر نیز زخمی و بازداشت شده‌اند.

● بابک متین آزاد ۴۹ ساله، شاغل در منطقه لاله‌زار تهران، شامگاه جمعه ۱۹ دی‌ماه برای پیوستن به صف معترضان خیزش ملی دی ۱۴۰۴ از خانه خود در خیابان نیلوفر خارج شد و هرگز بازنگشت.

● طی پنج روز بی‌خبری خانواده بابک برای یافتن نشانی از او به تمام بیمارستان‌های اطراف، بهشت‌زهر و دیگر نهادهای امدادی سر زده بودند اما هیچ نشانی از او بدست نیاوردند تا اینکه فردی با یکی از اعضای خانواده بابک متین آزاد تماس گرفت که برای تشخیص هویت به سردخانه یک بیمارستان مراجعه کنند.

بابک متین آزاد پدر دو پسر ۴ و ۹ ساله در اعتراضات روز جمعه ۱۹ دی‌ماه تهران با شلیک مستقیم گلوله به سرش کشته شد. چهره بابک به علت اصابت گلوله به صورتش قابل شناسایی نبود و از روی لباس و اثر انگشت شناسایی شد.

بابک متین آزاد ۴۹ ساله شاغل در منطقه لاله‌زار تهران شامگاه جمعه ۱۹ دی‌ماه برای پیوستن به صف معترضان خیزش ملی دی ۱۴۰۴ از خانه خود در خیابان نیلوفر خارج شد و هرگز بازنگشت.

یکی از نزدیکان بابک متین آزاد در گفت‌وگو با «کیهان لندن» گفته بابک ساکن محله نیلوفر نزدیک خیابان سهروردی بود و روز جمعه ۱۹ دی‌ماه برای حضور در اعتراضات رفت و دیگر برنگشت. خانواده بابک پس از پنج روز بی‌خبری و جست‌وجو، روز سه‌شنبه ۲۳ دی‌ماه، پیکر بی‌جان او را در شرایطی که با شلیک مستقیم گلوله به سرش جان داده بود تحویل گرفتند.

به گفته این منبع آگاه، طی پنج روز بی‌خبری خانواده بابک برای یافتن نشانی از او به تمام بیمارستان‌های اطراف، بهشت‌زهر و دیگر نهادهای امدادی سر زده بودند اما هیچ نشانی از او بدست نیاوردند تا اینکه فردی با یکی از اعضای خانواده بابک متین آزاد تماس گرفت که برای تشخیص هویت به سردخانه یک بیمارستان مراجعه کنند.

این فرد نزدیک به خانواده بابک متین آزاد اضافه می‌کند: «با توجه به اینکه گلوله به سر بابک اصابت کرده بوده

محکومیت باید بخشی از خسارات وارد شده به اموال خصوصی و عمومی را پرداخت کند و این موضوع در دستور کار قرار گرفته است.

خبرگزاری «تسنیم» افزوده «این اقدام در راستای مطالبات رئیس قوه قضاییه برای برخورد با حامیان مستقیم و غیرمستقیم حوادث اخیر صورت گرفته و طی آن، برای ۱۵ چهره ورزشی و سینمایی، ۱۰ امضاکننده بیانیه خانه سینما و ۶۰ واحد صنفی (کافه) پرونده قضایی تشکیل شده است.» در روزهای گذشته گزارش‌هایی از پلمپ کافه وریا غفوری کاپیتان سابق تیم فوتبال استقلال تهران، و بازداشت محمد ساعدی‌نیا، مدیر مجموعه کافه-رستوران‌های ساعدی‌نیا و توقیف اموال او به‌دلیل همراهی با فراخوان شاهزاده رضا پهلوی برای اعتراض مردم در خیابان‌ها روزهای ۱۸ و ۱۹ دی منتشر شده بود.

خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز روز گذشته نوشت «با توجه به استقبال کم نظیر مردم از



طرح تامین بودجه بازسازی صدمات وارده به کشور از منابع مالی افراد حقیقی و حقوقی شریک در حملات تروریستی، منابع خبری امروز اعلام کردند که ارزش اموال مرتبط با محمد ساعدی‌نیا، یکی از تهییج‌کنندگان به اغتشاشات اخیر، تقریباً با خسارت مادی وارده شده به پایتخت برابری می‌کند.» غلامحسین محسنی اژدهای، رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی روز گذشته، دوشنبه ۲۹ دی‌ماه، در جلسه شورای عالی قضایی با اشاره به اعتراضات خیزش ملی گفت «دشمن زخم‌خورده است و از پا نمی‌نشیند؛ باید مراقب باشیم.»

غلامحسین محسنی اژدهای بار دیگر خواستار محاکمه و صدور حکم علیه بازداشت‌شده در اعتراضات شد و گفت رسیدگی قضایی به پرونده دستگیرشدگان اعتراضات باید به‌سرعت انجام شود. رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی با بیان اینکه «اجازه کوچکترین تأخیر و تعللی را در رسیدگی به پرونده افراد اصلی آشوب‌ها نمی‌دهیم» گفت «بازدارنده بودن مجازات آشوبگران یک مطالبه به‌حق مردمی است و باید توجه کنیم که اجرای به‌موقع و بدون تعلل مجازات هم یکی از عناصر بازدارندگی است.»

به نظر می‌رسد پس از آنکه جمهوری اسلامی با سرکوب خونین و کشتار هزاران نفر توانست اعتراضات خیابانی را متوقف کند، اکنون برای سرکوب قضایی معترضان و شهروندانی که به هر شکل از اعتراضات حمایت کرده‌اند اقدام کرده است. تلویزیون ایران اینترنشنال نیز گزارش داده وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس) به شماری از روزنامه‌نگاران در ایران هشدار داده‌اند هرگونه اطلاع‌رسانی درباره وقایع اخیر می‌تواند به بازداشت و صدور احکام سنگین منجر شود.

به گفته این منابع، شماری از روزنامه‌نگاران با تهدیدهایی مانند «کاری نکن که خودت پشیمان شوی و خانواده‌ات عزادار» مواجه شده‌اند.

دونالد ترامپ: زمان آن رسیده که به دنبال رهبری جدید در ایران باشیم



دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا

● رئیس جمهوری آمریکا شنبه ۲۷ دیماه (۱۷ ژانویه ۲۰۲۶) در مصاحبه با پایگاه خبری-تحلیلی پولیتیکو خواستار پایان دادن به حکومت ۳۷ ساله علی خامنه‌ای در ایران شد.

● دونالد ترامپ پس از شنیدن محتوای چند پیام تند و خصمانه از سوی رهبر جمهوری اسلامی که در شبکه اجتماعی «ایکس» منتشر شده بود، اعلام کرد که علی خامنه‌ای را مسئول مستقیم «ویرانی کامل کشور» می‌داند و تأکید کرد «باید به دنبال رهبری تازه در ایران باشیم».

رئیس جمهوری آمریکا شنبه ۲۷ دیماه (۱۷ ژانویه ۲۰۲۶) در مصاحبه با پایگاه خبری-تحلیلی پولیتیکو خواستار پایان دادن به حکومت ۳۷ ساله علی خامنه‌ای در ایران شد.

دونالد ترامپ پس از شنیدن محتوای چند پیام تند و خصمانه از سوی رهبر جمهوری اسلامی که در شبکه اجتماعی «ایکس» منتشر شده بود، اعلام کرد که علی خامنه‌ای را مسئول مستقیم «ویرانی کامل کشور» می‌داند و تأکید کرد «باید به دنبال رهبری تازه در ایران باشیم».

سه هفته پس از آغاز خیزش سراسری در ایران در شرایطی که هزاران نفر از معترضان در نقاط مختلف ایران کشته شدند، ترامپ حکومت ایران را بارها تهدید به اقدام نظامی کرد. او پیش‌تر از ایرانیان خواسته بود که به اعتراض‌ها ادامه دهند و «کنترل نهادهای حکومتی را در دست بگیرند» و تأکید کرد که «کمک در راه است» اما یک روز بعد به‌طور ناگهانی موضع خود را تغییر داد و گفت به او اطلاع داده شده که در ایران قرار بود ۸۰۰ نفر را اعدام کنند اما کشتارها متوقف شده است.

ترامپ سپس هنگامی که درباره ابعاد احتمالی عملیات نظامی آمریکا در ایران از او سوال شد، گفت: «بهترین تصمیمی که او [خامنه‌ای] تاکنون گرفته این بود که دو روز پیش بیش از ۸۰۰ نفر را اعدام نکرد».

اظهارات دونالد ترامپ اندکی پس از آن مطرح شد که در اکانت «ایکس» خامنه‌ای مجموعه‌ای از پیام‌های خصمانه خطاب به دونالد ترامپ منتشر کرد و رئیس جمهوری آمریکا را مسئول خشونت‌های مرگبار و ناآرامی‌ها در ایران دانست. خامنه‌ای نوشت: «ما رئیس جمهوری آمریکا را به دلیل تلفات، خسارت‌ها و افتراهایی که به ملت ایران وارد کرده، مقصر می‌دانیم.»

او در پستی دیگر نوشت که ترامپ گروه‌های خشونت‌طلب را به‌عنوان نماینده مردم ایران معرفی کرده و این اقدام را «افتزایی تکان‌دهنده» توصیف کرد. ترامپ پس از آنکه این پیام‌ها برای او خوانده شد، گفت حاکمان تهران برای اداره کشور به سرکوب و خشونت متکی هستند. او افزود: «آنچه او به‌عنوان رهبر یک کشور مرتکب شده، ویرانی کامل کشور و استفاده از خشونت در سطحی است که پیش از این هرگز دیده نشده بود... برای اینکه کشور، هرچند با کارکردی بسیار پایین به کار خود ادامه دهد، رهبری باید بر اداره درست کشور تمرکز کند، همان‌طور که من با ایالات متحده انجام می‌دهم، نه اینکه برای حفظ کنترل، هزاران نفر از مردم را بکشد.»

ترامپ در ادامه تأکید کرد: «رهبری یعنی احترام، نه ترس و مرگ.» خامنه‌ای روز شنبه در سخنانی به مناسبت «مبعث» گفت: «ما رئیس‌جمهور آمریکا را به دلیل تلفات، خسارات و تهمتی که به ملت ایران زد، مجرم می‌دانیم.» او همچنین افزود: «شخص ترامپ در این فتنه دخالت و اظهار نظر کرد و فتنه‌گران را تشویق کرد و گفت حمایت نظامی می‌کنیم.» ترامپ همچنین با لحنی شخصی‌تر، انتقادهای تند خود را متوجه علی خامنه‌ای و ساختار حکمرانی در ایران کرد.

رئیس جمهوری آمریکا گفت: «او [خامنه‌ای] یک مرد بیمار است که باید کشورش را به‌درستی اداره کند و کشت مردم را متوقف کند. کشور او به دلیل رهبری ضعیف، بدترین مکان برای زندگی در سراسر جهان است.»

برگزارکنندگان اجلاس «داووس» دعوت از عراقچی را به دلیل قتل‌عام مردم ایران توسط حکومت پس گرفتند

● مجمع جهانی اقتصاد در داووس سوئیس اعلام کرد که عباس عراقچی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی در این مجمع شرکت نخواهد کرد.

● این مجمع در حساب خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «اگرچه عراقچی در پاییز گذشته دعوت شده بود، اما از دست رفتن جان‌های غیرنظامیان در ایران در هفته‌های اخیر به‌طور ترازیک به این معناست که حضور نماینده‌ای از دولت ایران در داووس در سال جاری درست نیست.» ● دفتر شاهزاده رضا پهلوی در پیامی نوشته بود: «عباس عراقچی نماینده ایران نیست؛ سخنگوی رژیم است که در دو هفته بیش از ۱۶ هزار نفر را کشته است. او جنایتکار است و داووس نباید به او تریبون بدهد. اعتراض به حضور عراقچی قاتل در مجمع جهانی اقتصاد، وظیفه هر انسان شرافتمندی است.»

با بالاگرفتن موج اعتراضات در وی قتل‌عام مردم معترض ایران توسط حکومت، برگزارکنندگان اجلاس مجمع جهانی اقتصاد «داووس» دعوت از عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی را پس گرفتند.

این مجمع رسماً اعلام کرد نوشت: «اگرچه عراقچی در پاییز گذشته دعوت شده بود، اما از دست رفتن جان‌های غیرنظامیان در ایران در هفته‌های اخیر به‌طور ترازیک به این معناست که حضور نماینده‌ای از دولت ایران در داووس در سال جاری درست نیست.»

دفتر شاهزاده رضا پهلوی در پیامی نوشته بود: «عباس عراقچی نماینده ایران نیست؛ سخنگوی رژیم است که در دو هفته بیش از ۱۶ هزار نفر را کشته است. او جنایتکار است و داووس نباید به او تریبون بدهد. اعتراض به حضور عراقچی قاتل در مجمع جهانی اقتصاد، وظیفه هر انسان شرافتمندی است.»

لیندسی گراهام سناتور جمهوریخواه در «ایکس» دعوت از عراقچی به مجمع جهانی اقتصاد را پس از قتل‌عام معترضان در ایران، به دعوت از هیتلر پس از حمله موسوم به «شب شیشه‌های شکسته» از سوی نازی‌ها به یهودیان در آلمان و اتریش در نوامبر ۱۹۳۸ تشبیه کرد.

ایرانیان مخالف حکومت هشدار داده بودند که حضور عراقچی به عنوان نماینده یک حکومت جنایتکار دهن‌کجی به ملت ایران است که با دست‌خالی برای رسیدن به آزادی و داشتن یک زندگی معمولی مقابل گلوله ایستاده‌اند.

رافائل گروسی در گفتگو با رویترز: بن‌بست اتمی ایران نمی‌تواند تا ابد ادامه یابد



رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی / عکس: رویترز

قرار نگرفته‌اند بازرسی کند، اما امکان بازرسی از هیچ‌یک از سه سایت کلیدی که در جریان جنگ ۱۲ روزه بمباران شدند -نطنز، فردو و اصفهان- فراهم نشده است.»

او توضیح داد که ایران باید در گام نخست گزارشی رسمی به آژانس ارائه دهد و در آن به‌طور شفاف توضیح دهد که چه اتفاقی برای این سایت‌ها و مواد هسته‌ای موجود در آن‌ها رخ داده است؛ از جمله حدود ۴۴۰٫۹ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده تا سطح ۶۰ درصد که فاصله‌ای اندک با غنی‌سازی تسلیحاتی حدود ۹۰ درصد دارد. به گفته آژانس، این میزان اورانیوم در صورت غنی‌سازی بیشتر، برای ساخت حدود ۱۰ مپ هسته‌ای کفایت می‌کند.

با این حال، ایران تاکنون این گزارش ویژه را در اختیار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار نداده است.

گروسی با هشدار نسبت به تداوم این وضعیت گفت: «این شرایط نمی‌تواند تا ابد ادامه داشته باشد، زیرا در مقطعی ناچار خواهیم شد اعلام کنیم که هیچ اطلاعی ندارم این مواد دقیقاً کجا قرار دارند.» او افزود که چنین وضعیتی به معنای نبود هرگونه تضمین درباره منحرف نشدن یا پنهان‌سازی این مواد خواهد بود.

مدیرکل آژانس در پایان تصریح کرد: «در حال حاضر به چنین جمع‌بندی یا نتیجه‌گیری‌ای نرسیده‌ام، اما پامی که به ایران می‌دهیم روشن است: تهران باید وارد تعامل شود.»

محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی اوایل دی‌ماه، با انتقاد از مواضع مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره ضرورت بازرسی از سایت‌های هسته‌ای بمباران شده در ایران، رافائل گروسی را «بخشی از دشمن» توصیف کرد. برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی و همچنین رسانه‌های حکومتی نیز گروسی را «عامل موساد» می‌نامند.

● مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با اشاره به وضعیت نامشخص بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم با غنی‌سازی ۶۰ درصد در ایران تأکید کرد که بن‌بست هسته‌ای میان ایران و آژانس، به‌ویژه درباره ذخایر اورانیوم و عدم دسترسی بازرسان به تأسیسات کلیدی هسته‌ای، نمی‌تواند برای همیشه ادامه یابد.

● رافائل گروسی روز ۲۰ ژانویه (۳۰ دی) در گفتگو با خبرگزاری رویترز در حاشیه مجمع جهانی اقتصاد در داووس گفت: «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی موفق شده است تمام ۱۳ تأسیسات هسته‌ای اعلام‌شده ایران را که هدف بمباران قرار نگرفته‌اند بازرسی کند، اما امکان بازرسی از هیچ‌یک از سه سایت کلیدی که در جریان جنگ ۱۲ روزه بمباران شدند -نطنز، فردو و اصفهان- فراهم نشده است.»

● گروسی با هشدار نسبت به تداوم این وضعیت گفت: «این شرایط نمی‌تواند تا ابد ادامه داشته باشد، زیرا در مقطعی ناچار خواهیم شد اعلام کنیم که هیچ اطلاعی ندارم این مواد دقیقاً کجا قرار دارند.» او افزود که چنین وضعیتی به معنای نبود هرگونه تضمین درباره منحرف نشدن یا پنهان‌سازی این مواد خواهد بود.

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با اشاره به وضعیت نامشخص بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم با غنی‌سازی ۶۰ درصد در ایران تأکید کرد که بن‌بست هسته‌ای میان ایران و آژانس، به‌ویژه درباره ذخایر اورانیوم و عدم دسترسی بازرسان به تأسیسات کلیدی هسته‌ای، نمی‌تواند برای همیشه ادامه یابد.

رافائل گروسی روز ۲۰ ژانویه (۳۰ دی) در گفتگو با خبرگزاری رویترز در حاشیه مجمع جهانی اقتصاد در داووس گفت: «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی موفق شده است تمام ۱۳ تأسیسات هسته‌ای اعلام‌شده ایران را که هدف بمباران

انتشار نتایج یک تحقیق درباره شناسایی ذرات رادیواکتیو در پایگاه عین‌الاسد بعد از حمله موشکی جمهوری اسلامی

● کاترین هریج روزنامه‌نگار تحقیقی و خبرنگار آمریکایی کانادایی تبار ۲۶ دی‌ماه ۱۴۰۴ گزارش داد به چند نظامی دست یافته که نشان می‌دهد در حمله موشکی جمهوری اسلامی به پایگاه هوایی عین‌الاسد در ژانویه ۲۰۲۰ با [در انتقام کشته شدن قاسم سلیمانی] نیروهای آمریکایی با عوامل سمی متعدد، از جمله تشعشعات رادیواکتیو، هدف قرار گرفته‌اند.

● اکنون، شش سال پس از این حمله، نظامیان آمریکایی درگیر در این رویداد با آسیب‌های مغزی تروماتیک و سرطان‌های نوظهوری دست‌وپنجه نرم می‌کنند؛ بیماری‌هایی که آن‌ها منشأ آن را پیامدهای سمی این حمله می‌دانند.

● مطابق نمونه‌گیری از خاک پایگاه عین‌الاسد پس از حمله موشکی ۶ سال قبل جمهوری اسلامی، نشانه‌هایی فراتر از حد نرمال از عناصر رادیواکتیو (سزیم ۱۳۷- و آکتینیوم ۲۲۸-) و تعدادی عناصر شیمیایی مضر دیگر تشخیص داده شده‌اند.

کاترین هریج روزنامه‌نگار تحقیقی و خبرنگار آمریکایی کانادایی تبار ۲۶ دی‌ماه ۱۴۰۴ گزارش داد به چند نظامی دست یافته که نشان می‌دهد در حمله موشکی جمهوری اسلامی به پایگاه هوایی عین‌الاسد در ژانویه ۲۰۲۰ با [در انتقام کشته شدن قاسم سلیمانی] نیروهای آمریکایی با عوامل سمی متعدد، از جمله تشعشعات رادیواکتیو، هدف قرار گرفته‌اند.

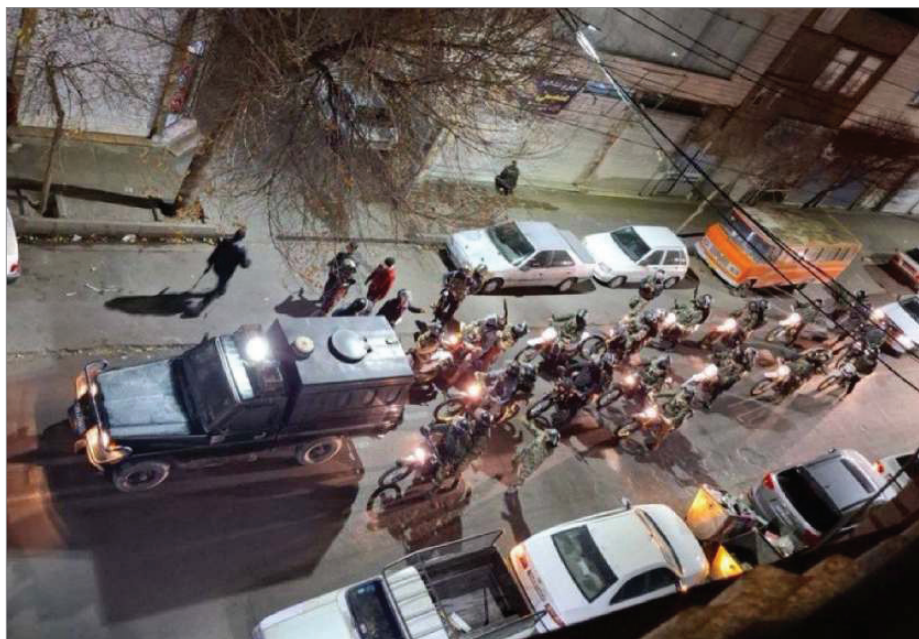
● اکنون، شش سال پس از این حمله، نظامیان آمریکایی درگیر در این رویداد با آسیب‌های مغزی تروماتیک و سرطان‌های نوظهوری دست‌وپنجه نرم می‌کنند؛ بیماری‌هایی که آن‌ها منشأ آن را پیامدهای سمی این حمله می‌دانند.

او می‌گوید با سرهنگ دوم بازنشسته «آل جانسون» و افسر حقوقی بازنشسته ارتش آمریکا (JAG) «آل برادنت» گفت‌وگو کردم؛ افرادی که معتقدند ممکن است با بحرانی جدید شبیه به «عامل نارنجی» (Agent Orange) روبه‌رو باشیم.

براساس گزارش‌های این روزنامه‌نگار بعضی از نیروها با آسیب‌های مغزی تروماتیک و چالش‌های سلامت روان مواجه شدند و برخی دچار سرطان‌های تیروئید. بعضی آنها که آسیب مغزی دیدند دست به خودکشی زدند.

مطابق نمونه‌گیری از خاک پایگاه عین‌الاسد پس از حمله موشکی ۶ سال قبل جمهوری اسلامی، نشانه‌هایی فراتر از حد نرمال از عناصر رادیواکتیو (سزیم ۱۳۷- و آکتینیوم ۲۲۸-) و تعدادی عناصر شیمیایی مضر دیگر تشخیص داده شده‌اند.

اکونومیست: حکومت ایران از درون دچار تزلزل جدی است و مقامات نظام ترسیده‌اند



برقراری حکومت نظامی در شهرهای مختلف ایران

براساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی بعد از فراخوان ۱۸ و ۱۹ دی ماه تأمین امنیت کل کشور به سپاه پاسداران واگذار گردد

● براساس رونوشت نامه‌ای که منابع غیررسمی از داخل ایران منتشر کرده‌اند بعد از فراخوان شاهزاده رضا پهلوی در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی ماه، براساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی «مسئولیت امنیت کل کشور به سپاه پاسداران» واگذار گردیده است.

● طبق نسخه‌ای از رونوشت مصوبات قرارگاه امنیتی «امام علی» فراجا به تاریخ ۱۹ دی ۱۴۰۴ با طبقه‌بندی «خیلی محرمانه» پس از واگذاری مسئولیت امنیت کشور به سپاه، فرماندهان انتظامی استان‌ها به عنوان جانشین فرمانده امنیتی استان با نیرو و تجهیزات خود در خدمت سپاه قرار گرفته‌اند.

● همچنین طبق این مصوبه، فرماندهان انتظامی استان‌ها با هماهنگی استانداران، تأمین امنیت برخی اماکن، مانند استانداری‌ها، فرمانداری‌ها، زندان‌ها، بعضی بیمارستان‌ها مراکز دپوی مواد غذایی و سوئیچ‌های برق و آب را به ارتش واگذار شده است.

● از بندهای دیگر این مصوبه اعطای امتیاز به خانواده مأموران حکومتی است که در جریان درگیری‌ها کشته شدند. براساس این مصوبه تا قبل از برگزاری مراسم چهارم آنها برای خانواده‌یشان باید مسکن خریداری شود.

● یک منبع نظامی در ایران به کیهان لندن می‌گوید: «این مصوبات برابر دستورالعمل‌های قبلی است و در سنوات گذشته در جریان اعتراضات آبان ۹۸ و خیزش ۱۴۰۱ یک نیز اجرا شد اما بسیار محدودتر بود.»

براساس رونوشت نامه‌ای که منابع غیررسمی از داخل ایران منتشر کرده‌اند بعد از فراخوان شاهزاده رضا پهلوی در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی ماه، براساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی «مسئولیت امنیت کل کشور به سپاه پاسداران» واگذار گردیده است.

طبق نسخه‌ای از رونوشت مصوبات قرارگاه امنیتی «امام علی» فراجا به تاریخ ۱۹ دی ۱۴۰۴ با طبقه‌بندی «خیلی محرمانه» پس از واگذاری مسئولیت امنیت کشور به سپاه، فرماندهان انتظامی استان‌ها به عنوان جانشین فرمانده امنیتی استان با نیرو و تجهیزات خود در خدمت سپاه قرار گرفته‌اند.

همچنین طبق این مصوبه، فرماندهان انتظامی استان‌ها با هماهنگی استانداران، تأمین امنیت برخی اماکن، مانند استانداری‌ها، فرمانداری‌ها، زندان‌ها، بعضی

تویتر از تعطیلی مغازه‌داران و از اعتراض‌ها حمایت کنند، بازداشت می‌شوند و شرکت‌هایشان مصادره می‌گردد.»

در همین گزارش به آمار جانباختگان خیزش ضدحکومتی در ایران اشاره شده و به نقل وبسایت «هرانا» آمده، بیش از ۳۹۰۰ نفر کشته و بیش از ۲۴ هزار نفر بازداشت شده‌اند. مردم در تهران، از جمله مقام‌ها، می‌گویند شمار واقعی قربانیان از ۱۰ هزار نفر فراتر می‌رود.

اکونومیست به نقل از یک منبع مطلع که با مقام‌های جمهوری اسلامی در ارتباط است، نوشت که مقام‌ها از «هیاهویی عظیم» سخن می‌گویند و معتقدند «یک خط قرمز رد شده و وضع موجود دیگر قابل دوام نیست.»

میزان ترس در میان مقام‌های ارشد جمهوری اسلامی آنقدر بالاست که هیچگونه تحرک برای تغییر از درون بدون همراهی نیروهای امنیتی ممکن نیست و حتی وفاداری همین نیروها نیز با تردید روبه‌رو شده است.

در بخش دیگری از این گزارش آمده، کاهش تعداد نمایندگان سپاه در شورای عالی امنیت ملی در مقایسه با ارتش را نشانه‌ای از افت نفوذ سیاسی این نهاد ارزیابی کرده است. اشاره اکونومیست به قدرت گرفتن عبدالرحیم موسوی و تیم او در ساختار نظام است. موسوی فرمانده ارتش بود که بعد از کشته شدن محمد باقری در جنگ ۱۲ روزه به عنوان رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی منصوب شد.

به نوشته این مجله برخی تحلیلگران معتقدند که بخشی از فرماندهان سپاه پاسداران ممکن است در نهایت حفظ بقای شخصی و سازمانی خود را بر وفاداری سیاسی ترجیح دهند. یک مقام رسمی نیز در این زمینه تأکید کرد که «سپاه به ایران وفادار است، نه به خامنه‌ای.»

● مجله «اکونومیست» در گزارشی که باامداد سه‌شنبه ۲۰ ژانویه (۳۰ دی ماه) منتشر کرد، با اشاره به «برقراری حکومت نظامی غیررسمی» در تهران و سایر شهرهای ایران نوشت پس از قتل‌عام مردم، حکومت از درون دچار «تزلزل جدی» است و مقامات به شدت ترسیده‌اند.

● اکونومیست به نقل از یک منبع مطلع که با مقام‌های جمهوری اسلامی در ارتباط است، نوشت که مقام‌ها از «هیاهویی عظیم» سخن می‌گویند و معتقدند «یک خط قرمز رد شده و وضع موجود دیگر قابل دوام نیست.»

● میزان ترس در میان مقام‌های ارشد جمهوری اسلامی آنقدر بالاست که هیچگونه تحرک برای تغییر از درون بدون همراهی نیروهای امنیتی ممکن نیست و حتی وفاداری همین نیروها نیز با تردید روبه‌رو شده است.

مجله «اکونومیست» در گزارشی که باامداد سه‌شنبه ۲۰ ژانویه (۳۰ دی ماه) منتشر کرد، با اشاره به «برقراری حکومت نظامی غیررسمی» در تهران و سایر شهرهای ایران نوشت پس از قتل‌عام مردم، حکومت از درون دچار «تزلزل جدی» است و مقامات به شدت ترسیده‌اند.

در این گزارش آمده، «به ظاهر همه چیز دوباره آرام است. رژیم بار دیگر کنترل را به دست گرفته است. سقف ترس که برای مدتی کوتاه فرو ریخته بود، دوباره برقرار شده است. مردان نقاب‌دار در تهران از غروب تا سپیده‌دم حکومت نظامی غیررسمی اعمال می‌کنند. نیروهای امنیتی پشت‌بام‌ها را برای یافتن بشقاب‌های ماهواره‌ای افشاگر استفاده از استارلینک جست‌وجو می‌کنند. بازگوانانی که جرأت کردند در

به خشونت کشیده شد و قطع اینترنت برای مهار آن ضروری بود. او نوشت: «ارتباطات به تدریج در حال بازگشت است.» عباس عراقچی می‌نویسد، اکنون «هسته‌های تروریستی» توسط نهادهای اطلاعاتی و امنیتی ما در حال جمع‌آوری و متلاشی شدن هستند و اینترنت و تمامی ارتباطات به تدریج در حال بازگشت و برقراری مجدد است. او مدعی شد در جریان «اقدامات تروریستی» پلیس و غیرنظامیان هدف قرار گرفتند و زیرساخت‌ها، بیمارستان‌ها و اماکن عمومی تخریب شد، اما اکنون زندگی عادی به کشور بازگشته است.

وزیر خارجه جمهوری اسلامی با اشاره به «مداخله دونالد ترامپ در امور داخلی ایران» نوشت: «تهدید تهران توسط ترامپ با هدف کشاندن آمریکا به جنگی دیگر به نفع اسرائیل به حداکثر خون‌ریزی منجر شد و اشاره مایک پامپئو وزیر خارجه پیشین آمریکا، درباره نفوذ موساد نمونه‌ای از این روند بود.»

رئیس دستگاه دیپلماسی افزود: «تهران همواره صلح را بر جنگ ترجیح داده و برای توافقی عادلانه آماده بوده و اقدامات خصمانه آمریکا از تحریم تا حمله نظامی شکست خورده است.»

واکنش شورای سردبیری «والاستریت» ژورنال» به یادداشت عراقچی؛ «ماهیت سرکوبگر رژیم آشکار شد»



عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران

عراقچی با تأکید بر اینکه هرگونه حمله جدید علیه ایران با پاسخ قاطع روبه‌رو می‌شود، نوشت: «رویکرد آمریکا باید تغییر کند و با ایران بر اساس احترام متقابل رفتار کند.»

در واکنش به این یادداشت، شورای سردبیری «والاستریت ژورنال» در توضیحی درباره دلیل انتشار آن نوشت: «انتشار یادداشت وزیر خارجه جمهوری اسلامی ممکن است برای برخی خوانندگان محل تردید باشد، اما همین اظهارات به‌خوبی ماهیت واقعی و نیت‌های رژیم تهران را آشکار می‌کند. پیام او تصویری عریان از واقعیت خشن جمهوری اسلامی ارائه می‌دهد.»

شورای سردبیری این روزنامه همچنین تأکید کرد، «در این یادداشت تقریباً به‌طور علنی تهدید به جنگ می‌کند و می‌کوشد تهدیدی مستقیم را متوجه آمریکا کند. در کنار این تهدیدها، درخواست همیشگی رژیم برای مذاکره نیز تکرار می‌شود؛ تاکتیکی آشنا برای خرید زمان و بازسازی برنامه‌های هسته‌ای و موشکی.»

به نوشته این روزنامه، «پیام جمهوری اسلامی به ترامپ شفاف است: بگذارید مردم‌مان را با مشت آهنین سرکوب کنیم و برنامه سلاح هسته‌ای را از سر بگیریم؛ وگرنه تهدید و جنگ.»

● وزیر خارجه جمهوری اسلامی سه‌شنبه ۲۰ ژانویه ۲۰۲۶ (۳۰ دی) طی یادداشت (آگهی) که در روزنامه «والاستریت ژورنال» منتشر شد، ادعا کرد که «اعتراضات مسالمت آمیز مردم ایران که از سوی دولت، مشروع و رسمیت شناخته شده بود، پس از چند روز با ورود عناصر تروریستی داخلی و خارجی به خشونت کشیده شد و قطع اینترنت برای مهار آن ضروری بود.»

● در واکنش به این یادداشت، شورای سردبیری «والاستریت ژورنال» در توضیحی درباره دلیل انتشار آن نوشت: «انتشار یادداشت وزیر خارجه جمهوری اسلامی ممکن است برای برخی خوانندگان محل تردید باشد، اما همین اظهارات به‌خوبی ماهیت واقعی و نیت‌های رژیم تهران را آشکار می‌کند. پیام او تصویری عریان از واقعیت خشن جمهوری اسلامی ارائه می‌دهد.»

وزیر خارجه جمهوری اسلامی سه‌شنبه ۲۰ ژانویه ۲۰۲۶ (۳۰ دی) طی یادداشت (آگهی) که در روزنامه «والاستریت ژورنال» منتشر شد، ادعا کرد که «اعتراضات مسالمت آمیز مردم ایران که از سوی دولت، مشروع و رسمیت شناخته شده بود، پس از چند روز با ورود عناصر تروریستی داخلی و خارجی

بیمارستان‌ها مراکز دپوی مواد غذایی و سوئیچ‌های برق و آب را به ارتش واگذار شده است. یکی از مصوبات قرارگاه امنیتی «امام علی» مربوط به برخورد با سلب‌ریتی‌های منتقد و همچنین تذکر به غایبندگان مجلس شورای اسلامی برای پرهیز از اظهاراتی است که سبب تحریم شهروندان در حوزه انتخاباتی آنها شود.

در این مصوبه تأکید شده «دستگیری هدفمند بسیار مهم است. به شدت این موضوع دنبال شود. پرونده‌ها محکمه پسند بسته شود. اگر لازم است از تیم‌های بازجو حرفه‌ای



استقرار ادوات نیمه زرهی در شهرها توسط گردان‌های امنیتی سپاه پاسداران / دی‌ماه ۱۴۰۴

استفاده شود.»

از بندهای دیگر این مصوبه اعطای امتیاز به خانواده مأموران حکومتی است که در جریان درگیری‌ها کشته شدند. براساس این مصوبه تا قبل از برگزاری مراسم چهلم آنها برای خانواده‌پشان باید مسکن خریداری شود.

با فرمان علی خامنه‌ای از ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۴ قتل عام مردم در شهرهای مختلف آغاز شد و سپاه پاسداران و گردان‌های امنیتی آن با همراهی نیروهای نیابتی اقدام به کشتار معترضان کردند.

براساس آمار اولیه بین ۱۲ تا ۲۰ هزار نفر در اعتراضات کشته شدند. بسیاری از خانواده‌ها هنوز از حال عزیزان خود خبر ندارد و برخی مجبور شدند با فشار حکومت سکوت کنند.

یک منبع نظامی در ایران به کیهان لندن می‌گوید: «این مصوبات برابر دستورالعمل‌های قبلی است و در سنوات گذشته در جریان اعتراضات آبان ۹۸ و خیزش ۱۴۰۱ یک نیز اجرا شد اما بسیار محدودتر بود.»

همین منبع درباره گزارش‌های تأیید نشده درباره دخالت احتمالی ارتش در سرکوب‌ها گفت: «ارتش دخالتی در سرکوب نداشته زیرا اساساً نه مأموریت آن و نه ساختار به ارتش اجازه دخالت می‌دهد ضمن اینکه نظام اعتمادی به ارتش ندارد، حتا در شرایط اضطراری مثل همین اعتراضات جاری حتا نیروی انتظامی هم کنار زده شد و کنترل اوضاع بدست سپاه سپرده شد زیرا موارد تهر در بین پرسنل انتظامی بسیار فراتر از آنچه‌یودکه تصور می‌شد.»

براساس گفته‌های همین منبع، حتا مأموریت تأمین امنیت استانداری‌ها نیز به ارتش سپرده نشده است، فقط در مواردی برای «اعلام اجرای دستور قرارگاه» ارتش یکی دو افسر یا درجه‌دار را به استانداری برخی شهرها اعزام کرده است که اعلام کند ابلاغیه اجرا شده است.

هک شبکه‌های صدا و سیما تأیید شد؛ منابع حکومتی: «پخش برنامه‌ها روی اینتل‌ست دچار اختلال شد»



درخواست صدور چهار سال زندان برای مهدیه اسفندیاری در فرانسه به اتهام «حمایت از تروریسم»



● یک دادستان فرانسوی درخواست صدور حکم چهار سال زندان علیه مهدیه اسفندیاری به اتهام «تبلیغ تروریسم» ارائه کرده است.

● به گزارش خبرگزاری فرانسه بر اساس درخواست دادستان، سه سال از حکم چهار سال زندان تعلیقی خواهد بود و دادستان نیز گفته ضرورتی ندارد مهدیه اسفندیاری دوباره به زندان بازگردانده شود.

● مهدیه اسفندیاری شهروند ایرانی ۳۹ ساله ساکن شهر لیون ۱۰ اسفند ۱۴۰۳ به اتهام «تجید از تروریسم» از طریق انتشار پیام‌هایی از جمله در حمایت از حمله تروریستی «هفت اکتبر» حماس بازداشت و به زندان منتقل شد.

● عباس عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی همراه امسال از احتمال تبادل دو آموزگار فرانسوی زندانی در ایران با مهدیه اسفندیاری خبر داده بود.

● سسیل کوهر و ژاک پاریس، آموزگاران فرانسوی، در پی پرونده‌سازی سازمان اطلاعات سپاه (ساس) در اردیبهشت ۱۴۰۱ هنگام خروج از ایران پس از یک سفر توریستی ۱۰ روزه در فرودگاه «امام» بازداشت و به زندان اوین منتقل شدند.

یک دادستان در فرانسه برای مهدیه اسفندیاری شهروند ایرانی متهم به «تبلیغ تروریسم» درخواست چهار سال حبس داده است. دادگاه صدور رأی پرونده مهدیه اسفندیاری ماه آینده و در ۲۶ فوریه برگزار خواهد شد.

«اینترنت» بزرگ‌ترین ارائه دهنده خدمات مخابراتی ماهواره‌ای تجاری در جهان است و بسیاری از شبکه‌های ملی و استانی صداوسیما جمهوری اسلامی از جمله شبکه‌های جام‌جم، آموزش، قرآن، افق، سلامت، خراسان رضوی، خراسان جنوبی، گلستان، مازندران، ایلام و کرمان نیز از این ماهواره‌ها پخش می‌شوند.

به اعتقاد برخی کارشناسان این حمله سایبری (یا هک)، اقدامی برنامه‌ریزی شده و هدف‌دار با تمرکز بر نیروهای مسلح بود. این حمله در ساعاتی اتفاق افتاد که اینترنت قطع بود و در ساعاتی پیام‌ها پخش شد که صداوسیما مخاطب بیشتری دارد.

هک پخش شبکه‌های صدا و سیما شب یکشنبه شب حوالی ساعت ۱۹:۲۰ بوقت تهران اتفاق افتاد. یکی از شهروندان ساکن غرب تهران به کیهان لندن می‌گوید: «به یکباره تصویر شاهزاده رضا پهلوی روی تلویزیون آمد و پیام او خطاب به نظامی‌ها پخش شد... من منتظر خبرهای ورزشی بودم از شبکه سه، تعجب کردم اما سریع متوجه شدم که باید هک یا حمله سایبری در کار باشد، شبکه یک و دو هم زدم و دیدم پیام‌های دیگر با تصویر نیروهای مسلح مخالف در حال پخش است.»

هرچند منابع حکومتی می‌گویند این اختلال سریع برطرف شد اما براساس شنبه‌ها دست‌کم ۱۰ دقیقه این پیام‌ها پخش شده بود. هنوز منشأ این اقدام سایبری مشخص نیست. برخی می‌گویند احتمالاً با همکاری نفوذی‌ها در داخل ایران انجام شده است.

● سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی تأیید کرد که یکشنبه شب ۲۸ دی‌ماه ۱۴۰۴ پخش برنامه‌ها هک شد. در بیانیه این سازمان آمده است «پخش برنامه‌ها روی ماهواره اینترنت‌ست در برخی مناطق کشور، برای لحظاتی توسط یک منبع ناشناس دچار اختلال» شد.

● در اطلاعیه صدا و سیما ادعا شد که این اشکال «فوری» رفع شده است، اما ویدیوهای متعددی از این لحظات در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که نشان می‌دهد دقیقاً طولانی از تمام شبکه‌های داخلی پیام‌های شاهزاده رضا پهلوی و ویدیوهای مربوط به ریزش نیروهای مسلح و اعتراضات پخش می‌شود.

سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی تأیید کرد که یکشنبه شب ۲۸ دی‌ماه ۱۴۰۴ پخش برنامه‌ها هک شد. در بیانیه این سازمان آمده است «پخش برنامه‌ها روی ماهواره اینترنت‌ست در برخی مناطق کشور، برای لحظاتی توسط یک منبع ناشناس دچار اختلال» شد.

در اطلاعیه صدا و سیما ادعا شد که این اشکال «فوری» رفع شده است، اما ویدیوهای متعددی از این لحظات در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که نشان می‌دهد دقیقاً طولانی از تمام شبکه‌های داخلی پیام‌های شاهزاده رضا پهلوی و ویدیوهای مربوط به ریزش نیروهای مسلح و اعتراضات پخش می‌شود.

در یکی از این تصاویر هشدارهای شاهزاده رضا پهلوی به نظامی‌ها منتشر شد که او از آنان خواسته کنار مردم بایستند.

نیویورک تایمز: اسرائیل و کشورهای عرب از ترامپ خواستند حمله به ایران را به تعویق بیندازد



بنیامین نتانیاهو و دونالد ترامپ

● همزمان با گسترش اعتراضات ضدحکومتی در ایران، روزنامه «نیویورک تایمز» پنجشنبه ۲۵ دی ۱۴۰۴، به نقل از یک مقام آمریکایی، مدعی شد بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل از دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا خواسته است حمله نظامی آمریکا به ایران را به تعویق بیندازد.

همزمان با گسترش اعتراضات ضدحکومتی در ایران، روزنامه «نیویورک تایمز» پنجشنبه ۲۵ دی ۱۴۰۴، به نقل از یک مقام آمریکایی، مدعی شد بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل از دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا خواسته است حمله نظامی آمریکا به ایران را به تعویق بیندازد. براساس این گزارش نتانیاهو روز چهارشنبه با ترامپ گفتگو کرد؛ همان روزی که رئیس‌جمهور آمریکا مدعی شد «از طریق منابع بسیار مهم در ایران» اطلاع یافته که جمهوری اسلامی کشتار معترضان و اجرای احکام اعدام را متوقف کرده است.

همچنین گفته شد یک مقام از کشورهای حوزه خلیج فارس نیز گفت: «قطر، عربستان سعودی، عمان و مصر در روزهای اخیر به دلیل نگرانی از اینکه حمله احتمالی به ایران می‌تواند به درگیری گسترده منطقه‌ای منجر شود، درخواست‌های مشابهی را از واشنگتن مطرح کرده‌اند.» این مقام افزود این کشورهای عربی با تهران نیز تماس گرفته و به ایران هشدار داده‌اند در صورت حمله، به دیگر کشورهای منطقه حمله نکند.

مقام‌های ارشد این کشورها در تماس با آمریکایی‌ها هشدار داده‌اند که حمله می‌تواند منجر به یک درگیری منطقه‌ای گسترده‌تر شود.

عادل الجبیر از وزرای ارشد دولت سعودی، در یک همایش در ریاض گفت: «ما به گفت‌وگو باور داریم و اعتقاد داریم هر اختلافی باید پشت میز مذاکره حل شود.» مقام‌های آمریکایی گفتند نتانیاهو روز سه‌شنبه همچنین با جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور، گفتگو کرده؛ همان روزی که دستیاران ارشد ترامپ در کاخ سفید برای بررسی گزینه‌های نظامی جلسه داشتند.

کارولین لویت سخنگوی کاخ سفید روز پنجشنبه پس از انتشار اولیه این گزارش گفت که ترامپ با نتانیاهو صحبت کرده، اما از ارائه جزئیات خودداری کرد. دفتر نخست‌وزیر اسرائیل نیز پاسخی نداد.

لویت همچنین گفت مقام‌های آمریکایی گزارش‌هایی مبنی بر تعلیق اجرای احکام اعدام توسط ایران دریافت کرده‌اند. او تکرار کرد: «رئیس‌جمهور و تیمش به رژیم ایران اطلاع داده‌اند که اگر کشتار ادامه یابد، پیامدهای سنگینی در پی خواهد داشت.»

به گفته دو مقام اسرائیلی، ارزیابی نهادهای دفاعی اسرائیل نشان می‌دهد سرعت کشتار معترضان کاهش یافته است؛ عمدتاً به دلیل سرکوب شدید و قطع اینترنت که اندازه اعتراضات را از روز یکشنبه کوچک‌تر کرده است. این اعتراضات که از اواخر دسامبر آغاز شده، ممکن است بزرگ‌ترین موج اعتراضات ایران طی دهه‌های اخیر باشد. ایران چهارشنبه شب حریم هوایی خود را به‌طور موقت به روی پروازهای تجاری بست اما دوباره آن را باز کرد.

خبرگزاری فرانسه، گزارش داده که یک دادستان فرانسوی درخواست صدور حکم چهار سال زندان علیه مهدیه اسفندیاری به اتهام «تبلیغ تروریسم» ارائه کرده است. بر اساس این گزارش سه سال از حکم چهار سال زندان تعلیقی خواهد بود و دادستان نیز گفته ضرورتی ندارد او دوباره به زندان بازگردانده شود.

مهدیه اسفندیاری شهروند ایرانی ۳۹ ساله ساکن شهر لیون ۱۰ اسفند ۱۴۰۳ به اتهام «تجسید از تروریسم» بازداشت و به زندان منتقل شد.

نشریه «لوپوئن» گزارش داده بود که این تبعه ایرانی متهم شده که در کانالی در تلگرام، پیام‌هایی در حمایت از حمله تروریستی «هفت اکتبر» حماس منتشر کرده است.

این گزارش افزوده بود که دادستانی پاریس اعلام کرد این محتواها «تحریک به تروریسم» و «توهین به جامعه یهودی» تلقی شده‌اند.

عباس عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی مهرماه امسال از احتمال تبادل دو آموزگار فرانسوی زندانی در ایران با مهدیه اسفندیاری خبر داده بود.

عباس عراقچی گفته بود که «تبادل مهدیه اسفندیاری با زندانیان فرانسوی داخل ایران به مراحل نهایی نزدیک شده و امیدواریم در روزهای آینده انجام شود.»

یک ماه پس از این سخنان وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی و در آبان امسال امانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه با انتشار متنی در شبکه «ایکس» از آزادی سسیل کوهر و ژاک پاریس، دو آموزگار تبعه فرانسه که از بهار ۱۴۰۱ در ایران بازداشت و زندانی شده‌اند خبر داد.

امانوئل مکرون نوشته این زوج فرانسوی ساعتی پیش از زندان اوین آزاد شده و در راه سفارت فرانسه در تهران هستند. او اقدام جمهوری اسلامی برای آزادی این دو آموزگار را «نخستین گام» توصیف کرده و نوشته که مذاکرات ادامه دارد تا مسیر بازگشت این دو به فرانسه هر چه زودتر هموار شود.

رئیس‌جمهور فرانسه همچنین از تلاش سفارت فرانسه در تهران و دیگر نهادهای دولتی که در این مسیر بسیج شدند سپاسگزار شده است.

سسیل کوهر و ژاک پاریس در پی پرونده‌سازی سازمان اطلاعات سپاه (ساس) در اردیبهشت ۱۴۰۱ هنگام خروج از ایران پس از یک سفر توریستی ۱۰ روزه در فرودگاه «امام» بازداشت و به زندان اوین منتقل شدند.

سسیل کوهر در زمان بازداشت ۴۰ ساله بود. او آموزگار و عضو فدراسیون آموزش و فرهنگ سندیکای نیروی کار فرانسه است که به همراه شریک زندگی خود ژاک پاریس معلم بازنشسته ریاضیات که در زمان بازداشت ۷۲ ساله بود با اتهامات سنگین امنیتی روبرو شدند.

جمهوری اسلامی در حالی این دو تبعه فرانسه را بیش از سه سال بلاتکلیف در زندان محبوس کرده بود که پس از جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل آنها را با اتهامات جدیدی از جمله «جاسوسی» و «همکاری با اسرائیل» روبرو کرد.

خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه جمهوری اسلامی هفته سوم مهرماه امسال بدون اینکه نام سسیل کوهر و ژاک پاریس را مطرح کند اعلام کرد هر یک از این دو شهروند فرانسوی را به بیش از ۳۰ سال زندان محکوم کرده است. چند روز پس از آنکه امانوئل مکرون خبر آزادی سسیل کوهر و ژاک پاریس را منتشر کرد، خبر آزادی مشروط و تحت نظر مهدیه اسفندیاری نیز منتشر شد.

با گذشت حدود چهارماه از ادعای عراقچی درباره تبادل زندانیان دو کشور، اما همچنان تبادلی صورت نگرفته و مهدیه اسفندیاری در معرض صدور حکم زندان قرار دارد.

در حالیکه ترامپ نشانه‌هایی از تعویق اقدام نظامی نشان داده، پنتاگون از این فرصت استفاده کرده تا تسلیحات و تجهیزات دفاعی بیشتری به منطقه منتقل کند. به گفته دو مقام آمریکایی، ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن و ناوهای همراه آن در مسیر حرکت از دریای چین جنوبی به خاورمیانه هستند؛ مسافتی حدود یک هفته.

همچنین مجموعه‌ای از جنگنده‌ها، هواپیماهای تهاجمی و سوخت‌رسان - عمدتاً از اروپا - در حال اعزام به منطقه است. برخی از این هواپیماها قرار بود جایگزین واحدهای مستقر در خاورمیانه شوند، اما ممکن است مأموریت‌شان تمدید شود.

اگر آمریکا به ایران حمله کند، انتظار می‌رود تهران واکنش نشان دهد. بنابراین پنتاگون در حال ارسال تجهیزات دفاع هوایی بیشتر، از جمله موشک‌های رهگیر، برای حفاظت از پایگاه‌ها به‌ویژه «العدید» در قطر است.

دو مقام آمریکایی گفتند افزایش تجهیزات با هدف بازداشت ایران از تشدید خشونت علیه معترضان و همچنین فراهم کردن گزینه‌های بیشتر برای ترامپ انجام می‌شود. پیش‌تر نیز مقام‌های آمریکایی احتمال داده بودند که ایران در واکنش به حمله آمریکا، پایگاه‌های آمریکا در منطقه -به‌ویژه العدید قطر یا نیروهای مستقر در عراق و سوریه- را هدف قرار دهد. اسرائیل نیز ممکن است هدف ایران قرار گیرد.

ایران در جنگ ۱۲ روزه گذشته، که آمریکا نیز با حمله به سه سایت هسته‌ای ایران در آن مشارکت کرده بود، تعداد زیادی موشک بالستیک به سوی اسرائیل شلیک کرد. برخی موشک‌ها از پدافند اسرائیل عبور کرد و باعث تلفات نظامی و غیرنظامی شد.

در روزهای اخیر و هم‌زمان با بررسی گزینه‌های نظامی توسط ترامپ، پنتاگون انتقال بخشی از نیروها و تجهیزات از العدید را آغاز کرده بود اما یک مقام پنتاگون روز پنجشنبه گفت سطح آماده‌باش کاهش یافته و نیروها در حال بازگشت هستند.

اینترنت در ایران سراسری قطع شده و اطلاع‌رسانی درباره وقایع دشوار است. بنا بر گزارش مقام‌های ایرانی و سازمان‌های حقوق بشری خارج کشور، نیروهای امنیتی برای پایان دادن به اعتراضات گسترده، صدها یا هزاران نفر را کشته‌اند. دو مقام ایرانی روز دوشنبه به نیویورک تایمز گفتند دست‌کم سه هزار نفر کشته شده‌اند اما برخی دیگر از منابع آمار تلفات را بین ۱۲ تا ۲۰ هزار نفر اعلام کردند.

علی خامنه‌ای بعد از قتل عام گسترده معترضان: ترامپ را مجرم می‌دانیم



علی خامنه‌ای

● رهبر جمهوری اسلامی روز ۲۷ دی‌ماه ۱۴۰۴ طی سخنانی به مناسبت «روز میثت» گفت: «ما رئیس‌جمهور آمریکا را به دلیل تلفات، خسارات و تهمتی که به ملت ایران زد، مجرم می‌دانیم».

● علی خامنه‌ای افزود: «شخص ترامپ در این فتنه دخالت و اظهار نظر کرد و فتنه‌گران را تشویق کرد و گفت حمایت نظامی می‌کنیم».

رهبر جمهوری اسلامی روز ۲۷ دی‌ماه ۱۴۰۴ طی سخنانی به مناسبت «روز میثت» گفت: «ما رئیس‌جمهور آمریکا را به دلیل تلفات، خسارات و تهمتی که به ملت ایران زد، مجرم می‌دانیم».

علی خامنه‌ای افزود: «شخص ترامپ در این فتنه دخالت و اظهار نظر کرد و فتنه‌گران را تشویق کرد و گفت حمایت نظامی می‌کنیم».

خامنه‌ای اضافه کرد: «آمریکایی‌ها برای این اتفاقات برنامه‌ریزی کرده بودند، هدف آنها سلطه بر ایران است».

او ادامه داد: «رئیس‌جمهور آمریکا تخریب‌کنندگان و فتنه‌گران را ملت ایران معرفی کرد».

رهبر جمهوری اسلامی که قتل عام مردم با دستور او انجام شد، گفت: «ما بنا نداریم کشور را به سمت جنگ ببریم اما مجرمان داخلی را هم رها نمی‌کنیم، مجرمان بین‌المللی را هم رها نخواهیم کرد».

رهبر جمهوری اسلامی افزود: «ما فتنه را خاموش کردیم اما این کافی نیست، آمریکا باید پاسخگو باشد».

او ادامه داد: «ملت ایران همانطور که کمر فتنه را شکست، کمر فتنه‌گر را هم باید بشکند».

در جریان خیزش ملی، دست‌کم ۱۲ تا ۲۰ هزار نفر کشته شدند اما آمار دقیق از تلفات و بازداشتی‌ها هنوز مشخص نیست.

یک مقام سعودی: عربستان، قطر و عمان ترامپ را متقاعد کردند تا به جمهوری اسلامی حمله نکند



محمد بن سلمان و شیخ همید بن حمد آل ثانی

سعودی و کویت نیز هشدار داده شدند که احتیاط کنند. ایالات متحده بارها هشدار داده که ممکن است در مقابله با سرکوب مرگبار مردم توسط حکومت ایران علیه معترضان مداخله کند، در حالیکه تهران گفته است در پاسخ عملاتی به اهداف نظامی و کشتی‌های آمریکا انجام خواهد داد.

اما پس از چندین تهدید، ترامپ مسیر خود را تغییر داد و گفت که «از منابع بسیار مهم در طرف مقابل» اطمینان گرفته است که ایران معترضان را اعدام نخواهد کرد.

این مقام سعودی گفت، تلاش‌های کشورهای خلیج فارس با هدف «اجتناب از یک وضعیت غیرقابل کنترل در منطقه» انجام شد. او افزود: «به واشنگتن گفتیم که حمله به ایران راه را برای مجموعه‌ای از پیامدهای جدی در منطقه باز خواهد کرد، بی‌خوابی کشیدیم تا آتش جنگ در منطقه شعله‌ور نشود».

یک مقام دیگر در منطقه گفت: «پیامی که به ایران منتقل شده این است که حمله به تأسیسات آمریکا در خلیج فارس پیامدهایی بر روابط با کشورهای منطقه خواهد داشت».

در واکنش به این گزارش‌ها سناتور جمهوریخواه لیندسی گراهام هشدار داد واسطه‌شدن کشورهای عربی برای جلوگیری از حمله آمریکا، نگران‌کننده است.

او گفت، «سوال درباره اصل حمله نیست، سوال این است که حمله باید بزرگ باشد یا کوچک و من موافق حمله بزرگ هستم. او افزود گزارش‌ها درباره واسطه‌شدن کشورهای عربی برای جلوگیری از حمله آمریکا در شرایطی که کشتار بی‌سابقه در ایران در جریان است، به شدت نگران‌کننده است».

براساس گزارش منابع منطقه‌ای چهارشنبه شب، ۲۴ دی‌ماه ۱۴۰۴ آمریکا در تدارک حمله به ایران بود، حتی آسمان ایران کلیر شد، اما به نظر می‌رسد که در آخرین دقایق ترامپ تصمیم خود را تغییر داد.

● منابع عربی به نقل از یک مقام سعودی پنجشنبه ۲۵ دی ۱۴۰۴ گزارش دادند عربستان سعودی، قطر و عمان تلاش کردند دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا را از حمله به ایران منصرف کنند، چرا که نگران «پیامدهای جدی در منطقه» بودند.

● این مقام که خواست نامش فاش نشود، افزود: «این سه کشور خلیج فارس یک تلاش دیپلماتیک طولانی و اضطراری در آخرین لحظه برای متقاعد کردن ترامپ انجام دادند تا به ایران فرصت نشان دادن حسن نیت داده شود و گفت که گفتگوها همچنان ادامه دارد».

● در واکنش به این گزارش‌ها سناتور جمهوریخواه لیندسی گراهام هشدار داد واسطه‌شدن کشورهای عربی برای جلوگیری از حمله آمریکا، نگران‌کننده است.

● او گفت، «سوال درباره اصل حمله نیست، سوال این است که حمله باید بزرگ باشد یا کوچک و من موافق حمله بزرگ هستم. او افزود گزارش‌ها درباره واسطه‌شدن کشورهای عربی برای جلوگیری از حمله آمریکا در شرایطی که کشتار بی‌سابقه در ایران در جریان است، به شدت نگران‌کننده است».

منابع عربی به نقل از یک مقام سعودی پنجشنبه ۲۵ دی ۱۴۰۴ گزارش دادند عربستان سعودی، قطر و عمان تلاش کردند دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا را از حمله به ایران منصرف کنند، چرا که نگران «پیامدهای جدی در منطقه» بودند. این مقام که خواست نامش فاش نشود، افزود: «این سه کشور خلیج فارس یک تلاش دیپلماتیک طولانی و اضطراری در آخرین لحظه برای متقاعد کردن ترامپ انجام دادند تا به ایران فرصت نشان دادن حسن نیت داده شود و گفت که گفتگوها همچنان ادامه دارد».

آمریکا روز چهارشنبه بخشی از نیروهای خود را از پایگاه العدید در قطر تخلیه کرد و به نیروهای خود در عربستان

ایران گرایی یا قوم گرایی؛ یارسان کجا ایستاده است؟



کیهان

گذشته که بی‌محبا به میدان آمده‌اند. در تحلیل این شکاف، می‌توان از دو بینش متعارض سخن گفت: بینش ایران‌گرایانه که بر همبستگی ملی، برابری حقوق شهروندی و مشارکت در جنبش فراگیر سراسری تأکید دارد؛ جنبشی که امروز، با محوریت و رهبری شاهزاده رضا پهلوی، افق روشن برای گذار از جمهوری اسلامی ترسیم کرده است. بینش قوم‌گرایانه که سیاست را عمدتاً در چارچوب هویت قومی تعریف می‌کند و اولویت را به مطالبات محلی یا گروهی می‌دهد؛ رویکردی که در بزنگاه‌های تاریخی، اغلب به انفعال یا پراکندگی منجر می‌شود.

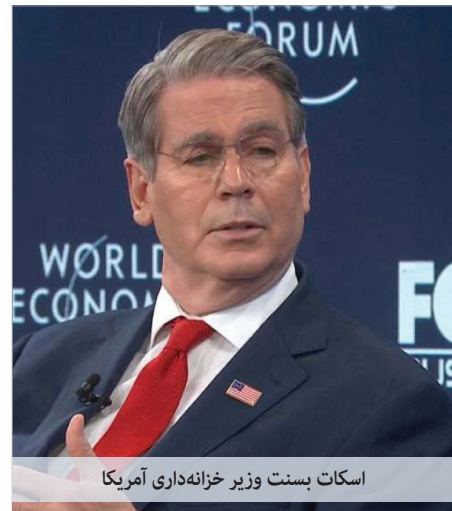
برای اقلیت‌های چندلایه‌ای چون یارسان، این انتخاب صرفاً نظری نیست؛ انتخابی است میان امنیت جمعی یا انزوای مضاعف. تجربه میدانی نشان می‌دهد که جامعه یارسان، آگاهانه مسیر ایران‌گرایی فعال را برگزیده و با حضور در متن جنبش ملی، نه تنها از هویت خود عقب ننشسته، بلکه آن را در چارچوب ایران آزاد و برابر بازتعریف کرده است. امروز، بیش از هر زمان دیگر، این پرسش پیش روی همه‌ی نیروهای اجتماعی مناطق کردنشین قرار دارد:

در لحظه‌ی سرنوشت‌ساز تاریخ ایران، در حاشیه خواهیم ایستاد یا در متن؟ یارسان همراه با دیگر کردهای جنوب مناطق کردنشین پاسخ خود را داده است؛ اکنون نوبت دیگران است.

حال ترک کشتی هستند.» او افزود که انتقال «میلیون‌ها و ده‌ها میلیون دلار» از ایران به خارج از کشور توسط رهبران جمهوری اسلامی در جریان است.

به گفته وزیر خزانه‌داری آمریکا، این پول‌ها از طریق شبکه بانکی یا دارایی‌های دیجیتال منتقل می‌شوند و تأکید کرد: «ما این پول‌ها را ردیابی می‌کنیم و رهبران جمهوری اسلامی قادر نخواهند بود این دارایی‌ها را برای خود نگه دارند.»

هشدار وزیر خزانه‌داری آمریکا: اگر ایرانی بودم، پولم را از کشور خارج می‌کردم



اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا

● وزیر خزانه‌داری آمریکا سه‌شنبه ۲۹ ژانویه (اول بهمن بوقت ایران) در سخنرانی خود در مجمع جهانی اقتصاد در داووس سوئیس گفت سیاست «فشار حداکثری» علیه جمهوری اسلامی، از جمله تحریم‌ها و اعمال تعرفه علیه خریداران نفت ایران، موثر بوده و پیامدهای اقتصادی آن به‌طور مستقیم بر تحولات داخلی ایران تأثیر گذاشته است. اسکات بسنت گفت که که پیش‌تر در ماه مارس هشدار داده بود ریال ایران «در یک قدمی سقوط» قرار دارد و گفت: «اگر ایرانی بودم، پولم را از کشور خارج می‌کردم.»

● وزیر خزانه‌داری آمریکا تأکید کرد که به خاطر فشار حداکثری ایالات متحده، اقتصاد جمهوری اسلامی فروپاشید.

وزیر خزانه‌داری آمریکا سه‌شنبه ۲۹ ژانویه (اول بهمن بوقت ایران) در سخنرانی خود در مجمع جهانی اقتصاد در داووس سوئیس گفت سیاست «فشار حداکثری» علیه جمهوری اسلامی، از جمله تحریم‌ها و اعمال تعرفه علیه خریداران نفت ایران، موثر بوده و پیامدهای اقتصادی آن به‌طور مستقیم بر تحولات داخلی ایران تأثیر گذاشته است. اسکات بسنت گفت که که پیش‌تر در ماه مارس هشدار داده بود ریال ایران «در یک قدمی سقوط» قرار دارد و گفت: «اگر ایرانی بودم، پولم را از کشور خارج می‌کردم.» وزیر خزانه‌داری آمریکا تأکید کرد که به خاطر فشار حداکثری ایالات متحده، اقتصاد جمهوری اسلامی فروپاشید.

او همچنین افزود: «ما شاهد ورشکستگی یک بانک بزرگ آنها بودیم [بانک آینده]. بانک مرکزی شروع به چاپ پول کرد. کمبود شدید دلار به وجود آمده است. آنها دیگر قادر به تأمین واردات نیستند و به همین دلیل است که مردم به خیابان‌ها آمدند.»

این دومین اظهارنظر وزیر خزانه‌داری آمریکا درباره ایران

فرخ خجسته - تحولات اجتماعی و سیاسی سال‌های اخیر ایران، بار دیگر این واقعیت را آشکار کرده است که کنش سیاسی در جغرافیای ایران یکدست نیست. تفاوت در میزان مشارکت، جسارت و هزینه‌دادن، به‌روشنی از شکاف‌های عمیق‌تر هویتی و راهبردی خبر می‌دهد.

در این میان، نقش فعال و پیش‌برنده‌ی کردهای جنوب مناطق کردنشین—در کرمانشاه، ایلام، لرستان و همدان—از جمله جامعه‌ی یارسان، انکارناپذیر است. حضوری میدانی، پررنگ و پیوسته در تظاهرات سراسری؛ حضوری که نه از سر هیجان زودگذر، بلکه برآمده از درکی ملی از سرنوشت ایران و مطالبه‌ی حقوق شهروندی مشترک بوده است. این کنش آگاهانه، جامعه یارسان را همراه و همدوش دیگر خواهران و برادران خود در صفوف نخست اعتراضات سراسری و در متن جنبش ملی ایران قرار داده است.

در مقابل، سکوت، مشارکت محدود یا تعلیق کنش جمعی در بخش‌هایی از استان‌های کردستان و آذربایجان پرسش‌برانگیز است. این فاصله‌گیری، خواه آگاهانه یا ناخواسته، عملاً به تضعیف نیروی جمعی اعتراضات سراسری انجامیده و این شائبه را تقویت کرده است که هنوز برای برخی، چارچوب‌های قوم‌گرایانه بر مسئولیت ملی و تاریخی غلبه دارد. این عدم همراهی، نه تنها فرصت‌های همبستگی را از بین برده، بلکه بار هزینه را ناعادلانه بر دوش مناطقی

در هفته‌های اخیر است.

پیش‌تر، اسکات بسنت گفته بود وزارت خزانه‌داری آمریکا در حال رصد انتقال پول و سرمایه توسط مقامات جمهوری اسلامی به خارج از ایران هم‌زمان با گسترش اعتراضات و افزایش احتمال فروپاشی حکومت است.

او گفته بود، «ما در وزارت خزانه‌داری که مسئول اجرای تحریم‌ها هستیم، به‌وضوح می‌بینیم که اکنون موش‌ها در

پیش‌نیازهای جامعه‌شناختی برای ایرانِ فردا؛ چرا رژیم دست از کشتار مردم برمی‌دارد؟



عرفان نوربخش - تاریخ سیاسی به ما هشدار می‌دهد که آنان که صرفاً در بستر «زبان سرکوب» شکل گرفته‌اند، غالباً در تکلم به «زبان حکمرانی» دچار لکنت می‌شوند. در ایران امروز، ما شاهد تأیید فاجعه‌بار هشدار «پائولو فریره» هستیم: انقلابیون سال ۱۳۵۷ که جز «استبداد گذشته» چیزی را تجربه نکرده بودند، به سادگی همان «ساختارهای خشونت» را بازسازی کردند که زمانی علیه آن می‌جنگیدند. در حالی که کشور در اوایل سال ۲۰۲۶ (۱۴۰۴ خورشیدی) در یک چهارراه خونین ایستاده است، پرسش بنیادین دیگر تنها این نیست که رژیم فعلی چگونه پایان می‌یابد، بلکه این است که کدام طبقه اجتماعی دارای شخصیت جامعه‌شناختی و اقتصادی لازم برای هدایت ایرانِ فردا است.

هزینه بقا: میراثی از خشونت سیستماتیک

محاسبه تعداد دقیق ایرانیانی که از زمان انقلاب ۱۳۵۷ در پی خشونت‌های دولتی جان باخته‌اند، به دلیل پنهان‌کاری سیستماتیک رژیم و سرکوب داده‌ها، امری دشوار است. با این حال، مستندات نهادهای حقوق بشری و تاریخ‌نگاران، موج‌های متعددی از کشتار را ترسیم می‌کند که «نشانِ خون» بر پیشانی این دوران است.

اقتدارگرا بود، اما بر اساس منطق ملی‌گرایی سکولار و ادغام در نظام بین‌الملل عمل می‌کرد.

۲. **جمهوری اسلامی: خیزش روستایی-سنتی**
همان‌طور که پرواند آبراهامیان اشاره می‌کند، سال ۵۷ شاهد شورش طبقه متوسط سنتی و تهیدستان شهری بود که بسیاری از آنان مهاجران نسل اول از روستاها بودند. بین سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷، میلیون‌ها نفر به دلیل اصلاحات ارضی به شهرها کوچ کردند اما از مدرنیته سکولار احساس بیگانگی داشتند. آنان هویت خود را در مسجد و تکیه باز یافتند. رهبران اولیه جمهوری اسلامی و فرماندهان سپاه پاسداران از شهرهای کوچک و روستاها برخاسته بودند. تحصیلات آنان عمدتاً حوزوی یا در رشته‌های فنی دانشگاه‌های داخلی بود و ایدئولوژی آن‌ها بر «امت‌گرایی»، ضدیت با امپریالیسم و تمرکز بر «مستضعفین» استوار بود.

۳. **نبرد «دو ایران»**
برای بیش از چهار دهه، این «دولت پادگانی» بر مراکز متروپل ایران با منطقی روستایی-سنتی حکمرانی کرده است. سلسله‌مراتب فعلی سپاه پاسداران، نتیجه نهایی این خیزش است. آن‌ها که خود را از سیستم نخبگانی شهری شاه مطرود می‌دیدند، «دولت موازی» خود را بنا کردند. اعتصابات امروز بازار و طبقه متوسط، در واقع بازپس‌گیری قدرت توسط لایه‌های شهری از طبقه‌ای است که ریشه در پایگاه سنتی-روستایی داشت. خیزش ۲۰۲۶ در حقیقت تلاش «شهر» برای شکست حصار «پادگانی» است که در سال ۵۷ بر آن تحمیل شد.

تز سریع‌القلم: چرا طبقه متوسط باید حکمرانی کند؟
محمود سریع‌القلم، نظریه‌پرداز پیشرو در حوزه توسعه، استدلال می‌کند که یک طبقه متوسط شکوفا و مستقل، پیش‌نیاز ضروری برای حکمرانی پایدار و دموکراسی

جدول تخمینی تلفات در درگیری‌ها و اعتراضات کلیدی:

دوره / رویداد	بازه زمانی	تخمین تلفات	بافتار سیاسی
تصفیه‌های پس از انقلاب	۱۳۵۸ - ۱۳۶۱	۸,۰۰۰ - ۱۲,۰۰۰+	اعدام مقامات سابق، مخالفان گُرد و دگراندیشان.
کشتار دسته‌جمعی ۱۳۶۷	تابستان ۱۳۶۷	۵,۰۰۰ - ۳۰,۰۰۰	پاکسازی سیستماتیک زندانیان سیاسی در سراسر کشور.
جنبش سبز	۱۳۸۸	۷۲ - ۱۵۰+	سرکوب اعتراضات طبقه متوسط شهری به نتایج انتخابات.
آبان خونین	۱۳۹۸	۳۰۰ - ۱,۵۰۰+	مرگبارترین موج سرکوب در پی افزایش قیمت بنزین.
زن، زندگی، آزادی	۱۴۰۱ - ۱۴۰۲	۵۰۰ - ۶۰۰+	واکنش به قتل مهسا (ژینا) امینی.
خیزش ۲۰۲۶ (۱۴۰۴)	۲۰۲۵ - ۲۰۲۶	۱۰,۰۰۰+ (تخمینی)	گزارش‌های تأیید نشده از «حمام خون پایانی»

دولتمردان جمهوری اسلامی است. انقلاب ۱۳۵۷ را می‌توان از دیدگاهی، «تسخیر فضای شهری توسط نیروهای حاشیه‌ای و روستایی» دانست.

۱. **نخبگان پهلوی: تکنوکرات‌های شهری**
دوران پهلوی با تمرکز بر مدرنیزاسیون، طبقه خاصی از نخبگان را پرورش داد. این افراد غالباً از خانواده‌های ریشه‌دار شهری در کلان‌شهرهایی چون تهران، تبریز و شیراز بودند. آنان عمدتاً در غرب تحصیل کرده و به زبان‌های بین‌المللی مسلط بودند و با «فرهنگ عالی جهانی» پیش از سنت‌های روستایی ایران قرابت داشتند. چهره‌هایی چون امیرعباس هویدا، نماینده تکنوکراسی‌ای بودند که اگرچه

اگر گزارش‌های اخیر مبنی بر کشته شدن بیش از ۱۰ هزار نفر در یک هفته تأیید شود، این امر نشان‌دهنده پایان قطعی مشروعیت اخلاقی رژیم است. برای تضمین اینکه چنین فجایعی هرگز تکرار نشود، ایران باید از طبقه‌ای حاکم که قتل را ابزاری مشروع برای بقای قدرت می‌بیند، عبور کند. این عبور مستلزم درک «شکاف شهری-روستایی» است که قرن گذشته را تعریف کرده است.

گسست جامعه‌شناختی: تکنوکرات‌های شهری در برابر پادگان‌نشینان روستایی
یکی از دلایل اصلی اصطکاک فرهنگی و سیاسی در ایران مدرن، تفاوت ساختاری میان نخبگان دوران پهلوی و

فروپاشی مشروعیت و ضرورت انزوای دیپلماتیک جمهوری اسلامی

حقوقی خود را نیز از دست می‌دهد.

جمهوری اسلامی؛ فونهی کلاسیک فروپاشی مشروعیت
جمهوری اسلامی مصداق روشن چنین فروپاشی‌ای است. این رژیم، در امتداد سنت سرکوبگرانه‌ی خود، هر اعتراض اجتماعی را نه به‌مثابه صدای شهروندان، بلکه به‌عنوان «دشمن» تلقی می‌کند و پاسخ آن همواره یکسان بوده است: گلوله، اعدام، شکنجه و زندان.

در جریان جنبش دی‌ماه ۱۴۰۴، تنها در فاصله‌ی دو روز، نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی دست‌کم ۱۲ هزار نفر از معترضان را به ضرب گلوله کشتند. این رقم، بر اساس گزارش‌های میدانی و منابع مستقل است و به احتمال قوی، آمار واقعی به‌مراتب بیش از این تعداد است. ده‌ها هزار نفر بازداشت، صدها نفر زیر شکنجه جان باختند یا با احکام اعدام و زندان‌های سنگین مواجه شدند.

این اعداد، حاصل «خطا» یا «افراط نیروهای خودسر» نیستند؛ بلکه نتیجه‌ی مستقیم سیاست رسمی رژیمی هستند که بقای خود را در حذف فیزیکی مردم می‌بیند. در چنین وضعیتی، سخن گفتن از احترام به حاکمیت ملی جمهوری اسلامی، چیزی جز تحقیر مفهوم حاکمیت مردم نیست.

انزوای دیپلماتیک؛ ابزار مشروع فشار

در این چارچوب، جامعه‌ی بین‌الملل اگر به‌راستی به حقوق بشر و کرامت انسانی باور دارد، نمی‌تواند به رفتارهای نمادین و بیانیه‌های بی‌اثر بسنده کند. یکی از مؤثرترین و در عین حال مشروع‌ترین ابزارها برای برجسته‌سازی عدم مشروعیت جمهوری اسلامی، طرد سیاسی و دیپلماتیک آن است.

اخراج سفرای رژیم، بستن دفاتر نمایندگی سیاسی و حقوقی، عدم پذیرش نمایندگان آن در نشست‌های بین‌المللی، و محروم کردن مقاماتش از تریبون‌های جهانی، نه اقدامی افراطی، بلکه واکنشی متناسب با سطح جنایت است. این اقدامات، مداخله در امور داخلی ایران نیست؛ بلکه امتناع از مشروعیت‌بخشی به یک رژیم جنایتکار است.

در هفته‌های اخیر، نشانه‌های مهمی از حرکت در این مسیر دیده‌ایم: ممنوعیت ورود نمایندگان جمهوری اسلامی به پارلمان اروپا، و پس‌گرفتن دعوت‌نامه‌ی وزیر امور خارجه‌ی رژیم برای حضور در نشست داووس سوئیس، پیام روشنی دارند: جهان نمی‌تواند هم‌زمان مدعی دفاع از حقوق بشر باشد و میزبان نمایندگان یک ماشین کشتار.

احترام به ملت، نه به رژیم

اصرار بر حفظ روابط دیپلماتیک عادی با جمهوری اسلامی، در عمل به معنای نادیده‌گرفتن خون قربانیان و بی‌اعتنایی به حق حاکمیت ملت ایران است. در مقابل، طرد سیاسی رژیم، حمایت از مردم ایران و به‌رسمیت‌شناختن این واقعیت است که این حکومت نماینده‌ی آنان نیست.

نظام بین‌الملل اگر میان قربانی و جلا‌بی‌طرف‌ماند، دیگر داور عدالت نخواهد بود؛ بلکه شریک سکوت و استمرار جنایت است. انزوای دیپلماتیک جمهوری اسلامی، نه خروج از حقوق بین‌الملل، بلکه بازگرداندن آن به معنای اصلیش است: دفاع از انسان، نه حفاظت از قاتل.

پاینده ایران
جاوید شاه

بهزاد پرنیان - در تازه‌ترین نشست هفتگی تحلیلی «دوستاناران ایران» که با عنوان «مشروعیت اقدام در حقوق بین‌الملل و نقش هنجارهای انسانی» که به همت دکتر نامدار بقایی یزدی و با حضور پروفسور محمود مسائلی برگزار شد، بحثی بنیادین در فلسفه حقوق و حقوق بین‌الملل مطرح گردید که امروز بیش از هر زمان دیگر با واقعیت سیاسی ایران پیوند خورده است؛ این‌که مشروعیت حقوقی و حاکمیتی دولت‌ها، بدون پشتوانه‌ی انسانی و اخلاقی، مفهومی تهی و بی‌اعتبار است.

پروفسور مسائلی محور سخنان خود را بر ضرورت اتخاذ تصمیم در سطح جامعه بین‌الملل درباره مواجهه با رفتار و عملکرد جمهوری اسلامی در چهار دهه گذشته - در عرصه‌های داخلی، منطقه‌ای و جهانی- قرار داد و نشان داد که مسئله ایران صرفاً یک مناقشه سیاسی یا اختلاف تفسیری حقوقی نیست، بلکه بحرانی عمیق در بنیان‌های مشروعیت است.

از سوی دیگر، او با نقد تفاسیر موسع و محافظه‌کارانه از قواعد کلاسیک حقوق بین‌الملل و بررسی نسبت آن‌ها با مفهوم «مداخله بشردوستانه» و مسئولیت حمایت، به‌روشنی استدلال کرد که این بحث، صرفاً یک دیسکورس آکادمیک نیست. سخن از رژیمی است که نزدیک به نیم‌قرن، موجودیت خود را بر سرکوب سیستماتیک، حذف فیزیکی مخالفان، انکار کرامت انسانی و حکومت از طریق ترس بنا کرده و همچنان می‌کوشد با پناه‌گرفتن پشت مفاهیمی چون «حاکمیت ملی» و «عدم مداخله»، از پاسخگویی در برابر جنایات خود بگریزد.

اما پرسشی محوری در اینجا وجود دارد که قدمت آن به دهه‌ی شصت خورشیدی بازمی‌گردد و عمری به اندازه‌ی عمر ننگین رژیم حاکم بر ایران دارد، و در حقیقت محصول عملکرد ایدئولوژیک یک نظام تمامیت‌خواه مذهبی است. آیا رژیمی که حیات سیاسی‌اش وابسته به ترور، گلوله، اعدام، شکنجه و زندان است، می‌تواند همچنان از حقوق کامل حاکمیت، نمایندگی سیاسی و احترام دیپلماتیک در نظام بین‌الملل برخوردار باشد؟

حاکمیت؛ حق مطلق یا مسئولیت مشروع؟

در منطق محافظه‌کار و پوزیتیویستی حقوق بین‌الملل، پاسخ اغلب مثبت است. این نگاه، دولت را صرفاً به‌مثابه یک «واقعیت نهادی» می‌بیند و اعتبار آن را نه از مردم، بلکه از شناسایی دیگر دولت‌ها استخراج می‌کند. بر این اساس، حتی رژیم‌هایی که به‌طور عریان ناقض حقوق بشرند، مادامی که «دولت مستقر» تلقی شوند، باید از مصونیت سیاسی و دیپلماتیک برخوردار باشند.

اما همین منطق، آن‌گونه که در سخنان پروفسور مسائلی نیز برجسته شد، دقیقاً همان نقطه‌ای است که حقوق بین‌الملل در آن به ابزار توجیه جنایت بدل می‌شود. زیرا در این چارچوب، اخلاق، کرامت انسانی و حق حاکمیت مردم عملاً از معادله حذف می‌شوند.

در برابر این رویکرد، گفتمان حقوق بشر و نظریه‌ی مشروعیت هنجاری تأکید می‌کند که حاکمیت پیش از آن‌که «حق» باشد، مسئولیت است. دولتی که به‌طور مستمر و سازمان‌یافته مردم خود را می‌کشد، شکنجه می‌کند و به زندان می‌افکند، نه‌تنها مشروعیت اخلاقی، بلکه مشروعیت

است. تز اصلی او بر این پایه استوار است که توسعه سیاسی بدون مرحله قبلی توسعه اقتصادی به رهبری طبقه متوسط امکان‌پذیر نیست.

طبقه عقلائی: سریع‌القلم معتقد است طبقه متوسط تنها بخشی از جامعه است که نفع ذاتی در عقلانیت، حاکمیت قانون و شایسته‌سالاری دارد. برخلاف توده‌های بسیار فقیر (که بازپچه پوپولیسم می‌شوند) یا فرادستان رانتی وابسته به دولت، طبقه متوسط برای بقای خود به ثبات و قانون نیاز دارد. **استقلال اقتصادی از دولت:** در یک «دولت پادگانی» یا نفتی، طبقه متوسط غالباً حقوق‌گیر دولت می‌شود. سریع‌القلم استدلال می‌کند تنها زمانی که شهروندان بتوانند بدون اجازه دولت ثروت تولید کنند، شجاعت مطالبه دولتی قانون‌مدار را خواهند داشت.

ادغام جهانی: طبقه متوسط شهری طبیعتاً برای تجارت و تکنولوژی به جهان می‌نگرد. نخبگان حاکمی که فاقد این ارزش‌ها باشند، ناگزیر کشور را منزوی می‌کنند؛ همان امری که به «فارسی فاجعه‌بار مداخله» در بحران‌های منطقه‌ای و جهانی (نظیر جنگ اوکراین) منجر شده است.

ثبات یک ملت به استقلال طبقه متوسط آن گره خورده است. فاجعه مداخله جمهوری اسلامی در اوکراین - که ریشه در بقای ایدئولوژیک رژیم دارد - مرحله نهایی جنگ ۴۷ ساله علیه این طبقه است. رژیم با اولویت دادن به توسعه‌طلبی ایدئولوژیک بر عقلانیت اقتصادی، تنها بخشی از جامعه را که قادر به حکمرانی پایدار بود، ورشکسته کرد. سقوط ریال به مرز ۱.۴۶ میلیون، پایان ریاضی آزمایش «ضد طبقه متوسط» است.

نتیجه‌گیری: به سوی حکمرانی عقلانی

کسانی که از بافتار روستایی برخاسته و هویت خود را تنها در تقابل «ظالم و مظلوم» تعریف کرده‌اند، ثابت کرده‌اند که برای بقا در قدرت دست به هر کاری می‌زنند. حمام خون ۴۵ سال گذشته گواهی بر این مدعاست.

ایران فردا نمی‌تواند توسط کسانی اداره شود که تنها زبان پادگان را می‌فهمند. این کشور باید توسط طبقه‌ای هدایت شود که به «زبان شهر» سخن می‌گوید: طبقه‌ای که ادغام بین‌المللی، عقلانیت اقتصادی و شایسته‌سالاری را درک می‌کند. تنها با توانمندسازی یک شهروند مستقل از نظر اقتصادی و کلان‌نگر از نظر سیاسی است که ایران می‌تواند زنجیره استبداد را شکسته و تضمین کند که «نشان خون» هرگز دوباره بر دامان این سرزمین ننشیند.

منابع و مراجع

۱. آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹). ایران بین دو انقلاب. ترجمه احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی. نشر نی. (تحلیل ساختار طبقاتی و مهاجرت‌های پیش از انقلاب).
۲. سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۰). عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران. مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۳. بنیاد عبدالرحمن برومند. پایگاه داده‌های «امید»؛ مستندات اعدام‌ها و کشتارها پس از انقلاب ۱۳۵۷.
۴. سازمان عفو بین‌الملل (۲۰۲۰). گزارش ویژه: جزییات مرگ ۳۰۴ نفر در سرکوب اعتراضات آبان ۹۸.
۵. حقوق بشر ایران (IHRNGO). گزارش‌های دوره‌ای از تلفات خیزش‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۴.
۶. فریره، پائولو (۱۳۵۸). آموزش ستم‌دیدگان. ترجمه احمد بیرشک. (منبع تئوریک پیرامون بازتولید ساختار ظلم توسط ستم‌دیدگان سابق).

رکود عمیق در بازار زیر سایه فضای امنیتی و قطع اینترنت؛ قیمت دلار در مرز ۱۴۰ هزار تومان



ادعای مدیریت بازار ارز از سوی دولت پزشک‌یان که از سوی روزنامه «فرهیختگان» مطرح شده از سوی بسیاری از فعالان اقتصادی رد می‌شود. در شرایط قطع اینترنت و روزهای شوک پس از سرکوب مسلحانه و کشتار هزاران شهروند توسط جمهوری اسلامی، فعالان بازار از رکود شدید در بازار خبر می‌دهند. همچنین تشدید تهدیدهای ایالات متحده در رابطه با برخورد نظامی با جمهوری اسلامی نیز بر تشدید رکود در بازار و توقف فعالیت معامله‌گران در بازارهای مختلف اثرگذار بوده است.

در همین رابطه روزنامه «دنیای اقتصاد» در گزارشی بازار موبایل در رکود ناشی از چالش‌های عرضه و تقاضا قرار دارد: «کاهش شدید واردات به دلیل عدم تخصیص ارز، قطع ارتباطات آنلاین با تجار خارجی منجر به کاهش شدید تقاضا و فروش نزدیک به صفر شده است.»

در این گزارش تأکید شده «اختلالات اینترنتی، تعاملات تجاری و بخش آنلاین (خرید اقساطی/اعتباری) را متوقف کرده» و آمده «فروشگاه‌های فیزیکی نیز با نبود مشتری و بلاتکلیفی در تأمین کالا روبرو هستند. یک فعال بازار از به صفر رسیدن خریدهای آفلاین خبر داد، هرچند برخی تأمین‌کنندگان لیست قیمت اعلام کرده‌اند، اما خریدی صورت نگرفته است.»

روزنامه «دنیای اقتصاد» به نقل از فعالان بازار موبایل نوشته «حتی با رفع مشکلات ارزی تا عید، به دلیل نبود تقاضا، فروشندگان مجبور به فروش با ضرر خواهند شد.» گزارش دیگری از رکود شدید در بازار لوازم یدکی حکایت دارد. بر اساس این گزارش نوسانات نرخ دلار، اعتراضات و قطعی اینترنت، بازار لوازم یدکی را با رکود عجیبی مواجه و تأمین قطعات اتومبیل‌های مونتاژی، به ویژه، مشکلات زیادی برای دارندگان این اتومبیل‌ها ایجاد کرده است. ←

دستوری و امنیتی قیمت ارز و طلا را کاهش دهد. بازارهای مختلف کشور از بازار موبایل تا اتومبیل در رکودی عمیق به سر می‌برند و در سایه شرایط امنیتی پس از اعتراضات و قطع اینترنت، معاملات در بازارهای مختلف متوقف شده است.

قیمت هر دلار آمریکا روز پنجشنبه دوم بهمن‌ماه به ۱۴۰ هزار و ۷۸۰ تومان افزایش یافته است. هر یورو ۱۶۴ هزار و ۵۵۰ تومان، هر پوند ۱۸۹ هزار تومان، هر درهم امارات ۴۰ هزار و ۹۰۰ تومان، و هر لیر ترکیه ۳۲۵۰ تومان معامله می‌شود. قیمت‌ها در بازار طلا نیز همچنان کاهش نیافته است. قیمت هر سکه کامل طلا ۱۶۲ میلیون و ۵۶۰ هزار تومان و هر گرم طلای ۱۸ عیار ۱۶ میلیون و ۴۷۰ هزار تومان اعلام شده است.

در این میان روزنامه «فرهیختگان» در مطلبی با عنوان «چگونه دولت توانست ثبات را به بازار ارز برگرداند» مدعی شده که بازار ارز دچار ثبات شده است و نوشته «ثبات فعلی بازار ارز بیش از آنکه ناشی از مداخله مستقیم باشد، حاصل اصلاح ساختارهای انگیزشی و بازطراحی فرایندهای تخصیص ارز در شورای عالی هماهنگی اقتصادی است.» این روزنامه در ادامه ادعای خود نوشته «این رویکرد با تمرکز بر سیاست‌های غیرقیمتی، مسیر تعادل‌بخشی به بازار را هموار کرد.»

«فرهیختگان» بدون اینکه مشخص باشد مبنای ادعایش برای کاهش نرخ ارز چیست نوشته «کاهش نوسانات ارزی، سطح نااطمینانی در زنجیره تأمین را کاهش داده و به بهبود انتظارات تورمی در افق میان‌مدت کمک کرده است» و افزوده «تداوم ثبات در بازار ارز می‌تواند از مسیر کاهش هزینه‌های تولید، اثرات مثبتی بر شاخص قیمت تولیدکننده و فضای عمومی اقتصاد برجای بگذارد.»

● قیمت هر دلار آمریکا روز پنجشنبه دوم بهمن‌ماه به ۱۴۰ هزار و ۷۸۰ تومان افزایش یافته است. هر یورو ۱۶۴ هزار و ۵۵۰ تومان، هر پوند ۱۸۹ هزار تومان، هر درهم امارات ۴۰ هزار و ۹۰۰ تومان، و هر لیر ترکیه ۳۲۵۰ تومان معامله می‌شود.

● روزنامه «دنیای اقتصاد» در گزارشی بازار موبایل در رکود ناشی از چالش‌های عرضه و تقاضا قرار دارد: «کاهش شدید واردات به دلیل عدم تخصیص ارز، قطع ارتباطات آنلاین با تجار خارجی منجر به کاهش شدید تقاضا و فروش نزدیک به صفر شده است.»

● نرخ دلار، اعتراضات و قطعی اینترنت، بازار لوازم یدکی را با رکود عجیبی مواجه و تأمین قطعات اتومبیل‌های مونتاژی، به ویژه، مشکلات زیادی برای دارندگان این اتومبیل‌ها ایجاد کرده بطوریکه مشاهدات میدانی نشان می‌دهد قطعات این محصولات نایاب و گران شده‌اند و خودروسازان تعهدی در قبال تأمین آن‌ها ندارند.

● بازار اتومبیل نیز در حالیکه پیش از اعتراضات با افزایش پرسرعت قیمت‌ها روبرو بود اکنون به گفته فعالان این بازار «قفل» شده، معامله‌ای صورت نمی‌گیرد و تقریباً به تعطیلی کشیده شده است.

● اگر چه با کشتار گسترده و ایجاد فضای شبه‌نظامی در شهرهای مختلف، اعتراضات خیابانی متوقف شده اما همچنان شرایط اجتماعی ایران ملتهب است. التهاب اجتماعی و فضای سرکوب و تهدید، در کنار قطع اینترنت رکود در بازارهای مختلف را تشدید و معاملات را متوقف کرده است.

با وجود قطع اینترنت و جو امنیتی در بازارهای مختلف کشور اما همچنان دولت نتوانسته با اقدامات

قاتلان اجنبی مردم ایران



بر اساس گزارش‌های مستقل رسانه‌های معتبر اروپایی و آمریکایی رژیم جمهوری اسلامی علاوه بر بکارگیری نیروهای بسیج، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی و حتی ارتش برای سرکوب و کشتار سیستماتیک مردم در خیزش انقلابی دی ۴۰۴، از هزاران نیروهای شیعه نیابتی خود از جمله زینیون پاکستان، فاطمیون افغانستان و حشد الشعبی عراق در این کشتار سیستماتیک استفاده کرده است.

© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

این گزارش افزوده مشاهدات میدانی نشان می‌دهد قطعات این محصولات نایاب و گران شده‌اند و خودروسازان تعهدی در قبال تأمین آن‌ها ندارند. همچنین برخی فروشندگان معتقدند مشکل اصلی کمبود قطعه در بخش مونتاژی است که ناشی از عدم تخصیص ارز، معطلی در گمرک و بی‌ثباتی نرخ ارز است. در مقابل، برخی دیگر ادعا می‌کنند در تأمین قطعات داخلی مشکلی وجود ندارد، اما تقاضا به دلیل رکود و کاهش توان خرید مردم کاهش یافته است. بازار اتومبیل نیز در حالیکه پیش از اعتراضات با افزایش پرسرعت قیمت‌ها روبرو بود اکنون به گفته فعالان این بازار «قفل» شده و تقریباً به تعطیلی کشیده شده است. بر اساس گزارش‌ها یکی از دلایل عدم معامله در بازار خودرو، شرایط ویژه‌ای است که باعث می‌شود انتقال وجه معامله به آسانی ممکن نباشد. اختلالات در ارتباط اینترنتی به گونه‌ای پیش رفت که تمام اینترنت بین‌المللی ایران مسدود شد. اما با وجود وصل شدن اینترنت داخلی و همین طور سایت‌هایی که سرور آنها در داخل کشور میزبانی می‌شوند، باز هم گره‌های زیادی در یک خرید موفق ایجاد می‌شود. اختلالات متعددی در بستر معاملات آنلاین گزارش شده است.

به عنوان مثال در بسیاری از ساعت‌ها ممکن است پیامک رمز دوم ارسال نشود یا ناپایداری ارتباط پذیرنده‌ها با شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات پرداخت، اختلال شبکه ملی اطلاعات، عدم ارتباط سروها با شبکه بین‌المللی اینترنت و تأیید نشدن روند پرداخت باعث عدم موفقیت یک پرداخت شوند. زیرساخت‌های بانکی نیز ظاهراً برای فشار زیاد در شرایط بحرانی آمادگی کافی ندارند.

تحلیلگران بازار اتومبیل معتقدند دومین دلیل رکود سنگین در بازار خودرو و عدم خرید و فروش، دست نگر داشتن خریداران به امید ایجاد چشم اندازی روشن‌تر در آینده است.

بر اساس این تحلیل، انتظارات تورمی برای سال آینده و تهدید آمریکا برای حمله نظامی به جمهوری اسلامی همگی باعث شده‌اند که نه خریدار و نه فروشنده از وضعیت آینده بازار اتومبیل کشور اطمینانی نداشته باشند و با ریسک بالا معاملات خود را به آینده‌ای با ثبات کمی بیشتر موکول کنند.

اعتراضات دی ۴۰۴ از روز یکشنبه هفتم دی‌ماه و در پی اعتصاب بازاریان در بازار موبایل علاءالدین تهران آغاز شد و به سرعت گسترده شد. جمهوری اسلامی در دوازدهمین روز این اعتراضات سرکوب شدید و مسلحانه مردم را در دستور کار قرار داد. روز پنجشنبه و جمعه ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه و در شرایطی که جمعیتی میلیونی با فراخوان شاهزاده رضا پهلوی به خیابان‌ها آمده بودند، جمهوری اسلامی بزرگترین کشتار حکومتی شهروندان معترض در قرن بیست و یکم را رقم زد.

اگر چه با کشتار گسترده و ایجاد فضای شبه‌نظامی در شهرهای مختلف، اعتراضات خیابانی متوقف شده اما همچنان شرایط اجتماعی ایران ملتهب گزارش شده است. التهاب اجتماعی و فضای سرکوب و تهدید، در کنار قطع اینترنت رکود در بازارهای مختلف را تشدید و معاملات را متوقف کرده است.

توقف معاملات از جمله دلایل کاهش سرعت افزایش قیمت در برخی بازارها مانند بازار ارز است؛ روندی که موقت خواهد بود و در نهایت معادلات اقتصادی سبب سرعت گرفتن افزایش تورم و قیمت‌ها در اقتصاد ایران خواهد شد.

تقدیر آمران از عاملان کشتار مردم ایران

سعید جلیلی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و دبیر سابق شورای امنیت ملی رژیم اسلامی، روز سه‌شنبه ۳۰ دی ماه ۱۴۰۴ طی مراسمی از مأموران شرکت‌کننده در کشتار مردم ایران تقدیر و تشکر کرد.

تقدیر سعید جلیلی از نیروهای سرکوبگر، سه‌شنبه، ۳۰ دی‌ماه ۱۴۰۴

کیهان



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

قطع اینترنت در ایران ادامه خواهد داشت؛ جمهوری اسلامی به دنبال «ایزولاسیون مطلق اینترنت» است

انجام خواهد شد. به زبان دیگر سیستم DPI به طوری به روز شود که بتوانند ترافیک وی‌پی‌ان‌های متصل به استارلینک را شناسایی کند. همچنین اینترنت رومینگ در خارج از مرزها نیز به اسارت شبکه ملی اطلاعات درآمده است.

«فیلترینگ» تأکید کرده با تأیید تلویحی سخنگوی دولت و هشدارهای رسانه‌های حاکمیتی، به نظر می‌رسد زمستان ۱۴۰۴ پایان قطعی دسترسی آزاد شهروندان به جهان دیجیتال و آغاز عصر تسلط کامل قرارگاه‌های امنیتی نظامی مانند خاتم‌الانبیاء بر رگ‌های حیاتی ارتباطات کشور باشد. این گزارش افزوده همچنین انتظار می‌رود با اجرایی شدن این طرح به دلیل نبود کاهش شدید ترافیک بین‌المللی و ورشکستگی شرکت‌های ارائه دهنده اینترنت، قیمت ترافیک داخلی تا چندین برابر افزایش پیدا کند.

این گزارش از تدوین مدلی جدید برای فعالیت پیام‌رسان‌های داخلی خبر می‌دهد که بر اساس آن، این سکوها تنها در قالب «مسنجرهای سازمانی» و با دریافت مجوزهای امنیتی سطح بالا امکان فعالیت خواهند داشت. در این چارچوب، ارتباطات فرد به فرد به خارج از شبکه‌های سازمانی مسدود و کلیه تبدلات داده در بخش خصوصی به طور کامل قابل رصد و کنترل خواهد شد.

تلویزیون «ایران اینترنشنال» هم گزارش داده که جمهوری اسلامی هم‌زمان با قطع اینترنت و ارتباط مردم ایران با جهان، به سرعت در پی راه‌اندازی پروژه جدیدی است که امکان قطع اینترنت به طور کامل و درازمدت را فراهم می‌آورد.

به گزارش «ایران اینترنشنال» هدف این پروژه، ساخت کلاود ملی روی پلتفرم هووای است. این پروژه کاری مشابه پروژه شرکت «ابرآروان» را در مقایسه به مراتب بزرگ‌تر انجام می‌دهد. قرار است سرویس‌های جاری و عمومی از جمله ماشین‌های مجازی برای دریافت کنندگان خدمات، به علاوه بسترهای بانکی و پرداختی و زیرساخت‌های حیاتی روی این پلتفرم ارائه شود.

براساس این اطلاعات، این پروژه امنیتی با مدیریت شرکت «ابرآروان» و از سوی شرکتی به نام «آینده‌افزای کرانه» در حال اتمام و راه‌اندازی است.

منابع «ایران اینترنشنال» همچنین تأکید کرده‌اند که شرکت چینی هوای به صورت مخفیانه تجهیزات مورد نیاز این پروژه را تأمین کرده اما در اسناد مرتبط، نامی از هوای برده نشده است.

بر اساس این گزارش مدیریت شرکت «آینده‌افزای کرانه» را یاسر رضاخواه برعهده دارد که قبلاً مدیر رایتل بوده است. به گفته منابع ایران اینترنشنال محمد مخبر، معاون پیشین رئیس دولت در جمهوری اسلامی و از چهره‌های شاخص در دفتر علی خامنه‌ای، در راه‌اندازی این پروژه مشارکت داشته و پسر خود، سجاد مخبر، را برای این پروژه به استخدام فناپ درآورده و او عملاً در همه بخش‌های این پروژه حضور دارد. کیوان جامه بزرگ، مدیر توسعه راهبردی فناپ و مجید قاسمی، مدیرعامل بانک پاسارگاد، از دیگر افراد مرتبط با این پروژه هستند.

جمهوری اسلامی از شامگاه ۱۸ دی اینترنت و تمام راه‌های ارتباطی با داخل کشور را قطع کرده و در حال حاضر تنها شماری از رسانه‌های حکومتی و فعالان رسانه‌ای طرفدار حکومت در شبکه‌های اجتماعی به اینترنت دسترسی دارند.



شهروندان قرار داشت را نیز با اختلال جدی روبرو کرده است.

حساب فارسی وزارت خارجه آمریکا نیز روز جمعه ۲۶ دی‌ماه ۱۴۰۴ با اشاره به قطع اینترنت در ایران، در شبکه ایکس نوشت: «سانسور یک ملت نمی‌تواند صدای آنها برای آزادی را خاموش کند و اقدامات خشونت‌آمیز رژیم جمهوری اسلامی را پنهان نماید. جهان نظاره‌گر است.»

حساب فارسی وزارت خارجه آمریکا افزوده که «قطع کامل و سراسری اینترنت در ایران اکنون وارد هفته دوم خود شده است، بیش از ۱۹۰ ساعت که رژیم جمهوری اسلامی عمداً مردم ایران را از جهان جدا کرده و سرکوب وحشیانه خود را پنهان می‌کند.»

در این میان گروه «فیلترینگ» که به آزادی اینترنت و جریان آزاد اطلاعات در ایران می‌پردازد نیز در گزارشی تحقیقی از روند بی‌سابقه از محدودسازی ارتباطات دیجیتال در جمهوری اسلامی خبر داده که به صورت گام به گام در حال اجرای پروژه‌ای موسوم به «ایزولاسیون مطلق اینترنت» است.

به گزارش «فیلترینگ» هدف نهایی این پروژه این است که دسترسی به اینترنت بین‌المللی را به یک «امتیاز امنیتی» ویژه برای مقامات و نهادهای دارای مجوزهای خاص تبدیل کند. این گزارش تأکید کرده اطلاعات رسیده به فیلترینگ فاش می‌کند که تحت هدایت محمدامین آقامیری در مرکز ملی فضای مجازی و لایه پنهان امنیتی به فرماندهی چهره‌هایی چون مهدی سیف‌آبادی، معاون امنیت پدافند غیرعامل، طرحی محرمانه برای تبدیل اینترنت بین‌الملل به یک «امتیاز حکومتی» در حال اجراست که تنها به مقامات دارای «مجوز امنیتی سطح بالا» اختصاص می‌یابد.

این گزارش پرده از استراتژی جدیدی برمی‌دارد که در آن شرکت‌های خصوصی به قرنطینه «مسنجرهای سازمانی» تبعید می‌شوند، شناسایی الگوی وی‌پی‌ان ترافیک استارلینک توسط پیمانکاران امنیتی، شرکت‌های «یافتار» و «دوران»

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، به برخی از فعالان رسانه‌ای گفته اینترنت بین‌المللی حداقل تا پیش از نوروز سال ۱۴۰۵ در دسترس کاربران نخواهد بود.

«فیلترینگ» از روند بی‌سابقه از محدودسازی ارتباطات دیجیتال در جمهوری اسلامی خبر داده که به صورت گام به گام در حال اجرای پروژه‌ای موسوم به «ایزولاسیون مطلق اینترنت» است.

به گزارش «فیلترینگ» هدف نهایی این پروژه این است که دسترسی به اینترنت بین‌المللی را به یک «امتیاز امنیتی» ویژه برای مقامات و نهادهای دارای مجوزهای خاص تبدیل کند.

تلویزیون «ایران اینترنشنال» هم گزارش داده که جمهوری اسلامی هم‌زمان با قطع اینترنت و قطع ارتباط مردم ایران با جهان، به سرعت در پی راه‌اندازی پروژه جدیدی است که امکان قطع اینترنت به طور کامل و درازمدت را فراهم می‌آورد.

به گزارش «ایران اینترنشنال» قرار است سرویس‌های جاری و عمومی از جمله ماشین‌های مجازی برای دریافت‌کنندگان خدمات، به علاوه بسترهای بانکی و پرداختی و زیرساخت‌های حیاتی روی این پلتفرم ارائه شود.

در حالیکه سخنگوی دولت مسعود پزشکیان گفته احتمالاً وضعیت قطع سراسری اینترنت تا نوروز ادامه پیدا خواهد کرد، گروه «فیلترینگ» نیز اعلام کرده جمهوری اسلامی وارد مرحله‌ای تازه و بی‌سابقه از محدودسازی ارتباطات دیجیتال شده و گام به گام در حال اجرای پروژه‌ای موسوم به «ایزولاسیون مطلق اینترنت» است.

برخی گزارش‌ها حاکی از آنست که فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، به برخی از فعالان رسانه‌ای گفته اینترنت بین‌المللی حداقل تا پیش از نوروز سال ۱۴۰۵ در دسترس کاربران نخواهد بود. اظهارات سخنگوی دولت پزشکیان هم‌زمان با ورود قطع سراسری اینترنت به دومین هفته رسانه‌ای شده است.

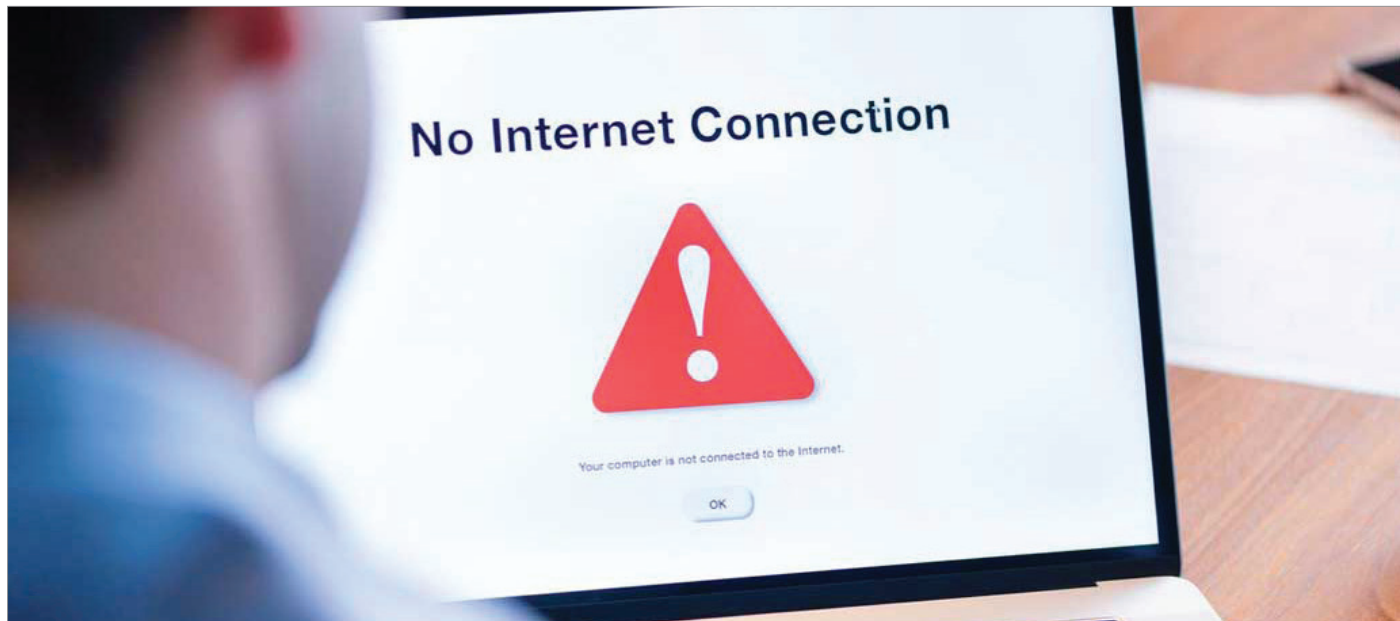
نت‌بلاکس که وضعیت اینترنت در جهان را رصد و گزارش می‌کند در جدیدترین گزارش خود درباره وضعیت اینترنت در ایران اعلام کرده که «با رسیدن مدت قطع اینترنت به ۱۸۰ ساعت، خاموشی کامل اینترنت در ایران اکنون از مدت‌زمان اصلی قطع اینترنت در سال ۲۰۱۹ نیز فراتر رفته است و هنوز هیچ‌گونه بازگشت جزئی یا منطقه‌ای اتصال مشاهده نمی‌شود.»

نت‌بلاکس افزوده «در سال ۲۰۱۹، تنها پس از بازگشت اینترنت بود که ابعاد سرکوب خشونت‌بار آشکار شد.»

اشاره نت‌بلاکس به اعتراضات آبان ۹۸ است که جمهوری اسلامی برای نخستین‌بار اینترنت جهانی در ایران را به طور سراسری قطع کرد و کشور را در خاموشی فرو برد. پیش از آن در مقاطعی چون اعتراضات سراسری، حکومت اقدام به کاهش سرعت و ایجاد اختلال در اینترنت موبایل می‌کرد.

جدا از قطع سراسری اینترنت، جمهوری اسلامی هم‌زمان در تماس‌های خطوط موبایل و حتی خطوط ثابت تلفن با خارج از کشور نیز محدودیت‌هایی ایجاد کرده است. در آتسو با استفاده از تجهیزات «اخلالگرهای نظامی» اینترنت استارلینک که به شکل محدودی در ایران مورد استفاده

بیش از ۳۰۰ ساعت خاموشی اینترنت؛ هشدار درباره افزایش خسارت‌های اقتصادی و موج جدید نارضایتی‌ها با ادامه قطع اینترنت



دارد» گفته «در بخش خدمات سفر و حمل و نقل، دسترسی به اینترنت مسئله مهمی است و قطعی آن این صنعت را مانند تمام بخش‌های اقتصادی تحت تأثیر قرار می‌دهد.»

وبسایت «عصر ایران» نیز نوشته «عدم النفع روزانه ۳/۸ هزار میلیارد تومانی طبقه متوسط دیجیتال را ناراضی می‌کند و از این حیث به سود امنیت ملی نیست و اگر قرار بر این نوع نگاه و مقصریابی باشد وزارت نفت و شهرداری و حتی وزارت راه هم مقصرند! چون با این نگاه و منطق در اعتراضات خشونت‌بار پنج‌شنبه و جمعه شب (۱۸ و ۱۹ دی) از بنزین هم برای آتش زدن استفاده شد و بنزین هم در پالایشگاه‌های وزارت نفت تولید می‌شود! یا مخزن‌های زباله به آتش کشیده شد و مخازن را هم شهرداری در معابر قرار داده یا طبعاً «تروریست‌های مسلح» از طریق راه‌ها خود را به شهرها رساندند و ناگهان از آسمان فرونفتادند و بر این اساس لابد وزیر راه هم مقصر است! اینترنت نیز همین است دیگر.»

برخی کارشناسان درون ایران نیز نسبت به تشدید نارضایتی‌ها با تداوم قطعی اینترنت هشدار داده‌اند. محمد رهبری، پژوهشگر فناوری و شبکه‌های اجتماعی در گفتگو با وبسایت «رویداد۲۴» گفته «قطع ارتباط، زندگی روزمره شهروندی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مختل می‌کند. چراکه قریب به اتفاق شهروندان، کاربر پلتفرم‌های آنلاین هستند.» او افزوده «پلتفرم‌هایی که اگرچه امکان استفاده از برخی‌شان، هم‌اکنون فراهم است اما بسیاری‌شان در دسترس نیستند. و همین بسیاری از ابعاد زندگی روزمره شهروندان را مختل می‌کند.»

محمد رهبری افزوده «اختلال زندگی روزمره طبیعتاً به انباشت نارضایتی منجر می‌شود. اختلالی که در موردش نظرسنجی نشده است اما می‌توان حدس زد که بسیاری از شهروندان از آن ناراضی باشند. اگرچه با چند روز ابتدایی‌اش احتمالاً کنار آمده باشند اما هرچه طولانی‌تر شود نارضایتی را بیشتر برمی‌انگیزد.»

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، به برخی از فعالان رسانه‌ای گفته اینترنت بین‌المللی حداقل تا پیش از نوروز سال ۱۴۰۵ در دسترس کاربران نخواهد بود. یک روز پس از آنکه سخنگوی دولت از تداوم قطع اینترنت خبر داد، حسین افشین معاون علمی مسعود پزشکیان وعده داد که وضعیت دسترسی به اینترنت در ایران تا آخر هفته به حالت عادی برمی‌گردد.

ساعاتی بعد و در روز دوشنبه ۲۹ دی‌ماه، احمد نیرومند رئیس کمیسیون تحول دیجیتال نظام صنفی رایانه‌ای اعلام کرد که سکوهای خارجی فعلاً باز نمی‌شوند و اولویت اتصال مجدد با کسب‌وکارهایی است که مشخصات فنی خود را ثبت کرده‌اند.

او همچنین گفت: «با توجه به شرایط فعلی، فعلاً فضایی برای اتصال مجدد پلتفرم‌های خارجی وجود ندارد. مباحثی که پیش‌تر توسط وزیر ارتباطات درباره رفع فیلتر مطرح شده بود، به دلیل شرایط جدید به تعویق افتاده و اکنون زمان مناسبی برای این گفت‌وگوها نیست.»

با اینهمه تداوم قطع اینترنت سبب افزایش خسارت‌های اقتصادی، اختلال در فعالیت‌های خدماتی و همچنین هشدار درباره افزایش نارضایتی‌ها شده است.

برای نمونه امیرپویان رفیعی شاد رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی دفاتر سفر هوایی و گردشگری استان تهران اعلام کرده «آژانس‌های مسافرتی مانند سایرین به اینترنت بین‌المللی دسترسی ندارند، به نوعی همه چیز در ارتباط با بخش خدمات سفر قفل و بسته شده است.»

او توضیح داده که «دسترسی به سامانه‌های رزرواسیون بین‌المللی کاملاً قطع شده، انتقال اسناد برای صدور بلیت و ویزا با مشکل مواجه شده است.»

رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی دفاتر سفر هوایی و گردشگری استان تهران همچنین با بیان اینکه «ایرلاین‌های داخلی در مسیرهای دیگری جز ترکیه و امارات همچنان پرواز دارند و دسترسی به آنها از طریق اینترنت ملی وجود

● جمهوری اسلامی اگرچه با سرکوب مسلحانه معترضان و کشتار هزاران نفر و ایجاد فضای حکومت‌نظامی و استقرار ایست‌های بازرسی توانسته از ادامه تظاهرات خیابانی جلوگیری کند اما همچنان از وصل دوباره اینترنت هراس دارد.

● حسین افشین معاون علمی مسعود پزشکیان وعده داد که وضعیت دسترسی به اینترنت در ایران تا آخر هفته به حالت عادی برمی‌گردد. احمد نیرومند رئیس کمیسیون تحول دیجیتال نظام صنفی رایانه‌ای اما اعلام کرد که سکوهای خارجی فعلاً باز نمی‌شوند و اولویت اتصال مجدد با کسب‌وکارهایی است که مشخصات فنی خود را ثبت کرده‌اند.

دو هفته از قطع سراسری اینترنت در ایران می‌گذرد؛ جمهوری اسلامی اگرچه با سرکوب مسلحانه معترضان و کشتار هزاران نفر و ایجاد فضای حکومت‌نظامی و استقرار ایست‌های بازرسی توانسته از ادامه تظاهرات خیابانی جلوگیری کند اما همچنان از وصل دوباره اینترنت هراس دارد. قطع اینترنت خسارت گسترده‌ای به بخش‌های مختلف اقتصاد ایران وارد کرده و در آنسو برخی کارشناسان نیز نسبت به عمیق‌تر و گسترده‌تر شدن نارضایتی‌ها با ادامه قطع اینترنت هشدار می‌دهند.

نت‌بلاکس، نهاد ناظر بر اینترنت، چهارشنبه اول مهرماه ۱۴۰۴ اعلام کرد که قطعی اینترنت در ایران از ۳۰۰ ساعت هم گذشت. نت‌بلاکس تأکید کرده که ارتباطاتی که طی روزهای اخیر ایجاد شده نشان‌دهنده آن است که نظام حاکم بر ایران برای پنهان کردن جنایت‌ها، قطع سراسری اینترنت را اعمال کرده و هم‌زمان مشغول تنظیم لیست سفید خود برای اتصال به اینترنت است.

جمهوری اسلامی از شامگاه پنجشنبه ۱۸ دی، اینترنت را قطع و در سرکوبی بی‌سابقه هزاران معترض را کشت و مجروح کرد. طی روزهای گذشته مقامات جمهوری اسلامی اظهارات ضدنقیضی درباره وصل دوباره اینترنت داشتند.

تداوم گرانی پرسرعت کالاها در جریان اعتراضات؛ جمهوری اسلامی شهروندان را سرکوب می‌کند اما گرانی را نه!



● گزارش‌ها از ایران حاکی از تداوم روند گرانی کالاها است. جمهوری اسلامی اعتراضات مردم که با اعتصاب بازاریان آغاز شد را به خشن‌ترین شکل ممکن سرکوب کرد اما گرانی‌ها ادامه داشته و حکومت همچنان توان مدیریت اقتصادی کشور را ندارد!

● در حالیکه افزایش قیمت مواد غذایی طی سه هفته گذشته ادامه داشته اما فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت پزشکیان روز دوشنبه ۳۰ دی‌ماه ۱۴۰۴ گفته «در اجرای حذف ارز ترجیحی، با گذشت زمان و خروج از شوک‌های طبیعی اولیه، هم قیمت‌ها به ثبات می‌رسند و هم تأمین کالاها پایدارتر خواهد شد.»

با گذشت سه هفته از اعتراضات دی‌ماه ۴۰۴ که با اعتصاب بازاریان تهران در پی سقوط ارزش پول ملی و اجرای سیاست حذف ارز ترجیحی آغاز شد، و در حالیکه ده‌ها هزار نفر در پی سرکوب جمهوری اسلامی کشته، نابینا، مجروح و بازداشت شدند، گزارش‌ها از ایران حاکی از تداوم روند گرانی کالاها است. جمهوری اسلامی مردم را به خشن‌ترین شکل ممکن سرکوب کرد اما همچنان توان مدیریت اقتصادی کشور را ندارد!

دولت مسعود پزشکیان از اواخر پاییز سیاست تک نرخی کردن ارز و حذف ارز ترجیحی برای واردات کالاهای اساسی را اجرایی کرد. این اقدام درست در روزهایی که افزایش قیمت ارز با سرعت در ایران ادامه داشت و سقوط تاریخی در کاهش ارزش پول ملی رقم می‌خورد سبب شوک شدیدی به اقتصاد کشور شد. یکی از پیامدهای سیاست‌های اقتصادی دولت پزشکیان اعتصاب بازاریان در بازار موبایل علاءالدین در پایتخت در روز یکشنبه هفتم دی‌ماه بود که به سرعت و در کمتر از دو هفته به بزرگ‌ترین اعتراضات ضدحکومتی در تاریخ جمهوری اسلامی تبدیل شد. این اعتراضات با سرکوب شدید شهروندان توسط جمهوری اسلامی و بزرگ‌ترین کشتار شهروندان بی‌دفاع از سوی حکومت مستقر روبرو شد.

اکنون با گذشت سه هفته از اعتراضات خونین همچنان گزارش‌ها از افزایش قیمت کالاها و خدمات حکایت دارد. بر اساس گزارش‌های میدانی قیمت گوشت طی سه هفته گذشته تا مرز دو میلیون تومان نیز افزایش یافته است. فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت پزشکیان روز دوشنبه ۳۰ دی‌ماه ۱۴۰۴ در جمع خبرنگاران گفته «در اجرای حذف ارز ترجیحی، با گذشت زمان و خروج از شوک‌های طبیعی اولیه، هم قیمت‌ها به ثبات می‌رسند و هم تأمین کالاها پایدارتر خواهد شد.»

وبسایت «اقتصاد ۲۴» در گزارشی نوشته در پی حذف ارز ترجیحی کالاهای اساسی طی روزهای اخیر و اعلام نرخ مصوب برای برخی کالاها، بازار با یک شوک قیمتی همراه شده است. قیمت کالاهای اساسی اعم از روغن، گوشت قرمز و مرغ، تخم مرغ، لبنیات و... پس از حذف ارز ترجیحی یک‌شبه چند برابر شد و شوک تورمی را نه تنها به سفره خانوار، بلکه به اقتصاد کشور وارد کرد.

«اقتصاد ۲۴» افزوده «خطای محاسباتی دولت در مورد حذف ارز ترجیحی باعث شده خانوارها در تأمین هزینه‌های اولیه زندگی خود با مشکل روبرو شوند و برای به اصطلاح «درآوردن نان شب خود» دائماً در تلاش باشند، اما باز هم از

پس هزینه‌های زندگی خود برنمایند.»

کامران ندری، اقتصاددان در گفتگو با «اقتصاد ۲۴» و در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه «مطالبه مردم در اعتراضات اخیر از دولت چیست؟» گفته که «از منظر اقتصاد کلان، دولت موظف است که تورم را کنترل و مهار کند و در وهله دوم، شغل مناسب با درآمد مکفی برای همه افرادی که در سن کار هستند، ایجاد کند.»

به گفته این اقتصاددان، از منظر اقتصاد خرد نیز دولت موظف است زیرساخت‌های عمومی، حمل‌ونقل، هوا و محیط زیست پاکیزه، خدمات عمومی آب، برق و گاز و از همه مهم‌تر، امنیت و نظم را برای مردم فراهم کند.

کامران ندری تأکید کرده حذف شتابزده ارز ترجیحی کار مدبرانه‌ای نبود: «در شرایطی که جامعه، ملتهب و بازار ارز دچار نوسانات شدید قیمتی است، حذف ارز ترجیحی آن هم به صورت دفعی، یکباره و شتابزده، کار مدبرانه‌ای نبود.»

با حذف ارز ترجیحی از ابتدای دی‌ماه قیمت مواد خوراکی با افزایش بی‌سابقه‌ای روبرو شد. هر شانه تخم‌مرغ که چند روز پیش حدود ۲۵۰ تا ۲۸۰ هزار تومان قیمت‌گذاری شده بود طی یک شبانه‌روی با قیمت ۴۲۰ هزار تومان عرضه شد. قیمت هر شانه تخم‌مرغ در خرده‌فروشی‌ها به ۵۰۰ هزار تومان هم رسید و قیمت رسمی هر عدد تخم‌مرغ نیز به ۱۴ هزار تومان افزایش یافت. روغن از دیگر کالاهایی است که قیمت آن در تنها دو روز با افزایش قابل توجهی روبرو شده و تا ۲۶۰ درصد یعنی بیش از سه و نیم برابر افزایش یافت. هفته گذشته نیز خبرگزاری حکومتی «مهر» ظهر شنبه از افزایش ناگهانی و شدید قیمت برخی کالاهای اساسی مانند گوشت، مرغ، روغن و تخم‌مرغ خبر داد. روند افزایش قیمت این کالاها از روزهای پیش‌تر و در جریان حذف ارز ترجیحی از سوی دولت پزشکیان آغاز شده بود.

افزایش قیمت‌ها پس از حذف ارز ترجیحی از بازار پروتئین و روغن آغاز و حالا به قیمت برنج رسیده است. بر اساس گزارشی که خبرگزاری «فارس» از قیمت برنج در بازار منتشر کرده قیمت یک بسته برنج هندی ۱۰ کیلویی حدود یک میلیون و ۴۷۰ هزار تومان و برنج کشتی‌نشان هندی ۱۰

کیلویی یک میلیون و ۲۴۵ هزار تومان قیمت‌گذاری شده‌اند. این در حالیست که قیمت مرغوب‌ترین نوع برنج هندی چند هفته پیش بین ۶۰ تا ۸۰ هزار تومان در هر کیلو قیمت داشت. همچنین قیمت هر کیلو برنج نه چندان مرغوب ایرانی به ۶۰۰ هزار تومان رسیده است.

در این میان دولت پزشکیان معتقد است با پرداخت یارانه‌ای یک میلیون تومانی قرار است فشار ناشی از گرانی‌های اخیر را از دوش خانوارهایی بردارد که درآمد آنها پیش از شوک حذف ارز ترجیحی نیز کفاف پوشش ضروری‌ترین هزینه‌ها را نمی‌داد.

مسعود پزشکیان روز شنبه ۲۰ دی‌ماه ۱۴۰۴ و دو روز بعد از قطع سراسری اینترنت در ایران در نشست هیئت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام، بدون اشاره به اعتراضات ضدحکومتی که چهاردهمین روز خود را پشت سر می‌گذاشت مدعی شد که به دنبال «تقویت معیشت مردم» با حذف رانت، رشوه و فساد است.

در حالیکه بخشی از حکومت که غالباً رقابای سیاسی دولت هستند، ریشه اعتراضات دو هفته گذشته را مشکلات اقتصادی به علت عملکرد نامطلوب تیم اقتصادی دولت پزشکیان می‌دانند، مسعود پزشکیان در نشست روز گذشته مجمع تشخیص مصلحت نظام با انتقاد از «تخریب» دولت‌اش گفت «برخی جریان‌های رسانه‌ای و صاحبان تریبون‌های رسمی به‌صورت بی‌امان درحال تخریب دولت و زیر سؤال بردن طرح بزرگ اقتصادی درحال اجرا در اصلاح نظام یارانه‌ای هستند.»

مسعود پزشکیان همچنین مدعی شد که دولت او درگیر «جنگ تمام‌عیار اقتصادی با دشمن خارجی و برخی ذی‌نفعان رانت ارزی در داخل» است.

گزارش‌های میدانی از روند افزایش قیمت‌ها طی سه هفته گذشته اما نشان می‌دهد یارانه یک میلیون تومانی در حال حاضر نیز توان حمایت از سفره خانوارها را ندارد و با توجه به فزاینده بودن تورم در اقتصاد ایران، ارزش این یارانه طی هفته‌های آینده کاهش یافته و در نتیجه سیاست یارانه‌ای دولت پزشکیان با شکست روبرو خواهد شد.

سازمان حقوق بشر ایران:

پزشکان زندان اجازه رسیدگی به زخمی‌ها را ندارند تا آن‌ها جان بدهند



زندان عادل آباد شیراز

● سازمان حقوق بشر ایران با ارائه گزارشی از سرکوب معترضان در شهر شیراز و در جریان اعتراضات دی ۴۰۴ نوشته به کادر پزشکی در زندان عادل آباد شیراز دستور داده شده بود حق رسیدگی به زخمی‌ها را ندارند تا آن‌ها در اثر خونریزی جان بدهند.

سازمان حقوق بشر ایران با ارائه گزارشی از سرکوب معترضان در شهر شیراز و در جریان اعتراضات دی ۴۰۴ نوشته به کادر پزشکی در زندان عادل آباد شیراز دستور داده شده بود حق رسیدگی به زخمی‌ها را ندارند تا آن‌ها در اثر خونریزی جان بدهند.

به گزارش سازمان حقوق بشر ایران گزارش داده براساس گزارش‌هایی که از منابع آگاه در شیراز به این سازمان رسیده در جریان اعتراضات ضدحکومتی روز چهارشنبه، ۱۷ دی‌ماه، موج گسترده‌ای از بازداشت‌ها در محله‌های معالی‌آباد و فرهنگیان شیراز رخ داده است.

این گزارش افزوده بازداشت‌شدگان که تعداد آن‌ها بیش از یک‌هزار نفر تخمین زده می‌شود، به مکان‌های نامناسبی، از جمله زیرزمین زندان مرکزی شیراز (عادل‌آباد) و بازداشتگاه مجاور آن، منتقل شده‌اند. گزارش‌های دریافتی تأیید می‌کند دو نوجوان زخمی که در محله فرهنگیان هدف گلوله قرار گرفته بودند، به دلیل ممانعت از درمان و خونریزی شدید، در بهداری زندان جان خود را از دست داده‌اند.

یک منبع آگاه درباره وضعیت بازداشت‌شدگان در شیراز به سازمان حقوق بشر ایران گفته «تعداد زیادی از بازداشت‌شدگان از شهر مرودشت به شیراز منتقل شده‌اند که بسیاری از آن‌ها با گلوله‌های سامحه‌ای زخمی‌اند».

این منبع آگاه افزوده «در میان بازداشت‌شدگان، نوجوانانی بین ۱۶ تا ۱۸ سال حضور دارند که وضعیت جسمی برخی از آن‌ها تکان‌دهنده است. حسین احمدزاده یکی از این نوجوانان است که هر دو چشم خود را از دست داده و جمجمه‌اش پر از سامحه است. همچنین کوروش فاطمی و امید فراهانی، هر دو ۱۶ ساله، از ناحیه کمر هدف گلوله قرار گرفته و دچار فلج شده‌اند».

او افزوده که «پارسا ربیعی، مهرداد خورشیدی، حسین رمضان‌پور، داوود الماسی و مرتضی انتخابی از دیگر نوجوانان بازداشت‌شده‌اند. وضعیت درمانی در زندان به‌قدری بحرانی است که یکی از پزشکان زندان به‌نام دکتر جعفرزاده به دلیل اصرار بر رسیدگی به زخمی‌ها بازداشت شده است؛ چراکه به کادر پزشکی دستور داده شده بود حق رسیدگی به زخمی‌ها را ندارند تا آن‌ها در اثر خونریزی جان بدهند».

منابع سازمان حقوق بشر ایران همچنین تأکید کرده‌اند دست‌کم ۷۰ نفر در مرودشت کشته شده‌اند که تلاش برای احراز هویت دقیق تمامی آن‌ها ادامه دارد. طبق گفته‌های این منابع، زندان عادل‌آباد شیراز در روزهای اخیر به‌مدت چهار روز در وضعیت فوق‌العاده قرار داشته، هواخوری زندانیان ممنوع شده و تمامی خطوط تلفن و ملاقات‌های زندان قطع بوده است.

سازمان حقوق بشر ایران تأکید کرده بیست‌وسه روز پس از آغاز اعتراضات و دوازده روز پس از قطع سراسری اینترنت، اطلاعات و روایت‌های شاهدان عینی ابعاد گسترده‌تری از کشتار معترضان توسط حکومت را آشکار می‌کند.

اسلامی بدون تردید یکی از بزرگ‌ترین کشتارهای جمعی معترضان در دوران ما را مرتکب شده و همه شواهد حاکی از آن است که این کشتار برنامه‌ریزی‌شده و با هماهنگی کامل انجام شده است.»

محمود امیری مقدم افزوده روند سرکوب‌های سازمانیافته نشان می‌دهد که «این جنایات بر اساس دستوری واحد از سوی رهبر جمهوری اسلامی و با همکاری نیروهای سرکوب، به‌ویژه سپاه پاسداران، انجام شده است. رسیدگی به این جنایات از طریق دیوان کیفری بین‌المللی و قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست تروریستی بین‌المللی باید در دستور کار فوری جامعه جهانی قرار گیرد. جامعه جهانی باید تهدیدهای مقام‌های جمهوری اسلامی مبنی‌بر صدور و اجرای احکام اعدام برای معترضان را بسیار جدی بگیرد و از وقوع یک کشتار گسترده دیگر، این بار در زندان‌ها، جلوگیری کند.»

براساس تخمین سازمان حقوق بشر ایران، حدود ۲۵ هزار نفر در ارتباط با اعتراضات بازداشت شده‌اند و ادامه روند پخش اعتصابات اجباری معترضان بازداشت‌شده از تلویزیون جمهوری اسلامی نگرانی‌ها از صدور و اجرای احکام اعدام برای آنان را تشدید کرده است.

غلام‌حسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی، نیز روز دوشنبه، ۲۹ دی‌ماه، در جلسه شورای عالی قوه قضائیه با اشاره به یکی از موارد اعتراف اجباری پخش‌شده از تلویزیون حکومتی در روزهای گذشته، تأکید کرد «در مواردی از این دست که به این روشنی است» (در پرونده اقرار صریح داریم)، نباید پرونده «معطل بماند» و باید با سرعت رسیدگی شود.

هم‌زمان احمدرضا رادان، فرمانده کل انتظامی جمهوری اسلامی هم اعلام کرده «اغتشاشگران و تروریست‌ها را تا نفر آخر تعقیب می‌کنیم. خوشبختانه تعداد زیادی از آن‌ها دستگیر شدند؛ تماماً اعتراف داشتند، اعترافات که مبنی‌بر خشونت، قتل و غارت بود، که پرونده‌شان تشکیل شده و در دست اقدام برای مقام قضایی است. تعداد زیادی‌شان هم شناسایی شده‌اند که به‌نوبت سراغشان خواهیم رفت و تمامشان را دستگیر می‌کنیم.»

این سازمان حقوق بشری افزوده با توجه به گستره این جنایت و محدودیت‌های شدید ارتباطی، از جمله قطع اینترنت، امکان ارائه آمار دقیق مطابق با استانداردهای سازمان حقوق بشر ایران، شامل راستی‌آزمایی چندلایه‌ای و تأیید از طریق دست‌کم دو منبع مستقل، در شرایط کنونی ممکن نیست. به همین دلیل، این سازمان تا دستیابی به مستندات کافی از انتشار آمارهای روزانه خودداری می‌کند. در آخرین گزارش آماری، سازمان حقوق بشر ایران براساس مستندات دریافتی از منابع موثق، کشته‌شدن دست‌کم ۳۴۲۸ معترض را اعلام کرد؛ و این رقمی است که با روایت‌های شاهدان عینی و برآورد این سازمان از تعداد واقعی جان‌باختگان فاصله‌ای معنادار دارد. برآوردهای منتشرشده در برخی رسانه‌ها، مبتنی بر اطلاعات رسیده از منابع حکومتی یا بیمارستان‌ها، از کشته‌شدن ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ معترض حکایت دارند. این درحالی است که علی‌خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، در سخنرانی خود از «چند هزار نفر» و محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، نیز از کشته‌شدن «هزاران نفر» سخن گفته‌اند.

بر اساس اعلام این سازمان حقوق بشری، منابع حکومتی همواره آمار جنایات خود را به‌مراتب کمتر از واقعیت اعلام می‌کنند. برای نمونه، در پنج سال گذشته جمهوری اسلامی به‌طور میانگین تنها ۱۲ درصد از اعدام‌هایی که سازمان حقوق بشر ایران براساس دو منبع مستقل تأیید کرده، به‌طور رسمی اعلام کرده است. سازمان حقوق بشر ایران همچنین تأکید کرده که مستندسازی جنایات حکومت در سرکوب اعتراضات ۱۴۰۴ را با جدیت ادامه می‌دهد و از عموم شهروندان و افرادی که به اطلاعات و مستندات دسترسی دارند که می‌تواند به روشن‌شدن ابعاد این جنایات کمک کند، می‌خواهد آن‌ها را در اختیار این سازمان قرار دهند.

محمود امیری‌مقدم، مدیر سازمان حقوق بشر ایران، در این باره گفت: «اطلاعات رسیده از شاهدان عینی، خانواده‌ها و سایر شهروندان، همراه با دیگر شواهد موجود، نشان می‌دهد که شمار معترضان کشته‌شده ممکن است حتی از بالاترین برآوردهای رسانه‌ای نیز فراتر باشد. جمهوری





تروئیکای ملی گرا؛
معماران نظم نوین جهانی



پیش بینی سفر ترامپ به
«ایران آزاد»؛ ترامپ باز نشر کرد



گزارش «اکسیوس» از پشت
صحنه تصمیم ترامپ برای به تعویق
انداختن حمله به ایران



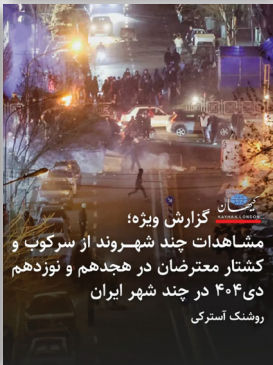
ناو هواپیمابر یواس اس
آبراهام لینکلن سوم تا پنجم
بهمن به خاورمیانه می رسد



دونالد ترامپ:
زمان آن رسیده که به دنبال
رهبری جدید در ایران باشیم



سکوتی جهانی که در
ایران فریاد می شود



گزارش ویژه:
مشاهدات چند شهروند از سرکوب و
کشتار معترضان در هجدهم و نوزدهم
دی ۴۰۴ در چند شهر ایران
روشنک آسترکی



«آنها» هم کشته شدند!
تلفات دشمن خیلی بیشتر است!



آرژانتین سپاه قدس را
در فهرست گروه های تروریستی
قرار داد



وال استریت ژورنال:
ترامپ به دنبال گزینه های «قاطع»
علیه رژیم ایران است



هشدار وزیر خزانه داری آمریکا:
اگر ایرانی بودم، پولم را از کشور
خارج می کردم



استیو وینکاف:
جمهوری اسلامی اگر شروط ترامپ را نپذیرد،
راه حل جایگزین بسیار بد است



تداوم گرانی پرسرعت کالاها در جزایر اعتراضات:
جمهوری اسلامی شهروندان را
سرکوب می کند اما گرانی را نه!



جمهوری اسلامی، رکورددار
کشتار شهروندان معترض در قرن
بیست و یکم



در سالگرد حادثه فرو ریختن
ساختمان پلاسکو مطرح شد:
این حادثه عمدی بود
فیروزه نوردستروم



نیو استیتسمن:
رژیمی گرفتار بحران های خود ساخته،
تا چه زمانی دوام خواهد آورد؟



براساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی
بعد از فراخوان ۱۸ و ۱۹ دی ماه تأمین امنیت
کل کشور به سپاه پاسداران واگذار گردید



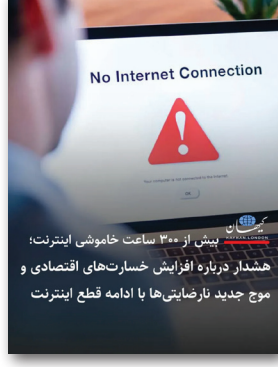
اختصاصی:
جان باختن بابک متین آزاد از معترضان
خیزش ملی و فرزند یکی از افسران
نیروی هوایی



نسل کشی زیر تارکی دیجیتال:
ساندی تایمز به نقل از منابعی درون
ایران از کشته شدن ۱۶ هزار و ۵۰۰
معترض خبر داد



برخی منابع از احتمال جان
باختن عرفان سلطانی بر اثر ضرب
و جرح در بازداشت خبر دادند



پیش از ۳۰۰ ساعت خاموشی اینترنت:
هشدار درباره افزایش خسارت های اقتصادی و
موج جدید ناراضی ها با ادامه قطع اینترنت



افزایش ۴۵ تا ۵۳ درصدی
قیمت شیر طی چند روز؛
موج گرانی لبنیات در راه است



بارندگی ها اثر نداشت:
تمامی سدهای تهران به حجم
مرده رسیدند



برگزارکنندگان اجلاس «داووس»
دعوت از عراقی را به دلیل قتل عام مردم
ایران توسط حکومت پس گرفتند



هراس رئیس کل قوه قضاییه
از آغاز دوباره اعتراضات مردم



عکس هفته | به خون خود نوشتند...

نوشتن «جاویدشاه» بر کرکره یک مغازه با خون به زمین ریخته شده شهروندان معترض سرکوب شده، خیزش ملی دی ۴۰۴، ایران